

تخت سلیمان



علی اکبر سرافراز



دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز
مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران

تخت سلیمان

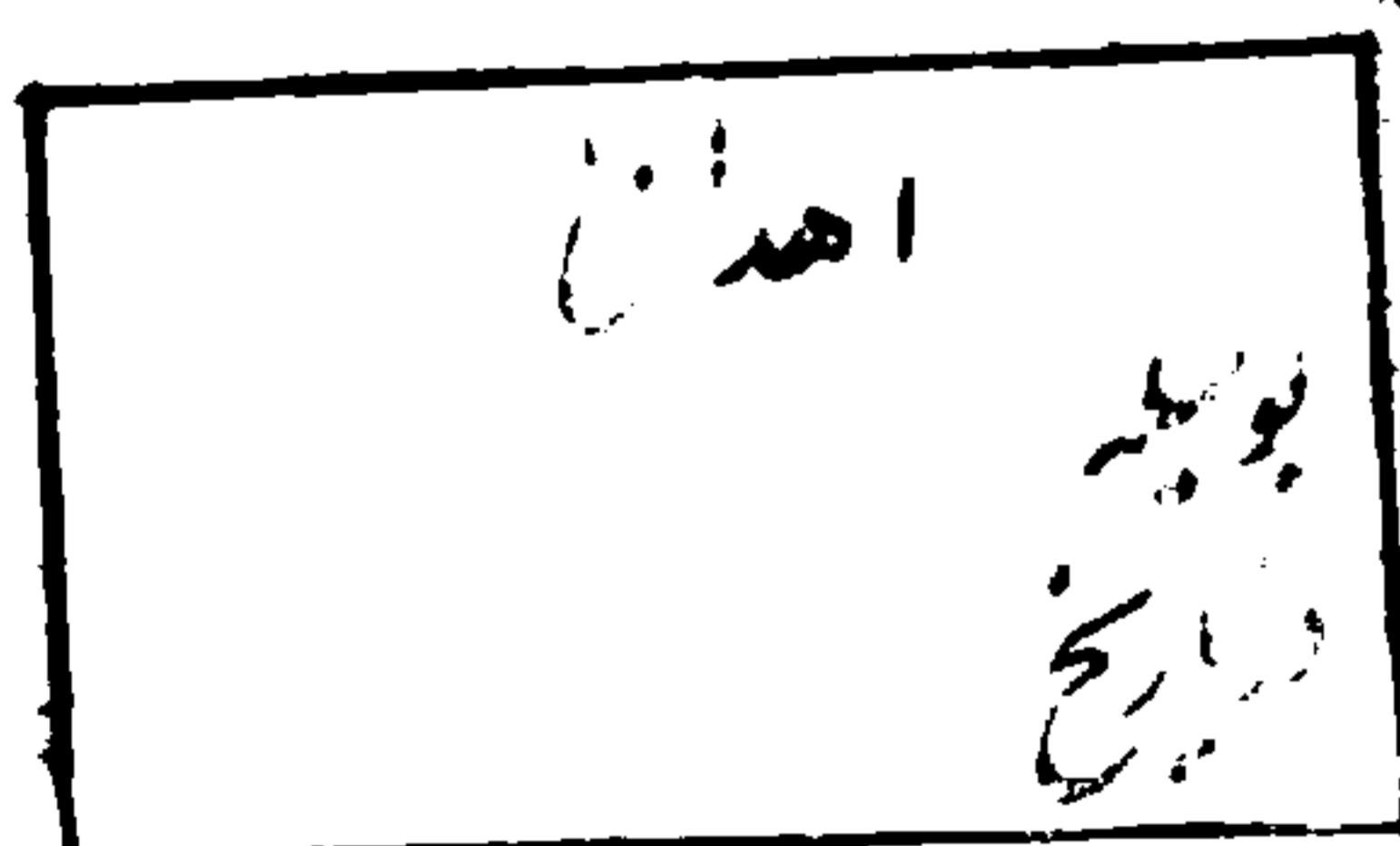


تألیف

علی اکبر سرفراز

با همکاری

محمد یوسف کیانی



۸۲۳۸۱
کتابخانه

انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران - شماره ۹

سلسله تاریخ و باستان‌شناسی - شماره ۱

تدوین مجموعه کاملی شامل تمام جهات وجوانب فرهنگ و معارف ایرانی و کیفیت ظهور و تکامل تمدن و نشیب و فراز حیات قومی در میهن باستانی ما و روشن ساختن زوایای تاریخ این سرزمین کهنسال آرزوی هرایرانی و آرمان دوستداران ایران بشمار میرود .
تأمین این منظور و نیل بدین هدف جز با فراهم آوردن موادی که تحقیق این نیت را بایسته است امکان پذیر نیست و هر گونه کوششی که در این زمینه براساس استفاده از مدارك مجمل و مبهم و مواد ناقص بعمل بیاید رسا و وافی بمقصود نخواهد بود .

برای تدوین **تاریخ کامل ایران** بمعنی وسیع آن - اعم از تاریخ سیاسی و اجتماعی و تاریخ تمدن و ادیان و مذاهب و علوم و فنون و اقتصاد و جغرافیای تاریخی و همچنین تاریخ عمومی و تاریخ منطقه‌ای و محلی - مسلماً نمیتوان بمدارك و اسناد و منابع تاریخی محض، بفرص دسترسی بهمه آنها ، اکتفا کرد بلکه پرارزشتترین و قابل اعتمادترین و موثقتترین مواد و مطالب و مدارك را در این باره از خلال دواوین شعرا و آثار ادبی و منابع و کتب صوفیه و تذکره‌ها و افسانه‌ها و قصص و تمثیلات و داستانها و منظومه‌های عامیانه باید بدست آورد و آنگاه از پرتو تطبیق حاصل این استقراء با مواد موجود در کتابهای تاریخ و تالیفات و قرائن ناشی از کاوشهای باستان‌شناسی طرح تاریخ کامل ایران را تهیه و تنظیم کرد .
در زمینه **فرهنگ ایران** نیز - که بطور کلی شامل زبان و ادبیات و لغت و فقه‌اللغه و زبان‌شناسی و لهجه‌شناسی و آثار و ادبیات عامیانه ایرانی و فلسفه و عرفان و دیگر مظاهر و تجلیات ذوق و اندیشه ایرانی در ادوار باستان و میانه و جدید است - بیشتر و بیشتر از هر کار گرد آوردن و طبع و نشر انتقادی مواد و مدارك ضرورت دارد و پس از این مرحله است که پژوهندگان و محققان خواهند توانست بی‌دغدغه خاطر و با کمال اطمینان در طریق جمع و تدوین فرهنگ ایران و تحقیق و تتبع درباره آن گامهای استوار بردارند .

مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران وابسته بدانشکده ادبیات تبریز باقتضای این ضرورت بوجود آمده و میکوشد تا بخشی از این آرمان و جزئی از این نیت را از قوه بفعل بیاورد و در حدود امکانات ناچیز خود وظیفه‌ای را که برعهده دارد انجام بدهد .
نشریات مؤسسه که تجلی کوشش همکاران ما بشمار میرود در زمینه تاریخ و زبان و

پنجم

حق چاپ محفوظ است .

از این کتاب يك هزار نسخه در چاپخانه شفق تبریز بچاپ رسیده است .
شهریورماه ۱۳۴۷ هجری شمسی

ادبیات و دیگر مظاهر فرهنگ و معارف ایرانی اعم از تألیف و تحقیق و تصحیح انتقادی متون نظم و نثر و ترجمه آثار و تألیفات مفید دیگران در سلسله‌های مخصوص انتشار می‌یابد .

باستان شناسی که غالباً در عرف و اصطلاح به علم اشیاء عتیقه و معرفت دفاین مکشوفه اطلاق میشود در مفهوم علمی و وسیع آن دانشی مرکب از علم تاریخ و جغرافیای تاریخی و علم اشیاء عتیقه بشمار میرود و مسلماً حصول معرفت کامل درباره طرف و مظهر تمدن اقوام و زندگی جماعات انسانی در قرون و اعصار که موضوع باستان شناسی است از پرتو همکاری این هر سه دانش و تلفیق نظریه‌های تاریخی محض با آگاهیهای مربوط به جغرافیای تاریخی و قراین حاصل از کاوشهای باستان شناسی میسر تواند بود .

همکاری بین تاریخ و باستان شناسی همکاری سودمند و متقابل است که هم بهره‌مندی تاریخ و هم برخورداری باستان شناسی را در بر دارد .

جز در موارد خاص که دست تقدیر و تصادف قرعه کشف یکی از ذخایر و دفاین باستانی را بنام کارگری گمنام یا مردی دهقان یا رهگذری غافل میزند معمولاً حدود و زمینه کاوشهای بزرگ باستان شناسی را اسناد و آگاهیهای تاریخی مشخص میسازد و کورسوی چراغ تاریخ روشنگر راه باستان شناسان میشود. در مواردی نیز که تصادفات موجب کشف آثار باستانی است تفسیر و ارزیابی آثار مکشوفه بی‌مدد اطلاعات تاریخی امکان پذیر نخواهد بود .

نامهای **آذر گشسپ** یا **آذر گشنسپ** و **شینز و گنجک** و **تخت سلیمان** از دیرباز نامهای مترادف و متداعی بشمار میروند و این نظر و عقیده که ویرانه تخت سلیمان جایگاه آذر گشسپ و محل شهر شیز است تا زکی ندارد . راولینسون که در سال ۱۸۳۸ از ویرانه تخت سلیمان دیدن کرد همین نظر را داشت و گروهی از ایران شناسان پیرو نظر او بودند. مار کوارت ایران شناس نامدار و متخصص بزرگ جغرافیای تاریخی ایران نیز نخست بر این عقیده بود ولی بزودی از این عقیده بر گشت و ظاهراً علت تردید آن دانشمند و دیگر دانشمندان در انطباق محل تخت سلیمان با جایگاه آتشکده آذرخش و شهر شیز این بوده است که تخت سلیمان آذربایجان صد میل دورتر از دریاچه ارمیه در خاک افشار واقع است در حالیکه جای شیز و آذر گشسپ را در کرانه دریاچه نوشته‌اند .

ولی چنانکه در این کتاب میخوانیم روزی که نوده‌های سنگ و خاک از روی دیوارهای فرسوده و فروریخته آتشکده عظیم ساسانی در تخت سلیمان بیکسو میروند و غبار قرون از

ششم

چهره افسرده بقایای این معبد کهنسال زدوده میگردد یقین علمی جانشین ظن و گمان میشود و بحث و استدلال در برابر صراحت محسوس و مشهود عقب می‌نشیند و بدین ترتیب بار دیگر همکاری پر ارزش باستان شناسی را چهره گشای رازی از رازهای تاریخ می‌یابیم .

کتاب حاضر گزارشی اجمالی و مفید از نتایج کاوشهای هیأت مشترک حفاری علمی باستان شناسی ایران و آلمان در **تخت سلیمان** است که بهمت آقای علی اکبر سرفراز و با همکاری آقای محمد یوسف کیانی بازرسان باستان شناسی فراهم آمده و مؤلف محترم با افزودن اشارات سودمند تاریخی درباره تخت سلیمان آذربایجان در تکمیل و تممیم فواید گزارش کوشیده است .

مطالب این کتاب گذشته از اینکه داستانی گویا و دل‌انگیز از سرگذشت ویرانه تخت سلیمان محسوب میشود بیشتر از آن جهت اهمیت دارد که داوری و تردید را در مورد وحدت تخت سلیمان و جای آتشگاه آذرخش و شهر باستانی گنجک (شیز) بر طرف میسازد و جایگاه آذر گشسپ یا آتیش شاهی و محل قطعی شهر شیز یا گنجک را که از روزگار آتورپاتها تا پایان ساسانیان مرکز سرزمین آذربایجان و کعبه جویندگان و زیارتگاه شهر یاران و مرکز ذینی شاهنشاهی ایران بشمار میرفت نشان میدهد .

چنانکه در مقدمه کتاب اشاره شده است این گزارش جنبه فنی ندارد و از گرد آوردن آن منظوری جز این نبوده که حاصل مطالعات و مشاهدات درباره تخت سلیمان و آثار مکشوفه در آن از دیدگاه مؤلف و نظر و استنباط خاصی که در این زمینه داشته است در دسترس جویندگان این قبیل مطالب قرار بگیرد ، و بی‌تردید سعی مخلصانه و کوشش مشتاقانه‌ای که در تنظیم این گزارش مبذول شده عذرخواه نقائصی که در آن راه یافته باشد خواهد بود. سپاسگزاری از آقای اکبر بهروز علی آباد معلم دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز که امر تصحیح و تنظیم متن و فهرس و نشر کتاب بصورت حاضر مرهون توجه و نظارت ایشان میباشد وظیفه‌ای است که ادای آن در پایان این سطور ضرورت دارد .

دهم شهریورماه ۱۳۴۷ هجری شمسی

منوچهر مرتضوی

هفتم

فهرست مطالب

| صفحه | موضوع |
|------|------------------------------------------------------|
| پنجم | دبیاچه |
| ۱ | پیش‌گفتار |
| ۶ | مقدمه |
| ۱۰ | فصل اول - موقعیت طبیعی و جغرافیائی تخت سلیمان |
| ۵۸ | فصل دوم - خصوصیات معماری آشکده‌آزرگشنسب |
| ۷۵ | حیاط مرکزی |
| ۷۷ | کاخ اختصاصی خسرو |
| ۸۱ | ایوان غربی |
| ۸۳ | ترانشه‌های غربی |
| ۸۹ | حیاط PW |
| ۹۰ | اطاق PV |
| ۹۰ | حفاری در قسمت شمالی تخت سلیمان |
| ۹۲ | معبد آناهیتا |
| ۹۳ | مشخصات معبد آناهیتا |
| ۹۷ | فصل سوم - تخت سلیمان در دوران خلفای عباسی |
| ۱۰۵ | معماری دوره عباسیان در تخت سلیمان |
| ۱۱۰ | مغول در تخت سلیمان |
| ۱۱۹ | آثار مغول در تخت سلیمان |
| ۱۳۳ | تالار بارعام |

فصل چهارم - صنعت کاشی سازی و سفالگری

وضع سفالینه های تخت سلیمان

صنعت کاشی سازی و سفالگری

فصل پنجم - مختصری درباره آثار زندان سلیمان

فهرستها

فهرست اعلام

فهرست تصاویر

فهرست نقشه ها

مآخذ

۱۴۵

۱۴۵

۱۴۹

۱۵۹

۱۶۹

۱۷۱

۱۷۸

۱۸۱

۱۸۲



منظره عمومی تخت سلیمان

پیش گفتار

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم بقدر عافیت باید چشید

علم باستان‌شناسی در ایران جوان است و از حدود پنجاه سال پیش به این طرف آنچه در این زمینه کوشش و جدیت بعمل آمده است هنوز مرحله ابتدائی را طی می‌کند. بنابراین برای آنکه بتوان بمنابع و آثار ذیقیمت تاریخی دست یافت باید مجهزتر و آماده‌تر از پیچ و خمهای اولیه این علم گذشت. با آنکه منکر زحمات مداوم علمای باستان‌شناسی خارجی در این مدت نیستیم ولی ناگفته نماند که مطالب دقیق و بررسی و حفریات این دانشمندان هرچند در روشن شدن تاریخ پرافتخار مملکت ما دخیل بوده است اما بردانستنی‌های تاریخ ایران آنطوریکه باید و شاید نیفزوده است. زیرا نتیجه مطالعات آنها یا اختصاصی بوده یا اکثرکتبی است که بزبان خارجی منتشر شده است و به علت گرانی قیمت این قبیل انتشارات و عدم آشنائی اکثریت مردم به زبانهای خارجی و عدم علاقه مترجمین نسبت به ترجمه انتشارات مزبور چندان در اختیار علاقمندان قرار نگرفته است.

بر اثر تلاشهایی که امروزه در راه کشف و معرفی آثار باستانی و روشن ساختن نکات مبهم تاریخی در تحت توجهات **شاهنشاه آریامهر** و بنا بفرمان معظم له صورت می‌گیرد و مخصوصاً از هنگامیکه امور باستان‌شناسی کشور به وزارت فرهنگ و هنر محول گردیده است علم باستان‌شناسی رمقی تازه و حیاتی نو یافته است.

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران وابسته به وزارت فرهنگ و هنر برای تعمیر بناهای تاریخی کشور گامهای مؤثری بر میدارد. باستان‌شناسان جوان که بمنظور

بررسی و مطالعه آثار باستانی کشور به نقاط مختلفه ایران اعزام میشوند علاوه بر معرفی اطلال باستانی و بناهای تاریخی کشور بمنظور حفظ و حراست آنها را در فهرست آثار ملی به ثبت میرسانند .

عملیات حفاری و کاوش در نقاط مختلفه توسط هیئتهای علمی ایرانی همچنان تعقیب میشود .

حفاری تجارتي با شرکت باستان‌شناسی و مردم قدم مؤثري در راه جلوگیری از حفريات قاچاق بوده که جامعه عمل بخود پوشیده است و نظائر این اقدامات مفید بسیار . از جمله برنامه‌های لازم و مفید نمایشگاههای متعدد از آثار مکشوفه و تصاویر آثار باستانی و انتشاراتی در این زمینه است که در معرفی و آشنائی مردم به این قبیل افتخارات ملی کمک شایانی نموده و آتیه درخشانی را در مورد حفظ و حراست این آثار تاریخی نوید میدهد .

گزارش تخت سلیمان که بصورت کتابی تقدیم خوانندگان ارجمند میشود نیز بمنظور بزرگداشت و معرفی یکی از اماکن تاریخی تهیه شده است. نگارنده که با کمک همکاران محترم خود در معیت هیئت علمی حفاری مشترک ایران و آلمان در دو فصل حفاری توفیق شرکت در این امر باستانی نصیب گردید شوق به وطن و علاقه به این افتخارات ملی مرا بر آن داشت که در مورد تخت سلیمان که روزگاری شهره آفاق بوده و از حوادث دوران گزند فراوان دیده و از جام روزگار شرنگک جفا چشیده و سرانجام سوخته و ویران در هم ریخته است اطلاعاتی جمع آوری و به صورت گزارشی به علاقمندان آثار تاریخی تقدیم نمایم .

هدایت و راهنمائیهای دوستان موافق از جمله آقای سید محمد خرم آبادی رئیس اداره باستان‌شناسی که در تنظیم یادداشت‌های روزانه سهم عظیمی از این دین میهنی داشته‌اند در خور همه‌گونه سپاسگزاری است و بدینوسیله مراتب امتنان و تشکر خود را از زحمات و لطف بیدریغ ایشان ابراز میدارد .

آقای سید جعفر رهنمون بازرسی فنی اعزامی با جدیت و صمیمیت در گردآوری اطلاعات مربوط به تخت سلیمان به اینجانب کمک و مساعدت نمودند .

همکار گرامی آقای محمد یوسف کیانی بازرسی اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه که در آخرین سال حفاری تابستان ۱۳۴۵ شمسی به تخت سلیمان اعزام شده بودند با تهیه تصاویر و گزارش جامع از حفريات جدید در حقیقت گزارش عملیات حفاری تخت سلیمان را از آغاز تا انجام به صورت کاملتری در آوردند که عیناً گزارش این دوست عزیز و همکار ارجمند بنام خودشان ذکر شده است تا خوانندگان گرامی از چگونگی حفاری و آثار مکشوفه تا آخرین روزهای کاوش آگاهی داشته باشند. ناگفته نماند آنچه در این کتاب جمع آوری شده است با آنچه هیئت علمی باستان‌شناسان آلمانی بطور اکمل مطالعه نموده و در آینه منتشر خواهند ساخت فرق کلی دارد یعنی با انتشار این گزارش مختصر حق مطلب هرگز ادا نشده است و مخصوصاً این خلاصه با آنچه هیئت علمی باستان‌شناسان آلمانی منتشر خواهند کرد نه تنها رقابت نمیکند بلکه قابل مقایسه هم نیست و چنین نظری هم نبوده است والا هرگز اقدام به انتشار این خلاصه نمیشد بلکه بمصداق وجود ناقص به از عدم صرف است چون در بسیاری از موارد این حفاری نگارنده نظراتی غیر از آنچه هیئت باستان‌شناسان آلمانی دارند داشته‌ام و مخصوصاً در فصل مربوط به آثار مغول این اختلاف عقیده شدت یافته است توقع دارم که خوانندگان گرامی انتظار نداشته باشند آنچه در این کتاب میخوانند با آنچه هیئت علمی آلمانی منتشر خواهند ساخت بطور کلی تطبیق نماید ولی هر چه هست نظری است که تا رد آن ثابت نشود به آن اعتقاد دارم و همواره آماده قبول حقایق بعدی که در اثر عملیات حفاری روشن شود بوده و خواهم بود و بدیهی است که بدحقیقت علمی احترام میگذارم، در عین حال نباید از نظر دور داشت امکاناتی که برای يك هیئت علمی مجهز وجود دارد برای یک نفر بازرسی اعزامی با وظایف سنگین محوله اداری که در وهله اول نظارت کامل در اجرای عملیات حفاری و حفاظت و مراقبت اشیاء عتیقه مکشوفه و تنظیم لیست و صورت‌برداری آن اشیاء و تحویل آن به موزه ایران باستان است وجود ندارد .

مطالعه و بررسی يك بنای عظیم تاریخی بعلمت همان وظایف اداری و مراقبت اشیاء

کار دشواری است و از طرفی در يك حفاری علمی تکالیف هر يك از اعضا هیئت اعزامی کاملاً مشخص و متمایز میباشد، بنابراین هر يك از اعضا فقط بکار اختصاصی خود اشتغال دارند. فی المثل باستان شناسان امور حفاری را عهده دارند و مهندس هیئت به نقشه برداری و تهیه طرحهای آثار مکشوفه می پردازد، همچنانکه عکاس هیئت منحصر آکارش عکسبرداری از اشیاء و آثار بدست آمده است و وصال قطعات ظروف مکشوفه را با هم ترکیب میکند، نقاش هیئت نیز امور مربوط به ترسیم اشیاء را عهده دار است و بدین ترتیب هر يك از اعضا هیئت موظف به انجام وظیفه خاصی هستند که اجرای تمامی آن برای یکنفر بازرس اعزامی در معیت این هیئت غیر مقدور است .



منظره طبیعی تخت سلیمان و زندان

با وجود این سعی شده است گزارش جامع از يك شهر تاریخی و مخصوصاً از يك بنای عظیم مذهبی گذشته یعنی آتشکده آذرگشنسب که پس از سالیان دراز در اثر کاوش متظاهر میشود تهیه گردد و در دسترس خوانندگان قرار گیرد. زیرا میدانیم از جمله میراثهای بزرگ هنری و فرهنگی دوره ساسانیان آتشکده هائی است که بمناسبت احترام به آتش بنا شده است و در رأس آنها آتشکده معروف آتورگشتاسب (آذرگشنسب) قرار دارد که در ادبیات ایران از آن زیاد نام برده شده و در اغلب کتبی که در مورد تمدن و تاریخ ساسانی

برشته تحریر در آمده به مناسبتی در اهمیت وجود آتش و آتشکده های آن زمان و مخصوصاً آتشکده آذرگشنسب ذکری بمیان آمده است ولی نه آنقدر جامع واقناع کننده و نه آنقدر روشن و صریح که تشنگان و پویندگان این مطالب تاریخی را سیراب نماید .
با وجودی که این مجموعه خالی از نقص و عیب و خرده گیری نیست امیدوارم که خوانندگان گرامی با تذکار دانستنیهای بیشتر این جانب را یاری فرمایند .

علی اکبر سرفراز

مقدمه

هیئت مشترك حفاری علمی باستان‌شناسی ایران و آلمان قریب هشت سال است که در تخت سلیمان آذربایجان مشغول عملیات اکتشافی است و در خلال این مدت مظاهر درخشانی در اثر کاوش از آثار هنری و شاهکار معماری پیش از اسلام و دوره اسلامی کشف شده است. اهمیت این حفاری و اعتباری را که این مکان تاریخی از نظر افتخار گذشته کشور ما دارد و پس از قرن‌ها از زیر خروارها خاک سر بر می‌آورد شایان توجه است زیرا عملیات اکتشافی تخت سلیمان با سایر نقاطی که حفاری گردیده و یا هم‌اکنون مشغول کاوش هستند فرق کلی دارد چه تخت سلیمان يك گورستان قدیمی شامل آثار عتیقه و یا يك تپه باستانی که نمودار طبقات تمدنهای مختلف باشد نیست که در شرح گزارش و بررسی عملیات حفاری در مورد کشف اشیاء یا طبقات مختلف تپه و مقایسه آن با سایر نقاط اظهار نظر گردد، بلکه اهمیت تخت سلیمان از دیر زمان از دو نظر قابل توجه بوده است :

الف - در جغرافیای تاریخی ایران شهر شیز یکی از پایتخت‌های بزرگ آذربایجان در زمان اشکانیان ذکر شده است که بعدها مرکز بزرگ آتشکده عظیم شهر یاران ساسانی گردید و در ادبیات فارسی نام این آتشکده فراوان دیده میشود و در اهمیت و توجه به آن نوشته اند که سلاطین ساسانی برای بزرگداشت این جایگاه مقدس پای پیاده از تیسفون مقر خود به زیارت این آتشکده می‌آمده و در برابر آن زانو زده اظهار عبودیت میکردند.

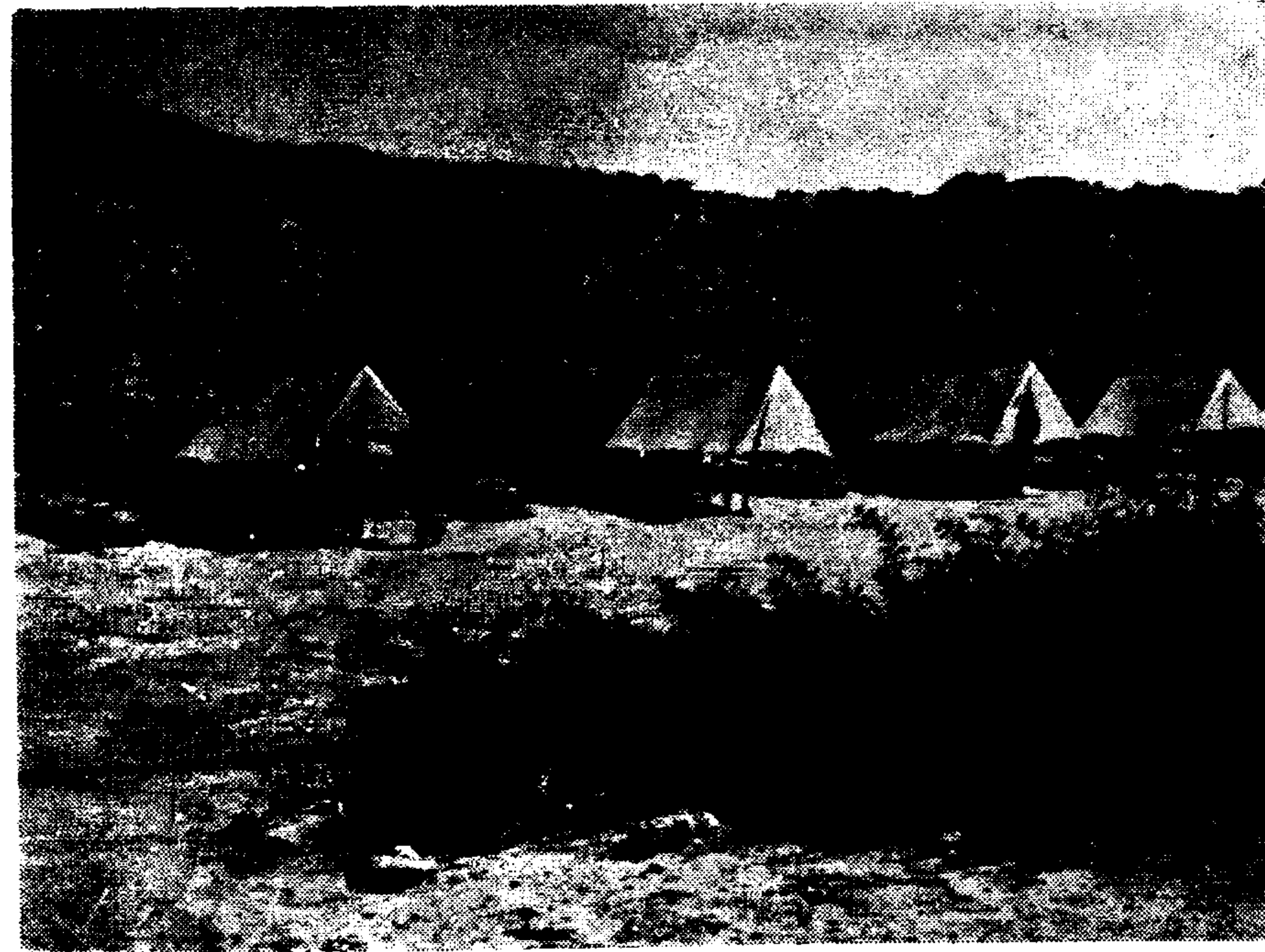
ب - نظر بداینکه علمای باستان‌شناسی و علاقمندان به آثار تاریخی پیوسته در جستجو و تفحص برای پیدا نمودن مکان اصلی این آتشکده بوده و از روی اسناد و نوشته‌های پیشینیان و مخصوصاً متون پهلوی و اوستا کنجکاو می‌نموده‌اند بعضی محل این آتشکده را

در نزدیک دریاچه ارومیه^۱ و برخی در شهر شیز و عده‌ای هم در تخت سلیمان امروزی دانسته‌اند و لذا بین تخت سلیمان و شیز فرقی قائل شده‌اند که تا پیش از حفاری این مطلب همچنان مکتوم و مورد بحث مانده بود حتی در لیستی که از آتشکده‌های زمان ساسانی بدست مورخین اسلامی تهیه و تنظیم شده محل آتشکده اعظم شهر یاران ساسانی را در دو نقطه ثبت نموده‌اند یکی در شهر شیز و دیگری در محل تخت سلیمان. بنا بر این عملیات هیئت اکتشافی ایران و آلمان برای روشن شدن این مسئله تاریخی حائز کمال اهمیت است زیرا کشف اسکلت آتشکده بزرگ ساسانی پس از گذشت قرن‌ها اختلاف کلی بین شیز و تخت سلیمان را بر طرف کرده روشن می‌سازد که شهر شیز همان تخت سلیمان امروزی است که مرکز بزرگترین آتشکده زمان ساسانی بوده است و بادست‌یابی به پرفیل متلاشی شده این بنای عظیم تاریخی و سایر قصور ساسانی متعلق به آن فصل دیگری از شیوه هنر معماری و گچ‌بری زمان ساسانی و اعتقاد مذهبی و اجرای مراسم دینی آنها گشوده میشود زیرا با آنکه طرح و نقشه آتشکده‌های این زمان اغلب یکنواخت بوده است ولی موقعیت مکانی و عظمت این آتشکده و قصوری که برای شاهنشاهان ساسانی در هنگام زیارت این مکان مقدس و در اطراف آن ترتیب داده‌اند خود وجه امتیازی است بین این مکان و سایر آتشکده‌هایی که در سایر نقاط ایران پراکنده است بنا بر این سعی کافی شده است که گزارش کاوش این بنای تاریخی مجموعه‌ای از فعالیت عملیات حفاری و نظرات باستان‌شناسان و مورخینی باشد که در مقام تحقیق درباره این اثر باستانی برآمده‌اند .

عملیات اکتشافی این مکان برای اولین بار در تابستان ۱۳۳۷ شمسی شروع شد روزی که توده‌های خاک و سنگ روی این آتشکده عظیم را پوشانیده بود و وقتی دیوارهای درهم ریخته ضلع شرقی آتشکده سر از خاک بیرون می‌کشید برای هیئت حفاری هنوز قطعیت اینکه بنای عظیم آتشکده آذرگشنسب آشکار خواهد شد وجود نداشت. سرانجام

۱- مانند مینورسکی مترجم انگلیسی کتاب سفرنامه ابودلف و دارمستر فرانسوی و مارکوارت آلمانی .

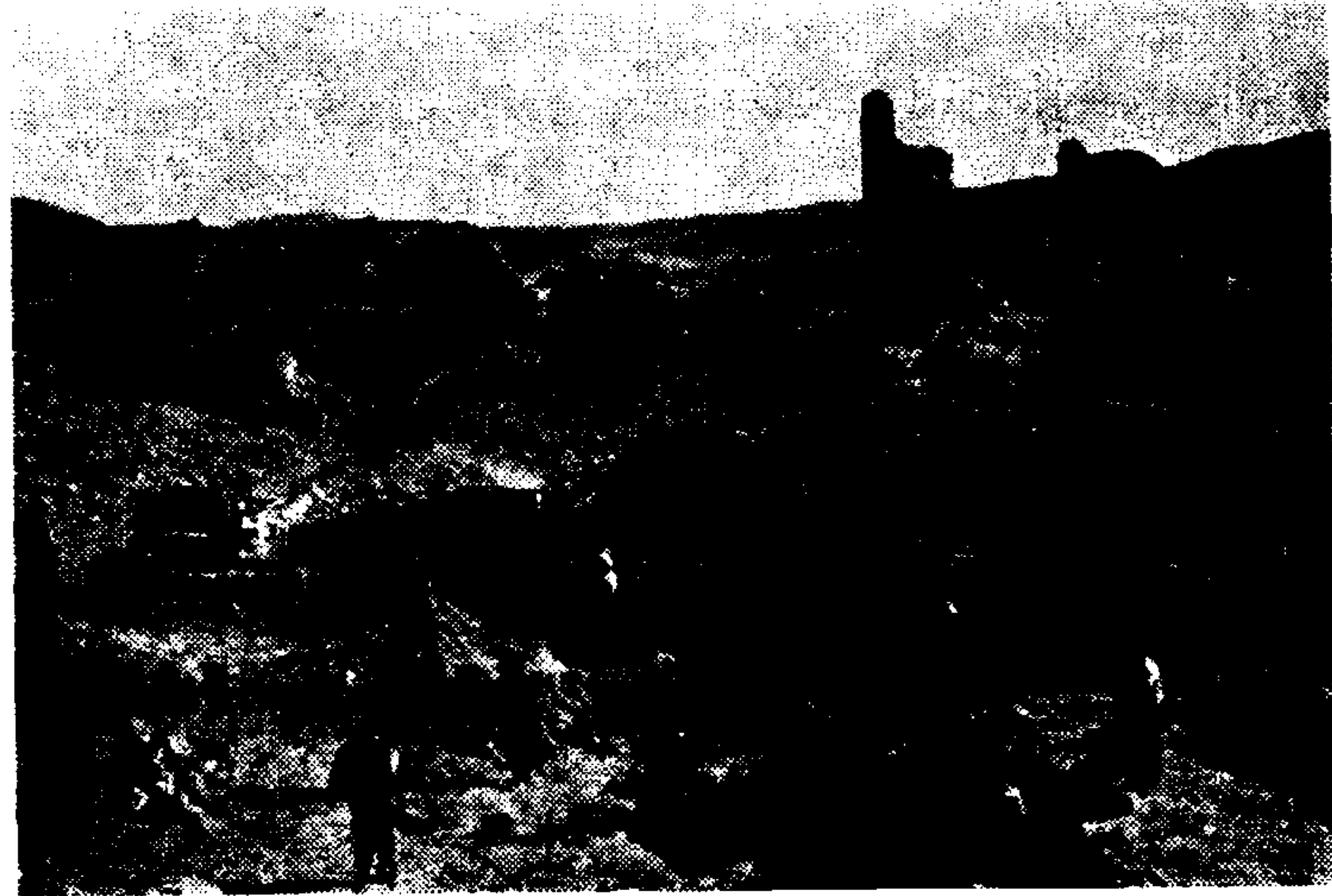
پس از سه ماه زحمت مداوم در شرقی آتشگاه که نموداری از راهروی ورودی و نمائی از گنبد آنرا مجسم کرد ظاهر شد و بایپدا شدن این مدخل و مقایسه آن با نقشه‌های سایر آتشگاه‌های مختلف زمان ساسانی، هیئت یقین کرد افتخار کشف یکی از بزرگترین آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران نصیب آنان شده است که نه تنها مرکز و محل آتشکده بزرگ ساسانی آشکار گردیده بلکه اختلاف عقایدی که سالیان دراز بین محققین در مورد



جدار داخلی حصار تخت و نمای چادرهایی که اعضاء هیئت در آنها بسر می‌برند

تخت سلیمان و شیز وجود داشت بر طرف شده است. ضمن هشت سال تلاش و با صرف مخارج سنگین در این صفت تاریخی بر عظمت و شهرت این محل افزوده شده و بد بسیاری از دانشمندیهای تاریخی در اثر این کاوش کم‌گردیده و ثابت شده است که تخت سلیمان مرکز آتشکده اعظم همان شهر مقدس شیز است که بدپهلوی گنزک^۱ یا گنجه نامیده میشده و رومیان آنرا گزکا^۲ و اعراب شیز گفته‌اند.

هنگام کاوشهای علمی در این محل روزانه متجاوز از دویست نفر کارگر و ده دستگاه واگن در هفت صد متر ریل دورادور این آتشکده کار میکنند و روز بروز دیوارهای این بنای عظیم تاریخی و ملحقات آن سر از خاک بیرون می‌آورد ولی ارزش علمی این حفاری صرف نظر از بیرون آوردن بنا و تهیه نقشه و پلان صحیح این آتشکده تشریح عظمت و احترامی است که این آتشکده داشته و عملیات اکتشافی شکوه و جلالی را که بحق سزاوار آن بوده است آشکار می‌سازد.



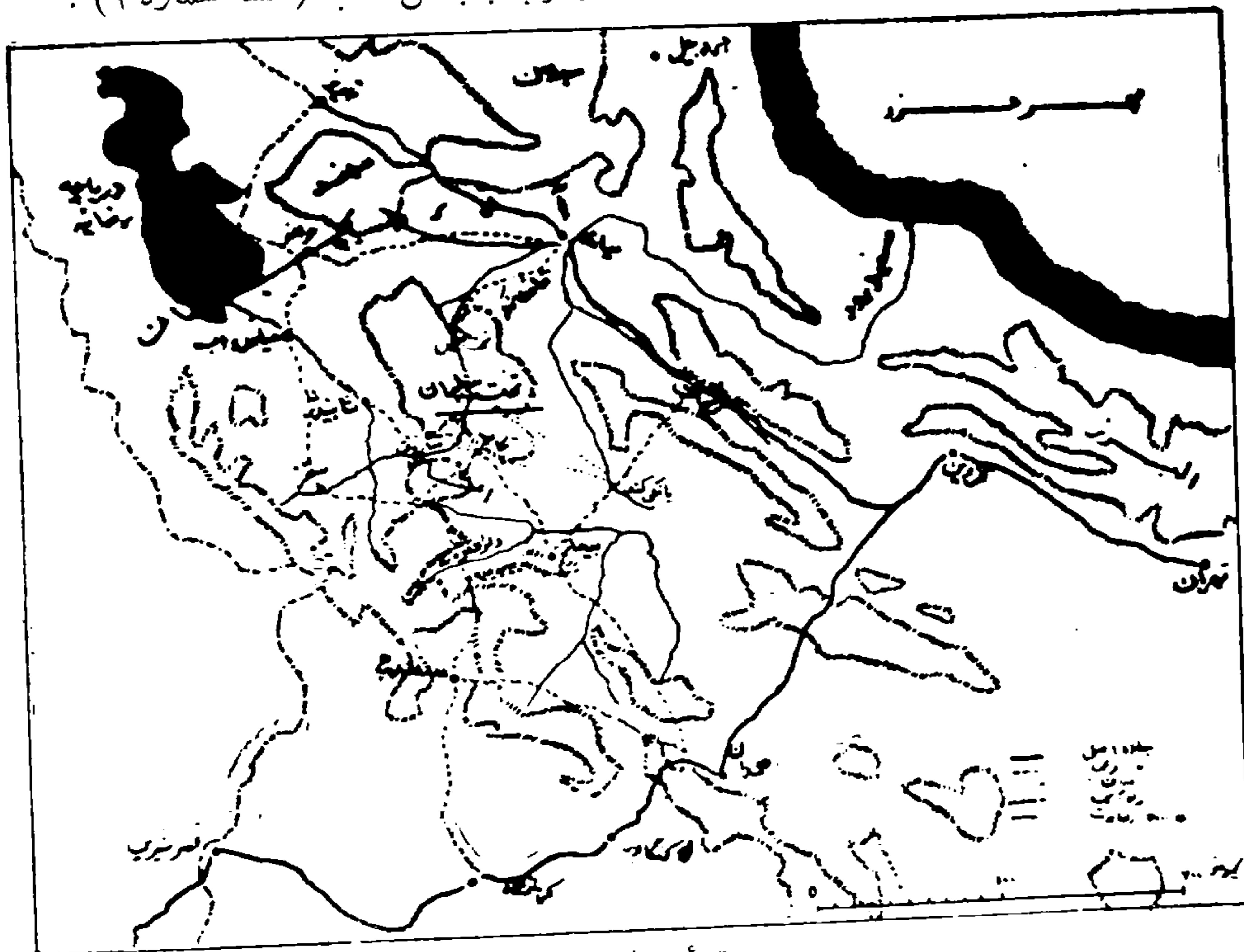
ش ۴- منظره قسمتی از عملیات حفاری در جبهه شمالی تخت سلیمان

اینک بدشرح چگونگی این کشفیات می‌پردازیم تا اهمیت این کاوش علمی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

مکان مقدس دارای جلال و ابهتی بوده و سلاطین ساسانی بنا بر اعتقادات مذهبی هر سال بذریارش میشتافتند .

نگاهی به تاریخ پرافتخار ایران اهمیت این شهر مقدس و توجهی را که در دوران ساسانی از طرف شهریاران به آن میشده است روشن میسازد تا جائیکه این آتشکده پر جلال را آتشکده شهر یاری نامیده اند^۱.

این جایگاه مورد احترام سلاطین ساسانی در منطقه شمال غربی ایران و در خاک افشار از توابع آذربایجان غربی قرار گرفته محدود است از شمال به مراغه و از جنوب شرقی به زنجان و از جنوب غربی به سقز و از جنوب به بخش تکاب (نقشه شماره ۱) .



نقشه شماره ۱

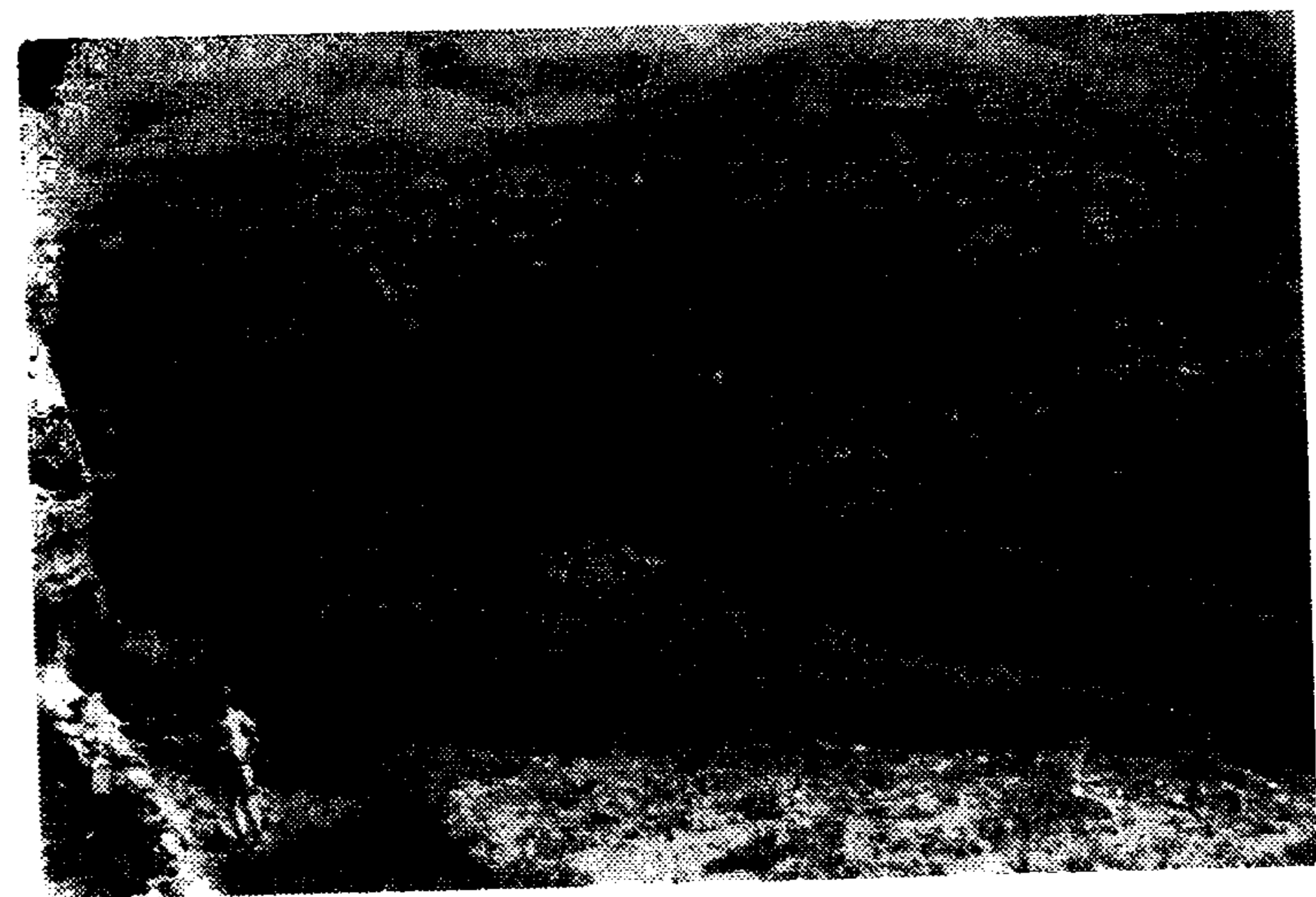
فاصله این صفت زیبا با تکاب که نزدیکترین بخش قابل ارتباط میباشد در حدود ۴۲ کیلومتر است که از این دره های سبز و خرم و آبادی های غایب، حسن آباد، شیر مرد، احمد آباد

۱- نک. تاریخ تمدن ایران ساسانی، تألیف استاد فقید سعید نفیسی، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

فصل اول

موقعیت طبیعی و جغرافیائی تخت سلیمان

صفت طبیعی و مرتفعی که از سطح زمینهای اطراف خود در حدود بیست متر ارتفاع دارد و دورادور آنرا یک رشته دیوارهای سنگچین ضخیم با ملامطهای گچ و ساروج و جداری از سنگهای حجاری شده عظیم بطور منظم زینت داده و دو دروازه تعلی شکل در شمال و



ش ۵- منظره قسمتی از عملیات حفاری در جهت غربی تخت سلیمان

جنوب آن قرار گرفته به نام **تخت سلیمان** معروف میباشد که محل آتشکده مشهور آذر- گشنسب بوده و یکی از پایتختهای آذربایجان در زمان اشکانیان ذکر شده است . احتمالاً پایه بنای این قلعه عظیم از زمان پارتها شروع شده و بعدها در زمان ساسانیان رو به آبادی گذارده و تا عصر مغول، بنا بر آنچه از اشیاء مکشوفه و آثار مخروبه استنباط میشود، این

سفلی، احمدآباد علیا و تازه کند گذشته به تخت سلیمان منتهی میگردد (نقشه شماره ۲).
 برای رسیدن به این محل تاریخی طرق مختلفی وجود دارد که اهم آنها به شرح زیر است:
 الف - تهران - قزوین - زنجان - بیجار - دیوان دره - تکاب - تخت سلیمان :
 ۶۷۴ کیلومتر

ب - تهران - قزوین - همدان - بیجار - دیوان دره - تکاب - تخت سلیمان :
 ۷۰۴ کیلومتر

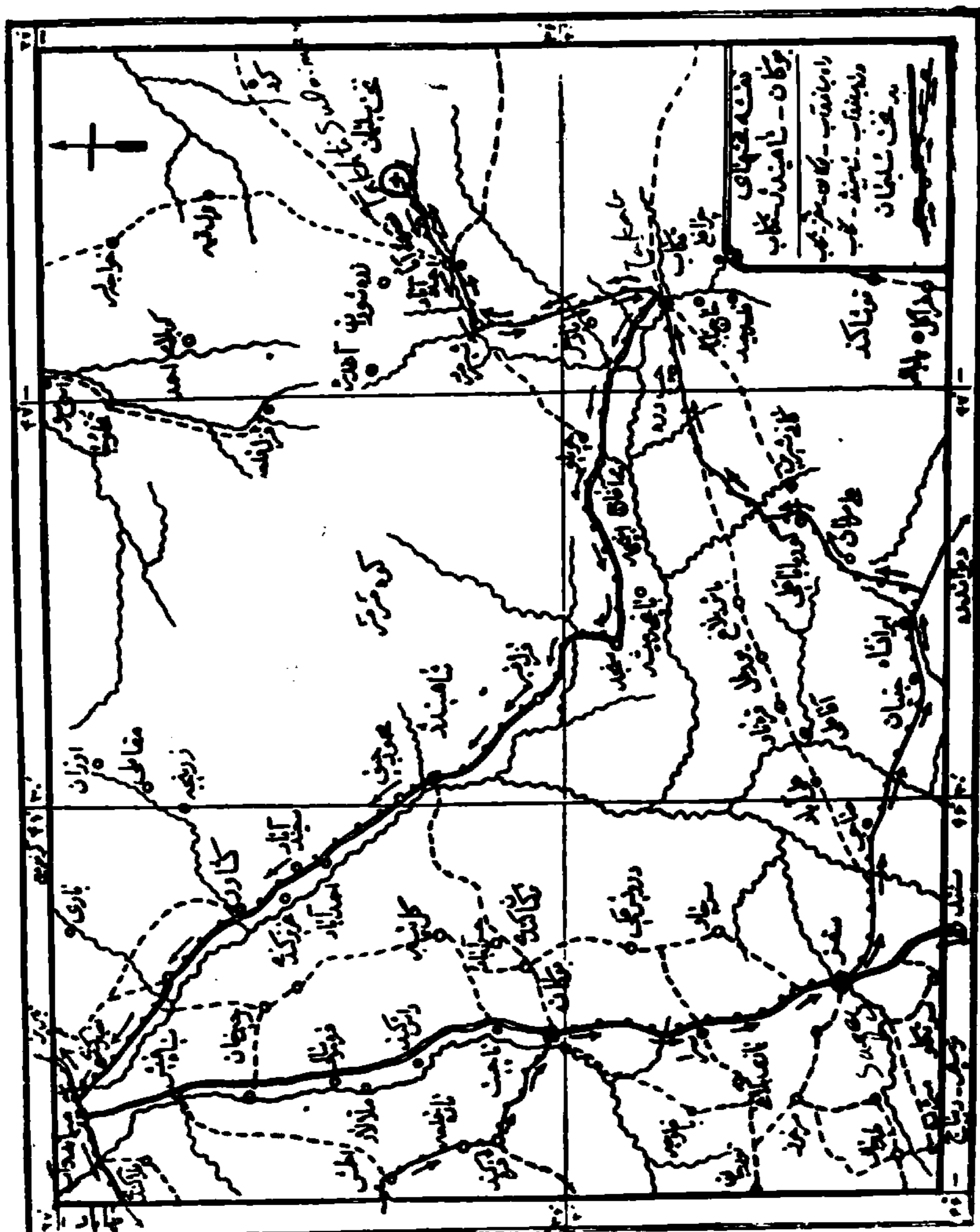
ج - تهران - قزوین - زنجان - میانه - مراغه - میاندوآب - شاهین دژ - تکاب -
 تخت سلیمان : ۸۲۵ کیلومتر

د - تهران - تبریز - آذرشهر - میاندوآب - بکان - ایرانشاه - تکاب - تخت سلیمان :
 ۱۰۴۸ کیلومتر (نقشه شماره ۱)

طول جغرافیائی محل تخت سلیمان از نصف النهار گرینویچ ۴۷ درجه و ۳۰ دقیقه
 شرقی و عرض شمالی آن ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه میباشد .

خود بخش تکاب از دو دهستان بنام حومه و احمدآباد شامل ۷۸ آبادی کوچک و
 بزرگ تشکیل شده است که جمعاً ۳۲۷۷۰ نفر جمعیت دارد. نام قدیمی تکاب تیکان تپه و دارای
 اهمیت نظامی بوده و بخشی از شهرستان مراغه از توابع آذربایجان شرقی محسوب میشده ولی
 از چند سال پیش بخش میاندوآب جزء توابع آذربایجان غربی گردیده است. بخش تکاب
 نیز دارای طول جغرافیائی ۴۷ درجه و ۷ دقیقه شرقی از نصف النهار گرینویچ بوده عرض
 جغرافیائی آن در ۳۶ درجه و ۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه قرار گرفته. ارتفاع قصبه از سطح دریا ۱۸۴۰
 متر و اختلاف ساعت آن با تهران ۱۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه است. نزدیکترین قریه بدتخت سلیمان
 نصرت آباد (تازه کند سابق) میباشد که فاصله آن تا قاعد در حدود ۱/۵ کیلومتر و دارای
 ۸۰۰ نفر نفوس است. دین آنان اسلام و پیرو مذاهب شیعه یاسنی علی الهی بوده و اغلب
 بدلهجه ترکی و کردی صحبت میکنند. امر از معاش اهالی خاک افشان بیشتر از کشاورزی و
 ۱- طرح نقشه از آقای اسماعیل دیباج (نقل از کتاب راهنمای آثار تاریخی آذربایجان).

گله داری است و بعلت فقدان راه و عدم دسترسی و تماس با شهر از بهداشت و فرهنگ عقب مانده اند
 ولی نظر بکوهستانی بودن محل و استنشاق هوای آزاد اکثر از نعمت سلامتی و تندرستی
 برخوردارند و علاج هرگونه بیماری را استحمام در چشمه های آب گرم محل میدانند و
 هر روز صدها نفر که اغلب آنها مریض میباشند از قراء مختلف اطراف بد چشمه های آب گرم



نقشه شماره ۲

رو میآورند. بعلت وجود گله های زیاد خوراک عمده اهالی را شیر و فرآورده های آن
 تشکیل میدهد و با وجودیکه دامپروری این منطقه یکی از منابع مهم ثروت ایران محسوب
 میشود ولی گوشت کمتر مصرف میگردد. از صنایع دستی بهقالی بافی و گلیم و جاجیم بافی

علاقه وافری دارند و بدسبب حسن سلیقه و نقش و نگار، چه از نظر رنگ آمیزی و ثبات آن و چه از لحاظ بافت و توجه به استحکام آن، معروفیت جهانی دارد و اغلب فرشهای خاک افشار به خارج از ایران ~~میشود~~ می شود. زراعت آنان عبارتست از گندم و جو و ذرت و سایر حبوبات، اخیراً نیز علاقمند به صیفی کاری شده اند. میوه در کلیه قراء اطراف تخت سلیمان مخصوصاً در قریه های همپا در جنوب شرقی تخت و چراغ تپه در شمال غربی آن بطور وفور بدست می آید که فقط به مصرف استفاده اهالی میرسد^۱.

تپه های مرتفع و کوه های سر به فلک کشیده تخت سلیمان را دایره وار احاطه نموده است. اهمیتی که این منطقه باستانی دارد صرف نظر از قدمت و افتخار تاریخی که نمونه هنر و صنعت گذشتگان را در این نقطه مشخص و آشکار مینماید، زیبایی سحر آمیز طبیعت است که دست بدست هم داده تا مظهر اعتقاد و ایمان پیشینیان گردد و موجبات ایجاد بزرگترین آتشکده را فراهم نماید که هم اکنون قریب هشت سال است که وقت هیئت حفاری علمی با هزینه های هنگفت صرف خارج کردن آن از دل خاک میشود.

وجد تسمیه تخت سلیمان آنطور که باید و شاید معلوم نیست و چنین بنظر میرسد که پس از حمله اعراب ایرانیان علاقمند به آثار تاریخی از نقطه نظر حفظ و حراست انبیه و آثار عظیم و زیبای این نقطه نظیر سایر اماکنی که آثار تاریخی اجدادی وجود داشته مانند مسجد سلیمان و مادر سلیمان و ملک سلیمان این نقطه را نیز بدتخت سلیمان نامگذاری نموده اند فی المثل در غالب نقاط ایران صفدهای برجسته و یا کوه های مرتفعی وجود دارد که بنام تخت سلیمان نامیده میشود از آن جمله در شمال دشت وسیع پاسارگاد یا مشهد مرغاب مقر ابتدائی کوروش هخامنشی صفا مرتفعی با دیوارهای سنگچین وجود دارد که بیش از ۵۰ متر ارتفاع آنست و از بلندی آن چشم انداز وسیع این دشت را با مناظر طبیعی دافریبش که مشرف بآن است میتوان دید. این صفا قریب ۸۲/۵ متر طول دارد و دارای دیوار هائی از سنگ چینهای زمخت و تراش دار است که اخیراً توسط هیئت باستان شناسان انگلیسی

۱- نقل از کتاب راهنمای آثار تاریخی آذربایجان، تألیف آقای اسماعیل دیباج، ص ۱۲۶، ج ۱

بدسرپرستی آقای استروناخ رئیس مؤسسه باستان شناسی انگلستان در ایران مورد کاوش و مطالعه قرار گرفته و بنام تخت سلیمان معروف است. آقای علی سامی رئیس سابق باستان شناسی فارس در گزارشهای باستان شناسی در مورد تغییر نام این محل بعد از اسلام چنین مینویسند: « چون بعد از اسلام قبر کوروش به قبر مادر سلیمان (سلیمان پیغمبر یهود) معروف گردیده لذا این محوطه را به مشهد مادر سلیمان (یعنی جائی که مادر سلیمان شهید گردیده؟!)



ش ۶ - قریه نصرت آباد (تازه کند) نزدیکترین آبادی به تخت سلیمان (در فاصله ۱/۵ کیلومتری) مینامند و دور نیست که همین معروفیت سبب گردیده باشد تا آرامگاه کوروش کبیر از دست مهاجمین و متعصبین عرب سالم بماند و منهدم نگردد. و یا «بنام مشهد ام النبی (یعنی جائی که مادر پیغمبر شهید شد؟!) که البته باز مقصود از پیغمبر در اینجا همان حضرت سلیمان میباشد» و عقیده دارند که «مردمان بعد از اسلام و اعراب مهاجم که به ایران آمدند چون ساختمانهای عظیم سنگی شاهنشاهان گذشته ایران پیش نظر آنان گران آمد و احداث چنین کاخهای عظیمی را از عهده بشر خارج میدانستند و بعلاوه از زمان ساختمان و بانی آن نیز اطلاعی

نداشته احداث آنها را به سلیمان پیغمبر نسبت داده اند به این تصور که چون دیوها در حبس و بدفرمان سلیمان بوده اند بدامر او این کاخهای عظیم سنگی را که حمل سنگهای گران وزن آن از قوه و قدرت بشر خارج بوده است ساخته اند، کما اینکه در همین بازارگاد بنای مرتفع سنگی روی تپه را بنام تخت سلیمان مینامند و آثار سنگی مشرق شیراز و همچنین خرابه قصر اشکانیان را در آذربایجان به تخت سلیمان نامیده اند^۱؛ و از علامه فقید قزوینی در این مورد نقل مینمایند: «تعبیر «ملك سلیمان» در اصطلاح مورخین ایرانی در قرون وسطی بخصوص در دوره سلغریان مراد از آن مملکت فارس بوده است و در تاریخ وصاف بسیار مکرراً از آن مملکت به «ملك سلیمان» یا «مملکت سلیمان» تعبیر شده و شیخ سعدی در یکی از قصائد خود ... گوید:

نه لایق ظلمات است بالله این اقلیم کد تختگاه سلیمان بدست و حضرت راز

و یکی از القاب رسمی بسیاری از سلغریان و شاید نیز عموم ایشان «وارث ملك سلیمان» بوده است ... شیخ در مقدمه گلستان در باره اتابك ابوبکر بن سعد زنگی بك جا «قائم مقام سلیمان» و جای دیگر «وارث ملك سلیمان» استعمال کرده است ... و در قصاید کمال الدین اسماعیل در مدح اتابك سعد بن زنگی و پسرش اتابك ابوبکر همیشه ایشان را بدنعوت «وارث تخت سلیمان» میستاید از جمله در قصیده ای در مدح سعد زنگی گوید:

مملکت راز نوی دادش کوهی دیگر شاه جمشید صفت خسرو افریدون فر
وارث تخت سلیمان ملك حیدر دل که بگستر در آفاق جهان عدل عمر

... و منشاء این تعبیر یعنی اطلاق «ملك سلیمان» بر مملکت فارس آن بود که ایرانیان تختگاه جمشید باستانی را در مملکت فارس فرض میکرده اند و آثار ابنیه تخت جمشید را ... به همان پادشاه باستانی نسبت میداده اند و از طرف دیگر در نتیجه يك افسانه مذهبی که بعد از اسلام بواسطه تشابه کامل بین بعضی احوال و اعمال منقوله از حضرت سلیمان از قبیل قهر شیاطین و استخدام دیوان و جنیان و طاعت جن و انس

۱- گزارشهای باستان شناسی، بقلم آقای علی سامی، ج ۴، ص ۲۱-۱۹

مرایشان را و سفر کردن در هوا از شهری به شهر دیگر در زمانی کوتاه و امثال ذلك ما بین ایرانیان مسلمان تولید شده بود و بسیاری از عوام ایشان جمشید را با حضرت سلیمان یکی می پنداشتند^۱.

صاحب کتاب مجمل التواریخ و القصص مینویسد: «کیکوس از سلیمان پیغمبر علیه السلام بخواست تا دیوان را بفرماید تا از بهر او عمارت کنند و آن بناها که به پارس است بدان عظیمی و اینک کرسی سلیمان خوانند و دیگر جایها ایشان کرده اند کیکوس را و این در تاریخ طبری است. و به روایتی گویند سلیمان بعهد کیخسرو بود...»^۲

و در جای دیگر باز مینویسد: «سلیمان از خدای تعالی حاجت خواست که او را مملکتی دهد که بعد از وی کس را نباشد حق تعالی اجابت کرد و آدمی و پری و دیو و عفاریت و مرغان و باد را مسخر او کرد و چشمه ها بروی روان کرد و بفرمان او دیوان کارها کردند و بناها را که اثر آن هنوز بجای است...»^۳

در کتاب مرآت البلدان ناصری تألیف صنیع الدوله که در سال ۱۲۹۴ هجری منتشر گردیده در صفحه ۵۰۲ چنین آمده است: «در تنکابن کوهی است مشهور به تخت سلیمان^۴ که صعود بقله آن سواره متعذر و برای پیاده در وسط تابستان ممکن و میسر است. در قله کوه بطور شیروانی از چوب عمارتی است که جای دو نفر میشود مشهور است که حضرت سلیمان علیه السلام بالای این کوه آمده، در زیر شیروانی مسطور از سنگ شکلی است شبیه بمار. سکنه گویند این مار را حضرت سلیمان سنگ کرده است.»

خانم فریاستارک^۵ در سفرنامه خود که در باره این منطقه (تخت سلیمان کلاردشت) نوشته است در کتاب *The Valleys of the Assassines* در مورد وجه تسمیه تخت سلیمان

۱- گزارشهای باستان شناسی، ج ۴، ص ۲۲-۲۴

۲- مجمل التواریخ و القصص، مؤلف بسال ۵۵۲۰، به تصحیح مرحوم بهار، ص ۴۷

۳- ایضاً همان مأخذ، ص ۲۱۰

۴- این تخت سلیمان در شمال طالقان و کلاردشت واقع است.

۵- Freya stark

چنین مینویسد: « موضوع ازدواج حضرت سلیمان و ملکه سبا داستانی دارد که شرح آن بدینگونه است که عشق سلیمان به ملکه عاقلانه نبود زیرا وی مسن بود و ملکه جوان و مغرور. کوشش وی در این باره بیهوده بنظر میرسید ولی سلیمان حيله‌ای بکار برد و سرانجام روزی پرنده‌گانی بهوا فرستاد و با آنها مأموریت داد که سردترین مکان دنیا را پیدا کنند. روز بعد در طلوع آفتاب همه پرنده‌گان باستثناء هدهد مراجعت کردند و هدهد يك روز تمام ناپیدا بود ولی هنگام غروب آفتاب هدهد ظاهر شد و در برابر حضرت سلیمان تعظیمی نمود و سبب تأخیر ورود خود را چنین اظهار داشت: چنان مکان مرتفع و سردی یافته‌ام که هنگام فرود آمدن بالهایم در زمین منجمد شد و فقط در نیمه روز آفتابی و ذوب یخها موفق باستخلاص خود شدم و بشتاب این خبر را بشاه میدهم.

حضرت سلیمان چنین قلّه مرتفع و سردی را خوابگاه خود ساخت و ملکه بلقیس را با آنجا برد هنگام سردی شب فرا رسید و بلقیس تحمل آن سردی را نداشت و از قلّه فرود آمد و بخیمه شوهرش خزید و فردای آنروز حضرت سلیمان سرایشی صخره‌ای را لمس نمود و چشمه آب گرمی برای آب‌تنی بلقیس در آن جاری شد که بقایای آن تا امروز باقی است و این است داستان کوهی که هنوز بنام تخت سلیمان نامیده میشود و در جنوب دریاچه خزر و شمال شرقی البرز در دشت کالاردشت قرار دارد.

افسانه دیگری نیز در این مورد وجود دارد و آنهم پیدایش چشمه‌های آب گرم است که افسانه زیبایی است. گویند اگر هوی و هوس بلقیس ملکه سبا نبود امروز چشمه‌های آب گرم در دنیا وجود نداشت، زیرا وقتی که بلقیس هوس کرد تا اندام زیبا و هوس‌انگیزش را در آب چشمه‌سار زیبایی که در قصر پرشکوه سلیمان بود شستشو دهد آب چشمه سرد بود و بانوی عشوهرگر از آب سرد میترسید وقتی این خبر بگوش سلیمان رسید برای آنکه عشق خود را به بلقیس نشان دهد گفت به بانوی من بگوئید تا چند لحظه دیگر آتش عشق من آب چشمه را گرم خواهد کرد و پس از آن پنجاه تن از دیوانی را که در خدمت او بودند

احضار کرد و با آنها فرمان داد بزیر زمین بروند و در کنار چشمه‌ها کوره‌ای از آتش بپاکنند. دیوان اطاعت کردند و بزیر زمین رفتند و از آن روز سالها میگذرد اما دیوان همچنان سرگرم کار خود هستند زیرا که نمیدانند سلیمان مرده است.^۱

آثار باستانی دیگری بنام تخت سلیمان از دوره تاریخی در مسجد سلیمان خوزستان وجود دارد که بر روی پشته‌های طبیعی بصورت صغه بناهای سنگی و ایوانهای ستون‌دار بر روی آن احداث شده است.^۲

ولی آیا سلیمان کی و دارای چه اوصافی بوده که تا این اندازه مورد توجه بخصوص از نظر وجه تسمیه قرار گرفته بطور کلی معلوم و مشخص نیست چنانکه در آثار عجم فرصت شیرازی در مورد مشهد مادر سلیمان (مقبره کوروش) چنین مینویسد: « سلیمانی که این بقعه را بمادر آن نسبت میدهند معلوم نیست کدام سلیمان باشد بر فرضی که مقصود سلیمان نبی علیه السلام بوده باشد باز هم معلوم نیست که مادر سلیمان در اینجا مدفون باشد ». و مادام ریولانوا در صفحه ۳۶۵ کتاب سفرنامه خود مینویسد: « مردها نبایستی با احترام مادر سلیمان در مقبره داخل شوند. »

در فارس نامه ناصری صفحه ۱۱۲ در وصف و معرفی سلیمان مینویسد: « سلیمان از پیغمبران و پیشوایان معروف بنی اسرائیل است. در دنیای قدیم که بین سالهای ۱۰۳۷ تا ۹۹۷ ق. م مطابق سال ۲۷۴۳ تا ۲۷۸۳ عبرانی در اورشلیم با حشمت و جلال فوق العاده سلطنت داشته بود و حکمت و درایت هوش و سیاست و عیاشی معروف و افسانه‌های زیادی از او در روایات مختلف جهان موجود است. مسجد اقصی از ساختمانهای زمان او میباشد و چون از راه تجارتنی که تاجبشه و یمن توسعه داشته ثروت زیادی اندوخته بود ترتیب يك دربار مجلل باشکوهی داد که تا پیش از او در یهود سابقه نداشت. معبدی در اورشلیم بر فراز

۱- چشمه‌های آب گرم - دیوان مطیع و فرمانبردار ازدها - زندانهای طبیعی بصورت دخمه و سیاه‌چال‌های وحشتناک. صغه‌های طبیعی بنام تخت سلیمان در افسانه‌های قدیمی مجموعه‌ای از مکانهایی را تشکیل میداده است که محل را بنام تخت سلیمان مینامیده‌اند.

۲- این محل توسط آقای گریشمن باستانشناس فرانسوی حفاری میشود.

صفه‌ای که ۱۵ متر از سطح زمین ارتفاع داشت بساخت^۱ و نوشته‌اند که صنعتگران و متخصصینی که برای بناهای او کار میکردند در حدود (۱۶۳۰۰۰) نفر بودند و نیز گویند سلیمان را تختی از طلای ناب و عاج بوده که در تالار قصر استوار گردیده و سلیمان بر آن می‌نشست و بر تق و فتق امور مردم و مهام ملکی رسیدگی میکرد. اثاثیه و ظروف دربار او از سیم و زر بوده است. چون خاطره سلیمان و روایاتی که راجع بعظمت و قدرت او گفته شده مخصوصاً ملاقات او باملکه سبا در ذهن اعراب باقی بوده و او را باحشمت‌ترین سلاطین جهان میدانستند از این رو پس از هجوم باین کشور پهناور و دیدن بناهای محیرالعقول آنها را بسلیمان نسبت دادند. و چون ملاک تاریخ ایران پس از، از بین رفتن کتابخانه‌ها به دست امرای عرب گفته‌های مورخین اسلام بود کم‌کم تخت سلیمان و ملک سلیمان و زندان سلیمان و مسجد سلیمان متداول گردید. اینک که تا اندازه‌ای از وجه تسمیه تخت سلیمان در نقاط مختلفه ایران و شخصیت سلیمان آگاهی یافتیم بد مطلب اساسی خود یعنی بحث درباره تخت سلیمان آذربایجان و محل مورد کاوش میپردازیم.

مطلب جالب توجه و مورد دقت راز انتخاب محل و موقعیت طبیعی تخت سلیمان آذربایجان است بدین معنی که اگر فی‌المثل برای آبهای معدنی تحت‌الارضی ایران و چشمه‌های سوزان گازدار آن، مرکزی قائل شویم، باید این نقطه از ایران را مرکز اصلی هسته این چشمه‌های مملو از گاز و املاح معدنی بدانیم رشته کوه‌های دایره‌وار که اطراف این نقطه را چون کمر بندی احاطه نموده و از آن جمله قله مرتفع معروف به تخت بلقیس است که در فاصله بیست کیلومتری شمال آن قرار گرفته سبب فشار بر روی آبهای معدنی گردیده و با گازهای موجود دست بدست هم داده باعث فوران آبهای پراز گاز و املاح

۱- باستان‌شناسان اسرائیل خرابه‌های معبدی را که در قرن دهم پیش از میلاد ساخته شده است پیدا کردند. بنظر میرسد که این همان معبدی است که حضرت داود ساختن آنرا شروع کرد و حضرت سلیمان آنرا بپایان رسانید. اشیائی که در این معبد پیدا شده‌اند شبیه اشیائی هستند که در انجیل ضمن توصیف معبد حضرت سلیمان شرحشان داده شده است.

نوشته‌های این اشیاء بزبان عبری است و گمان میرود که عبری‌های مقیم جنوب اسرائیل از آن استفاده میکرده‌اند.

مختلف شده است. این چشمه‌های گازدار از مرکز این دشت که تخت سلیمان و زندان سلیمان باشد جستن نموده است بدیهی است غلظت املاح موجود در آب بحدی بوده که در مجاورت هوای سرد خارج رسوب نموده و تشکیل دیواره‌های سنگی دریاچه موجود تخت سلیمان و جویهای طبیعی و زیبای مسیر آب خود را داده است و قشر نسبتاً ضخیمی از سنگهای راسب روی تپه تخت سلیمان چون اسفالت طبیعی بوجود آورده بطوریکه در اطراف دریاچه واقع در تخت سلیمان چشمه‌های کوچک محجر بسیاری وجود دارد که هنوز آثارش باقیست و وجود همین چشمه‌های سنگی اطراف دریاچه دال بر آنست که پس از طی چندین قرن دوباره فورانی در دریاچه پیدا شده، خاصه اینکه ضمن عملیات حفاری مشاهده گردید که از بدو بنای آتشکده ساسانی تا عصر مغول و بعد از آن و حتی در بهار سال ۱۳۴۲ شمسی طغیان مختصری ایجاد شده چنانکه قشر نسبتاً ضخیمی بقطر ۴۵ سانتیمتر از رسوبات آب دریاچه بصورت سنگهای ته‌نشینی و آهکی روی ابنیه زمان مغول را فرا گرفته است و همین امر یکی از بزرگترین مشکلات و معضلات حفاری میباشد که هیئت با آن روبرو است بدین معنی که باید بادیلیم و پتک این رسوبات سنگی را شکافته و در اعماق آن به آثار و ابنیه تاریخی برسد.

باری بعدها در اثر اختلافات جوی و تغییرات زیرزمینی آبهای نسبتاً سردی جان‌نشین آب گرم معدنی آهکدار شده و دریاچه بهمان صورت قدیمی از آب دیگری که چندان هم خالص نیست مملو و جریان پیدا میکند و یا بهتر بگوئیم در اثر تضاد این دو آب بایکدیگر آب فعلی غالب و بالنتیجه جان‌نشین آب معدنی پیشین میگردد و آب معدنی سابق از نقطه مناسب و قابل نفوذ دیگری بنام کوه زندان شروع بفوران مینماید که چون کوه آشفشانی از بیرون مخروطی شکل و از قله بطرف داخل چون مخروط معکوس میباشد که عمق آن در حدود صد متر و قطر دهانه آن تقریباً شصت متر است اطراف کوه زندان در اثر همین سیلابهای دارای مواد معدنی، بعدها در اثر مجاورت هوا بسته و سخت گردیده و نظیر کوه

۱- چشمه‌های آب گرم که با افسانه‌های سلیمان بدون ارتباط نیست.

آشفشان جریان سطحی خود را بطوری باقی گذارده که برخی اشتبهاً در نتیجه برخورد با این مواد منجمد شده و شکل مخروطی کوه، تصور مینمایند که کوه زندان از نوع کوههای آشفشانی بوده است و حال آنکه کوچکترین اثری از سنگهای آشفشانی در خط سیر جریان مواد منجمد شده وجود ندارد بلکه آثار از نوع سنگهای (رسوبی) و آهکی میباشد و آنچه در این محل قابل توجه و جالب بنظر میرسد اینست که در اطراف دریاچه زندان جویهای سنگی نظیر آنچه در اطراف دریاچه تخت سلیمان وجود دارد دیده نمیشود، فی المثل جوی قدیمی که از مواد رسوبی بطول تقریبی سیصد متر و به ارتفاع متوسط چهارمتر در جنوب تخت سلیمان که در زمینهای مزروعی باقیمانده در اثر پیچ و خمها و زائده‌هایی که در اطراف آن بوجود آمده و شکل خارق العاده‌ای پیدا کرده است در محل بنام اژدها معروف شده و دلیل قدمت جریان مواد رسوبی آب تخت سلیمان میباشد و از طرفی نظیر همین جوی با مختصر اختلافی در اطراف تخت دیده میشود که یکی از دلائل پیشگسوتی این تغییرات و تحولات در تخت سلیمان پیش از زندان میباشد و باشدت جریان و فوران این آبهای تحت الارضی در تخت سلیمان بشدت آنچه در کوه زندان بوقوع پیوسته نبوده و از اینرو است که در تخت سلیمان جریان آب بطیء و طولانی بوده و تدریجاً پوسته‌های نازکی از خود بجای گذارده است در صورتیکه شدت فوران در کوه زندان فوق العاده زیادتر بوده و بنظر میرسد که عمر این فوران هم چندان زیاد نبوده است و در اثر شکافهایی که در قسمت پائین کوه زندان ایجاد شده از شدت فوران کاسته و بجای آنکه جریان آب عمودی باشد از اطراف پائین کوه زندان جریان افقی پیدا کرده است و بدین ترتیب جریان آب در داخل کوه زندان نسبتاً متوقف گردیده. در اینجا برای روشن شدن مطلب ناچار از بیان يك فرضیه نسبی هستیم بدین معنی که باید چنین استنباط کنیم که اگر در کوه موسوم به زندان هفتاد و پنج درصد آب برای خروجی را مواد مذاب املاح معدنی و بیست و پنج درصد آنرا آب خالص تشکیل داده باشد آب دریاچه تخت سلیمان را باید به نسبت عکس آن محسوب

۱- در مورد این اژدهای سنگی که مظهر اعتقاد مغولان بوده بعداً صحبت خواهد شد.

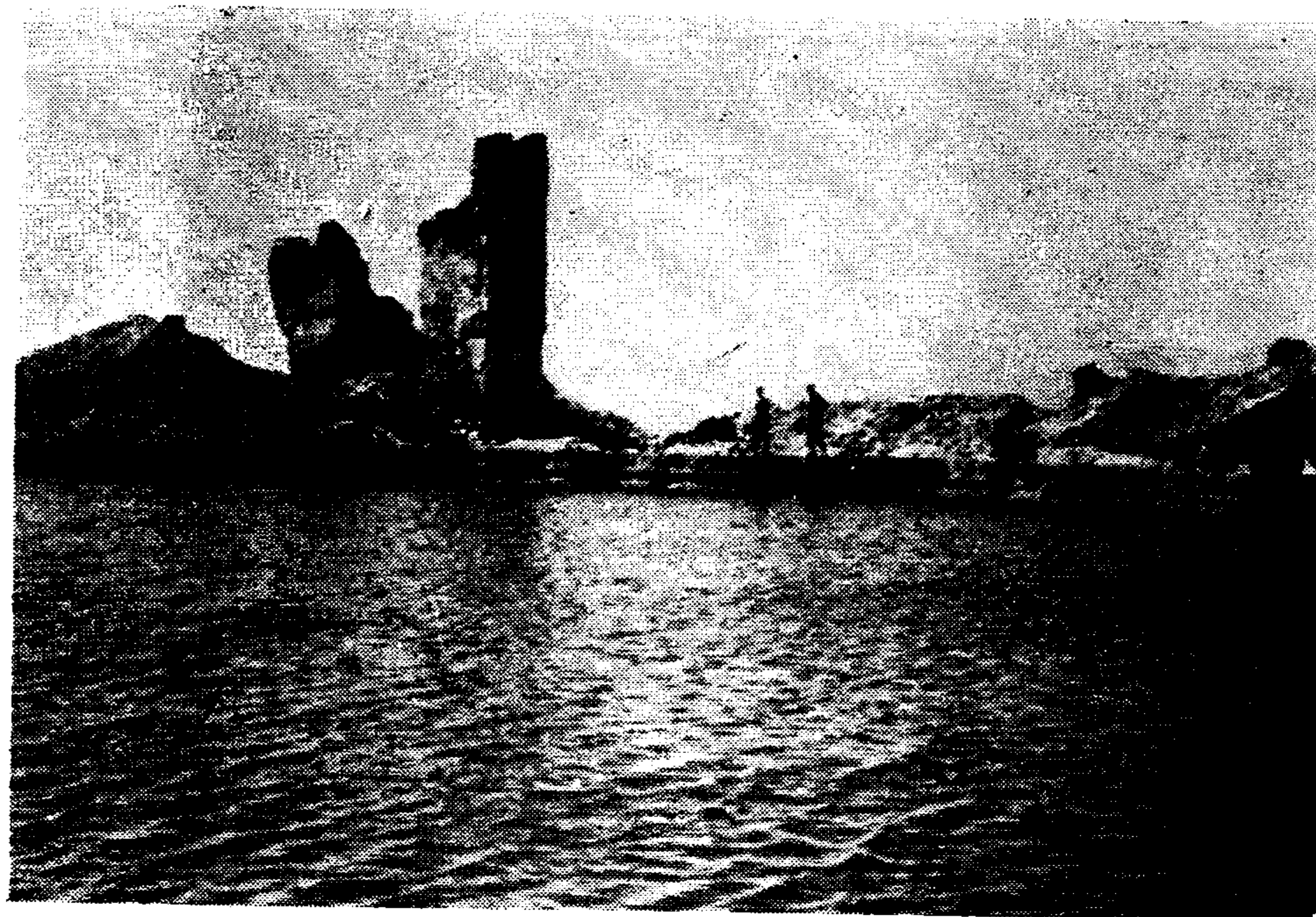
داشت و دلیل آنهم مجاورت و درعین حال تضادی است که بعدها بین آب موجود و آبهای معدنی سابق پیدا شده است و با وجود این هنوز آب دریاچه تخت سلیمان دارای املاح معدنی و مواد رسوبی میباشد که از خود بجای میگذارد ناگفته نماند که نظیر این تغییرات و تضاد در کوه معروف زندان نیز بوقوع پیوسته و در هزاره اول قبل از میلاد چنین جریان آب ساده‌ای وجود داشته و در نتیجه عملیات اکتشافی که بعداً شرح آن در جای خود خواهد آمد معلوم گردید که این آب بوسیله جویهای باریک، حتی در داخل تنبوشه‌های سفالی که در بین خانه‌های مسکونی کار گذاشته بوده‌اند جریان داشته است.



ش ۷- دریاچه تخت سلیمان چون رویه آئینه‌ای صاف و بناهای مخروطی اطراف دریاچه در آن منعکس میشود.

دریاچه تخت سلیمان تقریباً بیضی شکل بوده و زیبایی خاص آن همین است که ساخته و پرداخته طبیعت میباشد قطر درازای آن از شمال بجنوب حداکثر صد و بیست متر و عرض آن شرقی و غربی در حدود هشتاد متر میباشد و بسبب همین وسعتی که دارد دریاچه نامیده میشود و بنا بر تحقیقاتیکه بعمل آمده عمق این دریاچه بطور متوسط در حدود شصت و پنج متر میباشد. دریاچه مزبور چون ظرف مخروط معکوسی است که لبدهای آن قدری بطرف داخل برگشته است بدین معنی که سطح فعلی در حدود سه متر بزرگوار

خارجی و لبه دریاچه نفوذ کرده است. این دریاچه در هر ثانیه صد لیتر آب بیرون میدهد که از دوجوی موجود که شاید بیش از صد سال عمر ندارد یکی از دروازه جنوب شرقی و دیگری از شمال شرقی از محوطه تخت خارج شده و بمصرف فلاح و کشاورزی میرسد. بدیهی است سابق بر این جریان آب موجود بیشتر بوده بطوریکه تعداد سه جوی دیگر، آب دریاچه را بخارج هدایت مینموده و اکنون آثارش در لبه های دریاچه باقیست و تقریباً باید گفت که آب دریاچه در این اواخر در حدود هشتاد سانتیمتر پائین رفته است با وجود این موقعیت و اوضاع طبیعی سحرآمیز تخت سلیمان در هر بیننده اثر جالب توجهی باقی میگذارد که هرگز از نظر محو نخواهد شد و شکی نیست که از قدیم الایام هم عناصر طبیعی



ش ۸- منظره دریاچه تخت سلیمان و ایوان مخروبه معروف به ایوان خسرو

زیبا و در عین حال اعجاز آمیز مورد احترام و حتی پرستش واقع میشده؛ چنانچه پارتها عناصری از قبیل آب و آتش و آفتاب را مورد ستایش قرار میدادند. با وجودیکه میدانیم پارتها میترائیست بوده اند و بهمین لحاظ محل نیایش آنها در غارها و پناهگاههای تاریک

تعبیه میشد، ولی مردمان عصر تاریخی که فرزندان کوهستان محسوب میشوند پیوسته بسوی تکامل پیش میرفته و سعی داشته اند که خود را بعظمت لایتناهی و آسمان نیلگون که مظهر عظمت بوده برسانند. بنقاطی مرتفع و زیبا چون تخت سلیمان دست یافته، به تشکیل اجتماعات و ساختن بناهای مجلل و زیبا پرداخته اند و به آرزوهای خود در انجام وظیفه دینی نائل شده اند و روی عشق و علاقه ای که به این نقاط اعجاز آمیز داشته اند پیوسته در جستجوی آن بوده اند، خاصه که طبیعت جلوه هایی به این منطقه داده است. کوههای متین و استوار به صورت کمر بندی رنگین بردامندهای سرسبز و موج با ابهت و جلال ابدی سایه گسترده و از فراز این صفت طبیعی که مشرف بزبائنی های خیره کننده است؛ آرامش، سکوت، روحانیت و از همه مهمتر مشعل فروزان مواد نفتی و گازهای مشتعل - که بدون شك قبلا در این محل وجود داشته - همه و همه در ساختمان مقدس ترین اماکن تأثیر داشته که در نتیجه تخت سلیمان بوجود آمده و در حقیقت قالب کلمات برای بیان و ادای مطلب درباره زیبائی و جلوه های گوناگون طبیعت که در این نقطه دور افتاده بحد وفور در کنار هم قرار گرفته عاجز است. با این همه زیبائی میتوان قبول کرد که روزگاران پیش این نقطه از جهان آباد مورد توجه اقوام و ملل بوده چنانکه گورستانهای پراکنده در اطراف تخت سلیمان و آثار ابنیه زندان - که اغلب مربوط بماقبل تاریخ میباشد - دلیل قاطعی برای نظریه ما است. ارزش این مکان مقدس، که شایسته وسزوار همه گونه تعظیم و تکریم بوده، به سلاطین دوره تاریخی کشانده شده، چنانکه تصمیم گرفتند با ساختن بناهای زیبا و ایجاد بزرگترین آتشکده شریاری شکرانه موهبت الهی را بجا آورده و هر سال از مقرر پادشاهی خود: تیسفون، بزیرتش بشتابند و به سپاس و نیایش مزدیسنی خردمند اشتغال ورزند و با نثار مال و جان و اندوخته و اشیاء نفیس و گرانبها، در مقابل آن سر تعظیم فرود آورند و با همه قدرت و شکوه خود در برابر جلال و جبروت آن بخاک افتاده و شکرانه اهورامزدا را بجای آورند، زیرا بزرگترین ارمغان تمدنهای باستانی دین و مذهب است. در هر حال وجود اینهمه موهبت و مزایای طبیعی و موقعیت جغرافیائی و اشتعال مواد نفتی، علت اصلی و راز

انتخاب این محل برای ایجاد آتشکده‌ای عظیم و قصوری مجلل توسط سلاطین ساسانی بوده است زیرا هنوز هم پس از گذشت هزاران سال مشاهده قصور زیبای ویران شده آن زمان - که دورادور دریاچه تخت سلیمان را فرا گرفته دره‌های ایرانی و علاقمندان آثار گذشته و حتی آما تورها و جهانگردان که بمنظور سیر و سیاحت باین نقطه می‌آیند ایجاد غرور و سر بلندی میکنند . در اطراف صفت تخت سلیمان، دیوار مستحکمی از قلوه سنگهای کوچک و بزرگ با مالا طغج و ساروج، بطور بیضی شکل با ارتفاع متوسط ۷/۵ متر ساخته شده و در دورادور این دیوار ۳۸ برج بفاصله‌های متوسط بیست و پنج متری و بطور برجسته از بیرون بشکل مخروطی ساخته شده، که علاوه بر زینت و استحکام دیوار، محلی برای دیده بانی و پاسداری بوده است . جلوه و نمای این برجهای چنان بعدها مورد استقبال قرار می‌گیرد که در تمام ادوار اسلامی قلاع خود را با چنین برجهای برجسته خارجی تزئین می‌کرده‌اند . بدیهی است که این برجهای زینتی میان پر بوده و چنانچه استفاده‌ای از آن نشده همانا در بالای برج بوده ، جدار دیوار و برجهای با قلوه سنگ ساخته شده در سطح خارجی با سنگهای حجاری شده بطرز خاص که از مشخصات روح صنعت حجاری ساسانی محسوب میشود زینت یافته است . گو اینکه رئیس هیئت حفاری عقیده مند است که تزئینات حجاری این دیوار پس از ساختن دیوار مورد توجه قرار گرفته و در حقیقت این تزئینات چون آستری در دوره‌های بعدی ساسانی روی دیوار را پوشانده است ولی فعلاً اختلاف سبکی در تزئینات این سنگ کاری مشاهده میشود که بنظر میرسد بعلم تعمیراتی است که در زمان مغول بعمل آمده است این تعمیرات در وسط جدار دیوار مشاهده میشود و اغلب قسمت بالا و پائین سالمتر مانده و این خود مسأله است که چگونه پیش از خرابی بالا و یا حتی دیوار تزئینات حجاری وسط ریخته و بعداً تعمیر شده است . بدیهی است جز آنکه در نظر بگیریم که این لطامات در سال ۶۲۴ میلادی هنگام حمله هراکلیوس باین محل و پرتاب وزنه‌های منجنیق و ایجاد این خرابیها در سطح داخلی بنا صورت گرفته و اثراتش در کلیه ابنیه ساسانی مخصوصاً آتشکده، نمایان است؛ چیز دیگری نمیتواند باشد. بهر حال سبک ساختمان

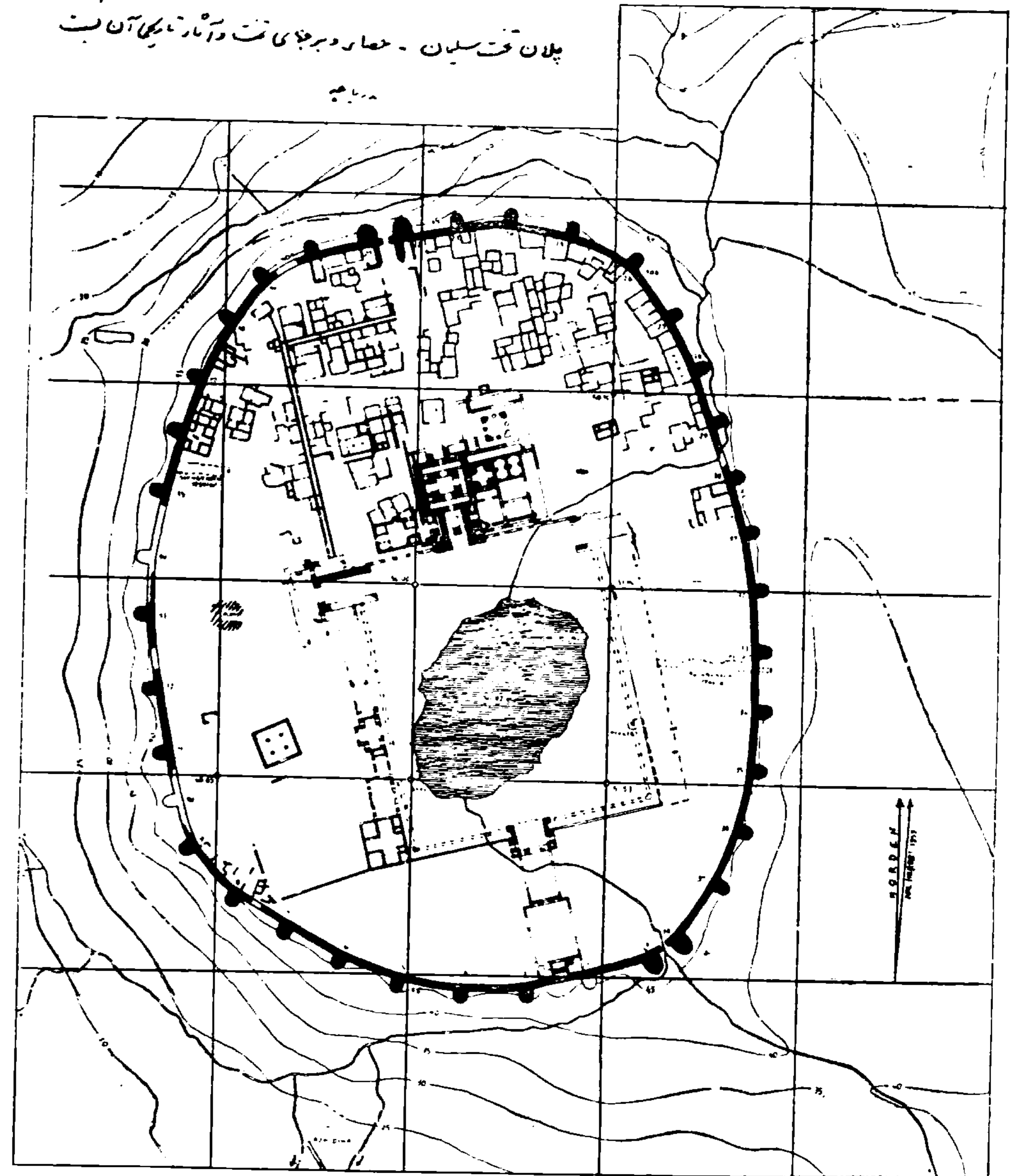
دیوار قلعه که بطور بیضی شکل ساخته شده ؛ جالب توجه و قابل مطالعه است زیرا تا آنجائیکه اطلاع داریم طرح بناهای اشکانی دایره‌ای بوده چنانکه محیط دیوار دور شهر هاترا متجاوز از پنج کیلومتر و بطرح دایره‌ای است که در زمان پارتها ساخته شده است شهر تیسفون تقریباً نظیر تخت سلیمان بیضی شکل ساخته شده ، تصور می‌رود که مبنای آن از زمان اشکانیان بوده و خرابه‌های تخت سلیمان فعلی که یکی از پایتخت‌های آن در باستان در زمان پارتها ذکر شده است بطرح دایره‌ای است و احتمال می‌رود این نوع شهرهای مدور در ایران قدیمی‌تر از شهرهای دایره شکل بین النهرین باشد و نظر اینکه تاکنون آثاری بدست نیامده است که بتوان پایه ساختمان‌های تخت سلیمان را از زمان پارتها دانست ؛ میتوان استنباط کرد که پس از اشکانیان برای اولین بار سلاطین ساسانی در این محل از طرح گذشته تقلید کرده‌اند . آقای پروفیسور نئومن رئیس هیئت حفاری ، طرح این بنای بیضی شکل را تقلید ساسانیان از رومیها میدانند ولی در حقیقت دنباله ابنیه ساسانی شبیه بناهای پارتی است که تقریباً دایره‌ای بوده و کم کم بصورت بیضی درآمده است و بعدها بمرور شکل مستطیل بخود می‌گیرد ، و آننگهی نباید از نظر دور داشت که قلعه مزبور از لحاظ موقعیت ساختمانی بنا بر وضعیت صفا یکدیگر در اثر رسوبات آب دریاچه ایجاد شده و شکل مدوری بخود گرفته، ساخته شده است . بنا بر این یکی از دلایل بیضی شکل بودن آنرا باید تناسب وضعیت صفا دانست از طرفی یکی از عوامل مهم ایجاد آتشکده و قصور ساسانی همانا وجود دریاچه تخت سلیمان است که حتی المقدور سعی شده بر طبق تصمیم قبلی بناها دورادور دریاچه ساخته شود و نظر باینکه دریاچه خود بشکل بیضی طبیعی میباشد بمنظور آنکه تقریباً در وسط صفا قرار گیرد دیواره تخت نیز بهمین مناسبت بشکل بیضی درآمده و تناسب محوطه نسبت بدریاچه با ایجاد دیواره مدور بیضی شکل تقریباً حفظ شده و بدان اندازه‌ای این موضوع مورد توجه بوده است که خط سیر دروازه اصلی

۱- اغلب آتشکده‌های زمان ساسانی در کنار دریاچه‌های زیبا و جوشان که جنبه مقدس داشته‌اند بر پا گردیده است .

شمالی و مدخل شمالی و جنوبی آنشکده درست از وسط آن میگذرد و مراعات این اصل

PLAN 2

پلان تخت سلیمان - حصار و برجهای تخت در زمان ساسانیان



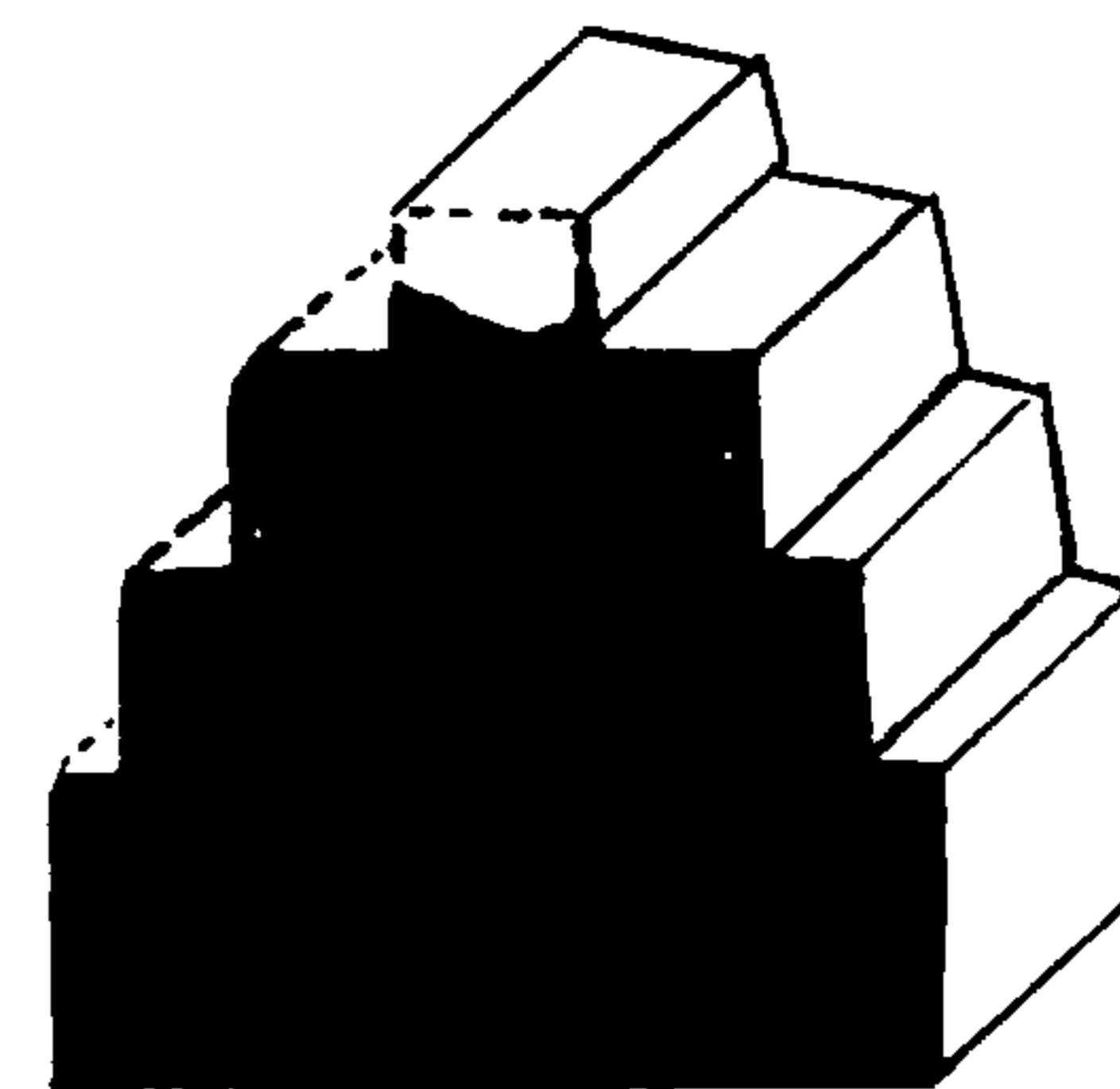
نقشه شماره ۳

نه تنها در زمان ساسانیان بلکه در زمان مغول نیز شده است و هم‌اکنون آثار بناهای

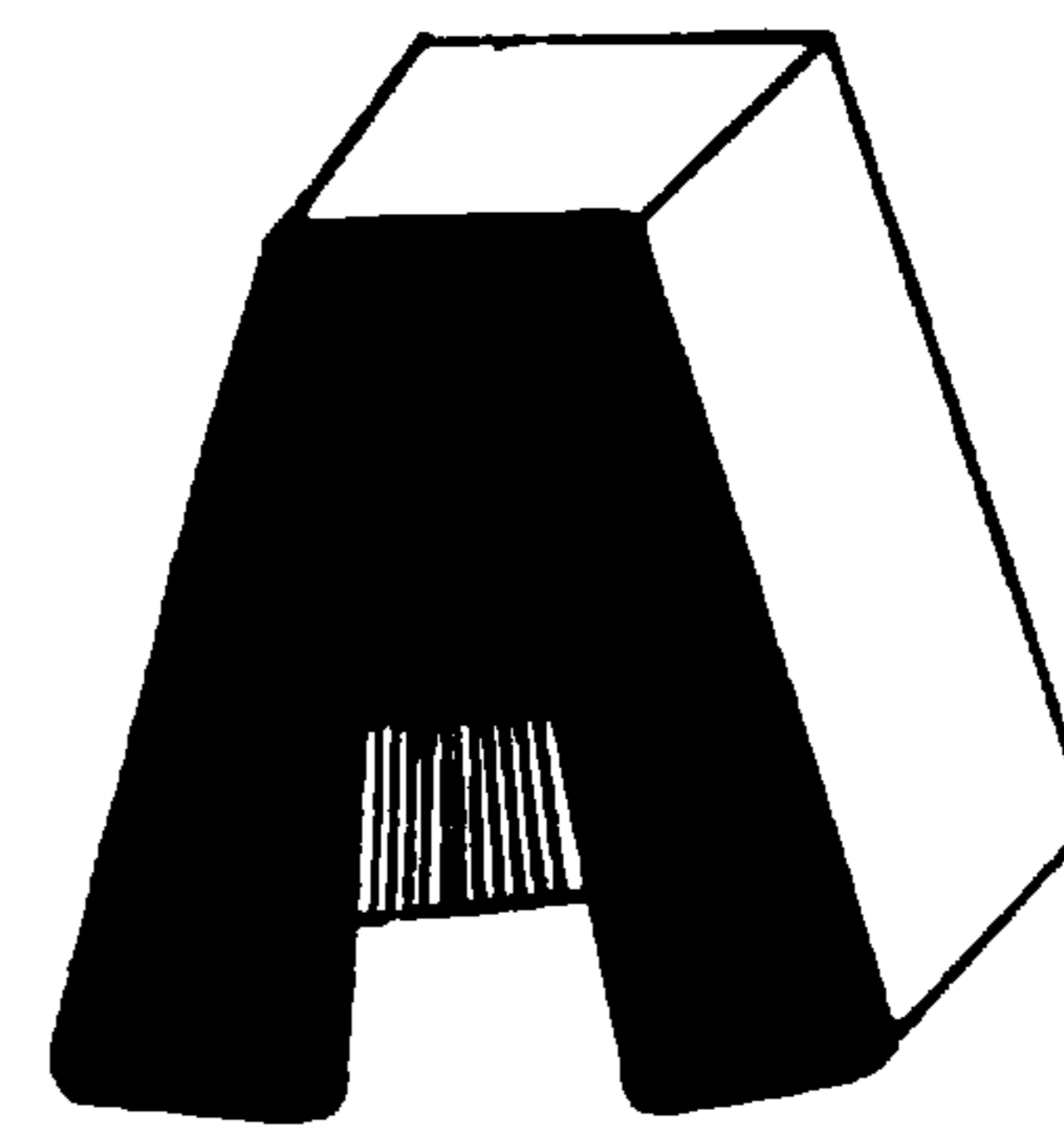
مخروبه زمان مغول که در صفت تخت بچشم میخورد دورادور دریاچه قرار گرفته و نقشه شماره (۳) وضع ساختمانی زمان مغول را نسبت بموقعیت دریاچه نشان میدهد و این هدف در زمان مغول بوضع معقول تری مورد توجه قرار گرفته، بطوریکه در مقابل ایوان شمالی که در شمال دریاچه قرار گرفته است بطور قرینه‌سازی در جنوب آن نیز اقدام بساختن ایوان دیگری نموده اند که امتداد آن منجر بگشایش دروازه‌ای درست در جنوب حصار تخت شده است که بموقع شرح آن خواهد آمد.

حصار تخت بیضی شکل و قطر بزرگ آن از شمال بجنوب چهارصد متر و عرض آن از شرق بغرب سیصد متر میباشد این قلعه دارای دو دروازه است که هنوز آثارش باقیست یکی دروازه شمالی که در حدود هفت متر پائین تر از سطح طبیعی موجود تخت قرار گرفته و درست روبروی در شمالی آنشکده شهر یاری واقع شده، دروازه دیگر در سمت جنوب شرقی قرار دارد و هم‌اکنون محل عبور و مرور بصفه تخت میباشد و نسبت بدروازه شمالی سالمتر مانده است این دروازه نعلی شکل با سنگهای تراشدار بطور مرتب و منظم نظیر طاق‌گرا gara در فاصله بین کرمانشاه و قصر شیرین ساخته شده است. وضع ساختمانی در جنوب شرقی با دروازه شمالی مختصر اختلافی از لحاظ طاق هلالی و نوع سنگهای بکار برده شده دارد که بنظر میرسد دروازه جنوب شرقی با آنکه در زمان ساسانیان ساخته شده ولی در دوران پادشاهان بعدی با تمام رسیده است. سر در دروازه جنوبی با یک ردیف سنگهای مستطیل شکل حجاری شده بطور افقی که در فاصله آنها سنگهای عمودی قرار گرفته، نصب شده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳). در روی تخته سنگهای افقی که زینت بخش قسمت خارجی دروازه جنوب شرقی میباشد هفت تخته سنگ حجاری شده بدین ترتیب نصب شده که سدردیف سنگچین‌های مرتب در زیر و سه ردیف در بالای آن واقع شده و سنگهای حجاری شده هفت تخته میباشد که روی آنها بشکل درگاه‌های رومی حجاری گردیده است و در ردیف آخر سنگچین‌های سر در ناقص و فقط یک سنگ افقی و دو سنگ عمودی باقیمانده است روی دیوارها و برجهای تزئینی با سنگهای حجاری شده بطوریکه در شکل ۹ دیده

میشود زینت داده می‌شده است. ضمن خاکبرداری از بیرون دروازه جنوب شرقی قطعه سنگ بزرگ نعلی شکل بطول یک متر و بعرض هشتاد سانتیمتر که ضخامت آن چهل و پنج سانتیمتر است با حجاری شیب‌داری در وسط آن بدست آمد. سنگ مزبور مربوط به بالای این دروازه بود و طوری قرار داده شده که علاوه بر زیبایی خاص خود در هنگام دفاع و تیراندازی طرف شیب‌دار آن بطرف داخل قلعه قرار میگرفته و وسعت دید بیشتری را در خارج قلعه



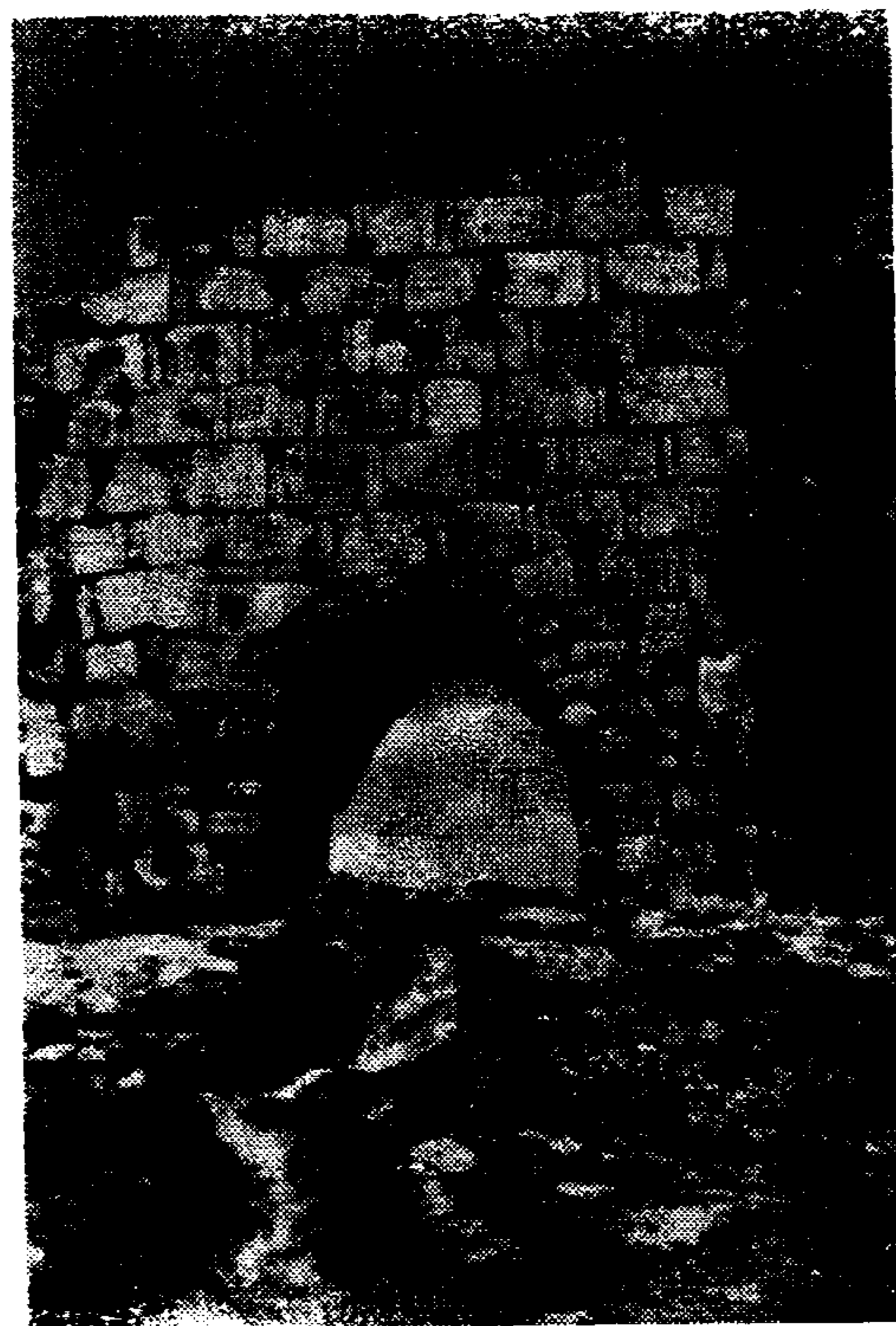
ش ۹- یکی از سنگهای حجاری شده روی دیوارها و برجهای زینتی



ش ۱۰- یکی از سنگهای حجاری شده روی دروازه‌ها بمنظور دفاع و تیراندازی (کمان)

فراهم می‌ساخته و هنگام عمل عکس یعنی برخورد تیر از طرف مخالف محل کمتری هدف واقع می‌شده است. تراش مستطیل شیب‌دار این سنگ بعرض ۲۴ سانتیمتر و طول ۴۵ سانتیمتر و درست در وسط سنگ طوری عمل شده است که انتهای آن با انتهای سنگ در یک طراز قرار گیرد بدون شك در روی برجهای دیده‌بانی و دروازه شمالی چنین سنگهای سنگرمانندی وجود داشته است. (ش ۱۰)

ولی در ورودی دروازه‌ها چگونه باز و بسته می‌شده است مشخص نیست زیرا اثری از وجود در بدست نیامده است و بنظر میرسد دروازه‌های شمالی و جنوب شرقی بوسیله دری‌کشو مانند که توسط دو سوراخ مکعبی شکل از سقف دروازه تا روی دیوار حصار وجود داشته است عملی بوده، بدین ترتیب که هر يك از دروازه‌های موجود دارای دو سوراخ مکعبی شکل در سقف میباشد این درهای کشوئی بعلت بلندی دروازه، طوری ساخته شده که پهناي در باندازه پهناي دروازه و بلندی آن نسبت به دروازه شمالی که بار تفاع ندمتر



ش ۱۱- دروازه امروزی به صفة تخت سلیمان

و دروازه جنوب شرقی که به ارتفاع هفت متر و نیم میباشد اقل از سه متر کوتاهتر بوده است تا بتواند حالت کشوئی خود را در باز و بسته شدن دارا باشد. فرم دروازه شمالی که در اصلی محسوب میشود ساده است و فعلا در شرایط نامناسبی قرار گرفته که ادامه حفاری آن بنظر مشکل میرسد زیرا در شرایط فعلی در حدود پنج متر از این دروازه در زیر خاک

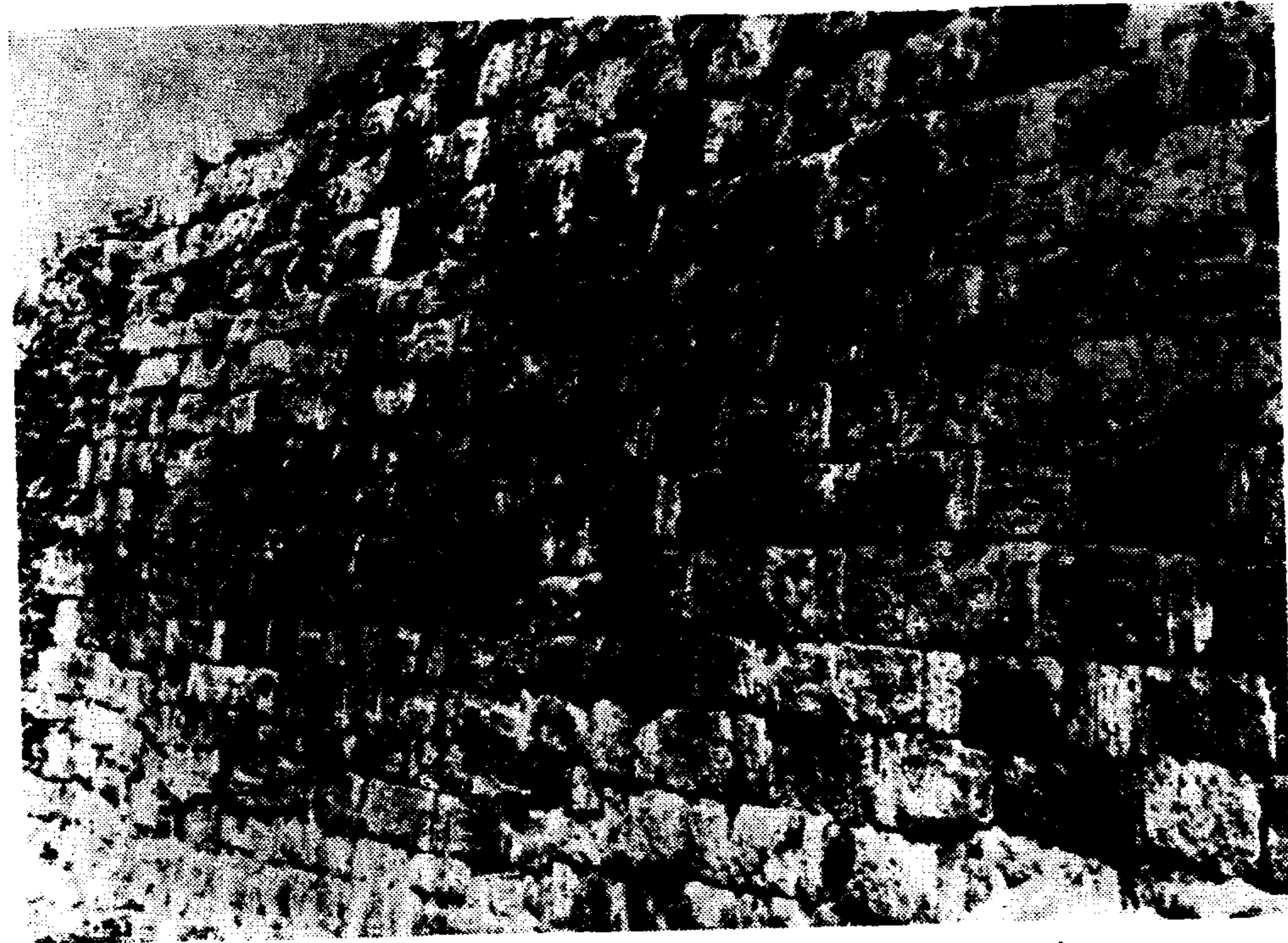


ش ۱۲- نمای خارجی دروازه جنوب شرقی و سنگهای حجاری شده سردرب ورودی



ش ۱۳- نمای داخلی دروازه شرقی

مدفون است و از طرفی با لطماتی که دیده است هیچگونه اقدامی اعم از تعمیر و یا حفاری برای این دروازه مقدور نیست؛ ولی نکته جالب توجه کانی است که از زیر کف اصلی این دروازه میگذرد این کانال بدین شک برای گذر آب باران و تقریباً بصورت فاضل آبی بوده است. کانال مزبور در حدود یک متر عمق و نیم متر عرض دارد و در سنگهای رسوبی حاصله از آب دریاچه تخت سلیمان حفر شده است در کنار این جوی سنگی محاذی سقف دروازه، سنگی سوراخدار شبیه پاشنه در بدست آمده که بنظر میرسد در کشتوی این



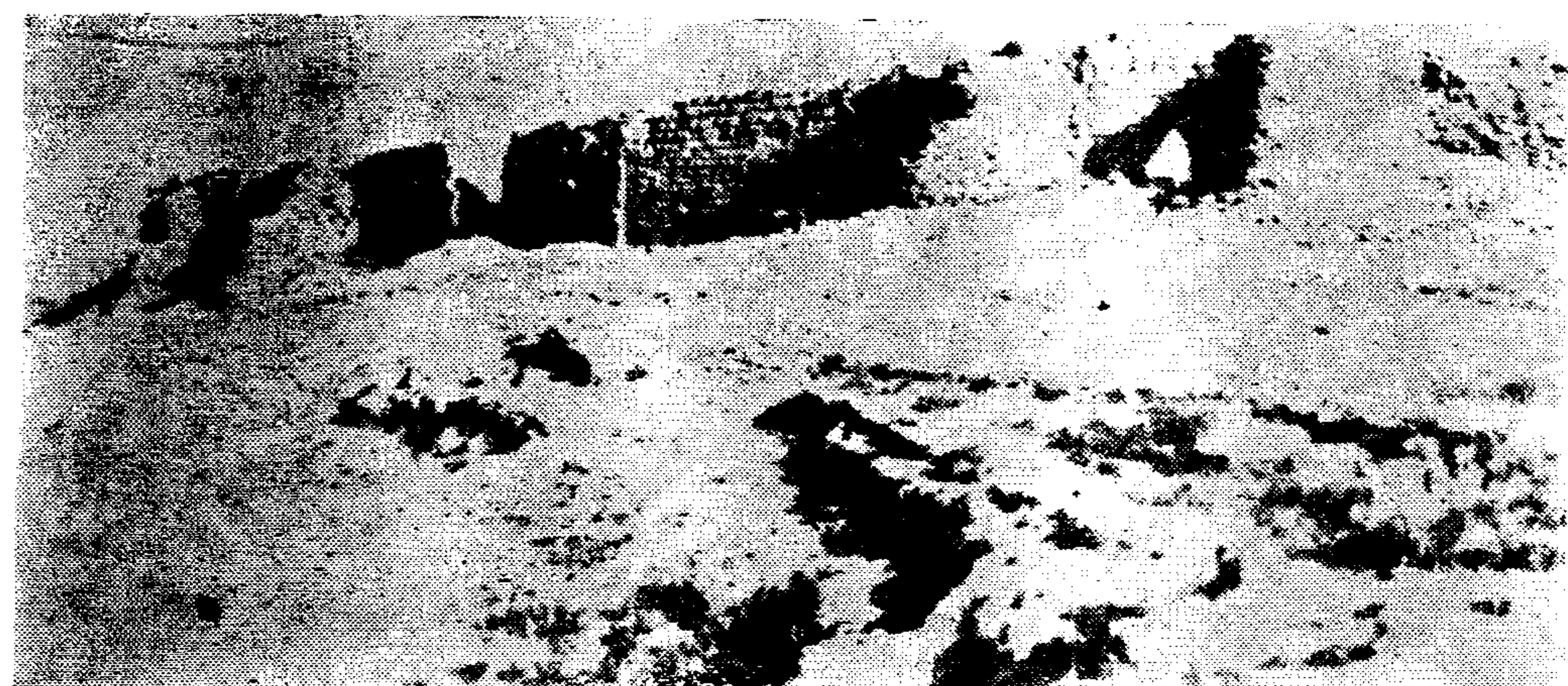
ش ۱۴- تزیینات حجاری سطح خارجی حصار قلعه تخت سلیمان

دروازه دارای پایه‌هایی بوده که درون این پاشنه‌ها قرار می‌گرفته است فرم دروازه جنوبی همانطور که ذکر شد مختصراً اختلافی با دروازه شمالی دارد و تزیینات حجاری این دروازه نیز با کار گذاشتن سنگهای عمودی برخلاف آنچه معمول بوده است و مخصوصاً شکسته‌هایی که در طاق‌نعلی شکل آن ایجاد شده است اگر چه در زمان ساسانیان ساخته شده، باید مربوط بدوران دوم ساسانی باشد که بصورت طاق نیم شکسته در آمده است. (تصویر ۱۳)

جدار داخلی دیوار تخت برخلاف جدار خارجی ، از سنگهای نسبتاً کوچکتر بدون حجاری ولی مرتب ساخته شده است دورادور دیوار تخت را دیواری عظیم بضامت



ش ۱۵ - منظره طبیعی قلعه تخت سلیمان (عکس هوایی)



ش ۱۶ - منظره حصار قلعه تخت سلیمان

ده متر و بار ارتفاع هفت متر و نیم که درازای آن برابر با محیط داخلی تخت میباشد از خشتهای

خام بمنظور استحکام بیشتر دیوار اصلی بنا نموده و مخصوصاً برای جلوگیری از طغیان و خرابی آب دریاچه ساخته اند یک ردیف دیوار سنگچین غیر جالبی دیوار خشتی را دایره وار احاطه کرده است. بدین ترتیب برای حفاظت دیوار اصلی سه ردیف دیوار سنگی و خشتی که رویهمرفته در حدود پانزده متر ضخامت دارند ساخته شده است و چنین سعی و کوششی در ایجاد دیواری عظیم دلیل بر علاقه باطنی و مذهبی بدین محل است این مطلب ضمن حفاری در دو ترانشه که بمنظور تحقیق درباره ارتفاع دیوار تخت و پیدا کردن کف اصلی در جبهه غربی قلعه در سال ۱۹۵۸ شروع بکارش و در سال ۱۹۶۱ در قسمت شرقی



ش ۱۷ - نمای برجهای تزئینی حصار تخت سلیمان

حفر گردید و ضمن حفاریات بد دیواری از خشتهای بزرگ و چینه بسیار عظیمی که دورادور دیوار قلعه از داخل کشیده شده است برخوردار نمودند ، بدیهی است در مورد قدمت و علت ایجاد چنین دیوار عظیمی بحث های زیادی بود ولی ترانشه ۱۹۶۱ که بطول پانزده متر و عرض پنج متر توسط اعضای سوئدی هیئت مشترک حفر گردید پس از گذشتن از طبقات بعد از مغول و دوران مغول سرانجام در عمق ۲ متری این ترانشه به دیواری نظیر دیوار ترانشه غربی برخورد کرد و از این محل ترانشه را با بعد ۳ متر در ۲ متر با عمق ۹/۵ متر از سطح طبیعی موجود پائین برده و در نتیجه مسام گردید که این دیوار عظیم

دورادور قلعه و در قسمت جلو دیوار اصلی ساخته شده دیوار مزبور دارای ۷/۵ متر ارتفاع و ۱۵ متر پهنا و طول آن برابر محیط داخلی قلعه میباشد چنین دیوار عجیب و غریبی که قسمت اعظم آن با خشت‌های بسیار بزرگ و بطور متوسط بابعاد $۱۰ \times ۴۰ \times ۵۰$ سانتیمتر ساخته شده، تنها با دیوار معروف چین قابل مقایسه است، ساختن چنین دیوار قطوری در داخل قلعه و متکی بدیوار خارجی شاید بسه منظور زیر بوده است:

- ۱- بمنظور استحکام دیوار اصلی و حفاظت بیشتر قلعه.
- ۲- بمنظور بالا آوردن سطح حاشیه تخت از جهت تسطیح و یکنواخت نمودن آن.
- ۳- شاید دیوار اولیه تخت همین دیوار خشتی بوده و در دوران بعدی ساسانی اقدام بساختن دیوار بزرگی از سنگهای حجاری شده نمودند ولی آنچه مورد تایید و غیر قابل انکار است اینست که این دیوار پیش از دیوار اصلی بنا گردیده و علت آنهم برش جای دروازه‌های شمالی و جنوبی است که در داخل این دیوار احداث شده است و قسمت کف آن در عمق ده متری بصورت سنگ فرش شفته ریزی شده است. علاوه بر اینها یک سلسله ساختمانهای سنگی و آجری مخروطی و غیر مشخص درون قلعه ساخته شده که اغلب آنها اسلامی بوده و در روی بناهای زمان ساسانی ایجاد گردیده است این بناهای مخروطی در اطراف آتشکده و دریاچه تخت سلیمان بطور مستطیل شکل قرار گرفته اند و هم اکنون ضمن خاک برداری از خاک خارج میشوند و معرف هنر معماری زمان مغول در تخت سلیمان میباشد که خود حائز اهمیت و ذکر آنها خواهد آمد.

با توجه با آنچه گذشت نظر باینکه قریب ۸ سال است که وقت هیئت حفاری صرف خارج کردن اسکلت متلاشی شده آتشکده و ساختمانهای وابسته بان میگردد و یقیناً چند سال دیگر نیز وقت لازم است تا قیافه اصلی آتشکده و ملحقات آن نمایان گردد اهمیت این محل تاریخی کاملاً روشن میشود و اینک بذکر جزئیات این عملیات حفاری و بنای تاریخی آتشکده آذرگشنسب میپردازیم:

از جمله مذاهبی که در ایران باستان ظهور کرد یکی مذهب مهرپرستی است که

مدت سدقن بامذهب مسیح رقابت میکرد و غلبه با او بود. بنظر میرسد در زمان هخامنشی دین زردشت رونقی داشته است چنانکه مادام دیولافوا در صفحه ۳۷۸ سفرنامه خود چنین مینویسد: « شاید ایندو آتشگاه قدیمی و روایات مربوط بآنها در یوش کبیر را باین فکر انداخته که مقابر سلطنتی را در روی این صخره‌ها و در مجاورت این بناهای قدیمی مقدس قرار دهد و ساسانیان هم نظر بقدمت و شهرت این کوه بخيال افتادند که فتوحات خود را در دامنه این کوه مقدس بیادگار باقی بگذارند. پیروان زردشت از زمانهای بسیار قدیم بزیرات این آتشکده‌های نقش رستم می آمده اند و در همین ایام هم که زردشتیان تقریباً از منته پرافتخار نیاکان خود را فراموش کرده اند؛ گاهی پارسیان هندی بزیرات این آتشکده‌ها و مقبره موقتی که معروف بکعبه زردشت است می آیند. »

در صفحه ۴۰۲ همین کتاب اشاره میکند: « اهورامزدا مجسمه و معبد مخصوصی نداشته است فقط در قلعه کوهها محل‌هایی بوده است که روحانیان زردشتی آتش مقدس را در آنجا همیشه روشن نگاه میداشتند و ایرانیان برای خدا گاو و اسب و گوسفند قربانی میکردند. گوشت قربانی را در مجاورت آتش میگذاردند نه در روی شعله فروزان آن، تا آتش از ترشحات آن آلوده نشود. »

بعداز هخامنشیان نیز اقوام پارتی بمهرپرستی علاقه خاصی نشان دادند و معابد متعددی برای این الهه بوجود آوردند ولی در سال ۲۲۴-۶۵۰ بعد از میلاد ساسانیان دین زردشتی را آئین رسمی خود قرار داده و آنانکه خود را از اعقاب هخامنشیان میدانستند پیوسته سعی و کوشش داشتند که وسعت مملکت را بزمان هخامنشیان برسانند. یکی از علل موفقیت هخامنشیان را وحدت مذهبی و قبول آئین مزدایسنی میدانستند. بنا بر این با قبول دین زردشتی مؤسس رستاخیز فرهنگی عظیمی شدند که پایه دانش آن بر روی دین زردشت استوار شده بود ساسانیان از ابتدا با روحانیون زردشتی متحد شدند و این رابطه محبت در میان دین و دولت تا آخر عهد آنان استحکام داشت.

آثار و مظاهر این یکنواپرستی را با ایجاد آتشکده‌های عظیم و آتشدانهای فرعی

در نقاط مختلفه مملکت به ثبوت رسانیده و بدین ترتیب وحدت مذهبی را با وحدت ملی آمیخته قدرت فوق العاده‌ای بوجود آوردند. مردم معتقد بودند که هر کس در روز سه بار با تشکده برود و دعای نیایش آتش را بخواند صاحب ثروت و فضیلت میشود زیرا آتش در آئین زردشتی خیلی مهمتر از سایر عناصر بوده است.

لذا صرف نظر از کاخهای سلطنتی ساسانیان از جمله بناهاییکه پیوسته مورد توجه و در ساختمان آن کمال اهمیت را قائل شده اند آتشکده‌ها است. چنانچه هر شهر و قصبه‌ای نسبت بتعداد جمعیت و درجه آبادانی آن دارای آتشکده‌ای بوده است.

در صفحه ۱۰۲ آثار عجم فرصت شیرازی تحت عنوان اجمالی از تفصیل ظهور زردشت و بنای آتشکده‌ها چنین مینویسد: « زردشت مردی بوده که نسبتش بمنوچهر بن ایرج میرسیده پنجهزار و بیست و سه سال بعد از هبوط آدم علیه السلام ظهور نموده. بعقیده پارسیان پیغمبری بزرگوار و حکیمی ریاضت شعار بوده کتاب زند و پارتد معروف را معجزه خود آورده.

در سال چهارم از سلطنت گشتاسب بنزد آن رفته، پس از امتحانات بسیار و اظهار معجزات که از زردشت بظهور پیوست گشتاسب بدو ایمان آورده و دین او را رواج داده اسفندیار پسر گشتاسب نیز معتقد وی شده کدتر و یج و تعیین آتشکده‌ها پرداخته در آذربایجان و بلخ و ارض ارمن و بعضی از مملکت یوروپ و هند و روم و عربستان و فارس حتی در ناحیه چین آتشکده‌ها ساخته.»

میدانیم که در زمان شاپور دوم کشور ماد و خصوصاً ایالت آتروپاتن (آذربایجان) را کشور مغان میشماردند و آتش هر محلی را نیز بنا بمقتضای دستجات مختلف بوجود می‌آوردند مثلاً آتش موسوم باذران برای آبادیها و آذروهرام برای بزرگان محسوب میشده است. بعضی از همین آتشکده‌ها بعلت استحکام و وسعتی که داشته‌اند در زمان اسلامی بصورت مساجد درآمده‌اند (نمونه‌ای از این بنا هم اکنون در شهر یزد پدیدار است که از آتشکده‌های باستانی بوده و در زمان فتح اسلامیان بمسجد تبدیل یافته است در قزوین هم

مسجد حیدریه و در دامغان تاری خانه آتشکده بوده که بعدها بصورت مسجد درآمده‌اند). از جمله کارهای مهم پادشاهان ساسانی توجه با تشکده‌ها بوده است و از اهم اقدامات آنان گرفتن موقوفات جهت نگهداری آتش و گماشتن ملازمینی برای حفظ و حراست آنها بوده است آتش اجاق هر گز نبایستی خاموش شود و نور آفتاب نبایستی بر آتش بتابد و آب با آتش نبایستی ملاقات نماید. مردم نسبت با عقائدات مذهبی خود در روشن نگاهداشتن آتش کمال دقت را داشته‌اند نگهداری این آتش در منازل بدست فرزندان خانواده بوده و چنانچه کسی دارای فرزندی نبود بالطبع آتش خاندان او پس از مرگش خاموش میگردد. هنوز هم این ضرب المثل در میان ایرانیان مرسوم است: (کسی که دارای اولادی نباشد او را اجاق کور میگویند) و چنانچه بر حسب تصادف یکی از آذران خاموش میشد روشن کردن آنرا از آخر سد آتشکده بزرگ و معروف جزء عبادات میدانستند. روح اعتقاد و ایمان پادشاهان ساسانی نسبت به پرستش و احترام آذران آنچنان بوده است که در روی سکه‌های آنان در یک طرف صورت خود و در طرف دیگر سکه نقش آتشدان را با دو ملازم در اطراف آن مجسم نموده‌اند (جزئیات آتشگاه در سکه‌های اردشیر اول بهتر نمایان است). در مورد این سکه‌ها آقای کریستن سن^۱ چنین می نویسد: « در پشت سکه حکام پارس که خراج گزار سلوکیها بودند صورت آتشکده دیده میشود. در سکه مزبور سد عدد آتشدان که معمولاً در میان آتشکده جای دارد در بالای آتشکده نقش کرده‌اند. در سمت چپ شخصی در حال عبادت و در جانب راست پرچمی دیده میشود. جزئیات آتشگاه در سکه‌های اردشیر اول بهتر نمایان است آتشگاه را طوری قرار داده‌اند که یک سد پایه فلزی در روی آن واقع شده و آتش مقدس در حال اشتعال در بالای سه پایه نمودار است. اما در سکه‌های شاپور اول آن سه پایه ازین رفته و آتشکده بصورت ستونی بزرگ و چهار ضلعی ساخته شده است در دو طرف آتشگاه دو تن با عصا یا نیزه بلند ایستاده‌اند بعد از

۱- ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن دانشمند فقید دانمارکی ترجمه آقای

شاهپور سایر پادشاهان ساسانی این نقش را تقلید کرده اند. گاهی شکل سری که گویا از آذر (خدای آتش) باشد از میان شعله‌ها نمایان است، غالباً در حاشیه سکه‌های پادشاهان نخستین ساسانی تا یزدگرد دوم کلمه (آتش...) دیده میشود که اسم پادشاه صاحب سکه در دنباله کلمه آتش بجای مضاف الیه ضرب شده است.»

حتی در زمان جنگ آتشدانهای زرین را که درون آنها آتش منبرک فروزان بود با خود حمل میکردند و مؤبدان در اطراف آن برآز و نیاز پرداخته طلب فتح و پیروزی میکردند هر پادشاهی به سلطنت میرسید آتشی با احترام و شادی این فره ایزدی و موهبت الهی که نصیبش شده بود بر پا میکرد در آتشکده‌ها مؤبدان باید تمام آداب و رسوم مذهبی



ش ۱۸ - نمای مدخل شرقی آتشکده آذرگشنسب

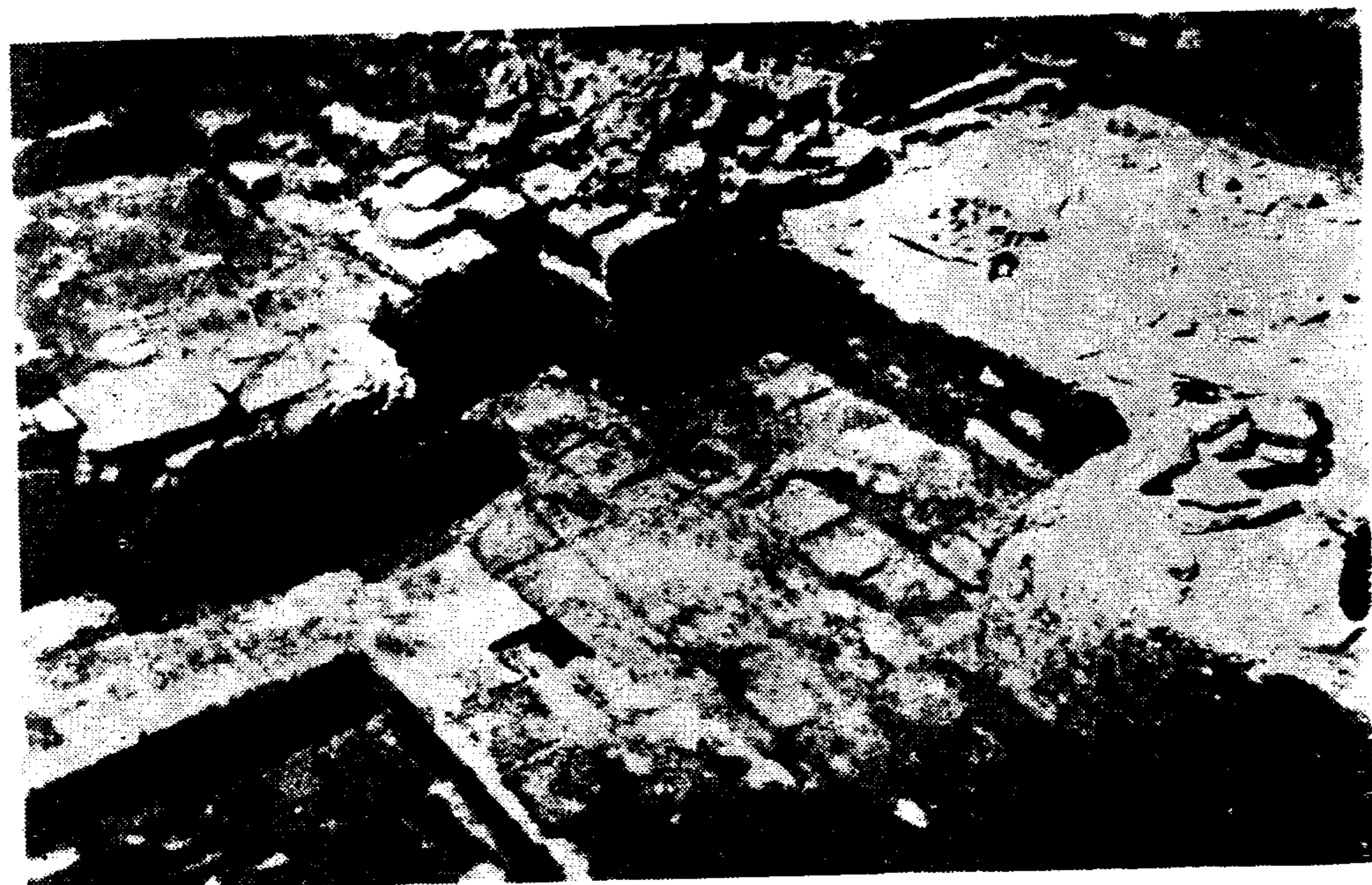
را که انجام بعضی از آنها هم بسیار دشوار بوده است بجای آورند آتشهای مقدس زمان ساسانیان نسبت بدرجه و اهمیت خود عبارتند از:

- ۱- آتشکده آذر فر بنغ یا آتش مؤبدان که در کاریان فارس بوده.
- ۲- آتشکده آذر مهر برزین که در مشرق ایران و در ریوند خراسان واقع و آتش کشاورزان محسوب میشده.

۱- کریستن سن در مورد این آتشکده در صفحه ۱۰۷ ترجمه ایران در زمان ساسانیان مینویسد: «ظاهر آتش مقدس آنجا را بوسیله یک منبع نفتی افروخته نگاه میداشته‌اند.»



ش ۱۹ - نمای عمومی آتشکده آذرگشنسب (مدخل شرقی)



ش ۲۰ - آتشدان B واقع در محوطه شرق آتشگاه

۳- ولی از همه مهمتر آتشکده آذرگشنسب است که آتش پادشاهان و لشکریان بود و در شهر گنگزک یا شهر شیز آذر بایجان یعنی همین تخت سلیمان فعلی واقع بوده است. پرستش این سه آتش از دیر زمان بین زرتشتیان مرسوم بوده است. چنانکه گویند آتشکده آذر مهر برزین و آذر گشنسب در زمان اشکانیان نیز فروزان بود. آتشکده آذر گشنسب یکی از آتشکده‌های مهم بلکه اعجاز آمیز بوده که پادشاهان ساسانی هنگام خوشی و سختی بدان متوسل میشده‌اند و هنگام تاجگذاری و اعیاد و یا هنگام وقوع جنگ و قحطی و خشکسالی بآنجا رفته، پس از دادن نذورات و اهداء اشیاء نفیس به آتشکده از آنجا بمیدان جنگ رهسپار میشدند. تا جائیکه بهرام پنجم گوهرهای تاجی را که از خاقان ترك و زنش گرفته بود همه را بآتشکده آذر گشنسب فرستاد و خسرو پرویز هنگام جنگ با بهرام چوبین نذر کرد، چنانچه بر او غالب شود نذورات جالبی باین آتشکده بفرستد و پس از فتح نیز بعهده خود وفا کرد و زینتهای زرین و سیمین بسیار بدانجا فرستاد. خسرو انوشیروان نیز باین آتشکده هدایائی تقدیم داشته، سکه‌هاییکه از پادشاهان مختلف ساسانی ضمن عملیات حفاری در این محل مقدس بدست آمده مؤید اینست که در زمان سلطنت پادشاهان مختلف ساسانی این آتشکده پابرجا و محل عبادت و ستایش آن شهریاران بوده است. اختلافاتیکه در سبک معماری و تعمیرات این آتشکده در زمان ساسانیان مشاهده میشود خود دلیل روشنی بر دوام عمر و بقای این بنای تاریخی در زمان ساسانیان میباشد. تاجائیکه تعمیرات تدریجی و ملحقیات ساختمانی این محل را میتوان بسه دوره بشرح زیر تقسیم نمود:

- ۱- دوران ایجاد اولین پی بناهای ساسانی که در آن فقط آجر بکار برده‌اند.
- ۲- دوران دوم که علاوه بر استعمال آجر سنگهای حجاری شده مخلوط با آجر در آن بکار رفته، بدین ترتیب که گاهی در روی آجرها سنگهای قالبی حجاری شده بکار برده‌اند.
- ۳- دوره سوم زمانی است که فقط سنگهای تراشدار استعمال شده و باید در نظر

۱- نقل از کتاب تمدن ساسانی تألیف استاد سعید نفیسی ص ۱۰۷.

گرفت که حجاری جدار خارجی حصار قلعه نیز همزمان با این دوره است. بهر جهت این آتشکده در میان سایر آتشکده‌های معروف آن زمان بنام آتشکده شهر یاری و لشکریان موسوم و بیش از دیگر آنها مورد احترام و ستایش بوده است. آتش این آتشکده بصورت منبع خاموش نشدنی در طول دوران عظمت ساسانیان همیشه روشن بوده و از آتش متبرک آن بسایر آتشکده‌ها و آتشدانها میبرده‌اند. در مورد عظمت و جلال این آتشکده و موقعیت مناسب آن که هنوز هم مورد تحسین و اعجاب هر بیننده است؛ مورخان بسیاری قلمفرسائی کرده‌اند از جمله مسعودی مورخ معروف که در سال ۳۴۵ قمری در گذشته است در کتاب التنبیه والاشراف صفحه ۲۲۵ آتشکده آذر گشنسب را بدینگونه وصف کرده است:

« در روزگار ما در این شهر (شیز) بازمانده‌های شگفت انگیز ساختمانها و نقاشیهای رنگارنگ و بسیار زیبا دیده میشود که نقش کره آسمان و ستارگان و جهان و خشکیها و دریا و جاهای آبادان و گیاهان و جانوران و چیزهای جالب دیگر در آن وجود دارد پادشاهان در آنجا آتشکده‌ای داشتند که همه پادشاهان ایران آنرا بزرگ میداشتند و نام آن «آذرخش» بوده است. استاد سعید نفیسی عقیده مند است که کلمه آذرخش تحریفی از همان آذر گشنسب میباشد که مطابق معمول زبان تازی «آذر جشنس» نوشته شده و کاتب بخط آذرخش نوشته است.»

همچنانکه سبئوس Sebēos مورخ معروف ارمنی در تاریخ هراکلیوس صفحه ۹۶ مینویسد که وی پس از گرفتن نخجوان بسوی گنگزک متوجه شده که ده معرفی بوده و در آنجا عبادتگاه‌های آتشکده بزرگ را که و شنسب مینامیدند واژگون کرد.

البته گنگزک در زبان ارمنی ضبط دیگری از همان کلمه گنگزک و گنجه است و و شنسب هم همان کلمه گشنسب زبانهای ایرانی است.

یاقوت حموی نیز پس از ذکر افسانهای در معجم البلدان صفحه ۲۴۶ در مورد ساختن این آتشکده توسط هرمز پادشاه ساسانی، میگوید که در شیز آذر جشنس بوده است و آن

آتشکده در نزد مجوس بزرگوار است و چون کسی از ایشان بیادشاهی میرسید پیاده زیارت آن میرفت و مردم مراغه و آن نواحی آنجا را «کزنا» میگویند. استاد سعید نفیسی در کتاب تمدن ساسانی در این مورد نیز اشارت کرده مینویسد کاتب «آزرجشنش» نیز مانند سایر کتاب معرب و مخفف «آزرگشنسب» را بخط «آزرخش» و در برخی «ناردرخش» نوشته و همین سبب شده است که برخی از فرهنگ نویسان هم این کلمه را «درخش» نوشته اند. کریستن سن دانشمند فقید دانمارکی در صفحه ۳۳۰ کتاب ایران در زمان ساسانیان ترجمه رشید یاسمی در وصف این آتشکده چنین مینویسد: «در کاخ گنزک صورتی از مجلس تاجگذاری شاهنشاه هم بوده است و در پیرامون آن نقش بزرگان و اشراف کشور در حال سلام دیده میشده است. این کاخ گنبدی متحرک داشته که بر سقف آن سیارات هفتگانه و دوازده برج و اشکال مختلفه قمر را نقش کرده و آلتی تعبیه نموده بودند که در اوقات معین باران میباریده و بانگ رعد میکرده است این ساعت عجیب در قصر شاهی گنزک نزدیک آتشکده شاهنشاهی آزرگشنسب واقع بود هر قل آن کاخ و ساعت آتشکده را ویران کرد، غنیمتی هنگفت در سال ۶۲۸ م هنگام غارت دستگرد نصیب هر قل شد بنا بر روایت تئوفان قیصر در آنجا سیصد لوای رومی که در جنگها بدست ایرانیان افتاده بود با مقداری کثیر سیم غیر مسکوک و میزهای مخصوص عبادت و فرشهای گلابتون دوز و پارچه‌های ابریشمی و جامه‌های حریر و پیراهن سفید بیشمار و قند و زنجبیل و خردل و غیره بدست آورد و مقدار بسیار عود و مواد معطر دیگر یافت در حیاط بزرگی که جزء قصر خسرو بود و آنرا (پارادیس) میگفتند شتر مرغ و غزال و گورخر و طاوس و تدر و شیر و پلنگ بسیار دیدند، این محوطه ظاهراً شکارگاه خسرو بود که نقش آنرا در جدار جنبین طاق بزرگ طاق بستان می بینیم.^۲

گویند مجسمه بزرگ خسرو بطرز باشکوهتر از پادشاهان بابل قدیم در میان کاخی

۱- پارادیس بمعنی بهشت است و فردوس از این ریشه است.

۲- کریستن سن این قسمت مربوط به نقش طاق بستان را از عقاید هر فسفلد پروفیسور باستان شناس آلمانی میداند (ص ۳۳۰).

در زیر گنبدیکه نمایش آسمان بود نشانیده بودند و در گرداگردش خورشید و ماه و ستارگان را میدیدند که همراه با فرشتگانی که چوب بدست داشتند و بوسیله بعضی دستگاههای آن مجسمه باران میریخت و تندر را بصدا میآورد.

حال اگر خلاصه نوشته‌های ابن مورخین را تلفیق و تطبیق دهیم همه این افساندها دال بر عظمت و شکوه این آتشکده میباشد که هر اقلیوس در سال ۶۲۴ میلادی دستور داد آن مجسمه‌ها را با خاک یکسان کردند. رویهمرفته با اینکه این تعاریف بیشتر جنبه افسانه دارد مع الوصف با توجه بشکوه و جلال شاهان ساسانی شکی باقی نخواهد ماند که نظائر چنین دستگاهی توسط پادشاهان ساسانی در این محل ایجاد شده است زیرا مظاهری از قبیل نمایش ماه و آسمان که مطلوب پادشاهان ساسانی بوده و در روی سکه‌های مکشوفه ساسانی ملاحظه میشود میرساند که پادشاهان ساسانی بر بالای تاج سلطنتی خود گوی قرار داده اند که علامت کره زمین یا نمایش آسمان است و اینکه در بالای آتشکده هلال و کره فلکی وجود داشته و همچنانکه در روی سکه بعضی از پادشاهان ساسانی این هلال و کره فلکی نقش شده است بدون شك این علائم نماینده الوهیت شخص پادشاه بوده است^۱ و انگهی رنگ مظاهر طبیعی مخصوصاً ماه و ستارگان با اندازه‌ای در روحیه آنان مؤثر بوده است که اغلب پادشاهان ساسانی حتی رنگ لباسهای خود را از طبیعت تقلید میکردند بویژه رنگ شلوار آنان آسمانی رنگ بوده است. احترام و ستایش آتش یکی از مظاهر زردشتی است که خود آنرا مظهر مزدیسنا میدانند بدون شك این نکته نیز از بقایای پرستش‌های طبیعیون قدیم بوده است.

ابن خلدون مورخ معروف تازی در وصف درفش ساسانیان چنین مینویسد: «روی این پرچم بازر به صدخانه تقسیم شده بود که ثبات فلک و کوکب را در صدخانه نمایش میداد و بر روی درفش صورت فلکی و شکلی از ستاره و آسمان نقش شده بود و از اینجهت

۱- وجود هلال در بالای معبد و همچنین در طاقچه طاق بستان و اطراف سکه‌های ساسانی که نوک آن سمت بالا برگشته بعقیده بارتولد تحت عنوان هلال شمار اسلام پیش از آنکه جنبه دینی بخود بگیرد اصولاً شمار خاندان سلطنتی بوده است.

اورا اختر کابویان نیز گفته‌اند همچنین بشقاب نقره‌ای زرا ندودی که در سال ۱۹۰۷ در برم روسیه بدست آمده و کپی آن در موزه ایران باستان موجود است دارای نقشی است که ظاهراً همان گنبد آتشکده شهر شیز را نمایش می‌دهد.

یاقوت حموی (۵۷۵-۶۲۶ هجری) در وصف این آتشکده مینویسد آتشکده بزرگی است که پادشاهان ساسانی بزرگش دارند و همه آتشیهای مجوس را از شرق تا غرب از آنجا می‌برند و در بالای آن گنبد هلالی شکلی از نقره است که طلسم است و گروهی خواسته‌اند که آنرا بکنند و نتوانسته‌اند از شگفتی‌های این آتشکده اینست که آتش آنرا هفتصدسال سال پیش افروخته‌اند و در آن خاکستر نمی‌بند و یک ساعت هم خاموش نشده است. و راجع بشیز میگوید ناحیه‌ایست در آذربایجان و شیز معرب از جیس است و گفته شد که زردشت پیغمبر مجوس از آنجا بود و قصبه این ناحیه ارومیه است و خلیفه متوکل مرزبانی آنجا را به حمدون بن اسماعیل‌الدینم داد.

ولی ابودلف مسعر بن مهلهل که در حدود ۳۲۸ بان نواحی رفته است پیش از دیگران در مورد شهر شیز و آتشکده آن قلم‌فرسائی کرده است و پیش از آنکه شرح مسافرت این جهانگرد عرب را ذکر کنیم عقیده آقای مینورسکی استاد سابق دانشگاه لندن را در مورد سفرنامه ابودلف و شخص وی بمنظور آشنائی بیشتر یادآور می‌شویم. او مینویسد سفرنامه ابودلف مسعر بن المهلهل الخزر جی الینبوعی شاعر و جهانگرد عرب در آغاز قرن چهارم هجری راجع بایران نوشته شامل تحقیقات جغرافیائی و تاریخی اطلاعات پرارزشی در باب معادن ایران است ولی خود وی مدعی بوده که در علوم طبیعی دست داشته است ابودلف بیشتر عمر خود را بجهانگردی گذرانده و در شهرهای مختلف ایران گردش نموده و مدت ۹۰ سال در رنج و سختی امرار حیات نموده است و مسافرتهای دشوار نموده و در مساجد منزل می‌کرده و بمطالعه و خدمات ادبی پرداخته و طرز تصور و علاقمندی او به چیزهای شگفت آور نیز نشانه‌ای از طبع مخصوص مردم جنوب عربستان است.

۱- بهمین دلیل از گاز طبیعی استفاده می‌کرده‌اند.

ابودلف علاوه بر اطلاعات جغرافیائی علاقه زیادی بمواد معدنی از خود نشان داده و بیش از چهل معدن طلا و نقره و سرب و گوگرد و جیوه و مس و زاج و غیره را معرفی نموده و اقسام فلزات این معادن را توصیف مینماید و در عین حال به آبهای معدنی و خاصیت آن توجه داشته و از طرفی آثار بناهای تاریخی مخصوصاً آثار دوره ساسانی را با دقت بیشتر توصیف نموده است^۱ و در مورد وصف شیز آقای مینورسکی مینویسد موقعیت مکانی که ابودلف آنرا بنام شیز توصیف میکند تردیدی نیست شاید محل مزبور همان دژ قدیم پارتی بوده که اکنون تخت سلیمان خوانده میشود در وسط يك دره افقی که بستر رود ساروق است تك تپه‌ای قرار دارد و در اطراف آن صحنه‌ای از تپه‌های دیگر تشکیل شده است در وسط دژ استخری است که آب آن در جویهای متعدد بدامنه‌های تپه سرازیر میشود و سپس یادآور میشود که ابودلف با اهمیت زیادی این مکان را شیز میخواند و آتشکده آنجا را وصف میکند. بدین ترتیب که در رساله دوم راجع بایران مینویسد اینک بشرح معدنهای طبیعی و شگفتیهای معدنی که عموماً سودمند است میپردازم و سعی میکنم در این باب باختصار برگذار نمایم و ادامه می‌دهد. چون برهنر شریف و تجارت سودمند تصفیه و تقطیر و اقسام حل نمودن و آهکی کردن فلزات احاطه یافتم در باب سنگهای معدنی و گیاههای طبی دچار تردید و اشتباه شدم و لازم دیدم بدنبال سنگهای خام معدنی و چشمه‌ها بروم از این رو با دریافت اطلاعات و اوصاف به (شیز)^۲ رسیدم و آن شهری است میان مراغه و زنجان و شهرورد و دینور^۳ و در کوهپهائی واقع است که دارای معادن طلا و جیوه و سرب

۱- مینورسکی مسافرت ابودلف را به شیز نشانه علاقه وی بمعدن شناسی و آثار تاریخی آن محل میدانند.

۲- مترجم کلمه شیز را معرب و نام قدیم دریاچه (رضائیه) و قلعه قدیمی پارت دانسته که خرابی آن اکنون بنام تخت سلیمان میباشد و در جلگه ساروق جای در مصب رود جغتو جای و در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه واقع است.

۳- شهرورد - شهرزور نوشته و اضافه مینماید که مکان شهرورد معلوم نیست ولی بنا بر منابع عربی در نزدیکی زنجان و در سر راه همدان واقع بوده در صورتیکه شهرزور منطقه کوچکی در کردستان نزدیک حدود ترکیه و ایران و در مشرق سلیمانیه فعلی عراق است و چنین نتیجه میگیرد که تخت سلیمان یا شیز قدیم تقریباً در مرکز مربعی بوده که چهار گوشه آنرا مراغه - زنجان - شهرزور - دینور احاطه نموده‌اند.

و نقره و زرنیخ و سنگ معروف به لعل بنفش (الحمت) میباشد دیوار این شهر (شیز) دریاچه‌ای را احاطه نموده است که وسط آن به ته نمیرسد من وزنه‌ای با ریسمانی بطول چهارده هزار و کسری ذراع در آن انداختم ولی وزنه به ته دریاچه نرسید. محیط دایره این دریاچه در حدود یک جریب هاشمی است و چون خاک با آب آن خیس شود فوراً بشکل سنگ سخت درمیاید.

از این دریاچه هفت نهر جاری است که هر یک با سیاهی میریزد و سپس از زیر دیوار بیرون میرود. در شیز آتشکده مهمی وجود دارد که آتش زردشتیان از آن بسوی شرق و غرب فروزان است و میگوید این شهر را هرمز پسر خسرو بن بهرام بنا سنگ و آهک بنا نموده و در نزدیکی آن ایوانهای بلند و ساختمانهای بزرگ و شگفت‌انگیز وجود دارد. هرگاه دشمنی باین شهر روی آورد و منجنیق خود را بردیوار آن نصب کند سنگ آن بدریاچه میافتد و چنانچه منجنیق او مثلاً حتی با اندازه یک ذراع منحرف شود سنگ با نسوی دیوار پرتاب میشود.

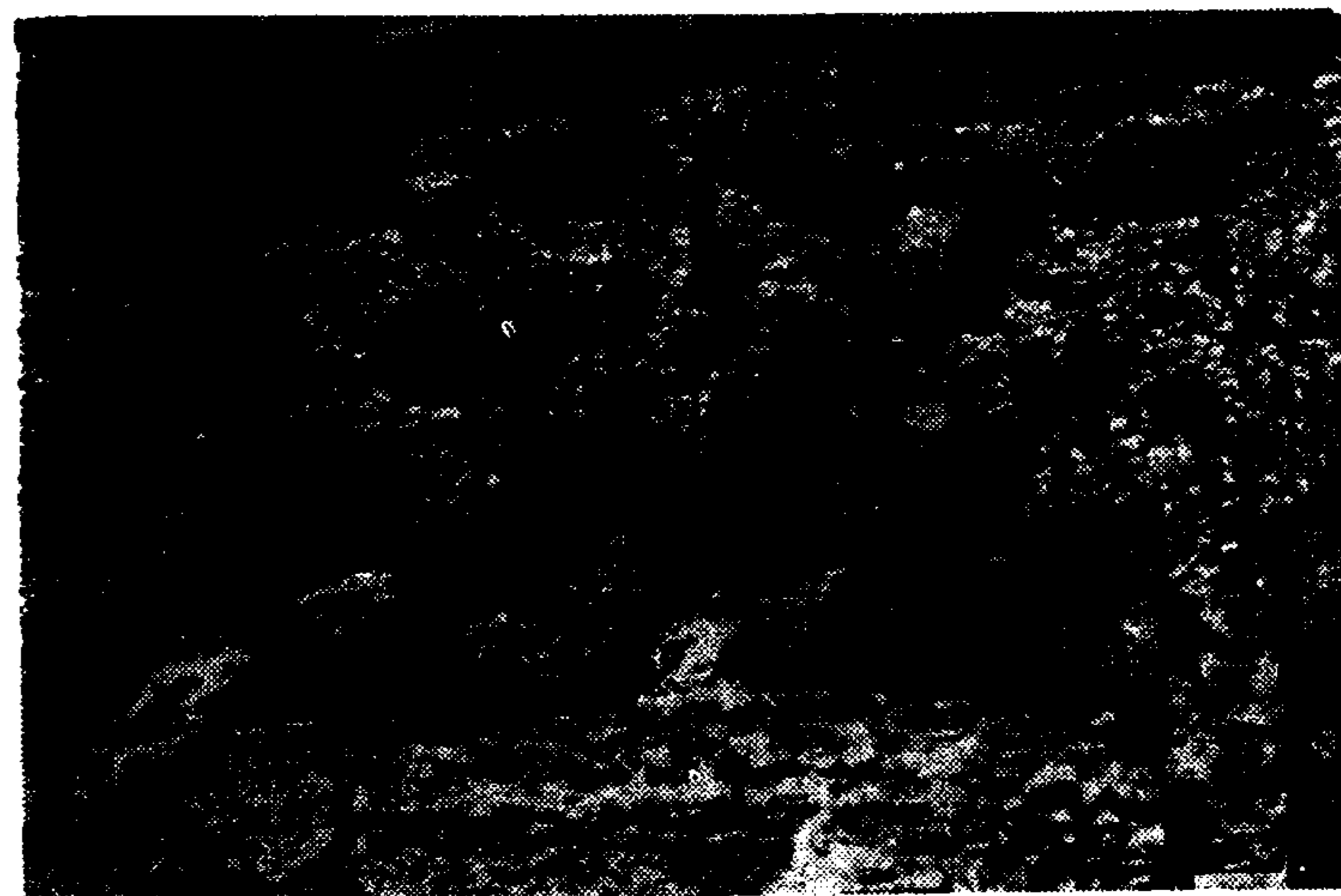
داستان بنای این شهر اینست که هرمز پادشاه ایران خبر یافت نوزاد پسر مقدسی در قریه‌ای بنام بیت اللحم در بیت المقدس بدنیا میآید و قربانی او عطر (دهن) و روغن زیتون و کندر است وی یکی از کسان طرف اعتماد خود را با مال فراوان بدانجا فرستاد و باو دستور داد از بیت المقدس یک هزار قنطار روغن زیتون با مقدار زیادی کندر همراه خود ببرد و باو گفت چون به بیت المقدس رسید راجع به نوزاد پرسش کند و چنانچه از او خبر یافت هدیه را بپادشاه تقدیم نماید و باو مژده بدهد که فرزندش شخصی شریف و نیکوکار و مشهور و دارای مقامی ارجمند خواهد شد و از وی بخواهد که برای او و کشورش دعا کند. فرستاده پادشاه فرمان او را اجرا نمود و نزد مریم رفت و آنچه را همراه برده باو تقدیم کرد و از خجستگی فرزندش او را آگاه ساخت و چون خواست از خدمتش بازگردد مریم کیسه‌ای پراز خاک باو داد و گفت بار بآب خود بگو این خاک ساختمانی در بردارد. او کیسه را گرفت و رفت چون بمکان شیز که در آن زمان بیابانی بایر بوده رسید در گذشت

او چون در خود احساس مرگ نمود پیش از مردن کیسه خاک را در آنجا در زمین پنهان کرد. پارسیان معتقدند که وقتی خبر پادشاه رسید یکی از مردان مورد اعتماد را خواست و باو گفت بمکانی که دوست ما مرده است برو و در جایی که کیسه خاک مدفون است آتشکده‌ای بساز، آن مرد گفت آن مکان را چگونه بشناسم؟ شاه گفت چون بدانجا بروی محل آن بر تو پوشیده نخواهد ماند وی با آنجا رسید و سرگردان شد و نمیدانست چه بکند چون شب شد و تاریکی آنجا را فراگرفت روشنائی عظیمی در نزدیکی آن مکان مشاهده نمود. آنگاه دانست که آنجا همان محل مورد نظر است سپس بدانسو رفت و بدور روشنائی خطی کشید و خوابید چون صبح شد دستور داد در میان آن خط ساختمانی برپا کنند این بنا همان آتشکده شیز است.

ولی تاریخ قم که بسال ۳۷۸ هجری بزبان عربی توسط حسن بن محمد بن حسن قمی بنام فخرالدوله دیلمی و صاحب عباد تألیف و توشیح گردیده و حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی در سال ۸۰۵ هجری بزبان فارسی نقل کرده و در تهران بسال ۱۳۱۳ شمسی توسط آقای سید جلال تهرانی چاپ گردیده، راجع با آتشکده‌ها شرحی دارد که خود آن مؤلف نیز از کتاب البلدان ابن الفقیه همدانی (حدود ۲۹۰ هـ) نقل کرده که در مورد آتشکده آذرگشنسب چنین است:

آتش جشنسف آتش کیخسرو است (آذرگشنسب) بموضع برزّه آذر بایجان بود انوشیروان در حال آن نظر و فکر نمود و آنرا به شیز که اولین موضعی است از مواضع آن ناحیت نقل کرد زیرا که این آتش بنزدیک ایشان بغایت عظیم و محترم بوده است و در کتاب مجوس چنین یافته‌ام که بر آتش ماه جشنسف فرشته موکل است و به برکه همچنین فرشته‌ایست و بکوهی از ناحیت آنکه آنرا سبلان گویند همچنین ملکی است و این فرشتگان مأمورند بتقویت و تمشیت صواحب جیوش، پس انوشیروان گفت مرا دست نمیده که آتش ماه جشنسف و آتش برکه بسبلان نقل کنم تا این هر سه آتش بیکجا جمع شوند و اما من آتش ماه جشنسف با آتش برکه نقل کنم تا هر دو ملک یکدیگر را معاونت میکنند.

استاد فقید مار کوارت آلمانی ضمن رساله‌ای بنام آذربایجان می نویسد: آذربایجان شهرت خود را در عهد ساسانیان مدیون آتشکده مقدس کنگ (گنزک) بوده که عربها جای آنرا شیز نوشته‌اند. این آتشکده از طرف اردشیر تعمیر و از نو رونق و جلال داده شد. این



ش ۲۱- نمای قسمتی از آتشکده و ساختمانهای مرکزی تخت سلیمان

آتشکده از حیث زینت و تصویرهای بدیع و یکساعت صنعتکارانه خود یکی از عمارات قابل ستایش بشمار میرفت و از طرف قیصر روم هر اقلیوس بسال ۶۲۴ میلادی سوزانده گردید. خلاصه در مورد اهمیت و زیبایی و جنبه افسانه‌ای و اعجاز آمیز این آتشکده زیاد

نوشته‌اند ولی قدر مسلم آنست که این آتشکده قاضی الحاجات پادشاهان ساسانی بوده است و سرانجام در اثر حمله هر اقلیوس ویران و منهدم گردید. کریستن سن همینویسد پس از فتح هر اقلیوس در سال ۶۲۳ تا ۶۲۴ که شهر گنزک را تسخیر و آتشکده آذرگشنسب را ویران ساخت خسرو در موقع فرار از این شهر آتش مقدس را به همراه برد^۱.

وقتی هر اقلیوس با سپاهیان عازم آذربایجان شد خسرو با چهل هزار تن در گنزک آماده دفاع گردید، هر اقلیوس پس از شنیدن این خبر عازم شهر شیز شد و چون در سپاه هر اقلیوس عده زیادی مزدوران عرب بودند و پیش قراولان سپاه وی محسوب میشدند بلشگریان خسرو حمله و آنها را تار و مار کردند. رومیها لشگریان هزیمت یافته خسرو را دنبال کردند، در نتیجه هر اقلیوس بدون مانع و رادعی وارد گنزک شد و آتشکده شهر یاری را ویران و قصور ساسانی را چنان از صفحه روزگار پاک کرد که بعدها محققین و دانشمندان و تاریخ نویسان را در محل اصلی شیز اختلاف نظر پیدا شد. هنگام حمله هر اقلیوس بشهر شیز بیش از سه هزار خانه دستخوش آتش گردید. گویند وقتی هر اقلیوس وارد کاخ گنزک شد مجسمه خسرو را دید که هیبتی هولناک داشت و تصویر پرویز را در بالای کاخ بر تختی کشیده بودند و صورت رسولان پادشاه نیز در اطراف آن دیده میشد که هر یک عصائی در دست داشتند، بدستور هر اقلیوس تمام این آثار طعمه حریق شد.

اصولا در مورد حمله هر اقلیوس با آذربایجان باید گفت که یکی از دشمنان دیرینه ایران قدیم امپراطوی روم بود و اشکانیان که قریب پنج قرن در ایران حکومت کردند نصف این مدت را بارومیان در زد و خورد بودند و آتش این کینه توزی و خصومت همچنان دامنگیر سلاطین مقتدر دوره بعدی ایران یعنی ساسانیان نیز گردید زیرا تنها قدرتی که در دنیای آنروز در برابر روم تاب مقاومت داشت ایرانیان بودند ولی در سال ۶۲۳ میلادی هر اقلیوس که امپراطوری بزرگ بود از تعصب مسیحیان بر علیه ایران استفاده کرد و همان روش را پیش گرفت که اسکندر در حمله با ایران انتخاب نموده بود بدین ترتیب که هر اقلیوس موضوع صلیب مقدس و غارت بیت المقدس را بهانه نمود و به تهبیج و تحریک مسیحیان

۱- ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه رشید یاسمی ص ۴۶۹.

متعصب پرداخت و بآن چنین وانمود کرد که صلیب مقدس را در آتشکده بزرگ شهر یاری و کاخ خسرو در گنزک پنهان کرده اند و برای بازگرداندن صلیب باید جانفشانی و فداکاری نمود. بدین ترتیب موضوع دفاع از آب و خاک را بانعصب شدید مذهبی آمیخته و افراد خود را برای حمله و شورش کاملاً آماده نموده و حتی رهبری این شورش را نیز بر رئیس مذهبی شهر قسطنطنیه واگذار نمود، با این شیوه پس از تصرف شهر طرابوزان مردم ارمنستان را نیز تهییج کرد و با کمک آنها با آذربایجان حمله برد و بطریقی که گذشت با انتقام غارت بیت المقدس و عنوان نمودن موضوع صلیب مقدس، شهر گنزک را ویران و آتشکده آذرگشنسب را خراب و کاخها و قصور را با خاک یکسان نمود. هر ا کلیوس پس از شکست لشکریان خسرو و آتش زدن شهر شیز مدتی در باغات و جنگلهای آنجا بتفریح و شکار پرداخت (چون فعلاً در اطراف تخت سلیمان جنگلی وجود ندارد برای روشن شدن این مطلب تاریخی نگارنده از آقای دکتر دام دیرین شناس هیئت آلمانی در این مورد استفسار نموده و نظریه او را خواستار شدم نامبرده پس از مطالعاتی چند وجود جنگل و باغاتی را در اطراف تخت سلیمان فعلی در قدیم تایید نموده و اظهار داشتند که این جنگلها در اثر یخبندان شدید و بعدها در نتیجه حمله مغول از بین رفته است). باری اگر کلیه این گفتهها و نظرات را بایکدیگر تطبیق دهیم با اهمیت آنچه که مورخین و جغرافی نویسان در باب زیبایی و عظمت بنا و نفایس گرانبهایی که تا حد زیادی جنبه افسانه داشته و ابتکارات خاصی که در گنبد این آتشکده عظیم بکار رفته، گفته اند؛ پی خواهیم برد و اینکه این آتش را علامت وحدت کشور و مقام روحانی شاهنشاهان ساسانی و نشانه سلطنت ایران یعنی علامت اتحاد و یگانگی دین و دولت دانسته اند می پذیریم. نکته دیگر اینکه با وجود آنکه ساسانیان سلطنت را موهبت الهی میدانستند و برای شخص شاه اهمیت خارق العاده ای قائل بودند و او را نایب خدا در کشورشان محسوب میداشتند، ولی گاهی برای نگهبانان و روحانیان

۱- ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه رشید یاسمی در صفحه ۴۶۸ مینویسد: «پس از فتح اورشلیم دار مقدس را از آنجا به تیسفون فرستادند».

یا مؤبدان این آتشکده مقامی بالاتر از مقام پادشاهی قائل شده اند چنانکه گاهی این مؤبدان فرمان عزل پادشاهی را صادر میکرده و یا بکیفر و گناه آنان فتوا میداده اند و زمانی پادشاهان دوستدار آتشکده را القاب مناسب می بخشیدند؛ چنانکه یزدگرد اول را بعلت گرویدن به نصارا بزهکار و برعکس خسرو اول را به علت بدرفتاری با پیروان مزدک لقب انوشک روان یا انوشیروان داده اند.

عده ای مقام این آتشکده را از آن جهت بزرگ می شمارند که عقیده مندند این محل زادگاه زرتشت بوده و باین مناسبت مورد توجه پادشاهان ساسانی قرار گرفته است. ولی تاریخ قطعی بناهای این آتشکده بخوبی آشکار نیست و بنا بر آنچه در این مورد نوشته شده است اساس آتشکده تخت سلیمان در آذربایجان از دوره اشکانیان می باشد و این مطلبی است تقریبی نه حقیقی، زیرا تاکنون ضمن عملیات حفاری آن تاریکه دال بر اقامت و سکونت موقتی اشکانیان در این محل باشد بدست نیامده است. چنانچه از نوشته های مورخانی که در این مورد قلم فرسائی نموده اند، استنباط میشود؛ پیش از ساسانیان یعنی در زمان اشکانیان آتشی وجود داشته که در فضای آزاد بوده و منجر با احترام و نیایش پادشاهان پارتی گردیده و دلیل آنهم اینست که یاقوت حموی درباره قدمت آتشکده این محل مینویسد که آتش آنرا هفتصد سال پیش فروخته اند. ولی از طرفی یادآور میشود که از آتش آن خاکستری بجای نمی ماند و حتی یکساعت هم خاموش نمیشود و بسیاری هم شهر شیز را پایتخت پارتها در آذربایجان دانستند. پیرنیا در تاریخ ایران باستان مینویسد در سال ۳۶ ق. م شیز بمحاصره انتوان سردار رومی افتاد و او که با سیزده هزار سپاهی مجهز به آذربایجان آمده بود پس از فتح و غارت آذربایجان بسوی شهر شیز رهسپار شد. و مینویسد این شهر در این زمان شهر بزرگی بود و مردمانی که از اعقاب مادها بودند در آنجا سکونت داشتند و رقیب سرسخت انتوان در این نبرد پارتها بودند ولی سرانجام انتوان شیز پایتخت آذربایجان را محاصره کرد بنابراین برای آنکه عقیده مورخان را در مورد قدمت این آتشکده رد نکرده باشیم باید به دو نظریه زیر توجه نمائیم:

۱- چون ضمن عملیات حفاری آثاری از خاکستر آتش بدست نیامده است جز اینکه اعتقاد بسوزاندن مواد نفتی یا گازهای طبیعی و معدنی که اکثراً ترکیبی از گاز استیلن است در این محل داشته باشیم راه دیگری بنظر نمیرسد و از این رو میتوان یقین کرد که این آتش حتی در زمان پارتها هم شعله‌ور بوده است. در این صورت شعله آتش در فضای آزاد بوده و پارتیان اقدام بساختن آتشکده و برج و بارویی در این محل ننموده‌اند (ولی در شریعت زرتشت این قاعده مقرر بود که آفتاب بر آتش تابد). و لذا بعد از این زمان بر روی این آتش چهار طاقی ساخته شده است.

۲- اگر اختلافی در اصل این آتشکده از زمان پارتها و ساسانیان باشد بدون شك باید این اختلاف را در تعیین محل شهر شیز دانست، زیرا با توجه بنوشته پیشینیان پارتها در شهر شیز دارای آتشگاهی بوده‌اند ولی آیا آتشکده آنها در همین محل تخت سلیمان است یا خیر باید باین نکته توجه نمائیم که در لیست آتشکده‌های زمان ساسانی در این منطقه از آذربایجان نام دو آتشکده ثبت شده است: یکی آتشکده تخت سلیمان در محل شهر شیز از آثار زمان ساسانی و دیگری آتشکده تخت سلیمان در آذربایجان از آثار دوره اشکانی، بنابراین حتی در فهرستی که از آتشکده‌های ایران تهیه شده است این مطلب بخوبی روشن نشده و چنانچه معتقد بآتشکده‌ای در زمان پارتها در آذربایجان باشیم باید آنرا در محل دیگری غیر از تخت سلیمان فعلی جستجو کرد والا ناچاریم که ذکر دو آتشکده را یکی بنام تخت سلیمان و دیگری بنام شیز یکی مربوط بزمان پارتها و دیگری از زمان ساسانی ناصواب دانسته و آنرا اشتباه قلمی بدانیم؛ چنانکه با قوت حموی هم همین اشتباه را در مورد کلمه گنزک و جزنق نموده مینویسد جزنق شهر کوچک و آبادی است در آذربایجان نزدیک مراغه که از زمان ساسانیان آتشکده و آثاری در آنجا وجود دارد و بعداً نیز در مورد گزنا در معجم البلدان میگوید شهر کوچکی است که فاصله آن تا مراغه شش فرسنگ و در آنجا آتشکده و ایوان بلند و زیبایی از کیخسرو و عبادتگاهی از مجوس ساخته شده. معلوم است که این جزنق و گزنا هر دو یکی است و ذکر این دو محل با تحریفی

که بعمل آمده است مورد ندارد. چنانکه بعضی هم آتشکده آذرگشنسب را در بلخ و عده‌ای در اردبیل و برخی هم در کنار دریاچه ارومیه دانسته و در این مورد چیزهایی نوشته‌اند. بدیهی است کلیه این اشتباهات دو عامل اصلی دارد: اول آنکه اعجاز این آتشکده مورد دقت بوده، ثانیاً مسموعات آنها و مخصوصاً گسائیکه نادیده تعریف کرده‌اند این اشتباهات را بوجود آورده‌اند. چنانچه نظامی در اسکندرنامه این آتش را در بلخ دانسته و اسکندر را بآنجا کشانیده است، یعنی نام آنرا شنیده ولی محل آنرا ندانسته است. بنابراین عملیات حفاری این آتشکده و آنچه در فوق گذشت اهمیت و عظمت کار را نشان میدهد. درباره شهر شیز و محل آتشکده در بین دانشمندان علاقمند بدانستن این محل اختلاف نظر وجود داشته و از جمله کسانی که در مورد آتشکده بزرگ مطالعه نموده‌اند؛ راولینسون مورخ معروف انگلیسی و جاکسون مستشرق امریکائی است که محل این آتشکده را در همین تخت سلیمان امروزی دانسته و گفته‌اند که تخت سلیمان در سر راه رضائیه و همدان واقع شده، پیدا است برای طی چنین راهی ناچار می‌بایست از این نقطه بگذرند و بدون شك چنین راه کاروان روئی وجود داشته است که اکنون مورد استفاده نیست. مینورسکی مترجم انگلیسی کتاب سفرنامه ابودلف در این باره چنین عقیده دارد: مکانی را که ابودلف با اهمیت زیاد شیز میخواند و آتشکده‌ای را که در آنجا قرار دارد توصیف میکند و نظر باینکه دریاچه ارومیه را معمولاً دریاچه (شیز) خوانده‌اند گمان میرود که شیز بآن دریاچه پهناور نزدیکتر باشد.

در واقع بررسی منابع یونانی در باب شهر بزرگ گنز که Canzaka که آتشکده معروف در آن قرار داشته بطور قطع مکانی را واقع در یک دشت نشان میدهد که با احتمال قوی بدشت لیلان Lyian واقع در چهار کیلومتری جنوب شرقی دریاچه ارومیه شباهت دارد. در نتیجه گنز که (شیز اصلی) باید مکانی بجز تخت سلیمان باشد که ابودلف آنرا بنام شیز بیان نموده است. مینورسکی این مساله را در مقاله خود تحت عنوان جنگهای روم و بیزانسی در آذربایجان بحث نموده است. ولی مسعودی در مروج الذهب ص ۷۴ کلید این

معما را بدست داده مینویسد: انوشیروان آتش را از شیز و (ولران) به (البرکته) استخر انتقال داد یعنی بمحل تازه‌ای که با تخت سلیمان کنونی تطبیق مینماید^۱ سپس این مکان جدید در گفتگوهای عمومی بایستی نام اصلی شیز (لیلان) را بخود گرفته باشد.

بعضی مانند دامستر فرانسوی و نولدکه و مارکوارت آلمانی این محل را در نزدیکی دریاچه ارومیه دانسته‌اند ولی بتدریج که دیوار و اسکلت آتشکده عظیم از زیر خاک بیرون می‌آید نظریه راولینسون انگلیسی و یوستی خاورشناس آلمانی و جاکسون خاورشناس امریکائی و پروفیسور فون دراستن و پروفیسور نثومن آلمانی که تخت سلیمان را شخصاً دیده و آنرا جایگاه آتشکده بزرگ و شهر شیز میدانستند صائب‌تر و بیشتر مورد تایید قرار می‌گیرد. وانگهی از داستان اندازه‌گیری عمق دریاچه بوسیله ابودلف چنین برمی‌آید وی آتشکده را بازدید نموده و چنین اندازه‌گیری بایستی فقط در دریاچه تخت سلیمان فعلی صورت گرفته باشد، والا اندازه‌گیری عمق دریاچه ارومیه مفهومی ندارد.

اینک تا اندازه‌ای مطلب روشن شد و محقق گردید که تخت سلیمان همان شهر مقدس شیز میباشد فقط این مطلب از اسناد قدیمی و تاریخی باقی میماند که پایه و اساس این آتشکده از زمان پارتها شروع شده یا ساسانیان. گرچه تاکنون سندی از قبیل کتیبه و یا سکه و یا سفال مربوط بعصر پارتها در این قسمت، از عملیات حفاری بدست نیامده و بنا بر آنچه گذشت اگر بوجود چنین آتشکده‌ای در زمان پارتها معتقد باشیم، باید از عان کنیم که در آن زمان آتش در فضای آزاد بوده و در زمان ساسانیان تصمیم با ایجاد آتشکده‌ای بر روی آتش مقدس گرفته شده است^۲. گویا اینکه آذر با بجان از زمان قدیم مرکز مذهبی محسوب میشده، ولی از مطالعات مورخان اسلامی و ارمنی چنین برمی‌آید که آذرگشنسب در زمان ساسانیان پی‌ریزی و شهرت یافته است. ابن الفقیه در کتاب خود صفحه ۲۴۶ می‌گوید: آذرگشنسب آتش کیخسرو است این آتش در آذر با بجان بوده ولی انوشیروان آنرا به شیز انتقال داده است. ولی اغلب مورخین تاسیس آتشکده آذرگشنسب را بهرمز سوم نسبت داده‌اند

۱- مکان آنرا نیز میان مراغه - زنجان - سهرورد و دینور در نظر بگیرید.

۲- برطبق تحقیقی که آقای پروفیسور واندنبرگ باستان‌شناس بلژیکی در مورد آتشکده‌ها بعمل آورده تا زمان اردشیر یکم آتش در فضای آزاد بوده و از زمان جانشینان اردشیر اول یعنی شاپور بزرگ بساختن ساختمان معابد آتش بطور چهارطاقی اقدام بعمل آمده است.

قدری دقت و تأمل و مطالعه در مقایسه بنای آجری آتشکده با ایوان مرتفع خسرو که بدون شك ضمن ایجاد و احداث آتشکده بنای آن نیز پرداخته‌اند موضوع را روشن میسازد. این ایوان مرتفع که با مختصر اختلافی از طاق کسری کوچکتر است در ضلع شمال‌غربی دریاچه تخت سلیمان بنا گردیده است. پی بنا بر روی سنگهای قطوری که بطور مرتب و منظم چیده شده است گذاشته شده. این ایوان در حدود ۲۲ متر ارتفاع داشته و قطر دهانه آن ۱۹ متر و درازای آن ۲۷ متر میباشد. بدیهی است طاقیکه بر روی این دهانه و در آنموقع زده‌اند حاوی دقایق فنی و اندازه‌گیریهای خاص هنر معماری است. این ایوان را به خسرو نسبت داده‌اند و به ایوان خسرو معروف شده که اغلب مورخان او را بهمین نام خوانده‌اند. خود ایوان از آجرهاییکه از لحاظ اندازه با نوع آجرهای ساخت آتشگاه قابل مقایسه است ساخته شده، بنظر میرسد که در هنگام شروع آتشگاه عده‌ای از معماران عهد ساسانی نیز بساختن این ایوان اقدام کرده‌اند. ملاط ساختمان ایوان با گچ و ساروج است که با آمیختن آب دریاچه بصورت سیمانی محکم درآمده است. در ساختن این ایوان نهایت دقت و توجه شده، در فاصله سه متری آن یک ردیف آجر بطور عمودی کار گذاشته شده است.

البته پوشش این ایوان نیز نظیر طاق تیسفون با پرده‌هایی که آویخته بوده است عملی میشده و بعید بنظر نمیرسد که پایه و اساس تعمیر ساختمان آتشکده نیز از زمان خسرو شروع شده باشد زیرا غیب‌گویان بخسرو گفته بودند که اقامت تیسفون بر او نامبارک خواهد بود از سال ۶۰۴ تا زمانیکه هراکلیوس بر او تاخت (۶۲۵-۶۳۷) خسرو به تیسفون نرفت اقامتگاه مطبوع و برا قلعه دستگرد بین بغداد و همدان نوشته‌اند که بنای این شهر را نیز نظیر تخت سلیمان بهرمز نسبت داده‌اند و شاید این محل بتخت سلیمان نزدیک بوده است^۱ ولی رویهمرفته قلعه تخت سلیمان و ملحقات آن در زمانهای شاهنشاهان مختلف ساسانی بوجود آمده است و خصوصیات معماری آتشکده آذرگشنسب تا اندازه‌ای شیوه‌های مختلف معماری را در دوره‌های متعدد روشن خواهد نمود.

۱- نقل از صفحه ۳۱۴ کتاب ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه آقای رشید یاسمی.

آتشکده استعمال شده و در سایر ابنیه زمان ساسانی نظائر آن دیده نمیشود. مطلب دیگری که در ساختمان این آتشکده جالب توجه است و یکی از خصوصیات صنعت معماری ساسانیان محسوب میشود استعمال کلافهای چوبی است. این شیوه معماری را در فارسی کلاف گم و در فرانسه Cojrage می نامند. یعنی در میان جرزها و دیوارها چوبهایی کار گذاشته اند که آنها را بیکدیگر کلاف می کرده و باعث استحکام بنا و مانع از خرابی جرزها میشده است و این ابتکار معماری بعدها در زمان اسلامی عمومیت پیدا میکند و اغلب بمنظور استحکام بنا از وجود کلافهای چوبی در بین دیوار استفاده میشده است. معمولاً آتشکدههای دوره ساسانی بر طبق طرح و پلان قبلی دارای هشت در و چند تالار هشت گوش بوده که فضای اصلی آتشکده را سرپوشیده چهار گوش تشکیل میداده و دارای گنبدی بوده و گرداگرد آن از چهار طرف دالان و راهروهای وجود داشته است. آتشدان را در زیر گنبد در میان محل سرپوشیده جای میدادند که چهار در بدالانهای چهار طرف داشته است و دالانها نیز بوسیله چهار در فضای بیرون ارتباط پیدا مینموده و دلیل ساختن این چهار دالان این بوده که مردم در آنجا بایستند و شعله های آتش را بنگرند و مراسم عبادت بجای آورند و چندانهم با آتش نزدیک نشوند. طرح و پلان آتشکده آذرگشنسب نیز بامختصر اختلافی بهمین سبک بنا گردیده است؛ باین ترتیب که محوطه آتشدان دارای چهار جرز بوده که تشکیل مربعی میداده (پلان ۴ محوطه A) و طاقی گنبدی شکل داشته است. کف داخلی آتشکده علاوه بر پی ریزی، با هشت رج آجر رویهم فرش شده است و این مطلب میرساند که تا چه اندازه استحکام و دوام آتشکده مورد توجه سازندگان آن بوده است و همچنین کف مقابل در شرقی که محوطه آتشدان خارجی (B) است دارای شش رج آجر فرش میباشد. محوطه آتشگاه بوسیله چهار در به دالانهای اطراف که طواف دور آنرا میسر ساخته راه پیدا میکنند. پهنای این دالان در حدود دو متر و هشتاد سانتیمتر میباشد. این دالان از طرف شمال دارای دو در کوچک و بزرگ میباشد که در وسطی به پهنای یک متر و نیم و درست در مقابل در شمالی آتشکده و روبروی در محوطه و دروازه اصلی شمالی که مدخل شاهی

فصل دوم

خصوصیات معماری آتشکده آذرگشنسب

نکته ای که در معماری این آتشکده بیش از هر چیز دیگر جالب توجه و قابل ذکر است استعمال آجر و سنگ در بنای این آتشکده میباشد. بدین معنی که پی بنا و گاهی سکو و جرزهای اطراف آتشکده را با سنگهای حجاری شده بنا نموده اند. اما نکته اعجاب آمیز سبک بنای آن، این است که گاهی پس از نصب سنگ جرزهای دیوار، در روی آن آجر بکار برده اند و زمانی برعکس آجرها را در قسمت تحتانی سنگهای حجاری شده استعمال کرده اند و این موضوع تاکنون در صنعت معماری ساسانی سابقه نداشته است و چنین بنظر میرسد که ساختمان اصلی و ابتدائی آتشکده با آجر بوده و استعمال سنگهای حجاری شده توأم با آجر و همچنین استعمال سنگ در بنا، مربوط به دوران بعدی میباشد. بدین ترتیب هنگامی که تصمیم بساختن گنبد آتشکده و دیوارهای اطراف آن با آجر گرفته اند قسمتهائی از آتشکده را که بعداً خراب شده است؛ با سنگ تعمیر نموده اند. آقای پروفیسور نئومن نیز عقیده مند است که این اختلاف سبک ساختمان سنگ و آجر مربوط بدوره ساسانی میباشد منتهی در زمانهای مختلف عصر ساسانی صورت گرفته است. آجرهایی که در ساختمان این بنای عظیم بکار رفته چهار نوع مختلف میباشد که بزرگترین آنها آجر معمولی زمان ساسانیان بابعاد ۳۰ × ۳۰ سانتیمتر و قطر ۸ سانتیمتر بوده و بقیه کوچکتر و باندازه های مختلف میباشد که بزرگترین آنها آجرهایی است که بنظر میرسد در دوران بعدی ساخته شده است. البته نظیر این نوع آجرهای مختلف الاندازه فقط در بنای این

است قرار گرفته و راهروئی با دیوارهای سنگ چین حجاری شده به پهنای متجاوز از پنج متر بطور خیابانی بسمت دروازه امتداد دارد. در کوچکتر که در قسمت شمال شرقی دالان قرار گرفته، به پهنای یک متر میباشد. در سمت شرقی درگاهی به پهنای ۱/۳۰ متر بمحوطه B که شرح آن بعداً خواهد آمد راه پیدا میکند. ضلع جنوبی دالان بطور قرینه سازی شبیه ضلع شمالی است و بوسیله مدخلی به پهنای دو متر بسوی فضای آزاد دریاچه باز و راهرو کوچکتری در ضلع جنوب شرقی وجود دارد. ولی در سمت غربی آتشکده برخلاف سایر نقشه های آتشکده ها مدخلی وجود ندارد و قرینه سازی هم بعمل نیامده است. نکته جالب توجه در ضلع غربی وجود دیوار طویل و قطوری به پهنای ۱۷۰ سانتیمتر است که بطور اتکائی بدیوار اصلی ضلع غربی آتشکده متکی شده است. با مطالعه ای که در مورد وجود زائده این دیوار بعمل آمده معلوم میگردد که این دیوار قبل از شروع بساختن آتشکده، ساخته شده است و شاید منظور از ایجاد این دیوار مجزا کردن محوطه آتشکده از سایر قصور اختصاصی پادشاهان ساسانی (خسرو) باشد و یا اینکه چون پلان آتشکده هنگام ساختن و پی ریزی آنطور که باید و شاید در قسمت غربی با این دیوار که میتوانسته برای تشکیل جدار غربی مفید واقع شود منطبق نگردیده، در نتیجه ضلع غربی آتشکده در جوار این دیوار واقع شده و فاصله این دو دیوار از چند سانتیمتر تجاوز نمیکند. بطوریکه در بدو امر هر دو دیوار بنظر دیواری قطور و غیر متناسب بنظر میرسد و شاید یکی از علل مسدود بودن در غربی آتشکده، وجود همین دیوار بوده است. بهر جهت کلیه دالانهای اطراف آتشکده و مدخلهای ورودی، بوسیله طاقهای ضربی که از مشخصات دوره ساسانی است از یکطرف دالانهای اطراف آتشکده و از سوی دیگر قسمتهای داخلی آتشدان را که گنبدی در روی آن قرار گرفته، پوشانیده است. قطر دهانه دالانها ۲/۵ متر و ضخامت طاقهای هلالی شکل این دالانها ۸۰ سانتیمتر و ارتفاع آن از کف دالانها در حدود ۷ متر میباشد. چون در این آتشکده ها اهمیت پایداری و گنبد مرتفع آن بیشتر مورد توجه بوده، اغلب آنها را با مصالح پردوامتر از قبیل سنگ و گچ و آجر و ملاطی شبیه ساروج ساخته اند. در

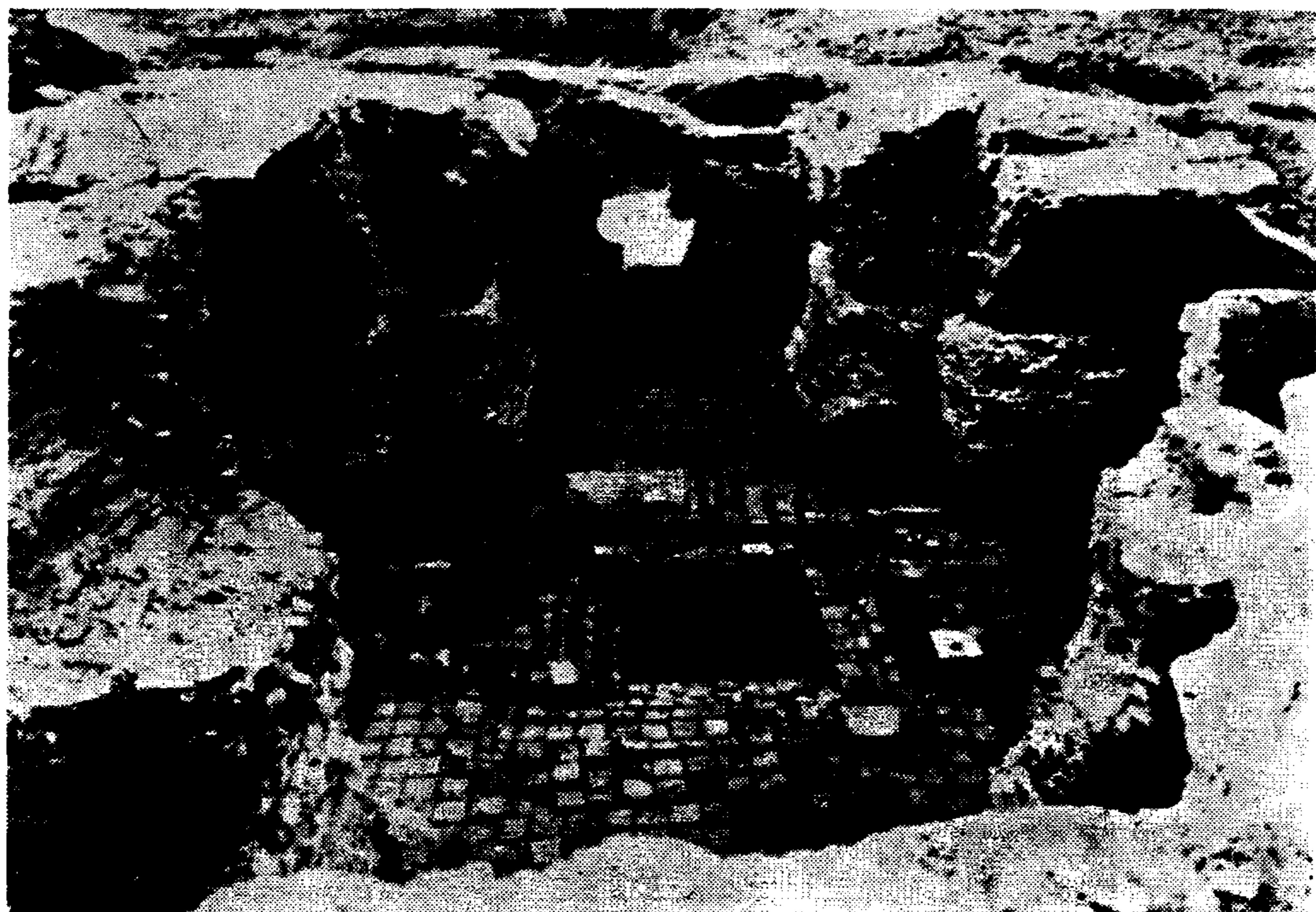
آتشکده آذرگشنسب علاوه بر رعایت مصالح، پایداری را مجزا و طاقها را با نوع آجرهای محکمتری که در کوره حرارت کافی دیده و از نظر رنگ با سایر آجرهای استعمال شده در بنا، فرقدار ساخته اند. رنگ این نوع آجرها که صرفاً بمنظور استفاده در طاق ساخته شده است، زرد رنگ میباشد. بهمین جهت با وجود اینکه اغلب آتشکده های آن زمان و از آن جمله آتشکده آذرگشنسب که دستخوش حمله و هجوم و خرابی واقع شده، تنها چهار دیوار اصلی آن نسبتاً سالم باقیمانده و سایر قسمتها لطمه بیشتری دیده است. معمولترین طاقهای زمان ساسانی طاقهای ضربی است که از جززهاییکه پایه طاقپارا روی آن میگذاشتند کمی عقب تر قرار میگرفته تا دوام بیشتری داشته باشد. و اطاق مرکزی آتشکده بهمین نحو ساخته شده و دارای گنبدی است که روی چهار جزز مربعی شکل ساخته شده که بعدها در زمان اسلامی این اسلوب بنائی قابل توجه و مورد نظر قرار گرفته و رواج پیدا میکند (چنانکه در بناهای مغولی که در تخت سلیمان ساخته شده و شرح آن خواهد آمد معماران و سازندگان بر طبق طرح و تصمیم قبلی سعی کرده اند که با نقشه های مختلف ساختمانی مربعی ایجاد کنند که بتوانند در روی آن طاق گنبدی شکل بوجود آورند). باری در وسط اطاق اصلی مذبح قرار گرفته است و در هنگام اعیاد و جشنها آتش مقدس را از آتشدان محوطه B بداخل آتشکده منتقل میکردند. متأسفانه بعلا کثرت توده های انباشته شده خاک، که متجاوز از ۱۰ متر از کف اصلی این اطاق را پر کرده است؛ حفاری آن علاوه بر خرابی های پی های دیوار که در حقیقت متضمن خطراتی است؛ مستلزم مخارج سنگینی نیز میباشد که هیئت حفاری از آن فعلاً صرف نظر کرده است، وسط اطاق اصلی آتشکده و آثار استعمال آتش و همچنین مذبح آن تا سال ۱۹۶۳ در اثر عدم حفاری روشن نبود ولی در سال ۱۹۶۴ که هیئت موفق بد حفاری این مکان گردید، آثار جالبی که ما را با چگونگی داخل آتشگاه آشنا میکند بدست آمده که آقای محمدیوسف کیانی بازرس اعزامی شرح آن را در ذیل بنظر خوانندگان میرساند:

« اطاق مرکزی آتشگاه سالن بسیار بزرگ و باشکوهی است که تماماً از آجرهای

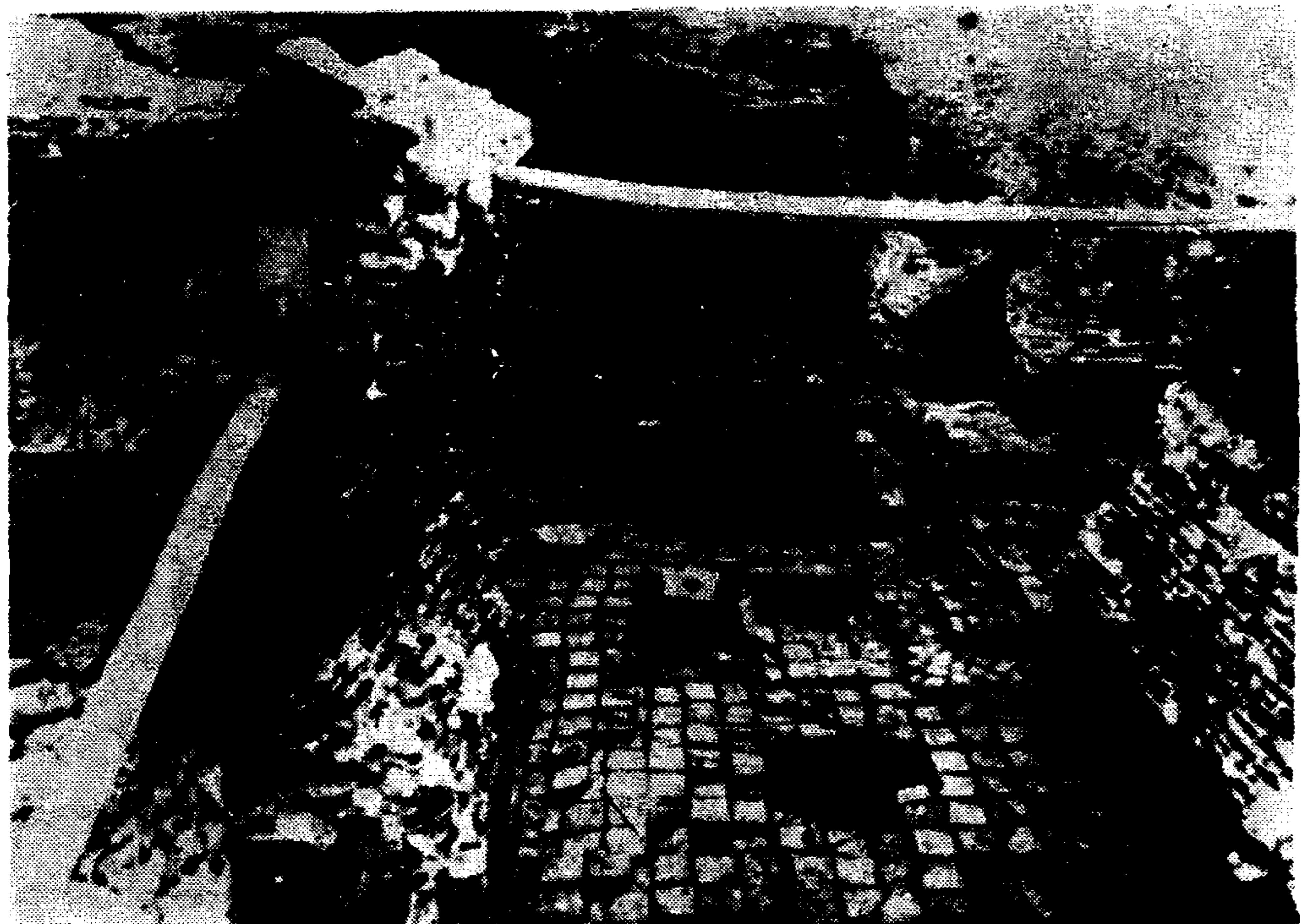
قرمز و یا زرد مایل به خاکستری دوره ساسانی ساخته شده و دارای استحکام فراوان بوده است بطوریکه پس از گذشت قرن‌ها، دیوارها و چهارستون‌غول مانند میان آن پایداری مانده است. بر روی دیوارها و گنبد عظیم این آتشگاه گچ کاری شده بود و اگر به نوشته‌های پیشینیان اعتماد توان کرد تصاویر فراوان و زیبایی از مجالس شکار پادشاهان و تاجگذاری آنان با آب و رنگ باشکوه بر روی در و دیوارها خودنمایی میکردند. همچنین معروف است که پادشاهان برای بزرگداشت این جایگاه مقدس از تیسفون پیاده به زیارت آنجا میشتافتند و زر و زیورهای فراوان از خزانه خود یا از غنائم پیروزبهایشان بدانجا نیاز و هدیه میکردند. چنانکه معروف است این آتشگاه در لشگرکشی هراکلیوس بر ضد خسرو پرویز ویران شد، اما باز آن را از نو ساختند و بعداً در حمله اعراب از رونق آن کاسته شد و بتدریج رو به ویرانی نهاد. برفراز دیوارهای شرقی و جنوبی آتشگاه آثار است که دلالت میکند که روزی در آنجا ساختمان وجود داشته که شاید بر بالای ساختمان آتشگاه جای گرفته بوده و طرز آن آثار با ساخت دوره ساسانی فرق میکند و بی‌مناسبت نیست اگر مسجدی که بنای آنرا حمدالله مستوفی در تذهة القلوب به آقاخان نسبت میدهد، در اینجا بیندازیم.

کف آتشگاه از آجر پوشیده شده و بقایای یک سکو در وسط سالن نیز بچشم میخورد که کاملاً ویران گشته، اما گویا در زمان آبادی برای مراسم مذهبی از آن استفاده میشده است. در گوشه شمال غربی سالن، بقایای یک جوی کوچک دیده میشود که در میان سنگهای کنار در کوچک شمال سالن کنده شده و از این رو حدس زده میشود که متعلق به دورانی بعد از ساختمان اصلی آتشگاه بوده است.

گرچه این آتشگاه به ویرانی کشیده شده، اما ابهت و عظمت آن هنوز از دیوار نیمه شکسته آن هویدا است و بی‌تناسب نخواهد بود که گفته شود در حفاری این نقطه هیچ خبر قابل ذکری بدست نیامده و این نشان میدهد که آنجا بشدت غارت گردیده است. مدخل شرقی این آتشگاه بیک اطاق صلیبی شکل منتهی میشود (محوطه B) در



ش ۲۲- نمای داخلی آتشگاه آذر گشنسب



ش ۲۳- محوطه آتشگاه آذر گشنسب پس از خاکبرداری

وسط این اطاق يك حوضچه مربع شکل با بعد ۳ متر در ۳ متر قرار گرفته که در هر گوشه آن محل و پایه چهار ستون وجود دارد و بدون شك این چهار ستون پایه‌های آتشدان خارجی بوده که تاکنون ضمن عملیات حفاری بدست آمده‌اند. این محل آتشدان دارای



ش ۲۴ - نمونه‌هایی از گچبری زمان ساسانی در تخت سلیمان



ش ۲۵ - مجسمه گاو گچی که در جبهه غربی تخت سلیمان در یکی از بناهای ساسانی کشف شده است که احتمالاً در مراسم مذهبی دخیل بوده است.

دو مدخل میباشد یکی از سوی غرب بداخل آتشکده اصلی راه مییابد و مدخل دیگر جنوبی است با طاقک مستطیل شکل U ارتباط پیدا میکند وضع ساختمانی این پایه‌های

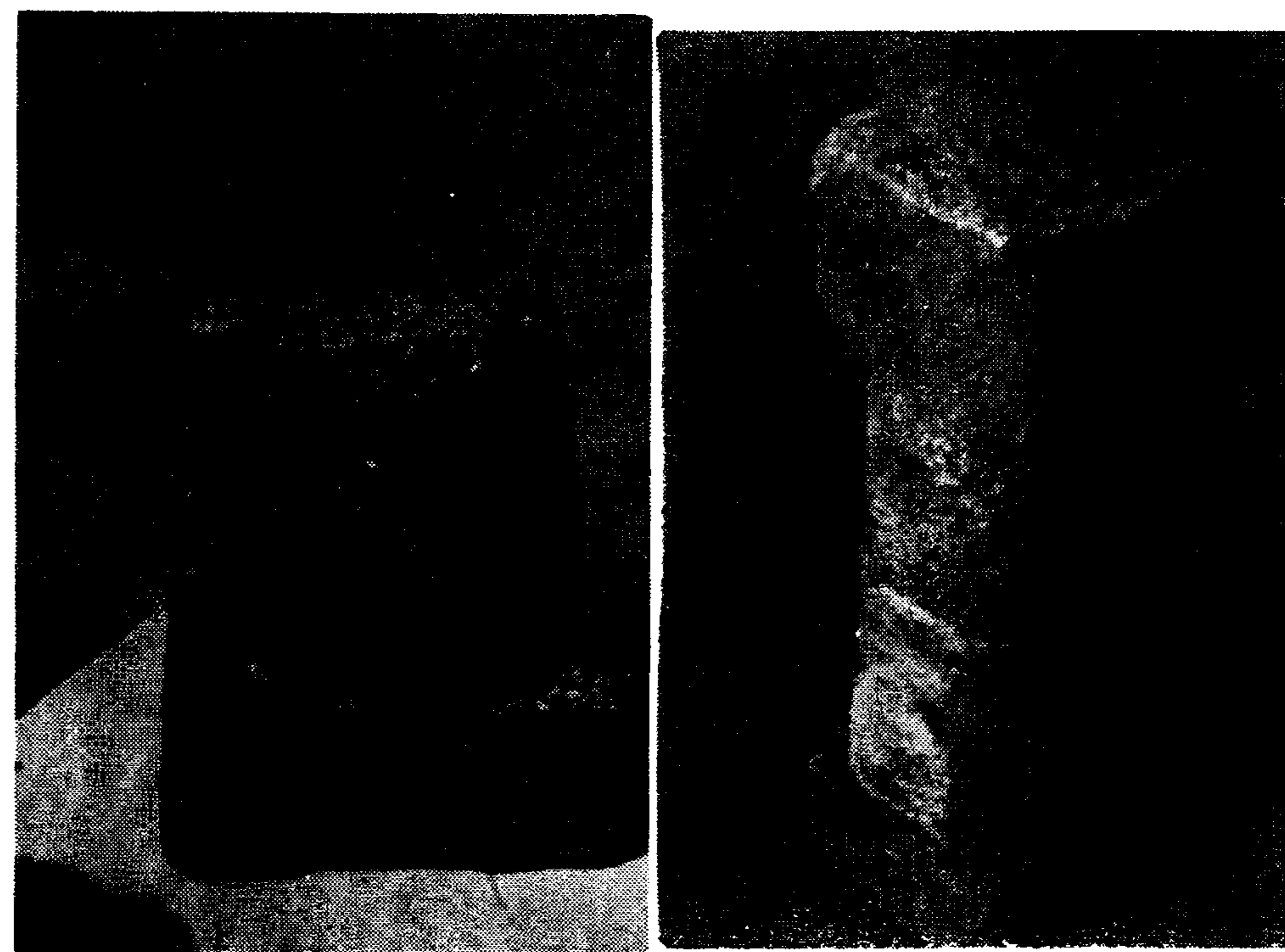
آتشدان باین شرح است: بلندی پایه‌های آن در حدود ۹۰ سانتیمتر میباشد که دارای بدنه‌های استوانه‌ای بمحیط ۸۵ سانتیمتر و نواری بقطرع ۶ سانتیمتر بطور برجسته و کمر بندی آنرا زینت داده وقاعده آن مربعی با ضلاع ۲۸ سانتیمتر میباشد که تاکنون هر چهار عدد آن که دو عدد سالم و دو عدد ناقص میباشد بدست آمده، نوع سنگهای آن آهکی و چندان تراش خوبی ندارد و تقریباً شبیه آتشدان‌هایی است که در یک طرف سکه‌های ساسانی حاک شده است و دارای



ش ۲۶ - پایه‌های سنگی آتشدان مکشوفه در محوطه (B) شرق آتشگاه

روپوشی بوده که بصورت مجمری از آتش مورد استفاده قرار میگرفته است و طواف کنندگان محوطه خارج، شاهد شعله‌های این آتش بوده‌اند و از این محل هنگام ضرورت آتش را بداخل آتشکده محوطه A منتقل میکردند. اصولاً چنانکه گذشت ساسانیان آتشکده‌آزر گشنسب را سرچشمه همه آنها میدانستند و از این آتشکده که بنا بگفته مورخین حتی یک ساعت خاموش نمیگردیده، آتش سایر آتشکده‌ها و آتشدان‌ها را تأمین مینمودند. از طرفی آتشکده‌آزر گشنسب

را آتش مقدس شهریان و لشکریان میدانند. بنابراین با وجود ظاهر شدن آتشدانهای متعدد نباید تصور کرد که فقط آتش درون محوطه A و اطاق مرکزی برای آتشدان بوده است؛ بلکه بنا بر آنچه گذشت آتش آتشکده اصلی اختصاص بشهریاران و مؤبدان داشته و آتشدانیکه بعداً در شمال معبد آناهیتا ضمن عملیات حفاری سال ۱۹۶۳ ظاهر شده و شرح آن در جای خود خواهد آمد، آتش لشکریان بوده است. بنابراین با وجود شعله‌ور بودن آتشدانهای متعدد باید یقین داشت که آتش آتشکده آذرگشنسب همیشه فروزان بوده و

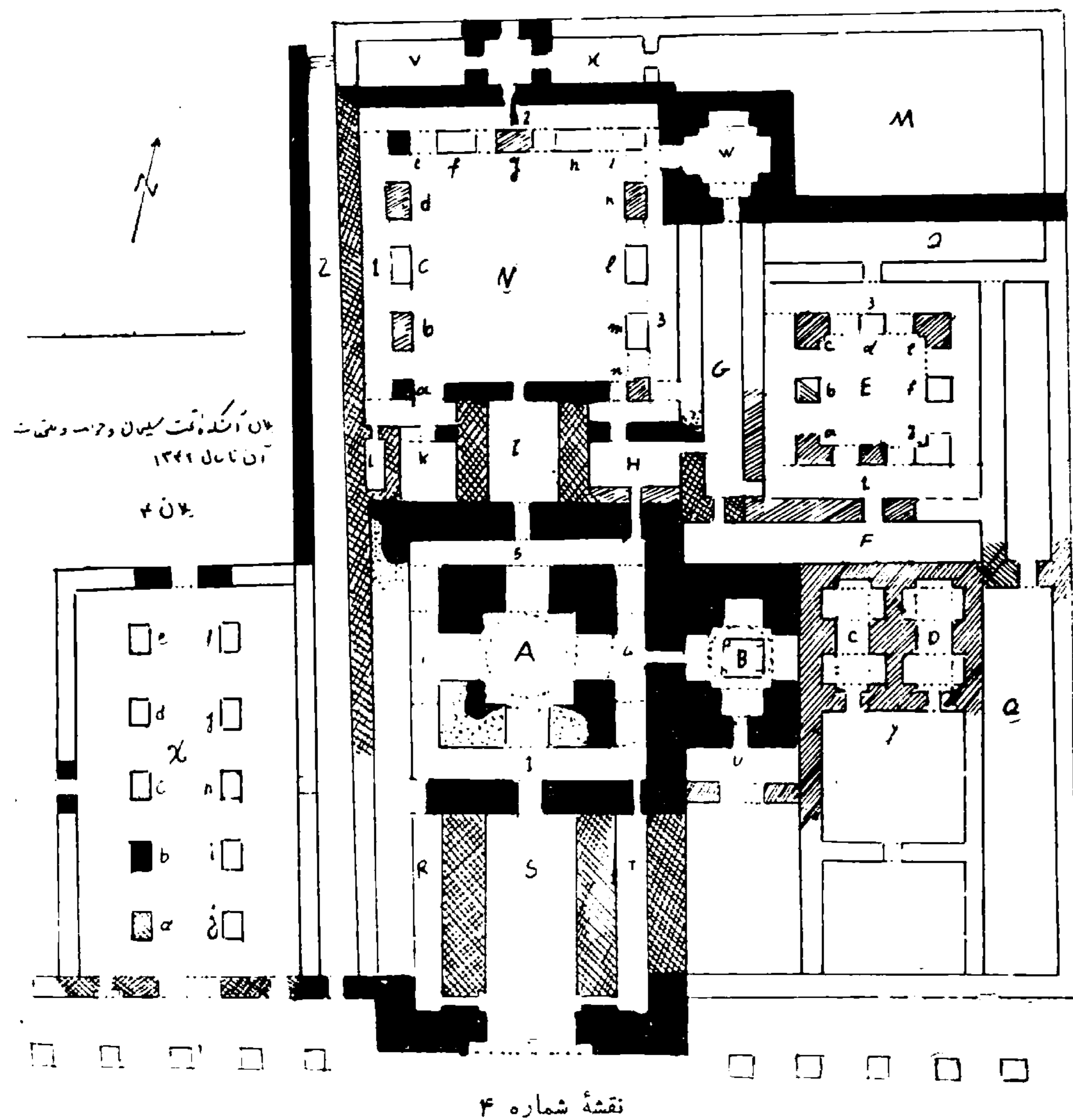


ش ۲۶- پایه ستونهای سنگی آتشدان محوطه B شرق آتشکده

سرچشمه سایر آتشکده‌ها بوده است، باری آتشدان محوطه B پس از اشغال محل توسط عباسیان بصورت حوضچه‌ای درآمده و شاید بمنظور محل وضو از آن استفاده میشده است. محوطه آتشدان B از سوی مغرب بدر شرقی آتشکده و درست در مقابل آن ساخته شده، ولی در جنوبی فعلاً در حدود ۸۰ سانتی متر با خاک پر شده، روی آن را سنگ فرشی از زمان مغول

۱- نگارنده عقیده مند است که این محل باید آتشگاه لشکریان باشد.

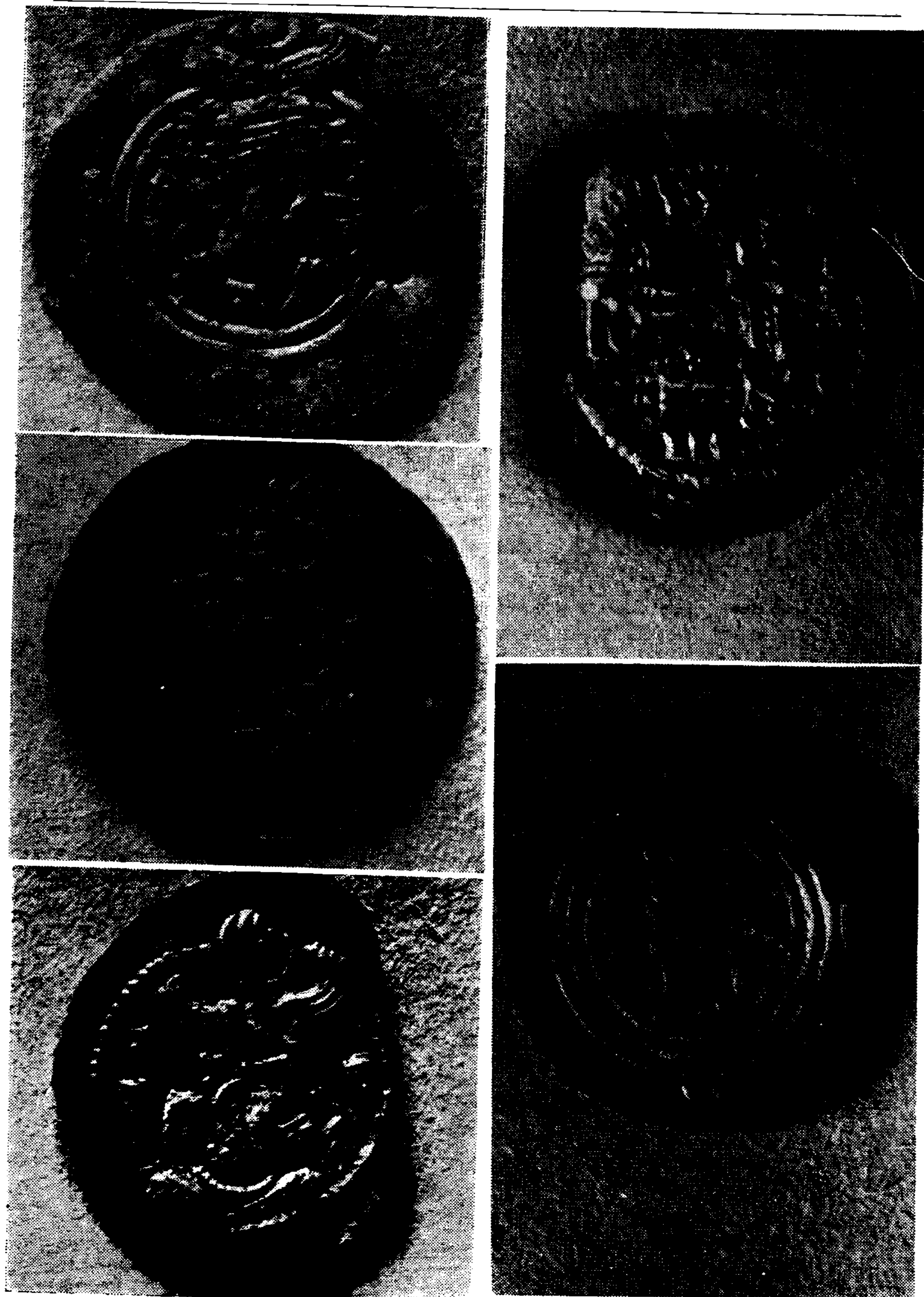
فرا گرفته که باطاق مستطیل شکل U چنانکه گذشت، راه پیدا میکند. دهانه این درگاه ۱/۵ متر میباشد. طول اطاق U ۱۱ متر و عرض آن ۳/۵ متر است که قطر شمالی دیوار اطاق مزبور همان قطر دیوار راهرو زمان ساسانی است و در حدود ۲ متر میباشد و قطر دیوار جنوبی



که در زمان مغول ساخته شده، ۱/۴۰ متر میباشد. کف این اطاق با پاره آجرهائی فرش شده است که چندان مرتب نیست و بدون شك این آجر فرش مربوط بدوره عباسی است. در دیوار سمت جنوبی این اطاق درگاهی است که این اطاق را باطاق دیگری که دارای

وضع نامشخصی است متصل میسازد. در گوشه جنوب غربی این اطاق راهرو باریکی به پهنای ۹۰ سانتیمتر با طاق هلالی شکلی که مربوط بمدخل فرعی و جنوبی آتشکده میباشد و در امتداد دیوار جنوبی آن قرار گرفته، ظاهر شده، ولی دیوار غربی این محوطه که در امتداد دیوار غربی راهروی مکشوفه قرار گرفته، دنباله دیوار زمان مغول است. در این محوطه بمنظور پیدا شدن کف اصلی زمان ساسانی چند ترانسه در گوشه‌های مختلف زده شده که منجر به پیدایش آجر فرش زمان ساسانی گردید. دنباله عملیات حفاری از این محل بطرف شرق آتشکده، مربوط بیک سری ساختمانهای سنگی حجاری شده است که اطاق صلیبی شکلی را تشکیل میدهد که دیوار غربی آن احتمالاً در حمله هراکلیوس خراب گردیده و یا احیاناً در زمان عباسی برداشته شده است. وضع ساختمان این اطاق صلیبی شکل سنگی که در شرق آتشکده و با مصالح سنگی بدین ملاط و با سلیقه خاصی ساخته شده است نظر ما را بمکانی جهت حفظ و نگهداری اشیاء نفیس مربوط بمعبد و یا خزائن و اسناد و از جمله کتابخانه معطوف مینماید زیرا در گوشه ضلع شرقی این اطاق جایگاه نصب اشکاف نیز وجود دارد و بدون شك اختصاص بمکان حفاظت اسناد و کتابخانه داشته است. وانگهی میدانیم که نسخه اوستا در کتابخانه آذرگشنسب نگاهداری میشده است. کریستن سن در این مورد می نویسد: «بفرمان شاهپور رونوشتی از اوستای تنسر در معبد آذرگشنسب در شیز نهاده شد». کلیه این اسناد و مدارک در هنگام حمله رومیان از میان رفته است و باید محل اصلی نگهداری این کتاب و سایر نسخ و اسناد این مکان باشد و از این نظر علاوه بر اینکه در مجاورت آتش مقدس ساخته شده، راهی هم مستقیماً بطرف محوطه B آتشدان ندارد و شاید از لحاظ مجاورت با آتش، با دیوارهای سنگی ساخته شده است که از تاثیر شعله‌های آتش و حرارت آن محفوظ تر باشد. وضع ساختمانی این قسمت از بنا بدین ترتیب میباشد که دو اطاق مستطیل که بوسیله راهرو در وسط از طرف طول بیکدیگر ارتباط پیدا میکند، کف این اطاقها بوسیله خاک سرخ در حدود ۴۵ سانتیمتر بالا آمده هم سطح سنگ فرش گردیده و این نوع خاک قرمز رنگ در ضمن عملیات حفاری از مشخصات حدفاصل بین

۱- ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه رشید یاسمی ص ۱۶۲.



ش ۲۸- نمونه‌هایی از سکه‌های مکشوفه در تخت سلیمان متعلق بزمان ساسانی

دوره ساسانی و بعد از آن میباشد، بدین معنی که ساسانیان برای هم سطح کردن ناهمواریها و پر کردن جاهای مورد نظر از این نوع خاک استفاده کرده اند و در این مکان نیز خاک مزبور مربوط بزمان ساسانی بوده و درون آن پس از خاکبرداری در سال ۱۹۶۱ تعدادی سکه های ساسانی بدست آمده است. بنابراین دیوارهای شرقی فضای B با سنگ چینه ای حجاری شده بطور منظم و مرتب باین ترتیب ساخته شده است. رو بروی در شرقی آتشکده، سکوئی است بطول ۴ متر و عرض ۳ متر، که از دو طرف آن دیواری به پهنای ۱/۲۰ متر بآن ملحق شده تا بمنظور ایجاد کتبخانه و شاه نشین دو اطاق صلیبی شکل تشکیل داده است و خود این دیوار سنگی دارای زوایای قائمی است که دیواره شمالی و جنوبی قسمتی از فضای B را تشکیل میدهد. در پشت این دیوار و سکو بطرف شرق، محوطه دیگری است که آثار طاق مخروطی به زمان ساسانی همپراز دیوارهای نامرتبی که تشکیل اطاق هائی را داده است؛ بر روی کف محوطه قرار دارد. دنباله این عملیات در سمت جنوبی محوطه مذکور منجر به پیدایش دیوارهای سنگی مرتبی گردیده که بسوی شمال ادامه یافته و متصل بدیوار شرقی محوطه B میگردد و در سمت شمال شرقی این محوطه یک ترائشه بطول ۸ X ۸ متر بسمت شمال زده شده که آثار ظاهر شده در این ترائشه مربوط به ساختمانهای دوره مغول میباشد که شرح آن در بخش مربوط بمغول داده خواهد شد. در شمال اطاق صلیبی شکل، دالانی بطول ۲۷ متر و عرض ۴ متر وجود دارد که سر تا سر قسمت شمالی آتشدان محوطه B و کتبخانه را فرا گرفته است (سالن F) دالان مزبور بوسیله دو در یکی در شمال غربی به پهنای یک متر که به حیاط مرکزی آتشکده راه مییابد و دیگری در شمالی به پهنای ۱/۲۰ متر که مستقیماً وارد معبد هشت طاقی میشود. در بدو امر این هشت طاقی که در ضلع شمال شرقی چهار طاق آتشکده واقع شده، معبدی مجزا بنظر میرسد. این معبد با پاید های سنگی حجاری شده زیبا که روی آنها بوسیله آجر از سه طرف طاق قوسی شکل ضربی و از طرفی دالانهای اطراف و از سوئی ستونهای مجاور و از قسمت مرکزی تشکیل گنبد مدوری را داده اند. معبد میترا الهه ای که تأثیر نفوذ رومیان را در زمان پارتها و

همچنین ساسانیان مینمود؛ میباشد. این محوطه بنام E در نقشه نمایانده شده. تالار مرکزی از چهار جهت دارای دومی داخل میباشد که بدالانهای اطراف معبد راه دارد و بدین طریق طواف دور معبد را نظیر دالانهای آتشکده برای انجام مراسم مذهبی میسر میگرداند. از طرفی در دالانهای دور معبد دومی داخل اصلی، یکی از طرف شمال و دیگری از سوی جنوب وجود دارد که در جنوبی وارد کردوری که مقابل کردور خارجی شمال آتشکده قرار گرفته، ساخته شده. ولی در شمالی براهرو وسیعی راه مییابد. از وضع ساختمانی این معبد با پاید های سنگی حجاری شده، چنان بنظر میرسد که در دوره دوم ساسانی ساخته شده است. ولی رو به مرغمرفته اسلوب ساختمانی هشت ستونی یا باصطلاح در مقابل لفظ چهارطاقی، بنای هشت طاقی وجه امتیازی بین سری ساختمانهای دوره ساسانی ایجاد میکنند. در اثر عملیات اکتشافی سال جاری در ضلع شمال غربی این معبد که فقط راهروئی فاصله دارد، نمای آتشدان دیگری ظاهر شد که از هر حیث جالب توجه است. این آتشدان بادیه های سنگی بزرگ ولی مرتب درست قرینه آتشدان محوطه B جلوی آتشکده اعظم است که در این فاصله ساخته شده است. این آتشدان را که بنام محوطه W نامگذاری می کنیم از لحاظ ساختمانی کاملاً شبیه آتشدان B و در محوطه ای بمساحت بیست متر مربع بوجود آمده است. وجود این آتشدان شاید راه حلی بمنظور آشنائی بمعبد محوطه E میباشد و در حقیقت کلید و مفتاح آن بحساب می آید. زیرا بطوریکه قبلاً گذشت، آتشکده آذر گشنسب اختصاص بآتش شهر یاری و لشگریان داشته است و چنانچه آتشکده اعظم را آتش مخصوص سلاطین ساسانی بدانیم این آتشدان را باید آتش لشگریان دانست از طرف مجاورت این آتشدان با محوطه E یقیناً بهمین منظور بوجود آمده است که مراسم مذهبی لشگریان در هنگام اعیاد و جشنها و حتی گرفتاریها و مصائب در این محل انجام میشده و انتقال آتش مقدس از آتشدان محوطه W بمعبد E صورت میگرفته. با وجود دو آتشدان در محل بایستی آتش این آتشگاه پیوسته روشن بوده باشد. بعلا کثرت توده های انباشته شده خاکستر که درون این آتشدان ظاهر شده است بنظر میرسد که در این آتشدان آتش همیشگی را

به وسیله چوبهای خشک نگهداری میکرده اند. اجاق مرکزی این آتشدان مربع شکل



ش ۲۹- مدخل جنوبی آتشکده لشکریان



ش ۳۰- آتشدان W معروف به آتشدان لشکریان

و کاملاً شبیه اجاق آتشدان محوطه B میباشد. ولی پایه‌های آتشدان در این محل وجود نداشته است. این آتشدان از هر لحاظ با آتشدان شرق آتشگاه قابل مقایسه و بهمان ترتیب دارای دو مدخل جنوبی و غربی است. مدخل جنوبی به پهنای ۱۳۰ سانتیمتر و مدخل غربی به پهنای ۱۹۰ سانتیمتر میباشد. راهرو غربی این محل را به گذرگاه دروازه شمالی متصل میسازد. بعید نیست که هنگام ورود باین محل از دروازه شمالی (راهرو I) سلاطین ساسانی مستقیماً از در شمالی آتشکده بزرگ که مقابل دروازه اصلی قرار گرفته رفت و آمد مینموده اند و لشکریان برای انجام مراسم از راهرو شرقی میگذشتند. درست در این مکان دروازه‌ای نصب شده است که شاخص مجزا بودن جایگاه شاه و لشکریان در انجام مراسم مذهبی میباشد. این درگاه به پهنای ۱/۵ متر و حائز کمال اهمیت بوده و در حقیقت باید آنرا مدخل اصلی و در ورودی واقعی بمحوطه مقدس آتشگاه دانست (دروازه I). چه در هنگام ضرورت این در بسته و قفل شده و به مهر شاه و نگهبانان و پاسداران ممهور میشده، در نتیجه راه ورود و خروج به کلی مسدود میگردد. در مجاورت این محل تعدادی تابلت‌های ساسانی با اندازه‌های مختلف از گل پخته بدست آمده که برای همین منظور بکار میرفته و بوسیله نخ لاک مانند چسبانده و بعداً به مهر پادشاهان و سایر مسئولین امر که گاهی تعداد آنها از روی مشخصات مهر به ۵۰ نفر میرسید، مهور شده است. این اثرات مکشوفه مهرها علاوه بر اینکه مورد مصرف و توجه مسئولیت حفظ و حراست محل را نشان میدهد مخصوصاً هدایا و تحفی که برای آتشکده حمل میشده است با این مهرها مهور شده که بزرگترین سند تاریخی زمان ساسانی است و ما را با پادشاهانی که در این محل آمد و شد داشتند و اقدام بسکونت و حفظ و حراست آن نمودند آشنا میسازد. گرچه اثر مهر اغلب مسئولین که در اطراف مهر شاه غالباً علامتی از نشانهای کلاه که بزرگترین شاخص شناسائی پادشاهان ساسانی است؛ و یا علائم حیوانات مختلف از قبیل اسبهای

۱- پلان این آتشدانها با اندازه‌ای مورد توجه بوده است که قصر شاپور در شهر بیضا بود واقع در کازرون فارس با همین سبک ساخته شده است.

بالدار وقوع و حیواناتی مانند ، ملخ، کژدم ، عنکبوت ، مار و سایر جانوران و پرندگان نشان داده شده است ؛ ولی اکثر آثار مهرهای شاه بهمان طریق که روی سکه‌ها تصویر آنان با مشخصاتی از قبیل تجسم کره ماه و افلاك دیده میشود و در حقیقت علامت اختصاری خانوادگی این سلاطین و بمنزله امضای آنان محسوب میگردد؛ با طرز واضح تر و بزرگتری در روی این تابلت‌ها وجود دارد . برخی نیز با تجسم نیم تنه پادشاه ممهور شده است . در انواع دیگر آن ، اشکال جالب و زیبایی که دارای ارزش هنری میباشد جلب توجه میکند. از آن جمله تابلتی است که اثر شکلی شبیه دو S بطور متقارن و سایر نقوش در بالای



ش ۳۱- دو نمونه از تابلت‌های گلی با اثرات مهرهای مختلف روی آنها
مکشوفه در تخت سلیمان از زمان ساسانی

آن حك شده است. اثر مهری دارای نقشی شبیه سرو میباشد که از لحاظ تاریخی اهمیت فوق العاده دارد؛ زیرا تا آنجائیکه اطلاع داریم تصویر این نقش از مشخصات دوره هیت بوده و بعدها در نقش‌های برجسته آشوری و هخامنشی داده شده که نوع این نقش بر روی ظروف سفالین منقوش و تا زمان ساسانیان ادامه داشته ، ملاحظه مینمائیم ، و دنباله آن نیز تا کنون کشیده شده است . در اطراف بعضی از این اثرات مهر، کتیبه‌ای بخط پهلوی وجود دارد که امیدوار است هیئت حفاری مشترك هر چه زودتر اقدام بخواندن و نشر آن

بنمایند تا مطالب مجهول دیگری از این حفاری علمی بدست آید .
و اما در دیگر آتشدان لشکریان که بسوی جنوب راه مییابد، وارد کردید و غربی معبد بنام J میگردد، که از آنجا میتوانسته‌اند بوسیله درگاههایی که در سمت جنوبی قرار گرفته ، دالانهای اطراف معبد را دور بزنند . اصولاً ضمن عملیات حفاری ثابت شده است که عمده ترین ساختمانهای مقدس مذهبی ساسانیان در محوطه شمالی دریاچه تخت سلیمان قرار گرفته است و سایر قصور اختصاصی در قسمت غربی یا اطراف آن - که هنوز بعلت عدم حفاری نمیتوان در این مورد اظهار نظر قطعی نمود - ساخته شده است. هر چه عملیات کاوش توسعه پیدا میکند بهمان نسبت نیز ارزش ساختمانی محل تخت سلیمان - بویژه در زمان ساسانیان - بزرگتر و مهمتر جلوه گر میشود. و بدون شك باید تخت سلیمان را در زمان ساسانیان يك شهر مذهبی و مقدس دانست .

حیاط مرکزی

حیاط مرکزی شمال آتشکده ، محوطه ایست بمساحت تقریبی ۵۰۰ متر مربع که بوسیله ۱۵ ردیف ستونهای مکعب شکل که در سه طرف بنا در سمت مشرق و مغرب و شمال بفاصله‌های ۲/۵ متر ساخته شده، تزئین گردیده است (محوطه N). ستونها با سنگهای حجاری شده و صاف بطول ۲ متر و بعرض ۱۶۰ سانتیمتر میباشد که بدین ترتیب قرار گرفته اند ؛ ستونهای گوشه دار همچنان که مرسوم این محل در این زمان بوده، در گوشه‌های محوطه بکار رفته و در فاصله آنها ستونهای ساده قرار گرفته است. این ستونها حسب معمول طاق ضربی از دو جهت با آجر زده شده است؛ از یکطرف بدیوارهای مجاور و از سوی دیگر بد هر ستونی روی ستون دیگر طاق زده شده و با این اسلوب، محوطه حیاطی را در شمال آتشکده بوجود آورده اند که بصورت رواقی در اطراف حیاط قرار گرفته است . این سبك ما را بیاد پیشرفت این شیوه معماری در زمان اسلامی میاندازد، که حیاط مرکزی را يك سلسله رواق دور دور فرا میگرفتند است . با اینکه طرز ساختمان بناهای اسلامی مخصوصاً با شیوه رواق دار کاملاً مشخص است ، ولی باید سیر تکامل آنرا از همین زمان

دانست. حیاط مرکزی که در شمالی آن روبروی در اصلی دروازه بزرگ قرار گرفته، دارای مدخلهایی بشرح زیر میباشد:

۱- از سمت مشرق بادرگاهی بدپهنای ۱۷۰ سانتیمتر مستقیماً با تشدان لشکریان که با حرف W مشخص شده است راه یافته و همچنین از جنوب شرقی وارد محوطه H میگردد، این محل در حقیقت تالار کوچک ارتباطی بین حیاط مرکزی و در کوچک آتشکده و همچنین راهرو آتشدان و معبد میباشد. (نقشه شماره ۴)

۲- در جنوبی که در سمت در مقابل مدخل شمالی و دروازه اصلی قرار گرفته، مستقیماً بمحوطه I باز میگردد. این محوطه ارتباط بین این درگاه و در ورودی آتشکده و مدخل اصلی شاهی را برقرار مینماید.

۳- در سمت جنوب غربی دو درگاه که قریندسازی شده است بدو محوطه محدود K و L راه مییابد، محوطه K اطاقکی است بطول و عرض در حدود ۵ × ۴ متر که مورد مصرف آن آنطور که باید و شاید مشخص نیست، شاید بصورت انباری در این محل ساخته شده است. ولی محوطه L بنا بمقتضیات دیوار انکائی غربی آتشکده - که قبلاً شرح داده شد - بوجود آمده و ممکن است فقط بصورت انباری نیز از آن استفاده میشده است.

بهر جهت نکته قابل توجه در این قسمت از بنا، همانا حیاط مرکزیست که با ستونهای مکعب شکل از سنگهای حجاری شده و بطور رواق اطراف صحن حیاط را فرا گرفته است. با وجودیکه این سبک معماری در دوره اسلامی عمومیت پیدا میکند ولی منشاء و ریشه این سبک، رومی می باشد و تقریباً نظیر بازلیکاهای رومی است که دیوان محاکمات محسوب میشده است، بدین ترتیب که در اطراف صحن حیاط دارای ستونهایی بوده که براهرو و بعداً بدالان اطراف آتشکده و سپس بتالار مرکزی راه می یابد که در حقیقت دارای مشخصات شرقی است و هیچگونه نفوذ رومی در این قسمت از معماری ساسانی بچشم نمیخورد، شاید تنها اثری از فن معماری خالص ساسانی باشد که بدست توانای هنرمندان ایرانی بوجود آمده است. گرچه از جزئیات سبک فوق نمیتوان چشم پوشی

نمود، خاصه اینکه ضمن حفاری در شمال شرقی این محوطه، سرستونی کوچک از سنگ مرمر ولی با طرح زیبا که ساخت ایران نیست بدست آمد. این سرستون از شاهکارهای فن حجاری رومیان (بیزانسی) میباشد که در این محل کشف گردید. با توجه باینکه در این منطقه سنگ مرمر وجود ندارد، نمیتوانیم انتساب ساخت و حجاری آنرا - ولو تقلیدی هم که شده - به این محل بدانیم. بنابراین باید معتقد باشیم که این سرستون رومی هنگام حمله هراکلیوس باین محل آورده شده که این عقیده باتصمیم قبلی هراکلیوس برای جنگ تا اندازه ای دور از ذهن است، و با چنین در نظر آوریم که چون خسرو دارای يك زن مسیحی بوده، در معبد کوچکی که برای این زن ترتیب داده بود، سرستون فوق یکی از جمله هدایائی است که برای او بمعبد آورده شده است. وضع حجاری این سرستون نظیر سرستون هائی است که در تزئین کلیساها و دیرها بکار رفته است؛ بدین ترتیب که بانوار مارپیچ و مخصوصاً برگ مو منقوش شده است و بهترین اثر تاریخی این سبک را در نیمه دوم قرن ششم میلادی میتوان یافت؛ زیرا تزئینات طوماری مارپیچی آمیخته با تزئینات برگ مو که بصورت سرستون ساخته شده است؛ در یونان وجود نداشته بلکه ریشه بیزانسی یعنی روم شرقی دارد.

کاخ اختصاصی خسرو

در قسمت غربی آتشکده، کریدوری به پهنای صد متر، حد فاصل بین آتشکده و قصور اختصاصی ایجاد شده است. این کاخ که بموازات ضلع غربی آتشکده بوجود آمده، بطور کلی بوسیله این کریدور جدا و مشخص گردیده است. قصر مزبور (X) فعلاً در زیر پایه های بنا و محوطه ساختمانی قصر آباقا خان - که بعداً شرح داده خواهد شد - قرار گرفته، از سوی جنوب کاخ مزبور در امتداد آخرین دیوار ایوان جنوبی آتشکده ساخته شده و بدین ترتیب در قسمت شمال غربی دریاچه تخت سلیمان قرار گرفته است. کاخ مزبور دارای يك مدخل اصلی ایوانی شکل در وسط و دو راهرو کوچکتر در اطراف آن میباشد.

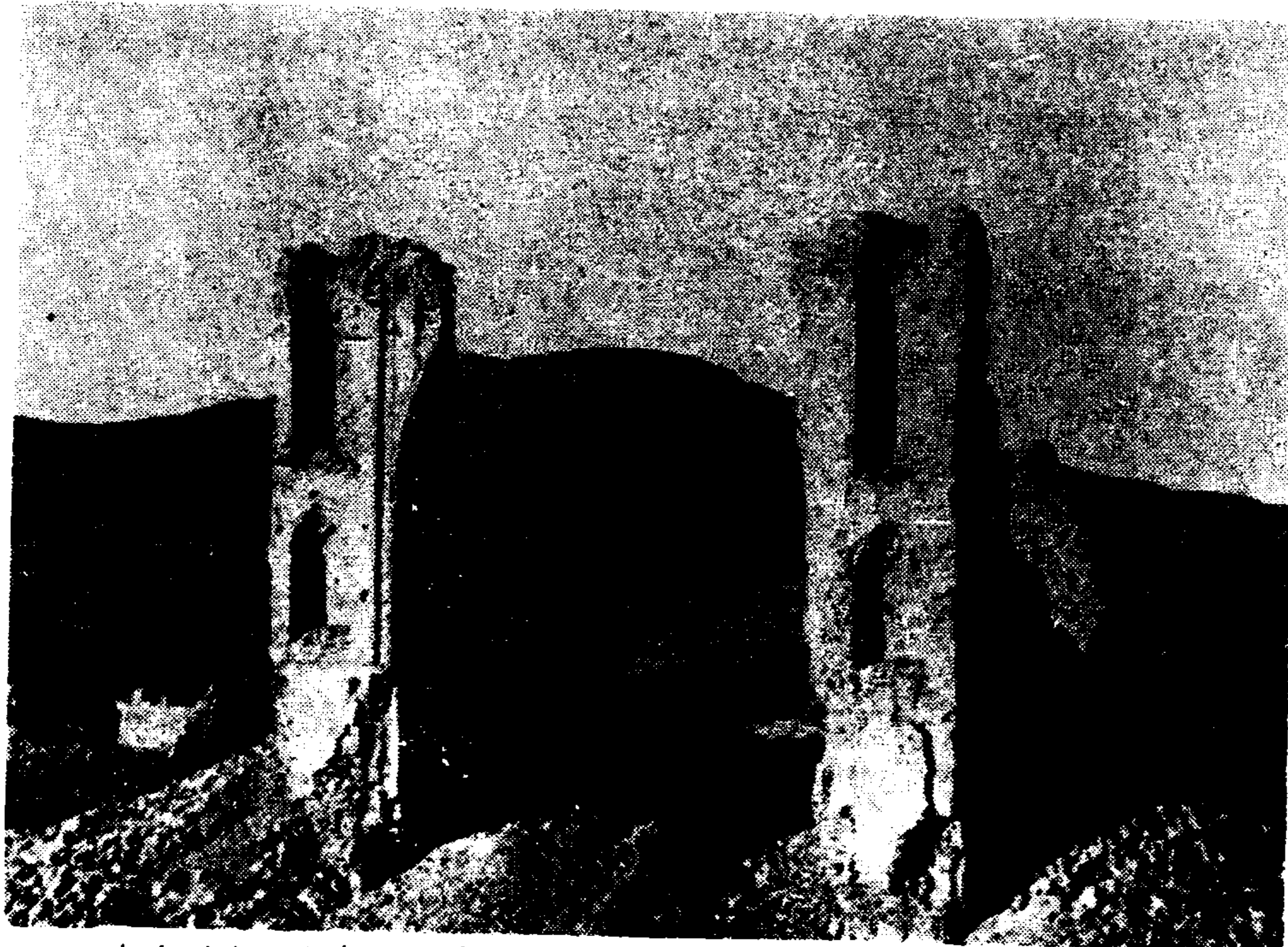
وسعت راهرو اصلی با اندازه وسعت و فاصله افقی بین ستونهای کاخ و در حدود شش متر است. ولی پهنای درگاههای فرعی، قدری بیشتر از یکمتر میباشد. محوطه قصر عبارتست از پنج ردیف ستونهای سنگی در هر طرف، که بسیار زیبا و از شش طبقه سنگهای حجاری شده بطول ۱۴۰ سانتیمتر و آجرهاییکه بمنظور قوس طاق در روی آنها قرار گرفته، ساخته شده است. فاصله این ستونها از طرف طول عمودی ۳/۲۵ متر و از طرف طول افقی ۶ متر است هر یک از ستونها دو متر عرض و ۲۲۰ سانتیمتر طول دارد. این پنج ردیف ستون بطور قرینه ساخته شده و از لحاظ شیوه و اسلوب ساختمانی بهمان ترتیب زمان ساسانی



ش ۳۲- سرستون زیبای سبک بیزانسی مکتوفه در تخت سلیمان که در حفاری سال ۱۹۶۴ بدست آمده است.

بوسیله طاقهای ضربی، از یکطرف با دیوارهای مجاور و از سوی دیگر روی ستونهای مقابل طاق زده شده است و ظرافتی را که در ساختن این کاخ بکار برده اند واقعاً سزاوار و شایسته پادشاهی چون خسرو بوده است؛ زیرا بمراتب وضع حجاری و فن معماری این کاخ اختصاصی با مصالحی که در ساختن آن تشکده در آن استفاده شده است فرق دارد. کف قصر را برخلاف کف آتشکده، که با هشت ردیف آجر بزرویهم پوشانده شده بود، با شفته ریزی و گچکاری مفروش نمودند. متأسفانه فقط دو پایه از ستونهای فوق الذکر سالم و بقیه در اثر حمله رومیان و بعدها هم توسط عباسیان از بین رفته است و هیئت بامهارت

فوق العاده ای از روی آثار جای سنگهای برداشته شده، توانسته است وضع اصلی کاخ اختصاصی خسرو را روشن نماید. پلان ۴ وضع و موقعیت قصر خسرو را آنطور که بوده نمودار میسازد. متأسفانه بعلمت پایان فصل حفاری سال ۱۹۶۲ آنطوریکه باید و شاید شمال این کاخ و وسعت آن مشخص نگردیده و در سمت مشرق که کریدور فاصله بین این کاخ و آتشکده است در اثر حفاری آشکار نیست که آیا از این سمت هم مدخلی بداخل این قصر وجود داشته است یا نه؟ ولی از ترانسه ای که در گوشه ضلع شمال غربی قصر آباقاخان

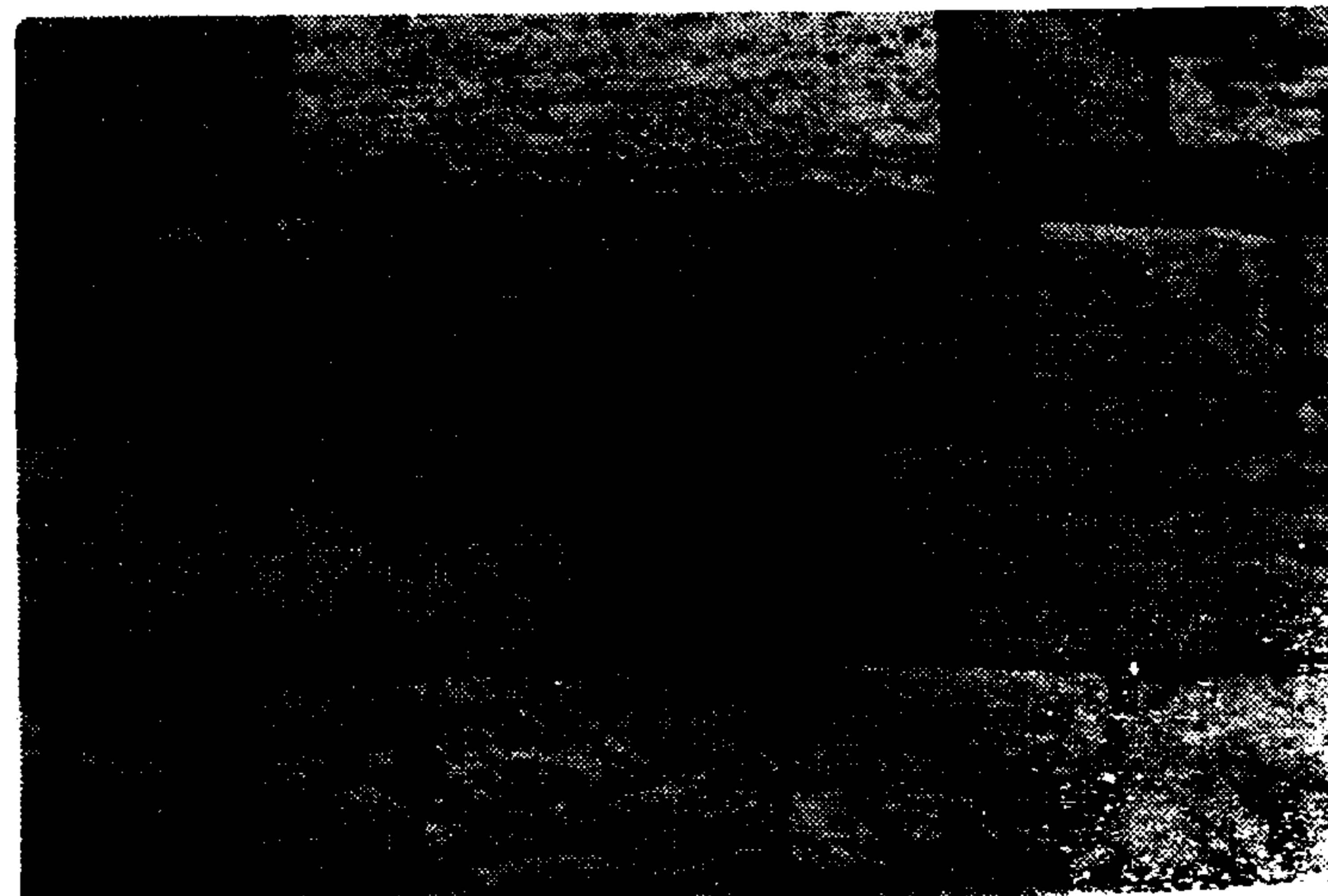


ش ۳۳- نمای مخروبه ایوان خسرو واقع در غرب دریاچه تخت سلیمان، از این ایوان در حال حاضر فقط پایه سمت راست باقیمانده است.

حفر گردیده، چنین برمی آید که از سمت غربی راهی بداخل کاخ اختصاصی خسرو وجود داشته است.

این قصر که شاید بزرگترین قصور ساسانی چه از لحاظ وسعت و چه از نظر سبک ساختمانی و ظرافت در ایران میباشد؛ درست در فاصله ایوان رفیع خسرو و آتشکده قرار

گرفته است بدین ترتیب که ایوان خسرو که با جزئی اختلاف از ایوان تیسفون کوچکتر است در قسمت ضلع جنوب غربی آن و مشرف بر دریاچه ساخته شده است. ایوان مزبور که قطر دهانه آن ۱۹ متر و ارتفاعش ۲۲ متر و بدرازی ۲۷ متر میباشد؛ یکی از شاهکارهای فن معماری زمان ساسانی است. پایه این ایوان با سنگهای حجاری شده ناصاف و نامرتب و بطور گوشه دار ساخته شده است. سپس در روی این پایه های سنگی که قسمتی از دیوار داخلی ایوان را نیز فراگرفته است آجرهای مخصوص زمان ساسانی بابعاد ۱۰ × ۳۰ × ۳۰ سانتیمتر و ملاطی شبیدگچ و ساروج دیواره بنا را برافراشته و در وسط



ش ۳۴- یکی از پایه ستونهای کاخ خسرو که در زیر کف قصر اختصاصی آباقا آن قرار گرفته است

دیوار علاوه بر استفاده از شیوه کلاف گم چند ردیف آجر بطور عدودی کار گذاشته شده و بدین ترتیب استقامت هر دو قسمت از دیوار بنا را تضمین کرده است. جالب توجه طاقی هلالی شکل است که چنین دهانه وسیعی را بهم می پیوسته است. در پشت این ایوان و جوانب غربی آن اطاقهای کوچکتری نیز ساخته شده است. این ایوان که با پرده های زیبا مستور میشده، مارا بیاد ایوان تیسفون و زینت هائیکه در آن بکار رفته میاندازد؛ و ایوان مزبور چه از لحاظ زمانی و چه از نظر تزئینی و مخصوصاً از لحاظ موقعیت مکانی، قابلیت هرگونه تزئیناتی را داشته است و صرف نظر از ارتفاعی که این ایوان دارد؛ پایه

ساختمانی آنرا طوری گرفته اند که حداقل در حدود چهار متر از سطح بناهای ساسانی در محل بلندتر است، در نتیجه چون کوهی مرتفع در دریاچه زیبای تخت سلیمان منعکس میگردد و همچنین ایوان جالب و رفیعی است که در زمان مغول موجودیت خود را حفظ کرده و مغولان با علاقه و دلسوزی خاص بتعمیر آن همت گماشته اند. تعمیرات مغولی چون با سنگهای طبیعی و ملاط گچ و ساروج و تزئینات کاشیکاری و گچ ببری و مقرنس کاری صورت گرفته است کاملاً مشخص میباشد.

موجودیت تاریخی آشکاره معروف آذرگشنسب و مشخصات آن وقصور اختصاصی خسرو و سایر بناهای این زمان نسبت بموقعیت خاص طبیعی و ارزش هنری و صنعتی بدون اغراق یکی از بزرگترین آثار زمان ساسانی محسوب میشود که شیوه و اسلوب معماری خارجی - مخصوصاً رومی - نظیر آشکاره بیشابور کازرون در آن بچشم نمیخورد. شکی نیست که حفاری مذکور فصل شیرین و پر قیمتی از تاریخ کشور ما را تشکیل میدهد و امیدوار است که در آینده با توسعه عملیات حفاری آثار بیشتری که مؤید ذوق و هنر و تاریخ ساسانیان در این محل میباشد نمایان و ظاهر گردد.

دنباله حفاریات جبهه غربی آشکاره آذرگشنسب و شمال شرقی ایوان خسرو که بحث آن گذشت در بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ توسعه فراوان یافته است. دو نقشه ضمیمه که یکی شاخص حفاری تا سال ۱۹۶۳ و دیگری مربوط به آثار مکشوفه تا ۱۹۶۶ میباشد کاملاً پیشرفت امور حفاری تخت سلیمان را نشان میدهد. خوشبختانه آقای محمد یوسف کیانی بازرسان اعزامی از طرف اداره کل باستانشناسی و فرهنگ عامه به محل گزارش جامع و گویائی که در واقع شرح دنباله عملیات کاوش گذشته را روشن میکند تهیه کرده که بدون شك بردارستنی های علاقمندان و خوانندگان خواهد افزود و آنچه که در ذیل از نظر خوانندگان میگذرد مطالبی است که بازرسان نامبرده جمع آوری نموده است:

ایوان غربی

هنگامیکه تپه تخت سلیمان را از جنوب به شمال تا نیمه طی میکنیم در قسمت

غربی به ساختمان ویرانه بزرگی میرسیم که بایوان خسرو معروف است، لیکن این کاخ پس از ویرانی در زمان مغولان بازسازی شده است. در حفاری سال جاری هنگام خاکبرداری‌های قسمتی از این ایوان که بمنظور رسیدن به دیوار ساسانی انجام گرفت دو اطاق زیبای ۸ ضلعی «مغولی» از زیر خاک نمایان شد. این دو اطاق ۸ ضلعی که تقریباً در قسمت جنوب غربی تخت سلیمان واقع است بسیار زیبا و دارای مشخصات جالب توجهی است. کف آن با گچ پوشیده شده و ضمن کاوش در این اطاق کاشی‌های بسیار زیبا با نقاشی برجسته، پیدا شده است. نقاشی‌های این کاشی‌ها باشکوه و هنرمندانه است و بهترین نمونه‌های آن اژدها و گوزن و آهو را نشان میدهد و نیز گل‌های زیبا با برگ و شاخه‌هایی فراوان را که بطریقی هنرمندانه ترسیم شده‌اند مینماید، گذشته از آنها، کاشی‌های ستاره‌ای شکل با رنگ آبی آسمانی سیر و بدون هیچ‌گونه تزئینی بدست آمده که با آن قسمتی از دیوارها را می‌پوشانیده‌اند. در حفاری سال جاری تکه کاشی زیبائی بدست آمده که بر آن تاریخ ذی القعدة ۶۷۱ هجری برابر با سال ۱۲۷۳ میلادی آشکارا خوانده میشود. همچنین علاوه بر کاشی مقداری زیادی گچ بری منقوش دوره مغول هم بدست آمده است. بنظر میرسد که این دو اطاق ۸ ضلعی بوسیله دالان باریکی بهم‌دیگر را بطنه داشته است. در قسمت تحتانی این اطاقهای ۸ ضلعی دیواره و یا بهتر بگوئیم جرز بسیار قطور و عظیمی از سنگهای زیبای تراشیده قرار گرفته که روی آنرا با سنگهای تراشیده و ملاط پر کرده‌اند و در کنارش يك ردیف پلکان خراب شده - که بوسیله آجر قرمز و ملاط گچ ساخته شده - مشاهده شده است. قسمت سکوی تحتانی پلکان را سنگهای تراشیده استوار میسازد. قسمت سنگی این جرز بطور کلی متعلق بدوره ساسانی است و بایوان غربی تخت سلیمان ارتباط مییابد. بدین طریق که امتداد دیوار و یا کناره پلکان ایوان غربی محل نامبرده، در زمان ساسانیان بدینگونه میرسیده است. اما قسمت فوقانی جرز مشخصات ساختمانی دوره مغول را دارد.

ترانشه‌های غربی

قسمت غربی تخت سلیمان که تمامی آن در زیر خاک پنهان شده بود؛ طی چندین سال متوالی کاوش و با صرف هزینه بسیار سنگین حفاری از زیر خاک بیرون آورده شد. این قسمت که بعد از شروع حفاری، بنام کاخ خوانده شد، عموماً متعلق بدوره ساسانی است. ابتدا کاوش به صورت گمانه انجام گرفت و در مرحله اول يك ستون استوانه‌ای شکل آجری نمایان گردید که این ستون بقطر ۲/۵ و ۲/۲۵ و به ارتفاع ۲/۶ متر که در قسمت فوقانی و تحتانی دارای گچ بری بوده است. این نقطه که تالار ستون دار نامیده میشود، دارای دوردیف و هر ردیف دارای ۴ ستون استوانه‌ای شکل بوده است، این تالار بوسیله يك درگاه بعرض ۵ متر با يك حیاط مربوط است که در آن يك ساختمان مربع شکل با بعد ۱۰ متر قرار داد. در این ساختمان يك محل صلیبی شکل و يك درب در محور سمت جنوبی و همچنین يك درب خروج فرعی زاویه دار، در همان سمت قرار دارد. علی‌الظاهر این ساختمان يك نوع استراحتگاه و محل خواب مجهز به سه عدد تختخواب بوده که در مجاورت کاخ قرار داشته است.

البته بعدها تغییراتی در این ساختمان داده شده، بدین نحو که دور تا دور ساختمان مربع شکل يك حیاط با اطاقهای ضریبی ساخته شده است. این تغییر ساختمان نیز مربوط بزمان ساسانیان میباشد. روی ساختمان دوره ساسانیان آثاری مربوط بدوره اسلام وجود داشت که در آن يك کوره سفال‌پزی و تهیه ظروف سفالین بوده است.

بطور کلی حفاری در ناحیه کاخ که قسمت اعظم فعالیت هیئت بوده، بسیار جالب و منجر بکشف اطاقهای متعدد راهرو و حیاط دوره‌های مختلف ساسانی گردید و هیئت حفاری با نامگذاری آن با حروف لاتین از همدیگر مشخص کرد. در شمال تالار مجهز به ستونهای قطور مدور PB دو راهرو به وسعت ۳۰ X ۴۵ متر ضمن کاوش از زیر خاک بیرون آورده شد که بنام (K₀₁ و K₀₃) نامیده شد. یکی از اطاقهای مکشوفه در قسمت غربی تخت سلیمان اطاق PD میباشد.

همچنین در مغرب قسمتهای PC و PD دو گروه ساختمان از زیر آوار بیرون آورده



ش ۳۵- نمای داخلی اطاق مکشوفه PD



ش ۳۶- ستونهای آجری دوره ساسانی

شده که هر دو بیک راهرو KO_2 که از شرق به غرب ادامه دارد، راه دارند. ولی خود این

اهدای

بوسیله

تاریخی

این دو گروه بیکدیگر راه ندارند.

گروه اول که در جوار PC و PD قرار دارد از یک اطاق دراز شکل و یک اطاق مربع شکل دیگر که در پشت اطاق اولی قرار دارد و دارای یک در باریک میباشد، تشکیل میگردد و در آن اطاق مربع شکل یک پستوی کوچک در داخل دیوار ساخته شده است. سقف این اطاقها بشکل نیمه بشکه ساخته شده و زیر کف اطاقها بقایای عمارات قدیمی تری که از آجر و خشت و سنگهای غیر منظم ساخته شده بوده، کشف شده است.

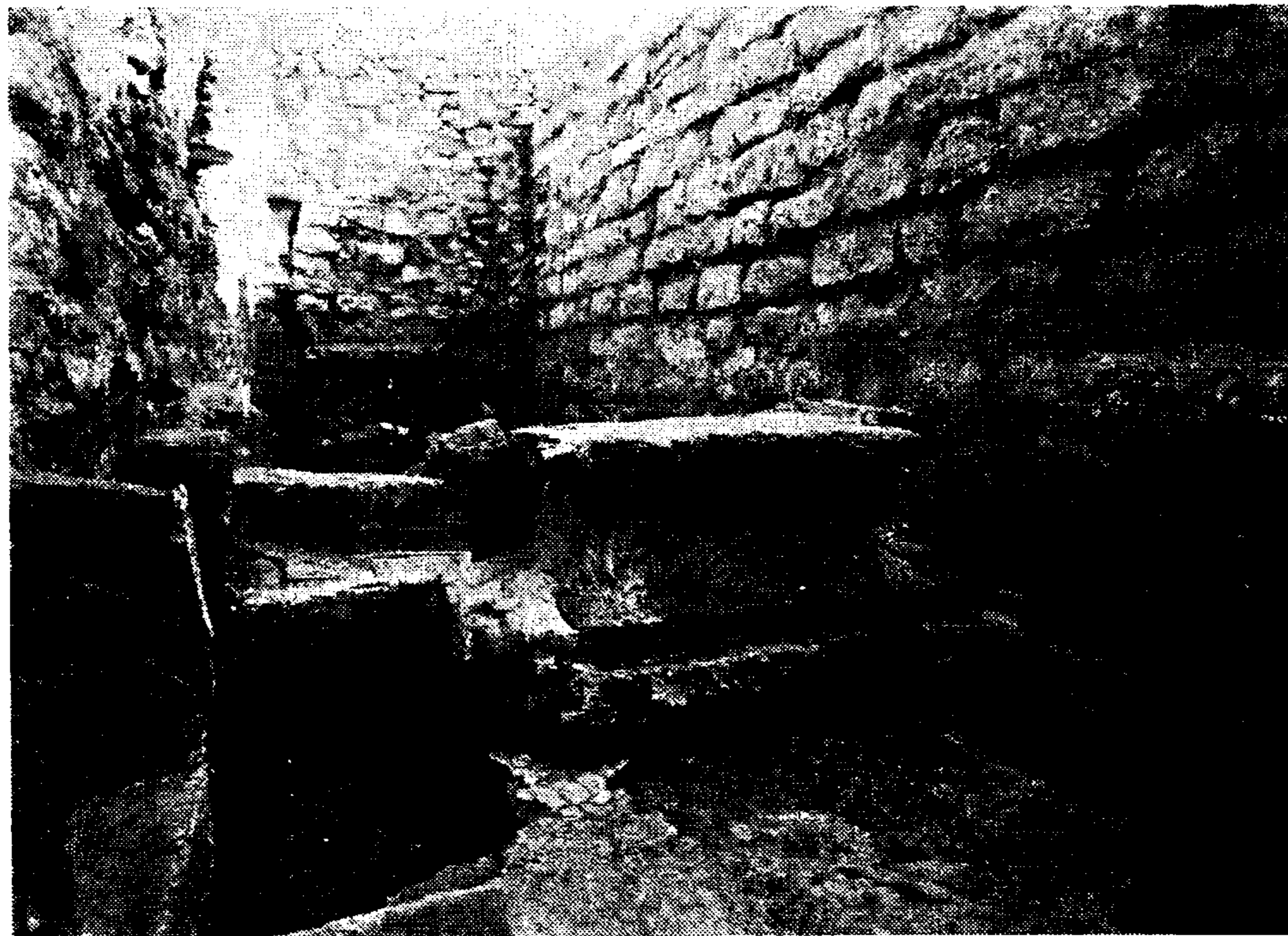
گروه دوم - این ساختمان از یک تالار Pg بزرگ و صلیب شکل تشکیل میگردد و سقف قسمت مربع مرکزی آن احتمالاً بطور گنبدی شکل بوده است و بازوهای طرفین دارای سقف نیم بشکه‌ای شکل بوده که هنوز قسمتی از آن سالم مانده است. در دیوارهای آن طاقچه‌هایی ساخته شده و کف اطاقها گچ کاری شده است. علاوه بر سر در اصلی جلوی راهرو KO_2 درهای باریکی نیز در اطاقهای دراز شکل که در شمال و مغرب تالار صلیب شکل قرار دارند، وجود دارد. زیر اطاق شمالی سنگهای مکعب شکل آهکی که پی یک ساختمان قدیمی تر و احتمالاً مستطیل شکل بوده، دیده میشود.

در مغرب این نقطه حیاط‌هایی وجود دارد که تا راهرو KO_3 ادامه دارد. محوطه وسیع و پهن تالارهای ستون دار PB و PA و راهرو KO_3 احتمالاً مسکونی بوده است. یکی از مهمترین نتایج عملیات حفاری مزبور یافتن برج و بارویی نیم دایره‌ای شکل در سمت خارجی راهروهای KO_3 و KO_4 - که سطح بالائی آن قابل دیدن بوده - میباشد. این راهروها با این ترتیب ساختمانهای آتشکده و کاخ را بعنوان یک حصار حفظ می نموده اند. همانطور که گفته شد در قسمت غربی تخت سلیمان، ضمن کاوش، ساختمانهای متعلق بدوره ساسانی کشف شد. این ساختمانها که شامل حیاط، کری دور، اطاق و راهرو بود هر یک دارای مشخصات جداگانه‌ای است که اینک شرح بعضی از آنها گفته میشود:

الف - اطاق PM یا اطاق مراسم مذهبی.

در مغرب حیاط بزرگ شمالی، اطاق کوچک مکعب مستطیل شکلی قرار دارد که از لحاظ مطالعه مذهبی اهمیت شایانی دارد. دیوارهای این اطاق از سنگهای تراشیده

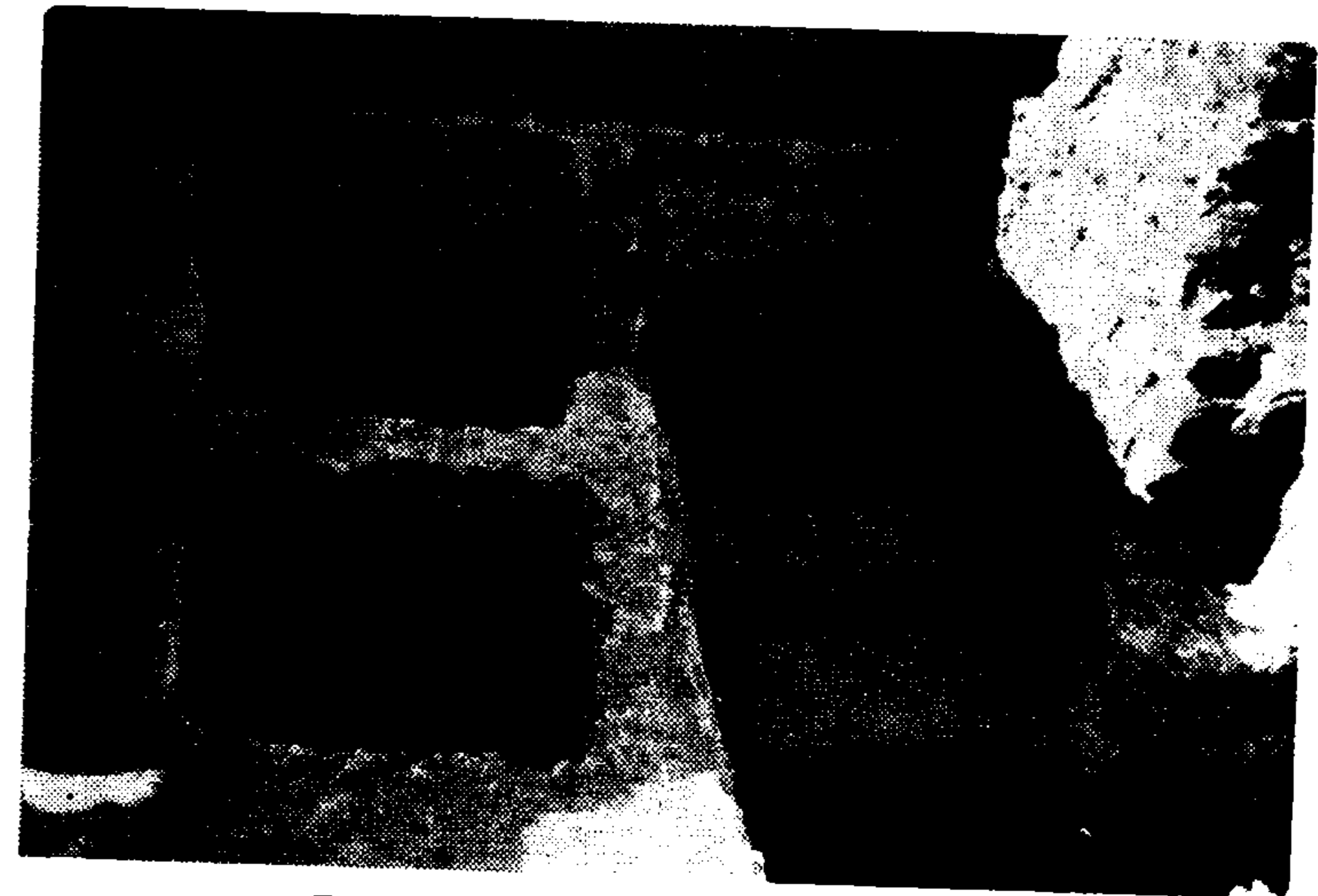
در گوشه جنوب غربی اتاق PM جایگاهی مشاهده شد که احتمالاً برای قراردادن يك كوزه یا خمره بزرگ آب یا شراب تعبیه شده بود .
در کنار آن گودی جالب توجهی است بقطر تقریبی ۲۰ سانتیمتر که معلوم نیست محل برافروختن آتش یا جایگاه آتشدان بوده است. اطراف میز را با آجر دوره ساسانی مفروش کرده بودند و در جنوب اتاق دیوارهای پهن و کوتاهی دیده شده که احتمالاً سکوهائی بوده که برای نگهداری اشیاء نذری و جامهای مشروب بکار میرفته است .



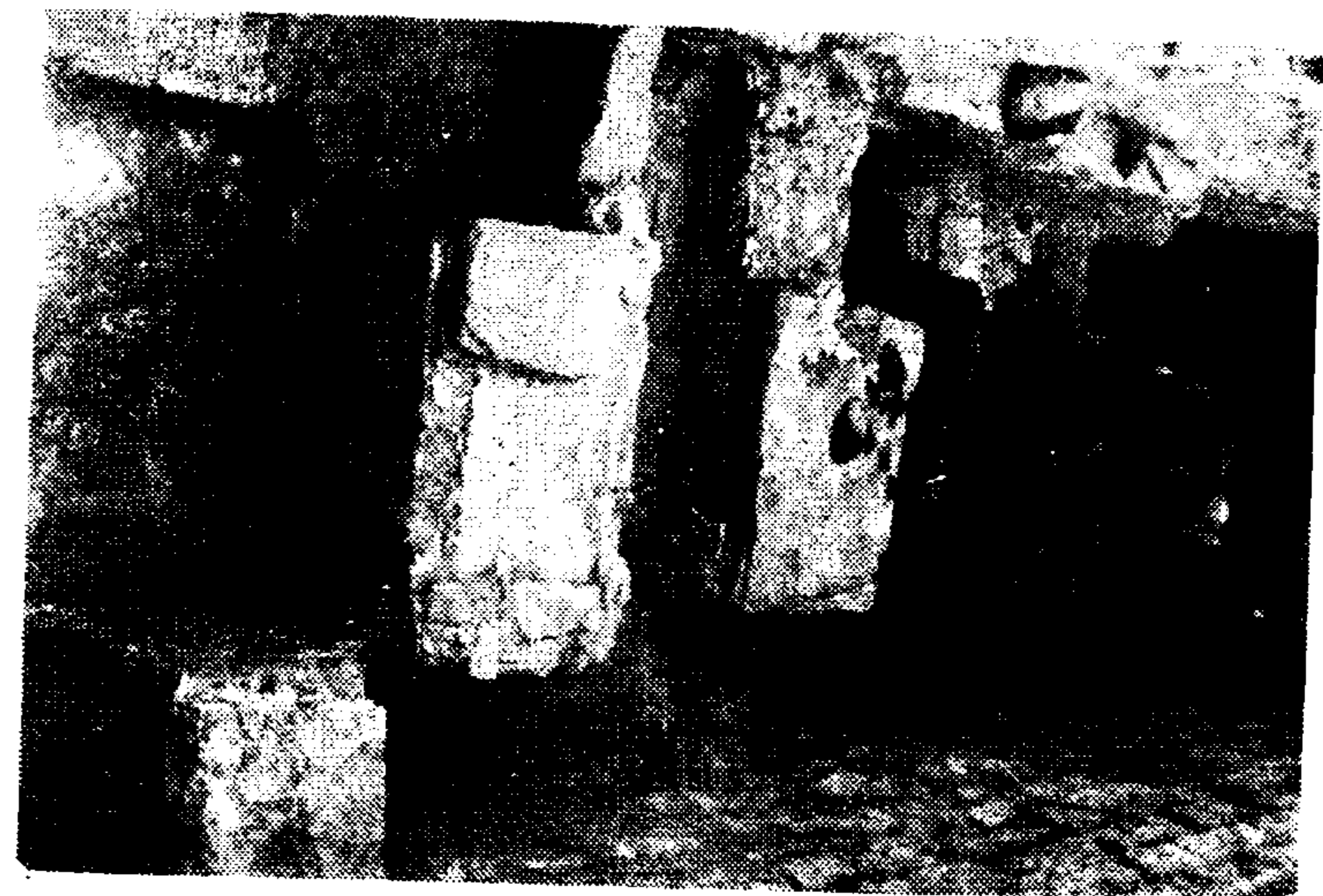
ش ۳۹- نمای داخلی اتاق PM یا اتاق نذر و قربانی

نکته جالب توجه اینجاست که در این اتاق ضمن کاوش يك عدد سکه اسلامی بدست آمده که گرچه هویت آن کاملاً تشخیص داده نشده ، لیکن حدس زده میشود که متعلق بیکی از خلفای عباسی باشد . بنظر اینجانب این سکه متعلق به المعتصم آخرین خلیفه عباسی است و ممکن است در هنگامیکه آخرین خلیفه عباسی در بغداد بدست هلاکوخان

و در بعضی قسمت تراشیده تشکیل شده بود که روی آن را يك طبقه گچ بری ظریف می پوشانیده است . این اتاق دارای دو طاقچه بزرگ و يك طاقچه کوچک در دیوار غربی میباشد . در قسمت شمال، اتاق دارای سکوئی است که روی آن گچ کاری شده و در امتداد آن دو صفه



ش ۳۷- ترانسه های مربوط به اتاق Pg



ش ۳۸- نمای داخلی اتاق PM مکشوفه در غرب آتشکده آذرگشنسب

میز مانند بطول ۱/۵ متر و عرض ۱ متر و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر از خشت خام ساخته شده که روی آن نیز گچ کاری شده بود .

مغول کشته شد، توسط سر بازان مغولی به تخت سلیمان آورده شده باشد.

همچنین در این اطاق يك كلوخ گلی کوچک یافته شد که در روی آن نقش يك مهر ساسانی دیده میشود. این كلوخ که در اصطلاح باستان شناسی تابلت خوانده میشود؛ گلوله‌ای از گل بوده که با نخ به نامه و یا بسته وصل میشود و بر روی آن نقش مهر صاحب نامه و یا امانت منقوش میشود است. اطاق Pg دو اطاق کوچک طاق دار جایگاه قربانی یا اطاق PM را بسالن صلیب شکل نسبتاً بزرگی وصل میکنند که در اصل گنبد دار بوده است. دیوارهای اطاق از سنگ و آجر دوره ساسانی ساخته شده و کف آن نیز از يك طبقه ضخیم گچ پوشیده شده است. این اطاق را هیئت حفاری بنام Pg نامگذاری نمود.

از آنجائیکه ضمن حفاری در این اطاق مقداری سفالیندهای عهد عباسیان پیدا شده، ظاهراً این اطاق تا آن موقع محل سکونت بوده است.

با آنکه سطح کنونی دیوارهای اطاق مذکور پس از خاکبرداری‌های اخیر کاملاً آشکار شد که متعلق به دوره ساسانی است؛ معیناً برای اطلاع بیشتر دو ترانسه در قسمت شمالی این اطاق زده شده و در نتیجه معلوم گشت که در شمال اطاق يك اطاق قدیمی‌تر دیگری بوده که ۲ متر پائین تر از سطح اطاق اولی بوده است؛ بطوریکه جرز دیوار شمال غربی سالن نامبرده در داخل دیوار اطاق پائین تر کنده شده است؛ چنانکه هنوز جای کلنگهای متعلق به دو هزار سال پیش آشکار و واضح است و در اندازه گیری معلوم شد که طول اندازه دم کلنگ دوره ساسانی ۵/۵ سانتیمتر بوده که با اندازه کلنگ امروزی برابر است.

پس از ادامه ترانسه اطاق مزبور قدیمترین سطح تخت سلیمان معلوم شد و در نتیجه يك نوع خاک رسوبی قهوه‌ای رنگ آشکار شد که نشانه تأثیر آب بوده و در عمق ۲ متری يك حفره نسبتاً بزرگ بیضی شکل به عمق ۷۵ سانتیمتر کشف شد که دوجوی سر پوشیده کوچک بدان وارد میشود. اطاق PV: یکی دیگر از اطاقهای ناحیه غربی اطاق PV است. این اطاق دارای کفی از گچ بوده، البته این کف از گچ متعلق بدوره جدیدی است. بعد از اینکه عملیات حفاری تا کف گچ رسید؛ برای شناسایی بیشتر این محل، حفاری تا عمق بیشتری

ادامه یافت و در نتیجه يك حوض آجری و شالوده چند دیوار خشتی پیدا شد.

قسمت غرب اطاق PV ناحیه‌ای است که احتمالاً حیاط روبازی بوده است. در این حیاط ساختمان‌های کوچکی مشاهده شد که هدف از ساخت آنها معلوم نیست و آنها عبارتند از چند سکوی گچی، شالوده چند دیوار گچی و بقایای کف‌های گچی، در سطح یکی از این سکوه‌های گچی آثار سوختگی نمایان بود و این موضوع میرساند که بعنوان یک نوع اجاق از آن استفاده میشده است. در يك قسمت سنگی شالوده دیوار کوچک سه تکه نقش برجسته گچی پیدا شد که گاوی ماده را در حال دویدن نشان میدهد و این قطعه گچ بجای مصالح ساختمانی بکار رفته بود. چند سوزن برنزی و يك سکه نقره (خسرو پرویز) و قطعات کوچک شیشه ضمن کاوش در این اطاق بدست آمد.

حیاط PW

در غرب محوطه PW دو دستگاه ساختمان وجود دارد که ساختمان جنوبی شامل يك تالار مستطیل شکل است بنام PV، يك کریدور بنام PS که در کنار تالار قرار دارد و از کریدور درهائی به اطاق باریک PS₁ و PS₂ و PS₃ باز میشود. احتمالاً از این ساختمان بعنوان محل سکونت استفاده میشده است و شاید هم اطاقهایی برای خواب بوده و طاچه مستطیل شکلی در دیوار مقابل برای پذیرائی بکار میرفته، البته این اظهار نظر کاملاً جنبه احتمالی دارد.

در جنوب این دستگاه عمارت تالار بزرگی است با دو در، که از طرف مشرق به آن باز می‌شود و دارای دو طاچه در دیوارهای شمالی و جنوبی میباشد. ولی بوسیله درهائی بعمارت مربوط نبوده، لکن احتمال دارد که متعلق به آن باشد.

ساختمان دیگری دارای سه اطاق مستطیل شکل است که کنار هم از مشرق به مغرب قرار گرفته و عبارتند از Po و Pg و PR، محل دخول باین اطاقها از حیاط مفروش PL در سمت شمال میباشد. البته بطور کلی ورود به حیاط PW راهی وجود ندارد. و کف آن دارای

سکوی مستطیل شکلی است که در مراسم مذهبی زمان ساسانیان از آن استفاده میشده است.

اتاق PV

در قسمت غربی اتاق PW اتاق دیگری با مشخصات جدیدی ضمن کاوش بدست آمد که PL نامیده شد. دیوارهای شرقی و شمالی و جنوبی این اتاق دارای مشخصات دیوارهای ساسانی هستند. یعنی با سنگ‌های قلوهای بزرگ و ملاط‌گچ ساخته شده‌اند. اما گچ کاری آنها و شکل خود آنها نشان میدهد که همه از دیوار غربی محوطه که همان دیوار درونی باشد، دیرتر ساخته شده‌اند. مسئله دوم در اینجا این است که بنظر میرسد در آغاز کف این محوطه یا بهتر بگوئیم حیاط ساسانی از سنگهای مکعب شکل بزرگی پوشیده شده بود که بر روی آنها نقش‌هایی از صلیب شکسته X دیده میشود، اما تغییرات زمانه و دست بشری مقداری از این سنگ‌فرش را نقل مکان داده است. در موقع حفاری در این بخش پس از اطمینان یافتن از اینکه قسمت کفی آن، متعلق بدوره ساسانی است، ناگهان به سفال و اشیائی برخورد شد که مشخصات دوره مغول داشتند، یعنی سطح مغولی پائین‌تر از سطح ساسانی قرار گرفته بود.

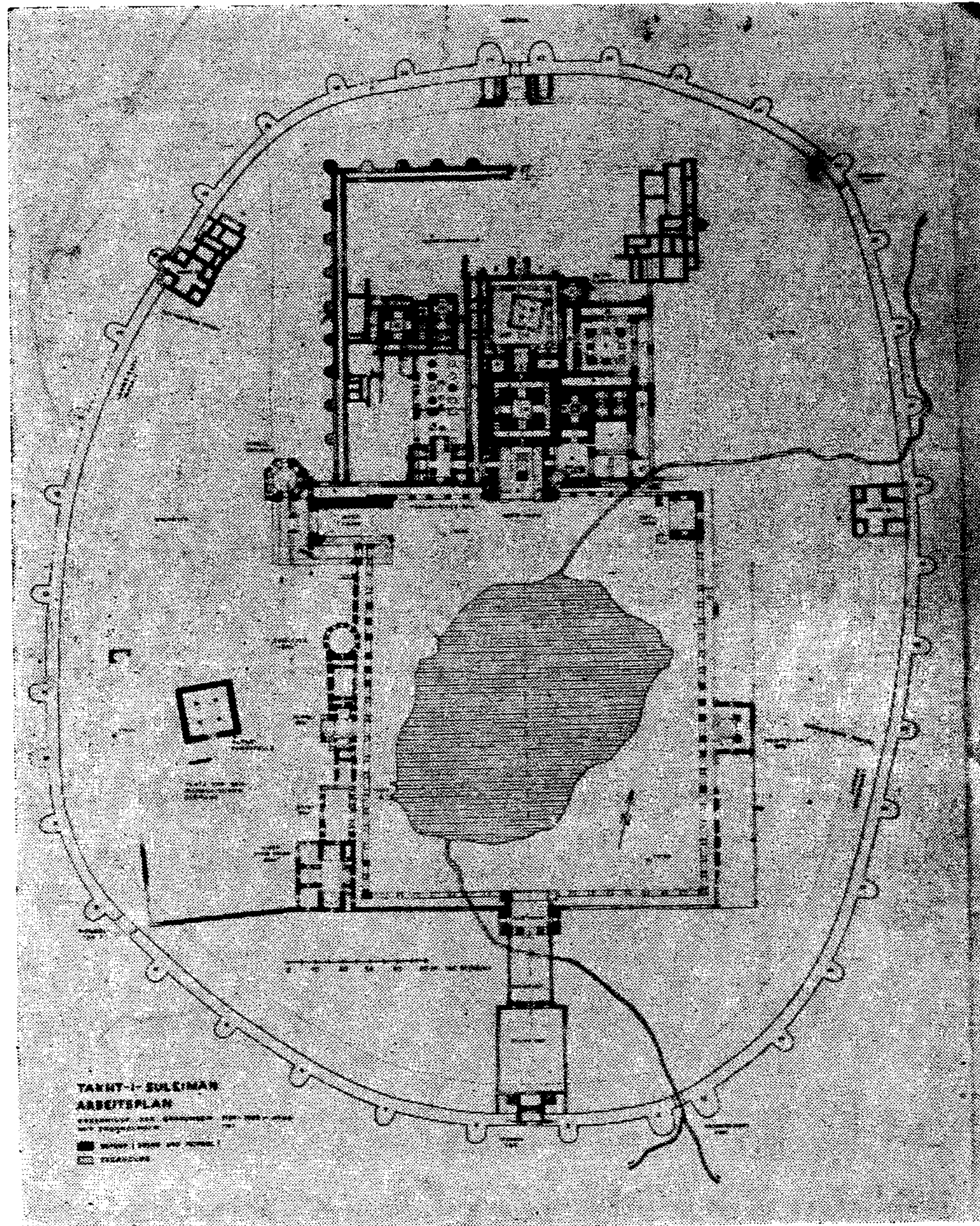
پس از حفر ترانشه‌ای دیگر در گوشه جنوبی محوطه و رسیدن به عمق ۲ متری، با بدست آمدن مقدار زیادی خاک سبز کود شده، معلوم گشت که این قسمت اصلاً محوطه‌ای ساسانی بوده که در زمان مغولان از آن بعنوان توالت W.C استفاده میکرده‌اند.

در میان محوطه دو دیوار عمودی و یک افقی که بعدها ساخته شده بود، آنرا بیچند قسمت تقسیم میکرده. در قسمت دوم وسوم محوطه کف سنگی شکسته و حفره‌هایی بشکل کنگره با سنگهای منفرد ساخته شده بود که همه باهم مربوط بودند و درون آنها همان خاک ذکر شده بدست آمد. اشیاء بدست آمده در میان این حفره‌ها متنوع بوده و چنانکه گفته شد متعلق بدوره مغول بوده است.

حفاری در قسمت شمالی تخت سلیمان

حفاری در این قسمت در ابتدا برای پیدایش راه ورود بساختمانها از در شمالی

و همچنین چگونگی ساختمانیهای مجاور در ورودی شروع شد.



نقشه شماره ۵

ابتدا ترانشه‌ای بابعاد ۶ X ۲ انجام گردید و در عمق ۲/۲۵ کف بنا ظاهر گردید. در

این قسمت تخته سنگ بزرگ‌کننده شده، بدست آمده که در قسمت تحتانی آن سوراخی تعبیه شده و خود سنگ نیز بصورت وان کوچکی حجاری گردیده که بمنظور ذخیره آب از آن استفاده میشده، ضمناً راه آبی نیز بوسیله تمبوشه در آن جریان داشته و در فاصله دو متری این سنگ راه آبی نیز بعرض ۵/۵ متر که با سنگ پوشیده بود، بدست آمده و در اطراف این سنگ، سنگهای تراشیده دیگری فرش گردیده که بر سطح آنها حفره‌های بزرگ و کوچک دیده میشود و در قسمت غرب ترانسه دیوارهای آجری بدست آمده و احتمال داده میشود که در دوره‌های اسلامی ساختمان گردیده است.

در کاوش سال جاری این قسمت، قسمتی از تالار جلوی دروازه اصلی شمالی از زیر آوار بیرون آورده شد و از مشخصات آن، تالار گهواره‌ای شکل است.

قسمت‌های پائین دیوار از سنگهای نامنظم و سقف آجری ساخته شده است. در دو طرف راه سر بالائی که از تالار بسمت جنوب بسوی دروازه دومی داخلی میرود؛ دیوارهای کوتاهی دیده میشود که احتمالاً پله‌هایی از کنار بسمت محوطه مرتفع‌تر میرفته است. دروازه دومی که جزو حصار داخلی بشمار میرود؛ مانند دروازه اول از یک تالار دروازه‌ای تشکیل میشده که برعکس اولی تماماً از آجر ساخته شده است.

در شمال شرق آتشکده، یک راهرو که در اصل بشکل گهواره ساخته شده بود از زیر آوار بیرون آورده شد. بطور کلی حفاری در قسمت شمالی به نتیجه کلی نرسید و ادامه آن بسال‌های آینده موکول شد.

معبد آناهیتا

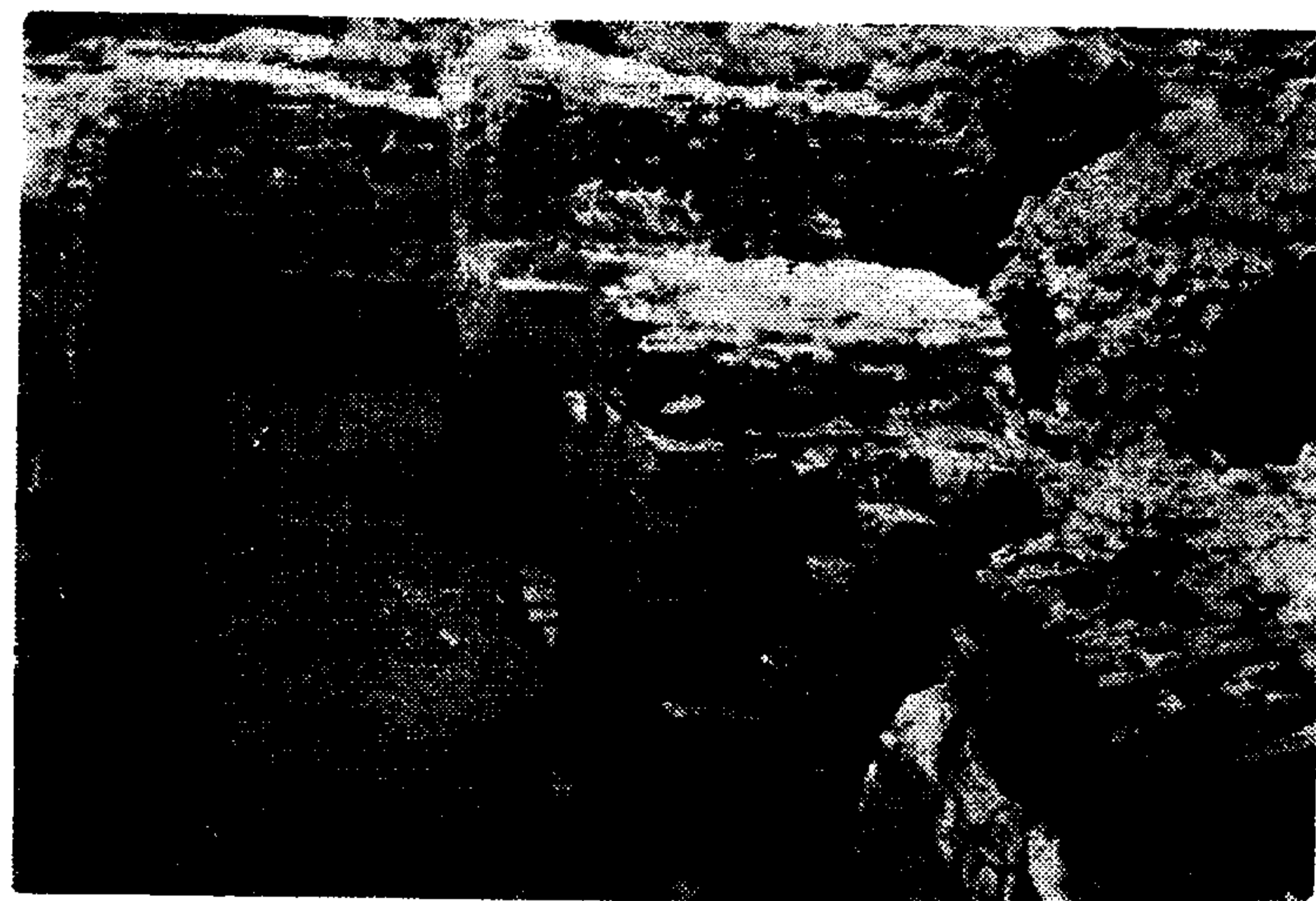
در قسمت شمال شرقی آتشکده معروف تخت سلیمان ناحیه‌ای است بسیار جالب و با عظمت. این محوطه را هیئت حفاری بنام Compex E نامگذاری و مورد استفاده آن را یک حیاط مرکزی ذکر کرده‌اند. ولی دوست ادیبم آقای سرفراز عقیده دارند که این محوطه معبد آناهیتا بوده است.

مشخصات معبد آناهیتا

مرکز این محوطه یک حیاط مربعی است با ۴ ستون گوشه‌ای و ۴ ستون مستطیل شکل متوسط در هر طرف، ستون‌ها حامل طاقهای آجری است بطوریکه در ۴ طرف حیاط



ش ۴۰- مدخل جنوبی معبد آناهیتا

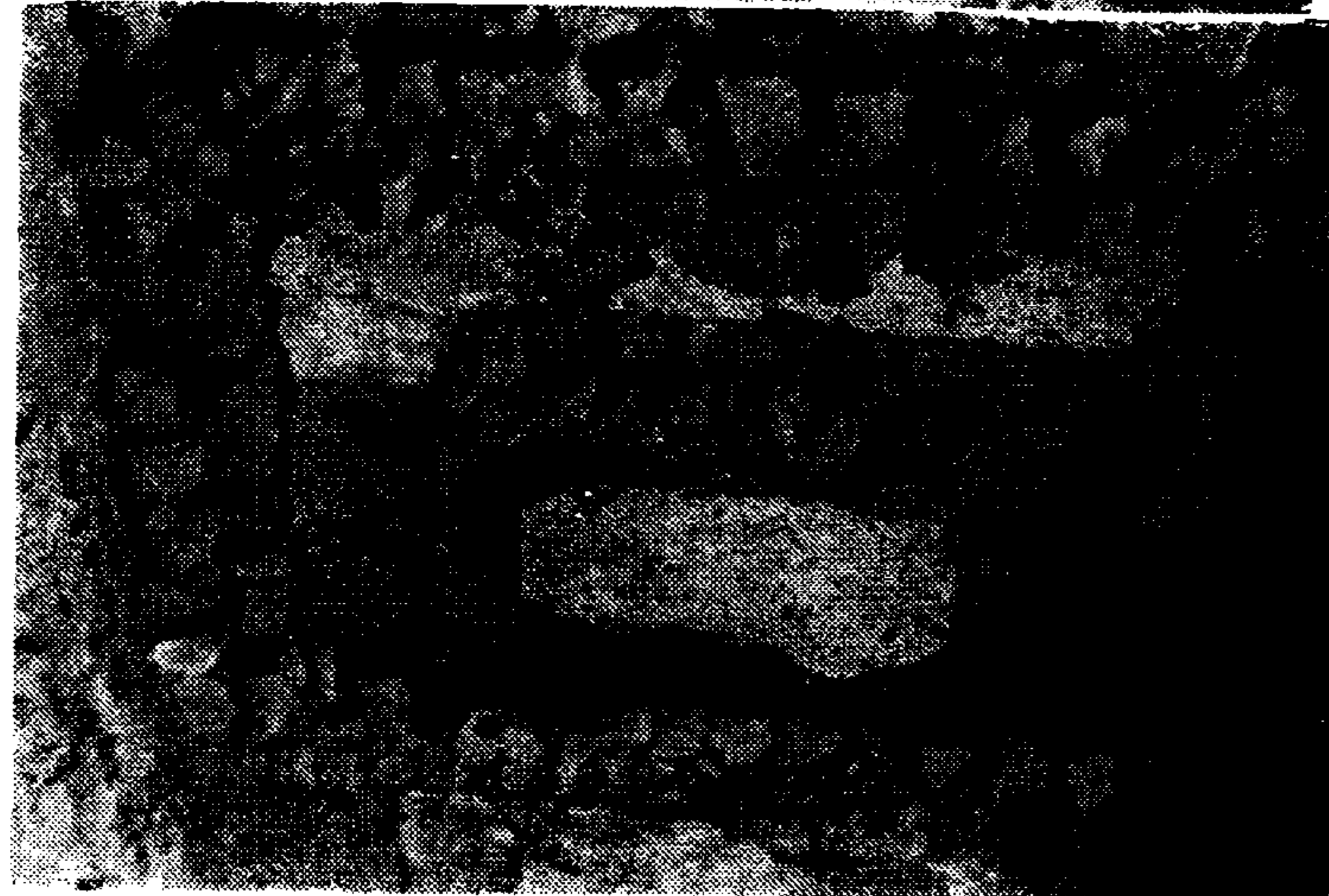


ش ۴۱- دالان شرقی معبد آناهیتا

دو دهنه طاق مانندی بطرف دالانهای باریکی که اطراف حیاط قرار دارد باز میشود. در وسط دیوار هر دالان یعنی در محور حیاط دروازه‌ای بسوی تعدادی اطاقهای



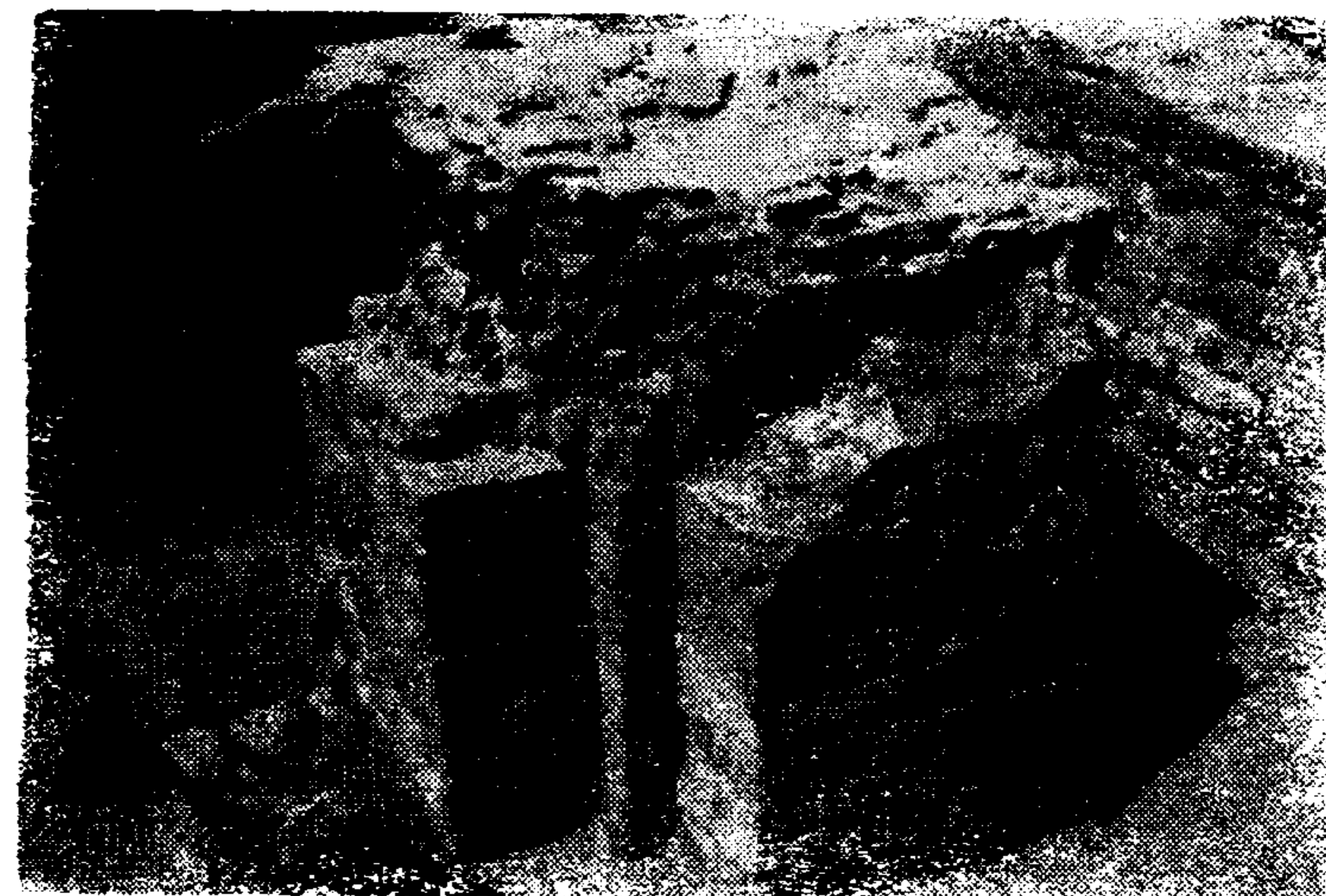
ش ۴۳-
جبهه
شمالی
کریدور
معبد
آناهیتا.



ش ۴۴

بلند و باریک که در عقب کریدور قرار دارند باز میشود و این اطاقها در اطراف کریدورها شبیه پره‌های یک آسیاب بادی است و اطاقهای شمالی و جنوبی درهای دیگری ندارند ولی اطاقهای شرقی و غربی باهم مربوط بوده و به حیاط اصلی شمال آتشکده راه می‌یابند. دیوار و ستونهای حیاط و اطاقها از تخته سنگهای بزرگی که خوب تراشیده شده‌اند، تشکیل شده و طاق‌های آنها نیز از آجر و بفرم ضربی ساخته شده‌اند.

اساساً در آنجا سنگفرشی از لوحه‌های سنگی بزرگ وجود داشت که فقط یک



ش ۴۲- وضع ستونهای گوشه‌دار معبد آناهیتا که تماماً از سنگ‌های
حجاری شده درست شده است

لوحه آن در کریدور غربی، در قسمت حفاری شده، باقی مانده است.

در اواخر دوره ساسانی یا اوائل اسلامی، حیاط مرکزی بوسیله یک دیوار سنگی که از شرق به غرب امتداد دارد؛ بصورت دو اطاق مستطیل شکل درآمده و این دیوار سنگی احتمالاً در حکم بست طاقهای ضربی بوده و بدین طریق حیاط روباز بصورت دو اطاق پوشیده درآمده است.



۴۵- قسمت‌های مختلف آثار مکتوفه در جبهه غربی تخت سلیمان
که در حفاریات ۱۹۶۶ ظاهر شده است



۴۶- قسمتی از ساختمانهای دوره ساسانی که در قسمت غربی
تخت سلیمان در سالهای اخیر بدست آمده است

فصل سوم

تخت سلیمان در دوران خلفای عباسی

قبل از بحث درباره آثار دوره خلفای عباسی در محل تخت سلیمان، لازم میدانند از ترانشه‌ای که بطول ۱۱ متر و بعرض ۳ متر و بعمق ۵ متر از سطح طبیعی موجود تخت در گوشه ضلع جنوبی کاخ اختصاصی مغول که بین کریدور واقع در ایوان شمالی و ایوان غربی بمنظور پیدایش دیوارهای ساسانی حفر شده است، بحث گردد.

ترانشه مزبور از سطح طبیعی بسوی کف اصلی زمان ساسانی، شامل پنج طبقه متمایز از بالا بیابین بشرح زیر میباشد:

۱- ارتفاع خاک تا کف اصلی مغولی در حدود ۸۰ سانتیمتر میباشد که از بقایای آثار سکونت بعد از مغول و بناهای مخروبه است.

۲- پی‌ریزی بناهای مغولی از کف اصلی بر روی دیوارهای موجود زمان ساسانی که قبلاً دستخوش خرابی گردیده و محاذی آن آثار، کانالی وجود دارد که در طبقات بین ساسانی و مغول قرار گرفته و پی ستون مغولی در روی همین کانال واقع گردیده که انتساب آن بدوره عباسی بخصوص (قرن سوم هجری) قطعی است.

۳- محاذی این کانال با ارتفاع ۸۰ سانتیمتر با خاک قرمز رنگ پر شده و سپس در کنار دیوارهای سنگی حدوداً تشکده، به پهنای ۲۳۰ سانتیمتر از سنگهای بزرگ و ملاط‌گچ و ساروج در ارتفاع چهل سانتیمتری دیوار باریکی با دو ردیف آجر که شاید بمنظور جلوگیری از چکه‌های آب در کنار دیوار ساخته شده است؛ برخورد میکنیم.

این دیوار آجری و همچنین اولین پی بناهای ساسانی را بر روی کف سنگی طبیعی که از رسوبات آب دریاچه تخت سلیمان بوجود آمده است، می بینیم. بدین ترتیب ۵ طبقه متمایز از کف اصلی زمان ساسانی در حدود شش متر از سطح طبیعی آب فعلی دریاچه پائین تر قرار گرفته و در این صورت آب دریاچه تخت سلیمان در زمان ساسانیان در حدود ۶ متر پائین بوده است.

پس از ساسانیان تخت سلیمان برای چند قرن مورد استفاده حکام دوره عباسی قرار میگیرد و پس از گذشت چند قرن دیگر مورد توجه پادشاه مغولی یعنی آباقآن واقع میشود. آنچه در این ترانسه جالب توجه و قابل اهمیت است آشنائی با طغیان آب دریاچه میباشد که مظاهر آن در ترانسه مزبور بچشم میخورد. بدین معنی که چهار دوره طغیان شدید باعث رسوبات سنگی و تشکیل قشرهای ضخیمی در روی آثار باستانی تخت گردیده: ۱- صرف نظر از تغییرات بزرگ و بوجود آمدن صفت تخت سلیمان که شرح آن قبلاً ضمن بیان اوضاع طبیعی این محل داده شد، و بنیاد بناهای ساسانی که در روی این طبقه از صفت تخت گذاشته شده است؛ پس از ساسانیان یکبار دیگر دریاچه طغیان شدید نموده و آثار سنگهای منجمد بقطر متوسط ۲۰ سانتیمتر، ابنیه دوره ساسانی را در خود میگیرد. و کانالهای ساخته شده در زمان ساسانی از آن جمله کانالیکه از دروازه اصلی شمالی میگذشته، بعلت همین طغیان و مواد رسوبی مسدود میشود، در نتیجه آب دریاچه بالا میآید.

بهر جهت پس از اینکه تخت سلیمان در زمان عباسیان اشغال میگردد، کانالهایی نیز به منظور جریان طبیعی آب از دریاچه حفر مینمایند که امروزه آثار آنها در ضمن عملیات حفاری در نقاط مختلفه ظاهر میشوند. نکته جالب توجه اینست که در زمان عباسیان بدون کوچکترین توجهی به ابنیه موجود کانال را علاوه بر آنکه عمیق گرفته اند، از هر کجاکه تقریباً خط سیر طبیعی آب بوده، گذرانیده و از اینرو خرابیهای زیادی بساختمانهای لطمه دیده زمان ساسانی و دیوارهای آن دوره وارد نموده اند. اینکه مسعر



بن مهلهل تعداد کانالهای موجود را در تخت سلیمان ۷ جوی ذکر کرده است^۱ شاید کانالهای موجود در زمان عباسی باشد. زیرا بنا بگفته حمدالله مستوفی - که در قرن ۸ هجری میزیسته و این محل را بنام ستور بق نامیده است^۲، از دریاچه موجود در آن دو چشمه جاریست. بنابراین باید چنین تصور کرد که در زمان مغول فقط دو چشمه از این دریاچه جاری بوده است. بطوریکه بعداً ذکر خواهد شد هنگامیکه مغولان در این محل آمدند بعضی از کانالهای دوره عباسی دارای جریان آب بوده و تصور میرود که سطح دریاچه از زمان عباسیان تاکنون در حدود ۴ متر بالا آمده است.

۲- در روی آثار ساختمانی عباسیان نیز قشر دیگری بضامت ۱۵ سانتیمتر از مواد رسوبی آب دریاچه مشاهده میشود که دال بر طغیان مجددی است که پس از عباسیان در این محل زوی داده است.

۳- سومین طغیان بعد از دوره مغول صورت گرفته که طغیان مزبور شدیدتر و طولانی تر از دوتای پیشین بوده و قشر ضخیمی که قطر آن متفاوت و بطور متوسط در حدود ۵۰ سانتیمتر روی پی های بنای مغولی را فرا گرفته و این طبقات سنگی یکی از مشکلات کار حفاری در تخت سلیمان است.

۴- طغیان چهارم که تا اندازه ای سطحی بوده و مدتش هم چندان طولانی نیست، طغیانی است که در بهار سال ۱۹۶۲ صورت گرفته و قشر نازک چند میلیمتری از خود بجای گذارده است. اینک که تغییرات و تحولات و دوران اقامتهای مختلف در تخت سلیمان تا اندازه ای روشن گردید؛ بشرح آثار دوره عباسیان در این محل میپردازیم:

در سال ۷۴۹ میلادی مطابق ۱۳۲ هجری حکومت بنی امیه در ایران بعلت طغیان و شورش که از ناحیه خراسان بلند شد شکست خورد. ایرانیان چون دل خوشی از بنی امیه نداشتند بیاری بنی عباس - که از اولاد عیاس عموی پیغمبر (ص) بودند - برخاسته

۱- تاریخ تمدن ایران ساسانی تألیف سعید نفیسی ص ۱۲۲

۲- نزهة القلوب ص ۶۴

و در نتیجه این همراهی و کمک، عباسیان بر بنی امیه پیروز گردیدند. این فداکاری موجب شد که تمدن و فرهنگ ایرانی مورد توجه دنیای عرب قرار گیرد، و عقاید آنان در دنیای اسلام نفوذ یابد. ولی عباسیان پایتخت خود را در کنار دجله انتخاب نمودند و شهر بغداد را بنا کردند، لذا بغداد مرکز هنری و فرهنگی اسلامی دوره عباسیان گردید و مأمون در بغداد رصدخانه و کتابخانه بزرگی بوجود آورد و تا زمانیکه المعتصم عباسی پایتخت را بسامره منتقل نمود؛ بغداد در واقع دارالعلم مسلمین محسوب میشد.

سامره تا سال ۸۸۳ م مقر خلفا و مرکز هنر و صنعت بود تا سرانجام در اثر انحطاط خلافت عباسی امپراطوری بزرگ اسلام با ایالات مختلف تقسیم شد، از آنجمله در سال ۸۱۹ سامانیان در مشرق ایران و ماوراءالنهر و هرات سلسله مستقل بوجود آوردند و نفوذ و قدرت خلفای عباسی هم در سال ۱۲۵۸ م با حمله قبائل مغول از میان رفت.

چون هارون الرشید خلیفه عباسی دارای زن ایرانی بود و بر مکیان که قومی ایرانی بودند در دربار خلافت هارون الرشید بصدارت رسیدند؛ توجه خلیفه عباسی به ایران و ایرانیان کاملاً آشکار است و بطوریکه گذشت خلفای عباسی اولین بار بغداد و بعد از آنهم سامره را به پایتختی خود انتخاب نمودند. از طرفی هنگام انحطاط عباسیان و تقسیم ممالک اسلامی، سامانیان بیشتر مشرق ایران را تحت تسلط خود داشتند. محل تخت سلیمان هنگام حمله اعراب از گنزک بشیز تغییر نام پیدا نموده و مورد توجه قرار گرفته و در زمان خلفای عباسی مورد سکونت و اقامت واقع میشود. و با وجود استفاده از بناهای موجود عهد ساسانی و ایجاد ابنیه نسبتاً وسیع دیگر در این محل و حفر ۷ کانال عمیق و سرپوشیده در صفا، تخت سلیمان محل حکمرانی کدام يك از حکام دوره خلفای عباسی بوده است بخوبی روشن نیست و انگهی از آثار مکشوفه مربوط باین زمان چنین بر میآید

۱- ابودلف در سفرنامه خود در صفحه ۳۲۶ می نویسد: «در زمان عمر بن خطاب مرزبان اردبیل با عربها پیمانی بست که بموجب آن مردم شیز نیابستی از رقص روی آتش که در ایام عید مرسوم بوده و همچنین از حفظ عادات و رسوم معمولی خود منع شوند» از این بیان بطور حتم چنین بر میآید که در حدود سالهای ۱۳-۲۳ ه (۶۳۴ م) وجود داشته است معذالک این امر مورد تردید

که تا اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم میلادی یعنی در تمام دوره خلافت عباسیان، تخت سلیمان مسکون و آباد بوده است. و بدون شك این محل از لحاظ قرابتی که با بغداد و سامره داشته تحت نفوذ مذهبی و هنری خلفای عباسی بغداد بوده و پای سامانیان باین محل نرسیده است. ولی قدر مسلم اینست که در زمان خلفای عباسی تخت سلیمان رونقی بسزا داشته و مرکز هنر و صنایع ملی بوده است زیرا تأثیر سفالهای لعابدار قرن سوم هجری نیشابور در این محل بیش از تأثیر نفوذ صنایع سفال سازی بغداد در زمان خلفای عباسی میباشد. دیماندر نویسنده کتاب راهنمای صنایع اسلامی در این مورد می نویسد:

«در زمان حضرت محمد (ص) اعراب صنایع و آثار هنری قابل توجهی نداشتند ولی پس از فتح سوریه و عراق و مصر و ایران صنایع راقیه این ممالک را اقتباس کردند، و حتی امویان در کارهای معماری از استادان ایرانی در ساختن مسجد دمشق استفاده کرده اند در زمان بنی عباس این شیوه ادامه یافته، چنانکه در تأسیس شهر بغداد عباسیان از سوریه و ایران و موصل و کرخه و بصره کارگر آوردند». از طرفی در سیر پیشرفت صنعتی از دوره ساسانی تا عصر اسلامی پیوستگی مداومی وجود دارد و هنرمندان مسلمان تزئینات دوره ساسانی را اغلب بدون هیچگونه تغییر و تبدیل تقلید می کرده اند و گاهی هم آمیخته با سلیقه خاص ایرانی خود اسلوبی در هنر پیش آورده اند که از مشخصات دوره اسلامی گردیده است. بنابراین در حکومت بنی عباس در تخت سلیمان دنباله پیشرفت صنایع سفال سازی ایرانی ادامه یافته؛ منتهی بتدریج صنعتگران سفال ساز برای تزئین

است که آیا معبد در سه قرن پس از آن تاریخ هنوز دایر بوده است؛ و بیانات ابودلف در این باب قانع کننده نیست. گرچه در عین حال آثار مخروبه معبد در آن زمان بیش از آنچه که امروز کشف شده، موجود بوده است. و شاید منظور ابودلف همان مراسم اعیاد بوده است نه مراسم در آتشگاه. وانگهی از عقد پیمان بین مرزبان اردبیل و عربها نیز میتوان چنین استنباط کرد که در قرن نهم میلادی اقوام آذری یا کردها در این ناحیت سکونت داشته اند و تا قرن دهم میلادی زیر تسلط سرداران آذری یا کردها بوده اند.

۱- راهنمای صنایع اسلامی دکتر دیماندر ترجمه عبدالله فریار ص ۲۷

۲- ایضاً همان مأخذ ص ۹۴

سفال شیوه مخصوصی بکار میبردند که در دوران مختلف عباسیان سیر تکامل آن بچشم میخورد؛ چنانچه سفالهای مکشوفه این زمان را میتوان از طرز رنگ آمیزی و فرم و لعاب، از نیمه دوم قرن هشتم تا اواخر قرن دهم و اوائل قرن یازدهم میلادی مرتب و طبقه بندی نمود، از آنجمله ترسیم بر روی سفال و نقاشی قبل از لعاب بیک یا چند رنگ و خلاصه تنوع رنگ دیده میشود. یکی از مشخصات ظروف این دوره که نمونه های متعدد آن از حفاری در قرن سوم هجری بدست آمده است؛ ظروف معروف بظروف کتیبه ای است که حاشیه داخلی ظرف را از کتیبه های خط کوفی که دور یا وسط ظرف کشیده میشود تزئین کرده اند. و حال آنکه در تخت سلیمان با اینکه مقایسه و شباهتی بین سفالهای این دوره با نیشابور وجود دارد؛ ولی ظروفی که بخط کوفی تزئین شده باشد بدست نیامده است. اما ظروفی وجود دارد که طرح آنها با نقش زیر لعاب کاملاً شبیه ظروف کتیبه ای است و این میرساند که هنرمندان ایرانی این دوره در خود محل بسفال سازی اشتغال داشته و بدون اینکه طرح نقاط دیگر را تقلید کنند بهمان شیوه و سبک عمومی ایرانی اقدام بساختن ظروف سفالینه لعابدار نموده اند.

سفالهای لعابدار بکرنک این دوره که از لعاب سبز پوشیده است کاملاً شبیه سفالهای دوره ساسانی است. بخصوص ظروف بزرگ خمره ای شکل و در نقاشی بعضی از ظروف با اشکال هندسی و گل و گیاه مخصوصاً نقش ماهی در روی زمینه زردسیر - که از خصوصیات این دوره محسوب میشود - استفاده شده است. اغلب سفالهای اولیه این زمان بارنگ زرد طلائی ساخته شده و بعداً رنگهای دیگری از قبیل سبز و قهوه ای و ارغوانی بآنها اضافه میشود و تقریباً آنها را میتوان نوع ظروف لکدار نام گذاشت. زیرا وضع رنگ آمیزی لعاب آنها طور است که بیننده تصور میکند لعاب رنگها را روی ظروف ریخته اند.

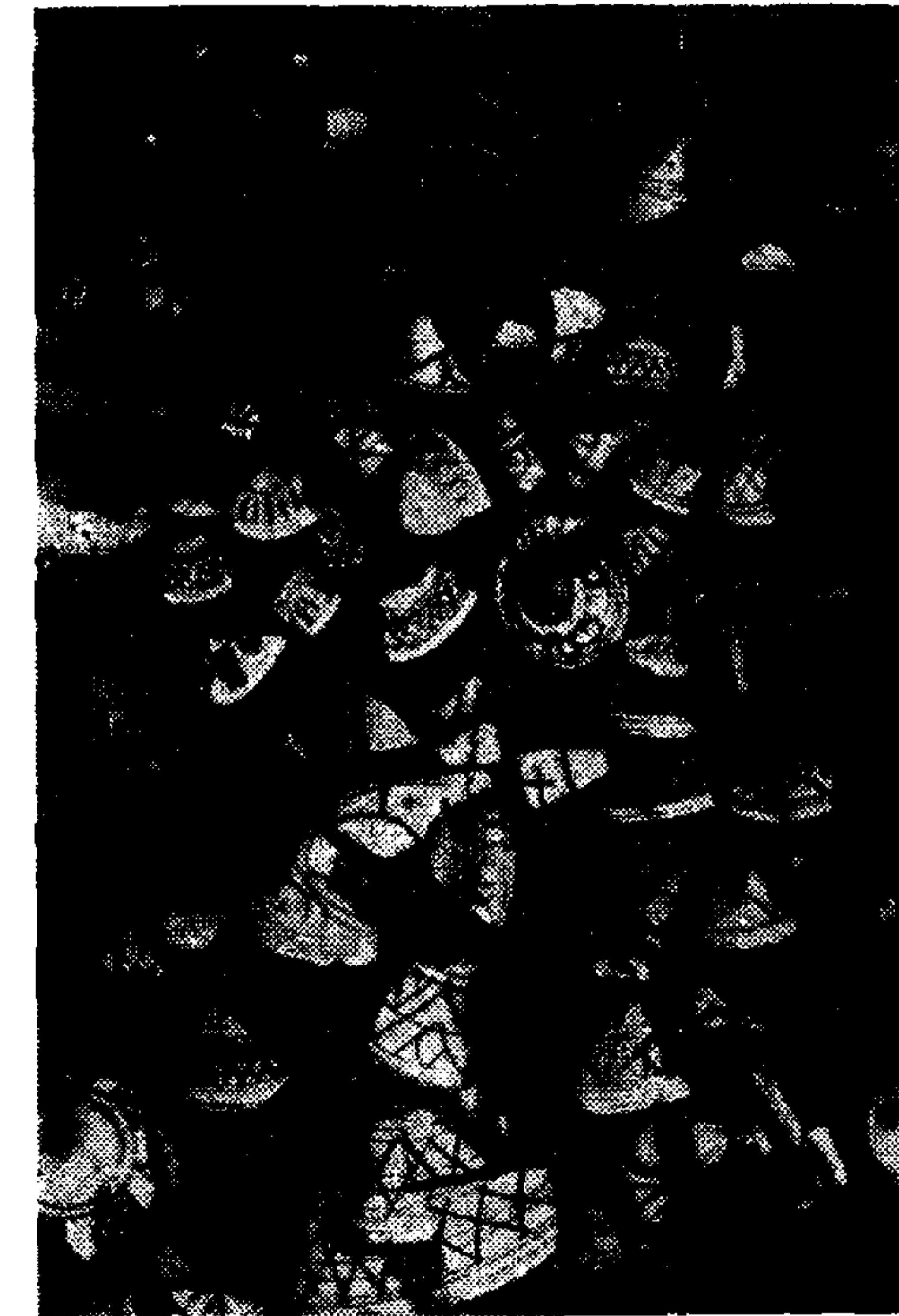
نوع ظروف لعابدار دیگر این دوره ظروفی است که بتقلید از ظروف چینی دوره تانگ که در زمان عباسیان به ایران وارد میشده، میباشد. تزئینات این ظروف تقلیدی

اغلب با طرح بریده دارای رنگ زرد مایل بقهوه ای یا ارغوانی است که روی ظروف پخش شده است و این نوع ظروف تقریباً مربوط به قرن سوم هجری و اواخر قرن نهم میلادی است. ناگفته نماند که سفال سازان تنها بتقلید از ظروف چینی قناعت نکرده، بلکه طرحهای تزئینی و رنگ آمیزی جدیدی بکار برده اند که در ظروف چینی بهیچوجه دیده نمیشود. چنانکه رنگ زرد و قهوه ای را روشنتر نموده و بیشتر رنگ ارغوانی بکار برده اند. تزئینات اینگونه ظروف بیشتر شبیه گل لاله است که در روی زمینه زرد رنگ و تقریباً بطور برجسته و با لعاب مایل بسفید صورت گرفته است. قطعه سفالی در روی کف ساسانی تخت سلیمان بدست آمده که دارای این مشخصات بوده و در تعیین اقامت عباسیان در این محل بسیار با ارزش است و همچنانکه گذشت این نوع طرح آمیزی سفال را باید در حدود اوایل قرن نهم (سوم هجری) دانست. انواع ظروف دیگر که دارای اشکال هندسی و تزئینات نقطه ای یا لکه دار است و اشکال پرنده و حیوان از آنجمله نقش ماهی در کادری محدود میباشد که باید دلیل توسعه و پیشرفت سفال سازی را در قرون بعدی و شاید قرن ده و یازده میلادی دانست و این نوع ظروف که بظروف گبری معروفند یکی از دلایل بارز طول اقامت و سکونت عباسیان در تخت سلیمان اقلابرای مدت صد قرن میباشد.

ولی نکته جالب توجه در این عصر تزئینات ظروف سفالی بوسیله نقاشی زیر لعاب شفاف میباشد. بدین معنی که روی ظروف را اغلب بارنگ سیاه نقاشی نموده و سپس روی آن لعاب شفافی داده اند که تقریباً شبیه ظروف معروف سیاه قلم میباشد و بطور کلی باید فن لعاب جلادار را از عالیترین محصول سفال سازان قرن هشت و نه دانست و توجه باین چنان مورد تحقیق دانشمندان باستان شناسی قرار گرفت که پروفیسور هرتسفلد آلمانی از سفالهایی که در سامره مربوط بقرن نهم ضمن عملیات حفاری بدست آورده، اظهار عقیده کرد که این صنعت میبایست در اصل از عراق آغاز شده باشد. دانشمند دیگری بنام کوشلن مرکز اصلی این نوع سفال سازی را ری میداند و عقیده دارد که از این محل بسایر نقاط ایران و از جمله عراق منتشر شده است.

ولی دکتر دیمان که سالها مدیر قسمت صنایع خاور میانه در موزه متروپولیتن نیویورک

بوده و قسمتی از عمر خود را طرف مطالعه و تحقیق درباره صنایع اسلامی کرده و با اکثر مجموعه‌های صنایع اسلامی نقاط مختلف دنیا آشنائی کامل دارد؛ در این مورد عقیده‌مند است که تمام ظروف سفالی دارای لعاب جلادار را نمیتوان گفت که از عراق بایران آورده شده است و این فرضیه چندان قابل قبول نیست و از این رو ظروف سفالی باللعاب جلادار را بدو دسته متمایز تقسیم کرده می‌نویسد^۱:



ش. ۴۷- نمونه‌هایی از سفالهای دوره عباسی مکشوفه در تخت سلیمان

«دسته اول- ظروفیکه عناصر ایرانی و عراقی در آنها مشترك است.

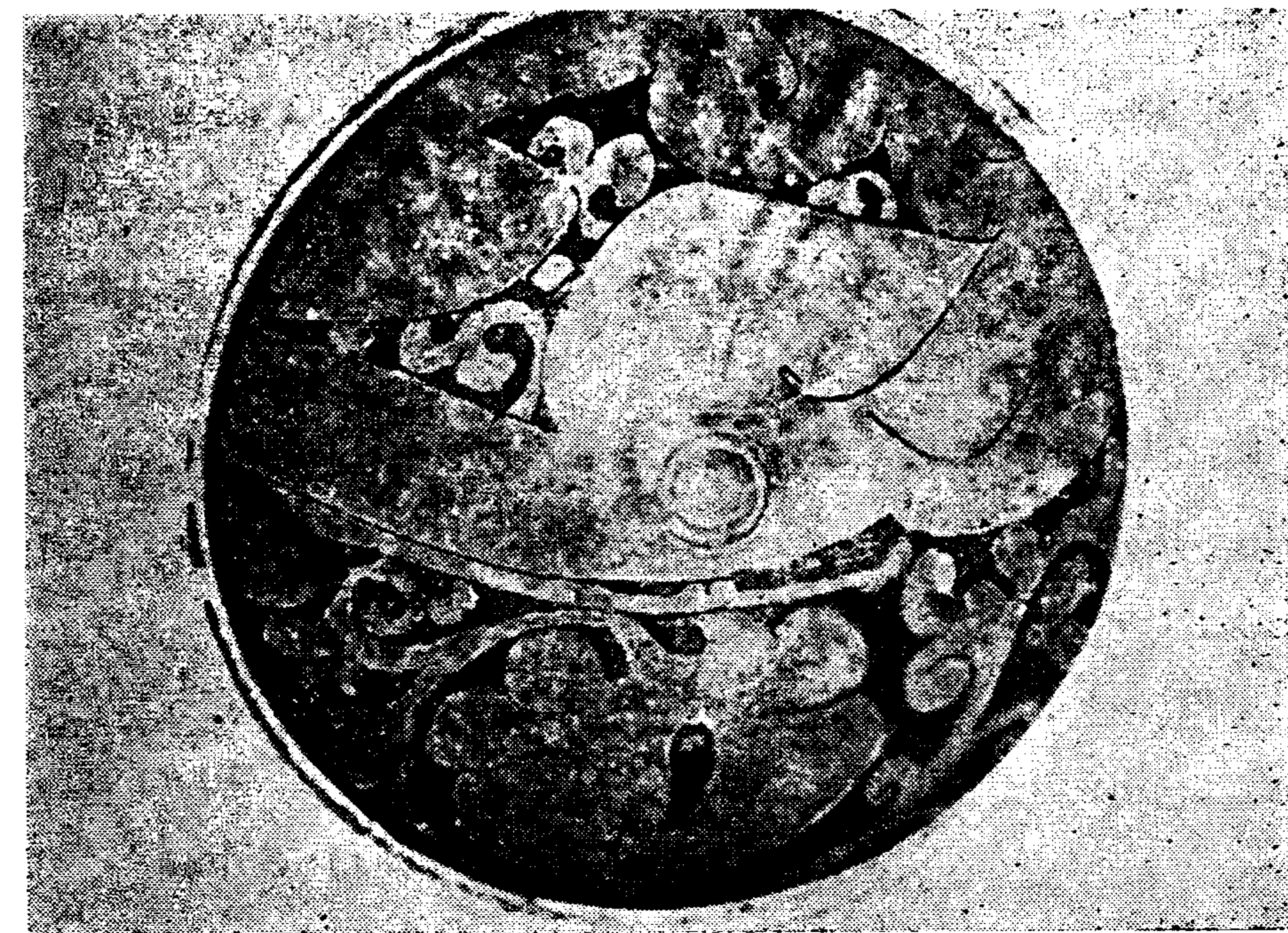
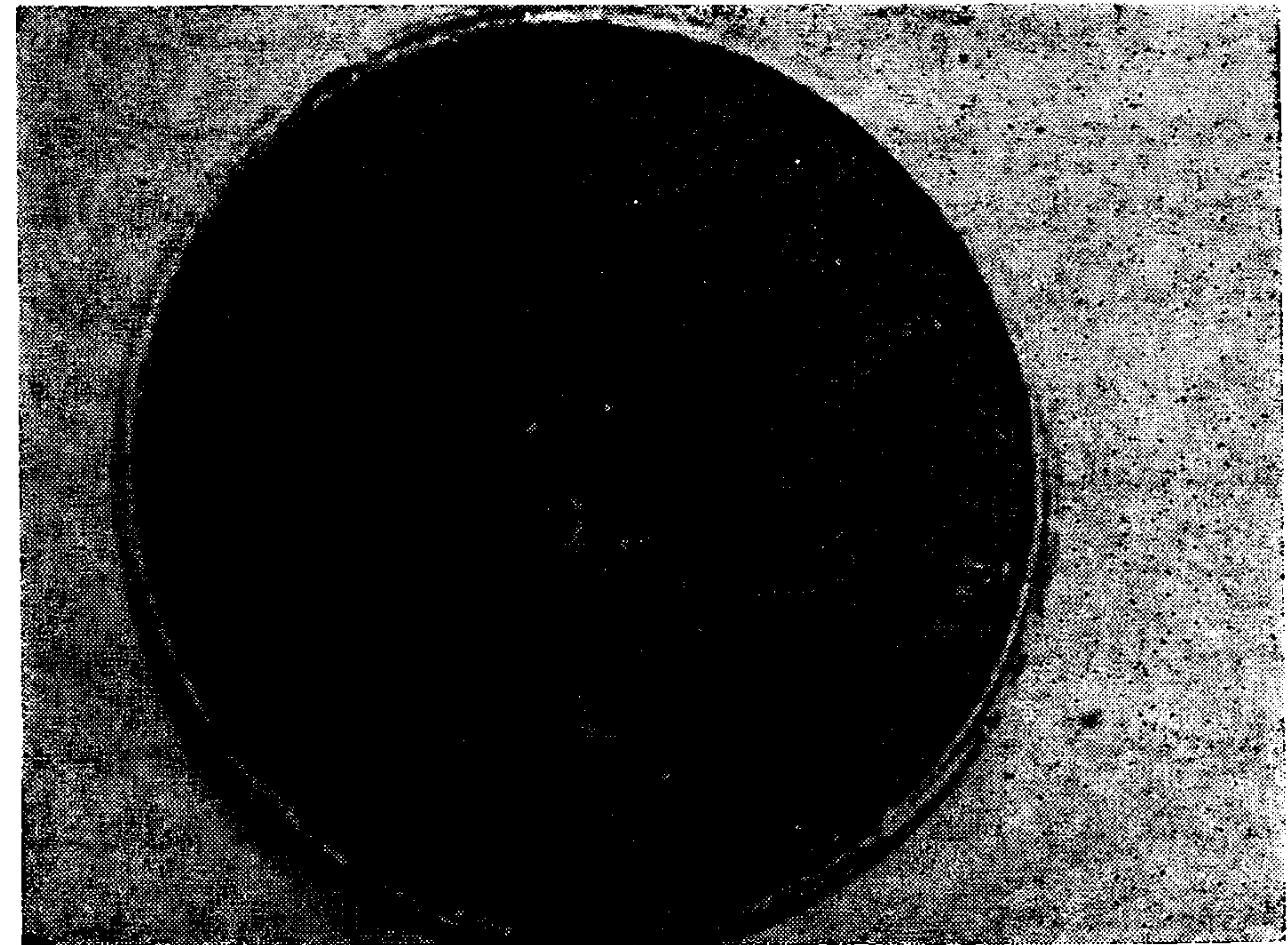
دسته دوم- ظروفیکه فقط دارای اسلوب کاملاً ایرانی است و تزئیناتی از قبیل اشکال انسان و حیوان و پرنده و اشکال نباتی و نوشته بخط کوفی دارند که شبیه آنها در نیشابور و ری بدست آمده است و شیوه ترسیم حیوانات که یکی از مشخصات اسلوب ایرانی است؛

۱- راهنمای صنایع اسلامی دکتر دیمانند ترجمه دکتر فریار ص ۱۶۷-۱۶۶ (باختصار)

در آنها مشاهده میشود که نظیرشان در سامره و بغداد دیده نشده است و از این جهت این نوع ظروف سفالی جلادار را میتوان مخصوص هنر و صنعت ایرانی دانست. اما ظروف سفالی باللعاب جلادار چند رنگ که نظیرش در شوش و ری و تخت سلیمان بدست می‌آید؛ بهترین نمونه‌های آن که مربوط به این دوره و از حفاری سامره بدست آمده و بعقیده هر تسفلید اصلیت عراقی دارد هنوز مورد بحث میباشد و کاوشهای آینده در سایر اماکن اشغال شده در زمان عباسیان این مطلب را روشنتر خواهد ساخت. ناگفته نماند که معروفیت این ظروف بیشتر روی ظروف سفالی لعاب جلادار است که در سامره بدست آمده است. اما علاوه بر نقاشی در زیر لعاب، در دوره خلفای عباسی نقاشی روی لعاب نیز مرسوم بوده و نمونه‌های جالب توجه از این نوع تزئینات روی لعاب از قطعاتی که ضمن حفاری بدست آمده، مشاهده گردید که اغلب روی لعاب را با رنگ آبی و سبز نقاشی کرده و بعداً با يك ورقه نازك مینا پوشانیده‌اند و از قطعاتیکه از این نوع تزئینات روی سفال در دوره عباسی بدست می‌آید؛ چنین استنباط میشود که ساختن این نوع ظروف منحصر به عراق نبوده، بلکه در ایران و مخصوصاً در مغرب ایران و نقاط دیگر نیز نظائر آن ساخته میشده است. همزمان با سفالهای لعابدار، ساختن ظروف ساده بدون لعاب نیز رواج داشته است. این نوع ظروف ساده را گاهی با اشکال هندسی و کنده‌کاری تزئین نموده‌اند و بعضی دارای تصاویر حیوان یا انسان میباشد که کاملاً تقلیدی از ظروف فلزی زمان ساسانی میباشد. از آنجمله قطعاتی مربوط ببدنه يك ظرف سفالیست که دارای تصویر انسانهایی در حال حرکت و شاید رقص میباشد و عیناً تجسم سر و صورت و دامنهای آنها ساسانی است اینگونه ظروف را اغلب از روی شکل و فرم و نقوش کنده‌کاری آن و مخصوصاً نقش موجهای موازی که در دوران بعدی نیز ادامه یافته است میتوان شناخت.

معماری دوره عباسیان در تخت سلیمان

تغییرات و سنگفرشها و آجر فرشهایی که در محوطه (B) پلان ۵ شرق آتشکده بچشم



ش ۴۸ و ۴۹ - نمونه‌هایی از ظروف با نقش‌کنده در تخت سلیمان

میخورد قبلاً تصور میشد که در زمان مغولان صورت گرفته است؛ ولی با پیشرفت و توسعه امر حفاری مخصوصاً در ایوان شمالی و کاخ اختصاصی مغول معلوم گردید که بیشتر تغییرات و تحولات در زمان عباسیان صورت گرفته است. این تغییرات که در دوره‌های مختلف عباسی بوجود آمده، در ایوان شمالی و در روی کف ساسانی کاملاً نمایان و مؤید این مطلب میباشد که شاید چند قرن (در حدود سد قرن) حکام دوره عباسی در این محل اقامت داشته و در بعضی جاها چنان کف ساسانی را ویران کرده‌اند که تصور اینکه کف مزبور مربوط بساسانیان یا عباسیان است تا اندازه‌ای مشکل بنظر میرسد. گویا اینکه بعضی جاها سنگفرشهای مرتبی وجود دارد و در برخی جاهای دیگر با تکه‌های آجرهای ریخته و پاشیده شده از بنای ساسانی کف آجر فرش نسبتاً مرتبی بوجود آورده‌اند؛ ولی روی پمرفته ایجاد چنین کفهایی نیز که بعد از آن دیواری در روی آن کشیده‌اند پریشانی افکار پیش می‌آورد و تا اندازه‌ای وضع را درهم و برهم کرده است و از مقایسه با کفهای ساسانی چنین بر می‌آید که در دوران مختلف عباسیان که شاید از نیمه دوم قرن هشتم تا اواخر قرن دهم در این محل بطول انجامیده، تغییراتی نیز در وضع ساختمانی موجود زمان ساسانی داده‌اند و نمونه این تغییرات که با استفاده از مصالح ساختمانی موجود در تخت از زمان ساسانی و خرابیهایی که هنگام حملد پدید آمده در قسمتهای مختلف صفاه تخت و از جمله در جنوب و شرق آتشکده کاملاً نمایانست ولی روی پمرفته سعی کرده‌اند که بنا بمقتضیات وضع موجود ساختمان از آن استفاده کنند.

کانالهای متعددی نیز در این زمان ساخته شده است که مورخان اسلامی عرب بآنها اشاره کرده‌اند و تاکنون آثار ۵ کانال ضمن عملیات حفاری نمایان شده است که از آن جمله دوجوی در جلوی دیوار ایوان شمالی مغول ظاهر شده که پس از مسافتی در حدود ۵۰ متر به یکدیگر می‌پیوندند و این همان کانالی است که در ترانشه ضلع جنوب غربی از زیر پی ستونهای رواق مغولی گذشته و هنگام اشغال محل توسط مغولان درون آن آب جاری بوده است. از قرائن چنین بر می‌آید که سطح آب دریاچه در زمان عباسیان در حدود

۴ متر پائین تر بوده. و این کانالها از لبه دریاچه سرچشمه گرفته اند. دو کانال دیگر در شمال آتشکده، بمسافتی در حدود صد متری آن پیدا شد، کانال پنجم کانالی است که از در کوچک شمالی آتشکده از کنار دیوار شرقی دالان آن با برداشتن آجرهای کف دالان عبور داده اند. بطور کلی عبور این کانالها دیوارهای ساسانی را خراب کرده و این بی سلیقگی نه تنها در خرابیهای دیوار برای گذر و جریان جویها بچشم میخورد بلکه عدم توجه به آنان در اغلب بناهای ساسانی دیده میشود^۱:

فی المثل عبور کانال از دالان شرقی آتشکده و از زیر کف آجر فرش این قسمت با وضع نامطلوبی صورت گرفته و لطمه بزرگی در اثر گذر این کانال به بنای لطمه دیده ساسانی وارد شده است. همچنین در ایوان شمالی مغولی و بر روی کف ساسانی که در حقیقت آثاری از کف موجود نیست و بکلی ریخته و پاشیده شده، با بی سلیقگی آثار دیوارهای کوچک و نامرتب و کوره سفالسازی و اجاق دیده میشود و مخصوصاً آثار تنور و اجاق درون بنای ساسانی که از زمان حکام عباسی مانده است منظره زننده ای دارد که دال بر بی سلیقگی و عدم توجه آنان در امر ساختمانی است.

با وجود شواهد و آثار از سفالهای مکشوفه این دوره و همچنین ضمن عملیات حفاری در ترانشدهای متعدد بوسعت و دوام حکومت عباسیان در این محل برخورد میکنیم؛ ولی کشف اثر جالبی از معماری دوره عباسی که بتواند سبک ساختمانی آنان را آنطوریکه بوده روشن سازد با توجه بدلائل زیر امکان پذیر نیست.

۱- نظر باینکه مغولان در روی آثار مخروبه عباسی اقدام بایجاد و احداث بنا نموده اند و اغلب این بناهای مغولی دارای ارزش هنری و معماری است نمیتوان آنها را از بین برد و بطبقات پائین تر که در زمان عباسی اقدام باحداث آنها شده است پی برد.

۲- اغلب در گوشه و کنار این بناهای مغولی بمنظور تحقیق بناهای عظیم ساسانی

۱- چنانکه دو قرن و نیم بعد از انقراض دولت ساسانی خلفای اسلامی المعتضد و المكتفی کاخ سفید تیسفون را خراب کردند تا مصالح آنرا برای ساختمان قصری در بغداد ببرند.

اقدام بحفر ترانشههایی میشود. ولی اثر ساختمانی دوره عباسی در این ترانشهها بقدری ناچیز بنظر میرسد که بدون توجه بآنها ناگزیر باید عمق ترانشه را ادامه داد.

۳- با وجود کانالهای متعدد که نشان میدهد در زمان حکام عباسی در این محل اقدام

بشهرسازی نموده اند ولی اغلب مشاهده میشود که از مصالح مخروبه موجود در بنای ساسانی استفاده شده است. تاکنون اثر معماری جالبی از این دوره ضمن حفاریات بدست نیامده است.

۴- بنا بر تحقیقاتی که شده در زمان عباسیان حداکثر سعی شده است که از همان

بناهای مخروبه ساسانی منتهی با مختصر تغییراتی بطور دلخواه و متناسب با وضعیت بنا

استفاده شود و از طرز آجر فرش و سنگ فرشهای این دوره، چنین برمیآید که چندان توجهی بامر ساختمانی نداشته اند. چنانکه آجر فرش اطاق جنوبی محوطه (B) کاملاً بای سلیقگی

ساخته شده و یا محوطه آتشدان (E) را بصورت حوضچه آب بمنظور وضو گرفتن در آورده اند

و از وضع کفهای مختلف ساخته شده در این دوره، چنین برمیآید که بعلت طول مدت حکومت

این تغییرات بوجود آمده و به میل و سلیقه خود تعمیراتی - ولو اینکه باخرابی توأم بوده

است - در بناهای موجود در تخت بوجود آورده اند. مثلاً سنگ فرش راهرو در جنوبی

آتشکده که بصورت مسکونی در آمده و چنانکه گذشت کف اصیل ساسانی را بطوری از هم

پاشیده اند که تشخیص اینکه کف موجود ساسانی است یا عباسی؟ مشکل بنظر میرسد.

ولی توجه باینکه کف مزبور قدری بالاتر قرار گرفته، بدون شك ساخته و پرداخته

زمان عباسیان است که ممکن است در اثر تغییر حاکمی بوجود آمده باشد. روی همین

کف سنگ فرش دیواری ساخته شده، بدون اینکه کف مزبور را از صورت اصلی خود

خارج کنند و این دیوار در زیر پایدهای بنای مغولی مستور گردیده و انتساب آن بدوره

عباسیان حتمی است و نظائر آن بسیار است. ولی بطور کلی باید گفت با اینکه تاکنون

وضع معماری عباسیان در این محل آشکار نگردیده، لکن مراعات اصول معماری سبک

اسلامی شده است. امید می رود که دنباله حفاریات آینده و توسعه آن در این محل، بتواند

با اندازه ای پاسخگوی این مجهول باشد.

مغول در تخت سلیمان

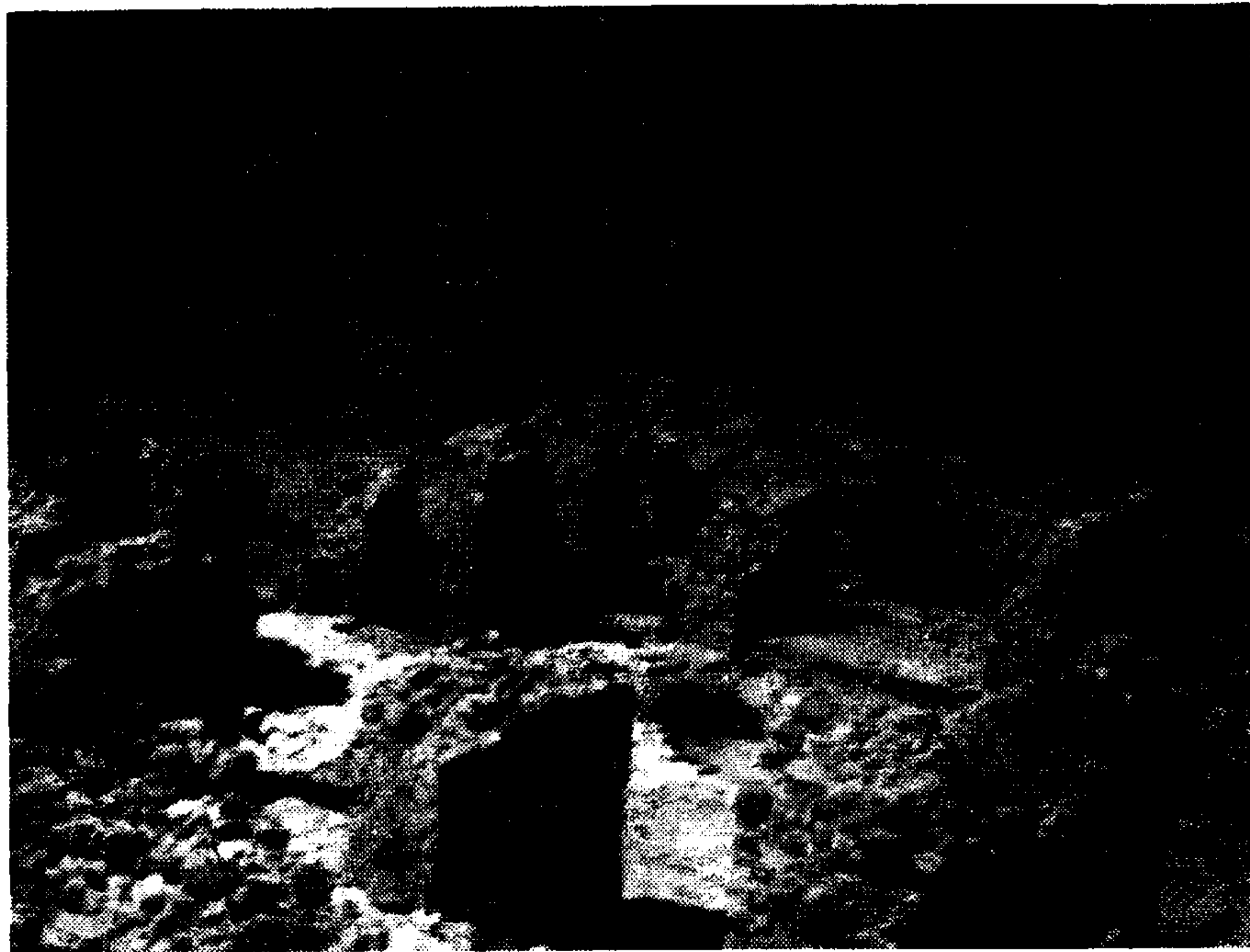
بناهای مخروبه عصر مغول در تخت سلیمان با وجود خرابی، مانند کوهی از سنگ و ملاط بر روی بناهای عصر ساسانی بچشم میخورد و موجب شگفت و حیرت هر بیننده میگردد و مخصوصاً تعمیراتی که در ایوان رفیع خسرو که قسمتی از بدنه آن هنوز پا برجاست، صورت گرفته، جلب توجه هر بیننده یا باستانشناس و علاقمند آثار تاریخی را که با این منظور باین خطه وارد میشوند؛ مینماید و آننگهی عملیات حفاری هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و آلمان در ظرف مدت شش سال در محل تخت سلیمان این نتیجه را داده است که معلوم میدارد خرابی عظیم واقعی وارد بر آنشکده بزرگ آذرگشنسب و سایر ابنیه زمان ساسانی در این محل در هنگام حمله هراکلیوس باین شهر بوده و بعدها نیز در زمان خلفای عباسی تغییرات کلی در بناهای ساسانی داده نشده، بلکه سعی کرده اند که بدخواه خود بتوانند از بنای مخروبه موجود استفاده کنند. گو اینکه خرابیهایی که روی این تصمیم وارد کرده اند بیش از تعمیرات آنها بچشم میخورد. ولی در زمان مغول ندتنها خرابی باصل ساختمانهای موجود ساسانی وارد نشده است بلکه منحصراً تغییراتی از نقطه نظر تعمیرات یا اضافه نمودن بناهای باشکوه دیگر آن داده شده است و پیش از آنکه وارد بحث جزئیات آثار مغولی در تخت سلیمان بشویم لازم است عقاید خود را در این مورد که چرا مغولان مخرب، کوچکترین لطمه‌ای باین محل وارد ننموده و بلکه با دیده‌ای آمیخته با احترام از خرابی حتی يك آجر آن جلوگیری نموده و اقدام ساختمان بناهای مجلل کرده اند بیان نمائیم.

در مدت ۴۰ سال اول حکومت جابرانه مغول با همد سختی و سنگدلی که بمنظور خرابیهای این مملکت بکار بردند پس از اینکه اسلام آوردند؛ نه تنها از تخریب و کشتار دست کشیدند، بلکه خود مشوق و مروج دین و هنر و صنعت شدند. چنانکه اغلب اماکن مقدسه توسط همین پادشاهان مغولی ساخته شده و در حقیقت در اواخر قرن هفتم هجری مطابق ۱۳ میلادی فن معماری پیشرفت کرد و بناهای عظیمی - نظیر مقبره الجایتو در

زنجان که خود یکی از شاهکارهای معماری این زمان محسوب میشود و تا این تاریخ نظیر نداشته و هم اکنون نیز شاهکار هنر معماری محسوب میشود - ساخته شد. تعمیرات ایوان خسرو در تخت سلیمان بسبب بسیار جالب و ایجاد طاقماهای مقرنس کاری آن و احداث قصور سلاطین در این محل و بناهای باشکوه حر مسرای شاهی و کاخ اختصاصی آباقاخان در محل تخت سلیمان - آنهم با طرز باشکوه و زیبا - نمونه‌های دیگر از ذوق تلطیف یافته مغولان در اواخر قرن هفتم هجری است و با وجود اینکه منکر تغییر سلیقه و پرورش ذوق هنری آنان پس از گذشت چهل سال نمیباشیم؛ ولی همچنانکه راز انتخاب این محل توسط ساسانیان گذشت و روشن شد؛ باید اشغال تخت سلیمان را در زمان عباسیان غلبه بر جایگاه کفار دانست. زیرا عباسیان با همین ایده و با مخالفتی که با مذهب زرتشت داشته اند این محل را اشغال کرده و از خرابی آنها هم خودداری نکردند. ولی راز انتخاب تخت سلیمان از طرف مغول و ایجاد بناهای باشکوه و زیبا و قصور اختصاصی و سعی در نگهداری این محل و توجه و مراقبتی که در آن شده است و تعمیرات اساسی و جالب و دلسوزانه‌ای که بعمل آمده باید بیش از تأثیر مذهب و ذوق تلطیف شده آنان باشد، بلکه باید گفت که سیاست مذهبی آنان آمیخته با عقیده‌ای باطنی و ریشه‌دار موجب انتخاب این محل شده است. بخصوص این که آباقاخان که خود مسلمان نبود و این محل توسط او که پسر هلاکو خان مغول (۶۶۳-۶۸۰) و بودائی مذهب بود و زن مسیحی بنام ماریا داشت؛ انتخاب شده و از شهرهای زیبا و بزرگی چون تبریز و مراغه که پدرش بیایختی برگزیده بود؛ صرف نظر کرده، باین خطه آمده است. نظر آنست که مغولان باین قلعه چنان بدیده احترام نگریسته و چنان با سعی و مهارت شروع بتعمیر آن نموده اند که حتی از افتادن يك آجر لرزان بطرزی خاص جلوگیری کرده و در حقیقت بنای مخروبه ساسانی را تا آنجا که مقدور بوده است، وصله نموده اند و گاهی این تعمیرات وصله‌ای با مشکلاتی روبرو بوده که آنان با ایمان و خلوص نیت این مشکل را بر طرف نموده و با صبر و بردباری و بدون اندک تزلزل در هدف مقدسشان پیش رفته اند و تا کسی از نزدیک این تعمیرات وصله‌ای

را نبیند؛ تجسم اقدام دلسوزانه آنان در تعمیرات، آنطور که باید و شاید، روشن نمیشود. زیرا فقط باید در نظر گرفت که این محل و آنچه در او بوده، برای مغولان چینی جنبه تقدس یافته که بدیده احترام بآن نگریسته‌اند و زمانیکه بعلت ساختن قصور زیبا در جوار بناهای موجود بمشکلی برخورد کرده‌اند؛ حاضر شده‌اند که نواقصی در بنای خود ایجاد کنند؛ ولی علت نقص را که بناهای قبلی بوده، از بین نبرند. در ایوان شمالی این مشکل پیش آمده و بخوبی هویدا است. با اینکه پایه‌های دیوار ساسانی در کریدور جنوبی مناسب‌ترین پایه برای تالار ایوان مغولی بوده است. بخصوص که این پایه‌ها با پی‌های سنگی و دیوارهای آجری و مالا طگچ و ساروج ساخته شده و بمراتب از قلوه سنگ‌هاییکه مغولان بکار میبرده‌اند؛ محکم‌تر و مناسب‌تر بوده است. آنان نه تنها از ایجاد بنا در روی آن خودداری نموده‌اند، بلکه در جوارش دیوار ضخیم‌تری ایجاد کرده‌اند که اگر چه بدین ترتیب ایوانی رفیع و وسیعتر بوجود آمده، که قطر دهانه آن در حدود ۲۰ متر میشود؛ ولی غرض ساختن ایوان رفیع نبوده؛ زیرا در مقام مقایسه با ایوانهای ساخته شده در این زمان و قرینه‌سازی آن هرگز رعایت چنین اصلی را نکرده‌اند. در صورتیکه در ازای ایوان شمالی باندازه طول دیوارهای جنوبی آتشکده میباشد. بنا بر این منظوری که بروست آن بیفزایند، دیده نمیشود؛ بلکه هدف احترامی است که نسبت به این بنا داشتند. چنانکه کف طبقه پائین این تالار از کف اصلی دیوارها پائین‌تر قرار گرفتند و منظره نامطلوبی باین ایوان داده است. اغلب با دیدن این ایوان و کف ناقص آن تصور میکنند که بعلت ناتمامی بنا کف تالار باین وضع باقی مانده است. و آباقاخان پیش از اتمام این ایوان بدرود حیات گفته و ساختمان ایوان ناتمام مانده است و یا اینکه آقای پرفسور نو من رئیس هیئت حفاری عقیده مندند که دیوارهای ضخیم مغولی نشست کرده و در نتیجه کف ساسانی بالا قرار گرفته است. در صورتیکه پی این دیوارها بر روی سنگهای منجمده از زسوب آب دریاچه چنان استوار و محکم میباشد که بهیچوجه تصور نشست و خفت آنها نمیرود، از طرفی وضع ساختمانی ایوان نشان میدهد که ایوان شمالی مغول با تمام رسیده و محظور بالا بردن کف ساسانی،

نه تنها چنین مشکلی را در ازهان بینندگان پیش آورده؛ بلکه در ابتدای تصمیم بایجاد این بنا، این مشکل حتی برای آمد و شد کارگران وجود داشته است. از نظر علاقهای که باین محل پیدا کرده‌اند از خرابی آن که مشکل بزرگی در امر ساختمانی بوده، خودداری نموده‌اند، این وضع در قصر اختصاصی آباقاخان در غرب آتشکده نیز دیده میشود. بدین ترتیب که در تالار مرکزی این کاخ اختصاصی، در محوطه‌ای بوسعت ۱۰۰ متر مربع چون یکی از پایه‌های ستون ساسانی در این محل واقع شده، معمارانیکه تحت نظر



ش ۵۰- کاخ اختصاصی آباقاخان در تخت سلیمان

مغولان مشغول ساختمان بوده‌اند؛ برای اینکه لطمه‌ای باین پایه ستون وارد نیاید و حتی يك آجر از روی آن برداشته نشود؛ کف تالار را باندازه‌ای بالا آورده‌اند که هم سطح رویه این ستون قرار گیرد و سپس اقدام بسنگ فرش کف تالار اختصاصی نموده‌اند. نظائر این مراعات و دلسوزی و حفظ بنا، نه در يك مکان و چند مکان، بلکه در کلیه امور ساختمانی مغول بچشم میخورد. بوسیله وصله کاری بعضی قسمتها، از آن جمله سردر جنوبی

آتشکده و تعمیرات ایوان معروف بخسرو که گفته شد در حدود ۲۲ متر ارتفاع ۱۹ متر قطر دهانه و ۲۷ متر درازا دارد و همچنین برای جلوگیری از خرابی دالانهای غربی آتشکده، با کشیدن دو دیوار ضخیم، از خرابیها ممانعت بعمل آورده اند و نظائر آن بسیار است. آیا اینهمه مراعات - صرف نظر از اشکالات برخورد در امر معماری - دلیل بر تقدس محل برای آنان نبوده است؟ آیا در قرن ۱۳ میلادی که شهرهای آباد و بزرگ و مناسب برای سکونت و حکمفرمائی چون تبریز و مراغه و سلطانیه و سایر شهرهای مهم دیگر که وجود داشته است؛ توجه باین محل و ایجاد قصور سلطنتی باشکوه در این مکان دور افتاده و بدون راه و صعب العبور، دلیلی جز جنبه تقدس محل برای مغولان داشته است؟ بدون شك با در نظر گرفتن اوضاع و احوال شهرهای بزرگ قرن ۱۳ میلادی جواب این سؤال منفی است. چنانکه پس از آباقا خان دیگر این محل مورد توجه واقع نشده و رو با بادی نرفته است و ساکنین قلیلی که با وضع محقر، بعداً در این محل سکونت کرده اند؛ نه تنها اثر جالبی از خود بجای نگذاشته اند؛ بلکه جز خراب کردن آثار و ساختن خانه های محقر و ناچیز - آنها را با استفاده از مصالح موجود ساختمانی در محل بنا و بمیل خود - کار مهمی نکرده، بلکه اثرات ناچیزی بجای گذاشته اند که نه قابل ذکر است و نه اهمیت هنری دارد. در صورتیکه مغولان کلیه مصالح ساختمانی مورد احتیاج را از بیرون قلعه بداخل کشانیده و حاضر نشده اند که کوچکترین لطمه ای بساختمانی اصلی این محل وارد آورند. حتی مصالح ساختمانی مخروب و افتاده را بدیده احترام نگریسته و بجای خود در ساختمان برگردانیده و یا بکار برده اند.

آیا سرچشمه این تقدس چه بوده و رازی که سبب اقامت در این محل و ایجاد و احداث بناهای مجلل گردیده چیست؟ اژدها؟ آری اژدها حیوان افسانهای و تجسم نیروی آسمانی و سمبل ملت چینی، موجودی افسانهای که زبانی دوشاخه دارد، گاهی میپرد و زمانی شعله های آتش از دهانش بیرون می جهد. این حیوان افسانه ای اغلب در روی کاشیهای زمان مغول نقش شده است و یکی از مظاهر ملی این قوم بوده که بعدها در ایران

ریشه پیدا میکند. زیرا با اینکه ارتباط چینی ها با ایران از زمان پارتها شروع شده و در زمان ساسانیان باوج ترقی میرسد و ایران شاهراه حمل ابریشم چینی به ترکستان میشود و بنام راه ابریشم معروف میگردد؛ تحت تأثیر سمبل ملت چین قرار نگرفته و این زمان مغول است که در ذهن مردم ایران همچون اژدها نفوذ کرده و تا زمان صفویه و بعد از آنهم ادامه مییابد. اغلب در روی ظروف چینی اردبیل که بامر و سفارش شاه عباس در چین ساخته شده، نقش این حیوان وجود دارد. این جانور دارای داستانهای است



ش ۵۱- جوی سنگی معروف به اژدها واقع در جنوب تخت سلیمان

که ریشه و اصل ارتباط آنرا باید در چین جستجو نمود. زیرا از قدیم الایام سمبل ملت چین بوده و زینت بخش پرچم آن کشور شده است. چینیها درباره این حیوان افسانه های دارند و آنرا همچنانکه هست موجودی خارق العاده دانسته و نقش آن - نظیر عنقا - پیوسته مورد نظر هنرمندان نقاشی چینی بوده است. این حیوان که بدنی طویل و مارپیچ دارد؛ گاهی دارای پرهائیست که پرواز میکند و زمانی از زبان دوشاخه اش شعله های آتش

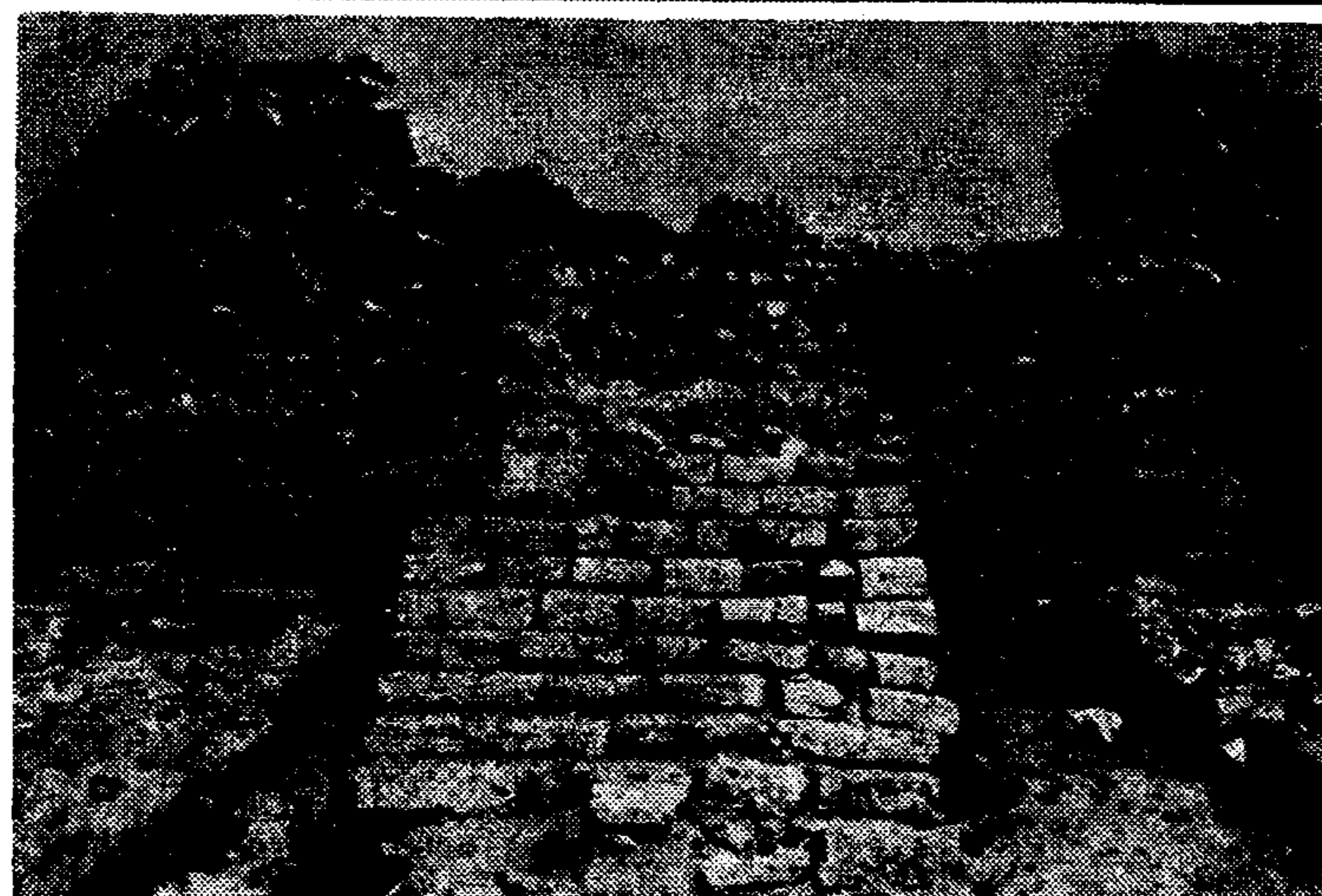
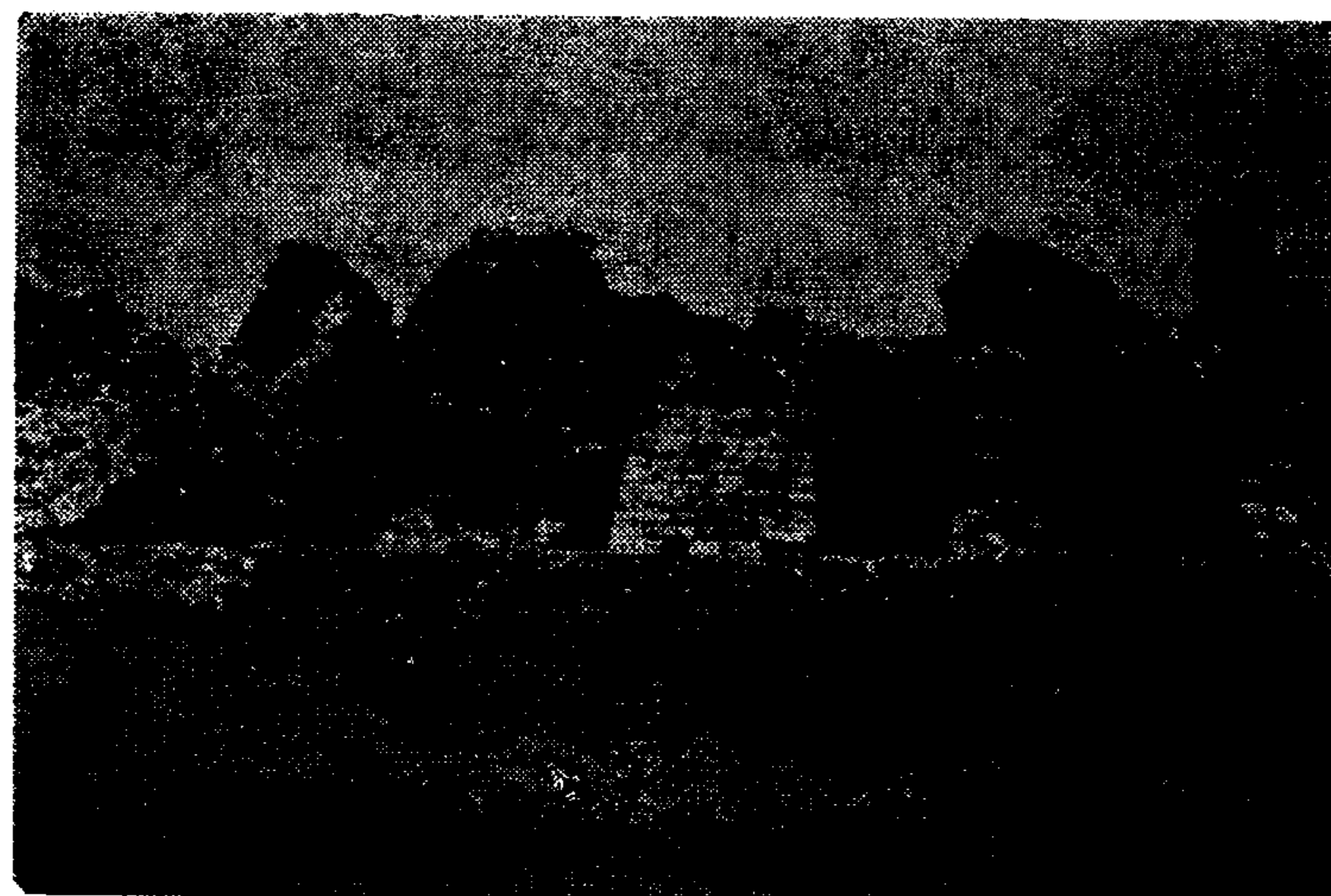
بیرون میجهد که فوق العاده وحشتناک میشود و با اینکه هنرمندان نقاشی چینی سعی داشته اند که در اثر مراقبه و سر بچیب تفکر فرو بردن و بالاخره (Zen) بودائی آنچه را که در بیرون مطالعه کرده و در ذهن یافته اند نقاشی کنند، ولی راز نقاشی این جانور خیالی - که چنان مورد توجه اکثریت قرار گرفته و حتی بر روی ظروف سفالین و کاشی و ظروف مقدس چینی نقش شده است - معلوم نیست؛ مگر اینکه استنباط کنیم چنین موجودی در آن زمان



ش ۵۲- کاشی منقوش به نقش ازدها مکشوفه در تخت سلیمان مربوط بدوره مغول

و یا پیش از آن وجود داشته، اینست که عده ای از محققان در جستجو و تفحص اصل و پیدایش این حیوان افسانه ای برخاسته و بعضی عقیده دارند که ازدها شاید یک نوع سوسمار پرنده ای باشد که در دنیا هم نظیر دارد و در تخیل نقاشان چینی در اثر مراقبه و Zen بودائی با چنین قیافه ای تصور شده و تجسم پیدا کرده است. ولی برخی از دانشمندان که به جستجوی این مطلب پرداخته اند بر آنند که درموزه تاریخ طبیعی امریکا اسکلت

مومیائی شده ای از این حیوان بمعرض نمایش گذارده شده و دوران زندگی آنرا پیش از پیدایش انسان اولیه دانسته اند که در برابر تحولات زندگی استقامت کرده و بزنگی خود ادامه داده است و محل پیدایش آنرا نیز ذکر کرده اند. بهر جهت چینیها باین موجود



ش ۵۳ و ۵۴- پله های مغولی واقع در ایوان شمالی تخت سلیمان

افسانه ای مهر میورزیدند و آنرا فرشته و سمبل ملت خود می دانستند. گرد استخوان این حیوان را داروی شفابخش تمام دردهای بی درمان و خون اورا کیمیا میدانستند و معتقد بودند که اگر آنرا بفلز یا جسمی بزنند فوراً طلا میشود و نقش این حیوان در روی کاشیها

و پایه ستونها و سرستونها و بعضی از ظروف مؤید این فکر میباشد که آن کاشی یا سرستون و ظروف، طلاست. مخصوصاً کاشیهاییکه در روی آنها این حیوان وجود دارد از نوع کاشیهای ساده است که زیبایی آن را بانقش برجسته اژدها آراسته و بنا بر عقیده خود برای آن ارزش طلا قائل بوده اند.

ولی این مطلوب ملت بودائی چگونه در محل تخت سلیمان ظهور میکند و مغولان مخرب را با احترام و امیدارد و سبب راز انتخاب این محل میشود آنقدرها هم خالی از لطف نیست.

اژدهای سنگی : (شکل ۵۱) جوی سنگی و طویلیکه در جنوب تخت در بین مزارع از رسوبات املاح معدنی آب دریاچه بوجود آمده و شرح آن قبلا گذشت شکل اژدهائی را بوجود آورده که تمام ساکنین فعلی خاک افشار هنوز هم این سنگ را اژدها مینامند. وضع ساختمانی این جوی سنگی که در حدود ۳۰۰ متر طول و گاهی قریب ۴ متر ارتفاع و زمانی بعثت تغییر مسیر جریان آب بجهت شدت و ضعفی که طغیان آب داشته است برآمدگیهای در اطراف بدنه جوی تشکیل شده است و با پیچ و خمی که پیدا نموده قوه تخیل بال و پر این اژدها را در تصور بیشتر زنده میکند. البته افسانه‌ای از روزگار قدیم در مورد وظیفه این اژدها ذکر شده که جنبه اسلامی آن این است : این اژدها که حیوان خطرناکی بوده و بیشتر در طلسم زندگی میکرده ، و گاهی ایذاء و اذیتش ب مردم میرسیده، از طرفی هم حافظ و نگهبان صفت تخت سلیمان نبی - که این محل بآن منتسب میشود - بوده و بفرمان سلیمان نبی سنگ شده است. چنانکه گویند سلیمان دیوان مزاحم را نیز در کود معروف بزندان محبوس ساخته و از این جهت آن محل نیز بزندان سلیمان معروف گردیده است.

باری این سنگ محیر العقول که جنبه افسانه‌ای یافته، مطلوب و سمبل و فرشته‌ای است که مغولان در ذهن خود او را میساخته‌اند و وقتی در جستجوی مراتع باین نقطه دور افتاده و صحرای خاموش و قلعه‌ای مخروبه - که توسط چنین فرشته‌ای نگهبانی و حفاظت میشد -

بر خورد کردند ؛ در برابر آن سر تعظیم و تکریم فرود آوردند. زیرا آنچه در مخیله خود می‌پوراندند در خارج یافتند؛ این اژدهای محافظ و هر چه در حفاظت او بود ؛ جنبه تقدس یافت و با میل و اشتیاق زیاد در قرن ۱۳ میلادی بدانجا روی آورده و بد تعمیراتش همت گماشتند و از خرابی بیشترش جلوگیری کردند و با چنان جلوه و جلالی آراسته شد که آثار مکشوفه مؤید توجهی است که باین محل شده است و آنچه در صفحات بعدی در مورد



ش ۵۵- نمای جنبه جنوبی قصر آبا قاخان در تخت سلیمان

آثار مغول بیان خواهد شد توجه باین مطلب افسانه‌ای و این اژدهای سنگی را که علت العلل قرار گرفته ، روشن می‌سازد .

آثار مغول در تخت سلیمان

وضع ظاهری خرابیه‌های صفت تخت سلیمان با توده‌های انباشته از قلوه سنگ و ملاط گچ و ساروج ، حکایت از قصور عالی و زیبایی دارد که سراسر صفت را پوشانیده

است. تا پیش از عملیات حفاری آنچه از ظواهر ساختمانها باقیمانده بود؛ جز تعمیرات ایوان معروف خسرو که آنهم مستور از تزئینات مغولی بوده است - همه آثار بناهای مغولی است. کاخهای اختصاصی مغول دورادور دریاچه را بطور مستطیل شکل فرا گرفته است و سایر ساختمانهای مغولی در صفت تخت پراکنده شده اند و آنچه تاکنون ضمن حفاریات ظاهر شده، عبارتست از چهار ایوان با اندازهها و ارتفاعات مختلف ولی بطور قرینه در چهار گوشه دریاچه و روبروی یکدیگر، که فاصله بین ایوانها با پایه و جرزههای ضخیم، بسبب اسلامی طاق زده شده و بصورت رواق درآمده است. در پشت این رواقهاست که اطاقهای اختصاصی ساخته شده است. متأسفانه در اثر حفاری مشاهده میشود که مغولان پیش از خراب شدن، ساختمانهای محل را ترك کرده اند و لذا آثار زیادی که بتواند دلیل و حجت کافی از نوع زندگی و ارتباط کامل آنها در حوزه فرمانفرمائی و حکومتشان باشد؛ برجای نمانده است و آنچه که از تزئینات از قبیل سنگهای حجاری شده و ظروف سفالین لعابدار و کاشیهای مختلف و تزئینات در و دیوار و مخصوصاً گچ کاری باقی مانده، در اثر سکونت بعد از مغول بیغما رفته است. باوجود این از قطعات بدست آمده سفالها و کاشیها و گچ کاری و مخصوصاً نقشه ساختمانهای روح هنر و صنعت و توسعه و ترقی تخت سلیمان در زمان آباقاخان مغول آشکار میگردد و همچنانکه قبلاً گذشت چون مغول با ایدئ مقدس و بدیده احترام باین محل وارد شده؛ نه تنها از تخریب آثار موجود جلوگیری کرده، حتی قسمتی از سنگهای حجاری شده دیوار خارجی تخت را که متضمن مشکلات زیاد بوده تعمیر و سنگهایی را که در اثر حمله هراکلیوس از جدار خارجی دیوار افتاده بود؛ بجای خود برگردانده اند و با سلیقه خاصی از آن تشکده مخروبه حفاظت و نگهداری نموده اند بدون اینکه توجه بسبب ساختمانهای و جنبه مذهبی آن داشته باشند. چنانکه برجای گنبد متلاشی شده تشکده، گنبدی رفیع بوجود آورده اند که با گوشوارههای چند ضلعی گوشوارههای گنبد سلطانی زنجان را بخاطر می آورد. یکی از خصوصیات ساختمانی مغولان در تخت سلیمان استعمال قله سنگهای طبیعی و ملاط گچ و ساروج میباشد که در

تمام ساختمانهای آنها استفاده شده است و با اینکه اغلب بناهای آنان دارای طاق گنبدی بوده است مع الوصف سقف را با همین قله سنگها و ملاط گچ و ساروج طاق زده اند و در حقیقت عالیتترین پیشرفت فن معماری را در تخت سلیمان نشان داده اند.

يك سری ساختمانهای شاهی در شمال و جنوب و مشرق و مغرب دریاچه بوجود آورده اند و روی آتشکده ساختمانهایی بوده که بعلت خرابی فراوان که شاید در اثر زلزله پیش آمده است آنطور که باید و شاید نقشه و وضع آن مشخص نیست ولی ساختمان دو طبقه ای بوده که از ایوان شمالی با پله هائیکه درون آن ساخته شده باین مکان راه می یافته است. (شکل ۶)

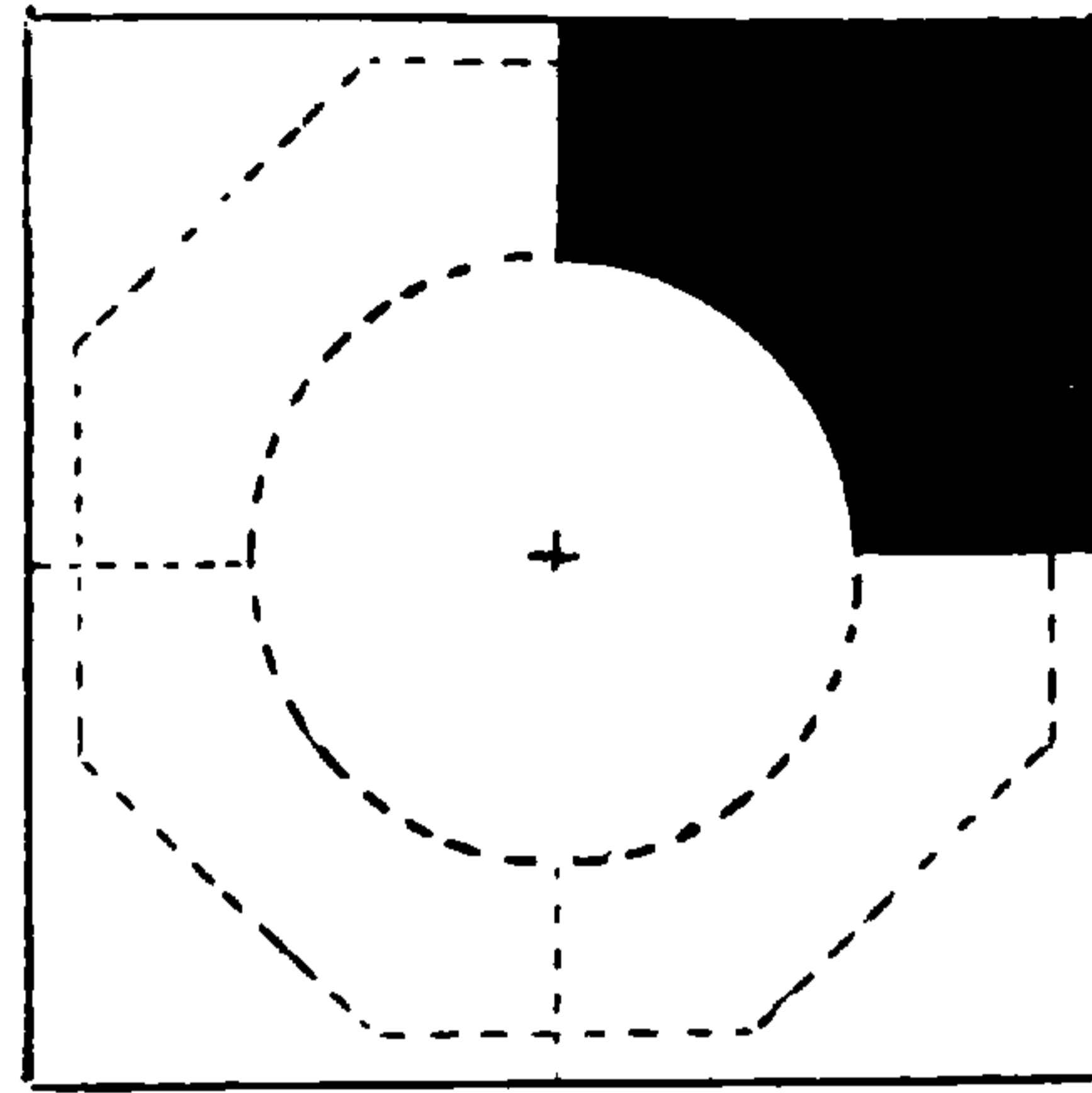


ش ۵۶ - منظره اطاق وسطی قصر اختصاصی آباقاخان که آثار سنگفرش بدل مرمری آن نمایان است

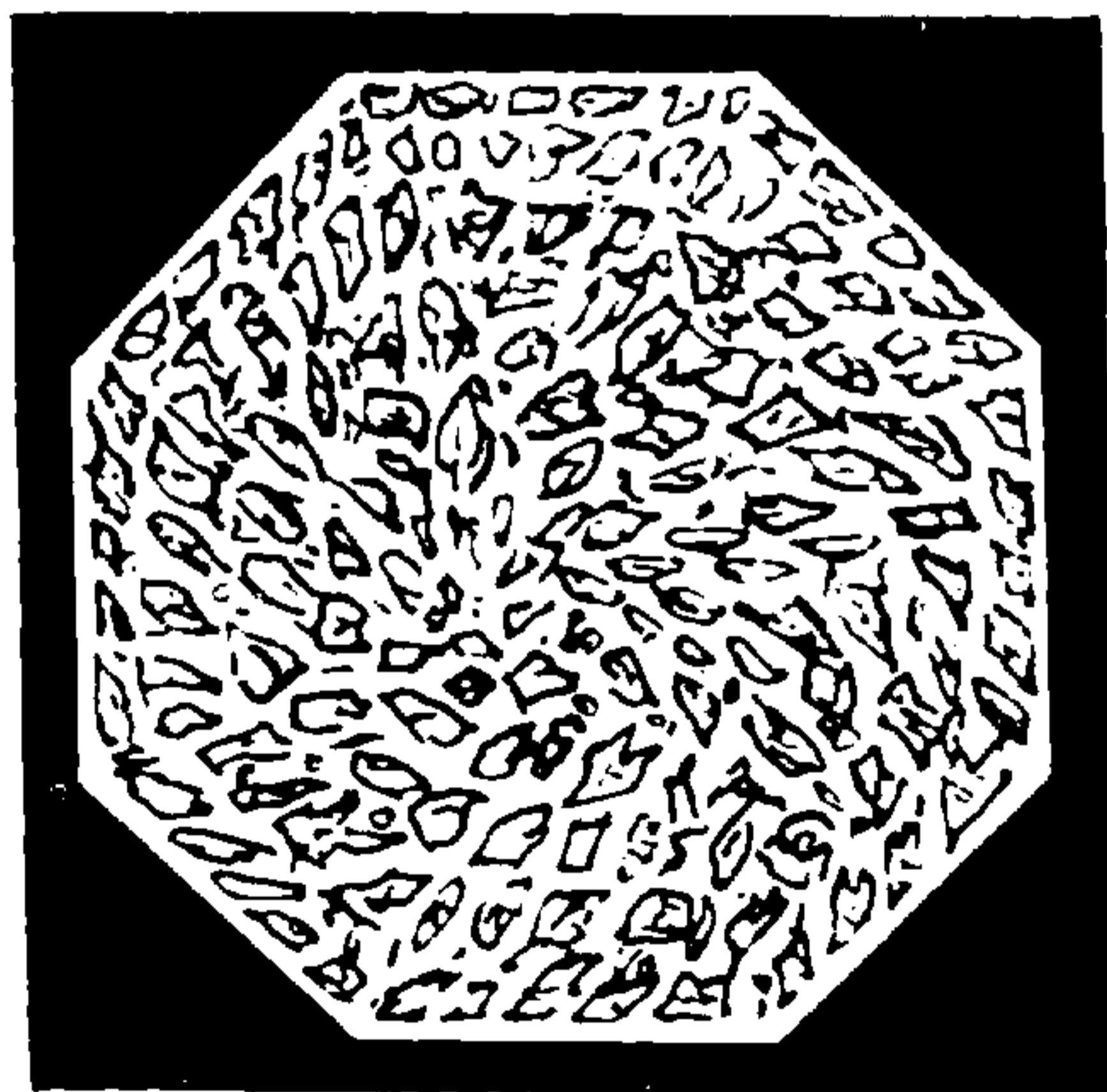
ایوان شمالی - چنانکه قبلاً گذشت ایوان شمالی درست در شمال دریاچه تخت سلیمان و جنوب آتشکده ساسانی در کریدوری که بطول ۲۰ متر و به پهنای ۱۸/۵ متر بوده ساخته شده است. منتهی در کنار دیوارهای ضخیم و قطور سنگی و آجر ساسانی مغولان اقدام بساختن دیوارهایی بقطر ۴ متر نموده و بدین ترتیب پایه های ضخیم ایوان شمالی را بقطر دهانه ۱۸ متر بوجود آورده اند که درازای آن بهمان صورت اولیه ساسانی و در حدود ۲۰ متر میباشد. بدیهی است ایجاد طاقی در روی چنین دهانه ای بقطر ۱۸ متر آنهم با قله سنگ و ملاط گچ و ساروج تا اندازه ای مهم بنظر میرسد. در وسط این

ایوان پله‌هایی به پهنای ۳/۵ متر از سنگهای حجاری شده، ساخته شده که بساختمانهای روی آتشکده راه میداده است. در طول ۱۲ متری دیوار شرقی ایوان راهروی وجود دارد که ارتفاع آن با ارتفاع دیوار مزبور مطابقت میکند. این مدخل به پهنای ۲/۵ متر و بقطر ۴ متر - که قطر دیوار میباشد - ایوان را با قسمت شرقی بناهای مغولی مربوط میسازد. و انتهای همین دیوار است که به دیوار جنوبی آتشکده منتهی میشود. قرینه این راهرو با همان مشخصات و اندازه از طرف مغرب ایوان بگریددور حد فاصل بین ایوان شمالی و کاخ اختصاصی آباقاخان راه مییابد. گو اینکه عملیات حفاری تخت سلیمان چند سال دیگر طول خواهد کشید تا پلان و نقشه ساختمانی دوره ساسانی آنطوریکه بوده است، ظاهر شود؛ ولی بنظر میرسد که روی همان عقیده که قبلاً شرح آن گذشت؛ مغولان حتی المقدور سعی کرده اند که قدم بقدم در جایگاه مخروبه، بناهای ساسانی را تعمیر و تجدید بنا کنند و بدین ترتیب اکثر بناهای شاهی در قسمت شمال و اطراف دریاچه ساخته شده است. از آنجمله در مغرب آتشکده در روی پایه‌های بنای ساسانی که مربوط بمحوطه محصور آتشکده بوده، بناهای مغولی بسبک اسلامی با ایوانهای رواقدار در جلو و ساختمانی متعدد در پشت آن بدین ترتیب ساخته شده است. ستونهای بمنظور رواق با پایه چهار گوش از سنگ قرمز رنگ بطول و عرض ۱۶۰ سانتیمتر ساخته (پلان ۷) شده. بجهت استحکام، درون این پایه را دایره وار بمعمق ۲۰ سانتیمتر تراشیده اند. اغلب این پایه‌های ستون از چهار تکه سنگ حجاری شده تشکیل یافته که اتصال آنها مربعی را به اضلاع ۱۶۰ سانتیمتر ایجاد نموده. در روی این پایه چهار گوش، شروع بساختن ستون هشت پهلو بقطر ۱۳۵ سانتیمتر نموده اند. بدنه ستون با تخته سنگ و ملاط گچ و آهک ساخته شده، ولی روی آنرا گچ کاری و سپس با کاشیهای الوان تزئین کرده اند. تعداد ستونهاییکه در این قسمت از بنا موجود میباشد چهار عدد است که فاصله ستون اول و دوم ۴/۸۵ متر و فاصله ستون دوم و سوم ۵/۲۰ متر ولی فاصله ستون سوم و چهارم باندازه همان فاصله ستون اول و دوم میباشد؛ یعنی بطور قرینه ساخته شده است. رواقهای

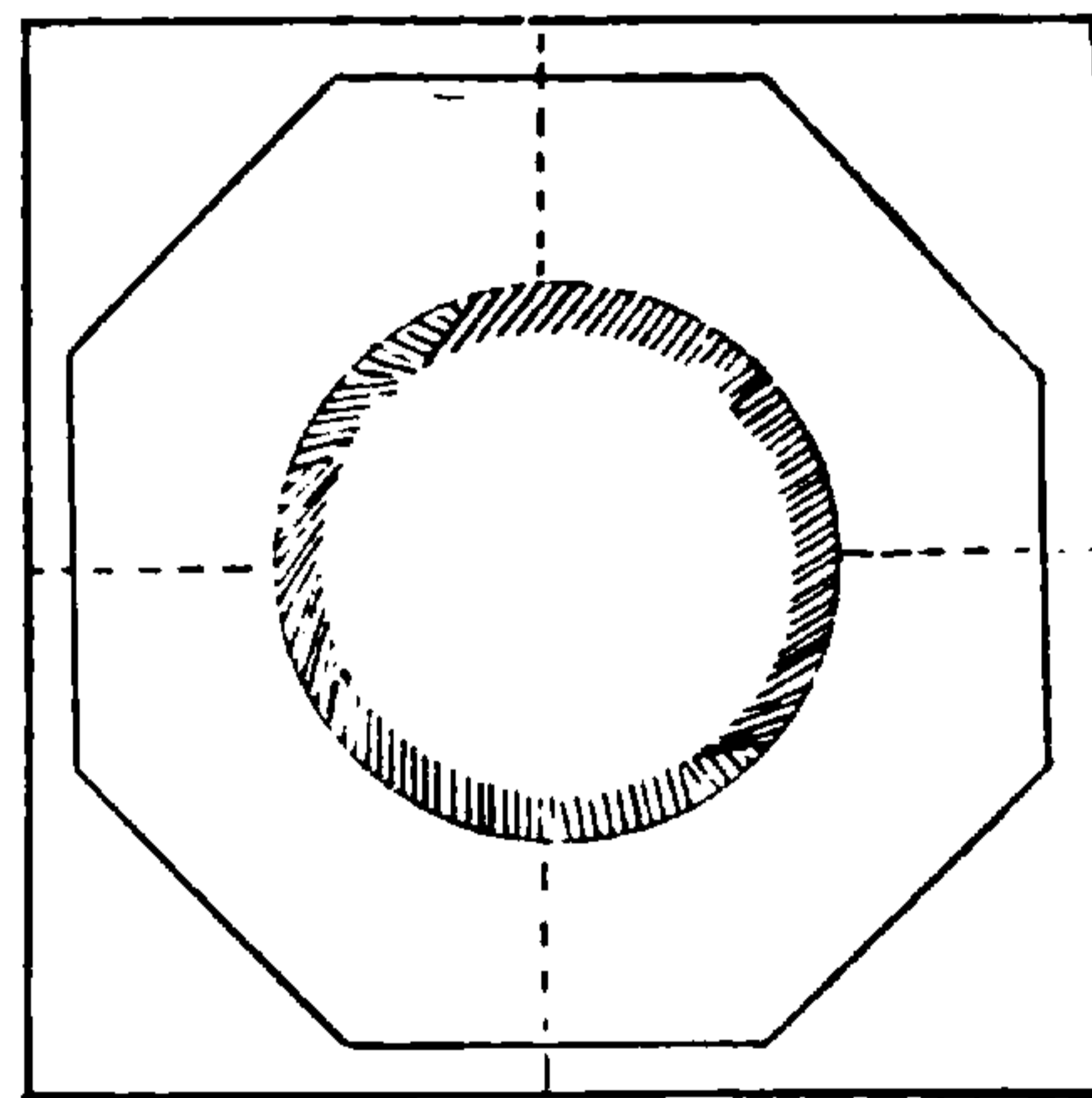
ابتدا و انتهای ستونها در روی پایه ایوان شمالی و ایوان غربی قرار گرفته، در مقابل



۳ - پلان از سنگهای پیشین



۲ - کعبه در ایوان جنوبی



۱ - طرح اصلی ایوان

۷۰۳



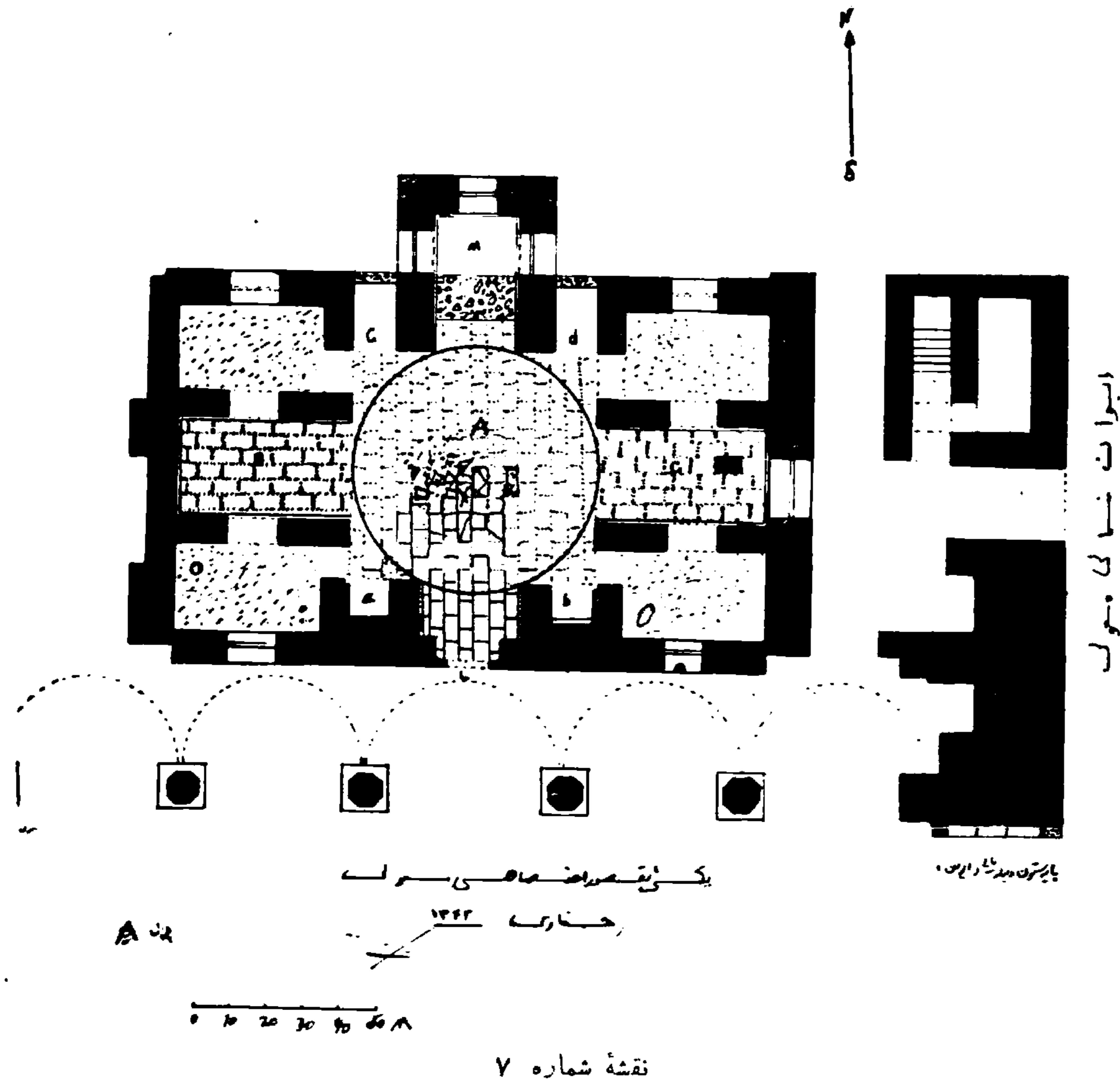
نقشه شماره ۶

قوس رواق اول سداطاق پشت سرهم مستطیل شکل طوری ساخته شده که طول منازل در

جهت شمالی و جنوبی و عرض آن شرقی و غربی بوسیله سه درگاه به تالار مرکزی راه دارند (پلان ۸) که راه اصلی آنها از داخل تالار مرکزی بوده و یک راه فرعی هم از کریدور غربی داشته است. روشنائی این اتاقها بدین ترتیب تأمین میشده است: اتاق اول از پنجره‌ای به پهنای ۱۴۰ سانتیمتر از رواق جلو مربوط، طول این اتاق ۴/۶۵ متر و عرض آن ۳/۳۵ متر است. کف این اتاق و قرینه آن پس از شفته ریزی، گچ کاری و صاف کاری شده، ولی دیوارها پس از گچ کاری با تزئینات کاشی مزین شده‌اند. ضمن عملیات حفاری، حفره‌ای در گوشه جنوب غربی این اتاق ظاهر شد که با خاک و خاشاک پر شده بود و از آثار دوره اشغال بعد از مغول میباشد.

اتاق دوم که اتاق وسطی میباشد از راهرو داخل کریدور در سمت شرق که فاصله بین بنا و ایوان شمالی و در زمان ساسانی نیز این کریدور فاصله بین کاخ خسرو و آتشکده بوده، کسب نور و روشنائی مینموده است. این مدخل درست در مقابل راهروی است که از طرفی ایوان شمالی و از سوئی بوسیله پله‌هایی بقسمت ساختمانهای ساخته شده در بالای آتشکده، راه مییافته است. ولی از سمت مغرب بتالار مرکزی در تمام عرض بنا راه دارد و بطرز جالبی سنگفرش گردیده، قطعات سنگهای بکار رفته درون این اتاق و قرینه آن و همچنین تالار مرکزی، با دو نوع سنگهای بدل مرمر که بطرز زیبایی صاف و حجاری شده، مفروش شده است و در این قسمت از بنای مغولی فقط این اتاق وسطی و تالار مرکزی و قرینه آن در قسمت غربی بدین نحو سنگفرش شده است. کف اتاق را دو نوع سنگ باندازه‌های مختلف بطولهای ۷۰ X ۳۵ و ۸۵ X ۴۷ سانتیمتر پوشانیده است. علاوه بر کف اتاق قسمتی از حاشیه دیوارها نیز با همین نوع سنگ تا ارتفاع ۶۰ سانتیمتری مفروش شده و پس از آن گچ کاری که روی آن تزئینات کاشی داشته، بعمل آمده است. متأسفانه در اتاق شرقی وسطی فقط یک قطعه از سنگهای تالار مزبور در جای اصلی خود باقیمانده (عکس ۱۰) ولی محل بقیه سنگفرشها طرز جالب فرش این اتاقها را نشان میدهد و سنگفرشهای تالار مرکزی هم در اثر خرابی طاق گنبدی شکل و سنگینی

آن بصورت نامطلوبی درآمده است. قطر سنگهایی که برای فرش کف اتاق بکار برده‌اند با قطر سنگهاییکه بمنظور تزئینات حاشیه دیوارها بکار رفته‌است متفاوت میباشد. قطر سنگهای فرش کف ۶ سانتیمتر و سنگهای حاشیه دیوار ۴ سانتیمتر است. زیبایی و نوع سنگفرشهای این اتاقها شبیه موزائیک امروزی همراه با تزئینات کاشیکاری و گچ‌بری



جلوه خاصی باین کاخ میداده است. اتاق سوم یا اتاق آخری بوسیله درگاهی به پهنای ۱۲۲ سانتیمتر بتالار مرکزی راه مییافته است. این اتاق در ضلع شمالی دارای پنجره‌ای برای گرفتن نور و روشنائی میباشد. هنگام حفاری در کف این اتاق آثار آتشدان (تنور)

مدوری از گل پخته ولی با طرزی خشن و سوراخی جهت وزش باد ظاهر شد که قطر دهانه آن ۵۵ سانتیمتر و ارتفاع آن در حدود ۵۰ سانتیمتر میباشد.

در کف آن آثار خاکستر و چند سنگ اجاق وار جهت قراردادن و نگهداری دیک و امثالهم چیده شده بود. فاصله این کف تا کف مغولی ۳۰ سانتیمتر و دلالت دارد بر اینکه پس از مغول کسانی که ساختمانهای مزبور را مورد استفاده قرار داده اند فقط در همین حدود کف آنرا بالا آورده اند. کف اصلی این اطاق نیز با ملاط گچ و آهک صافکاری و دیوارهای آن گچ کاری شده، ولی دارای تزئینات کاشیکاری نبوده است. سری اطاقهای ساخته شده در قسمت غربی تالار مرکزی و شرقی دارای ارتفاعات مناسب بوده و بلندی آنها از کف اصلی در حدود سه متر و نیم میباشد و با اینکه کف اطاق اولی و قرینه آن در حدود ۳۰ سانتیمتر از کف اطاقهای مجاور جناحین آن پائین تر است؛ ولی سقف قوسی شکلی که آنها را پوشانیده، همگی را بیک صورت واحدی در آورده است. روشی که در پوشانیدن سقف این کاخ و سایر بناهای مغولی بکار رفته، مارا بیاد سبک طاقهای هلالی شکل دوره رمان میاندازد. بدین ترتیب که پایه های دیوار پس از چند متری که بالا آمده بتدریج شکل قوسی پیدا کرده و سقف را میپوشاند. ولی تالار مرکزی که محوطه ای بمساحت ۱۰۰ متر مربع میباشد؛ دارای گنبدی مدور بوده است که با همین روش روی آن گنبدی بوجود آورده اند. البته تصمیم بساختن گنبد بزرگی در روی این محوطه وسیع پس از نقشه بنا در نظر گرفته شده. چون که برای این منظور بعدها بقطر دیوارها اضافه شده، تا استقامت بیشتری برای نگهداری گنبد داشته باشد و آثار این اضافات بعدی کاملاً مشخص و ممیز است. در سمت راست و چپ تالار مرکزی و همچنین مقابل آنها جمعاً چهار جایگاه مخصوص نگهبانان و محافظین وجود دارد که علاوه بر مراقبت تالار مرکزی، میتواند استهاند اطاقهای غربی و شرقی تالار را نیز مراقبت نمایند (پلان a. b. c. d-8) وضع این بنا طور است که انتساب آن بشخص شاه مغولی حتمی و یکی از قصور اختصاصی است. جایگاه تخت سلطنتی (m) در قسمت بالای تالار در محوطه ای بوسعت ۴/۵ متر طول و ۳/۵ متر عرض بطرزی باشکوه

و تا اندازه ای مجزا از تالار مرکزی ساخته شده است و بدون شك در این قصر مراسمی از قبیل بزم و شادی در تالار مرکزی در پیشگاه شاه ایلخانی انجام میشده است و نظر باینکه کف تالار مرکزی و دو اطاق وسطی (A. B. C) آن سنگفرش شده و دیوارها نیز با کاشی الوان تزئین گردیده، شاید جایگاه ملازمین رکاب در این مراسم بوده است. این کاخ اختصاصی در حقیقت یکی از بناهای مجلل و باشکوه محسوب میشود؛ زیرا تزئینات آن منحصر بسنگفرش و کاشی نبوده، بلکه در قسمت بالا بخصوص سقف اطاق و گنبد را با گچ بریهای بسیار جالب باشکال متنوع از قبیل گل و گیاه و نقش خانه زنبوری تراش گچ کاری قاشقی با نوارهای عمودی و افقی که با ظرافت خاصی- که تصور می رود قالب گیری شده - طوری تزئین نموده اند که اغلب با وضع کاشیکاریهای این کاخ تناسب داشته است.

مدخل اصلی کاخ مزبور از رواق وسطی است که بتالار مرکزی راه مییابد (پلان L. 8) و مدخل سایر اطاقها از تالار مرکزی بوده است. از ااره دیوار و کف این کاخ با وضع تزئینات کاشیکاری و سنگفرشها بدون شك قابل شستشو بوده و حتی مسیر جریان فاضل آب این کاخ را در ترانشه ای که در جنوب این بنا حفر شده است میتوان مشاهده نمود.

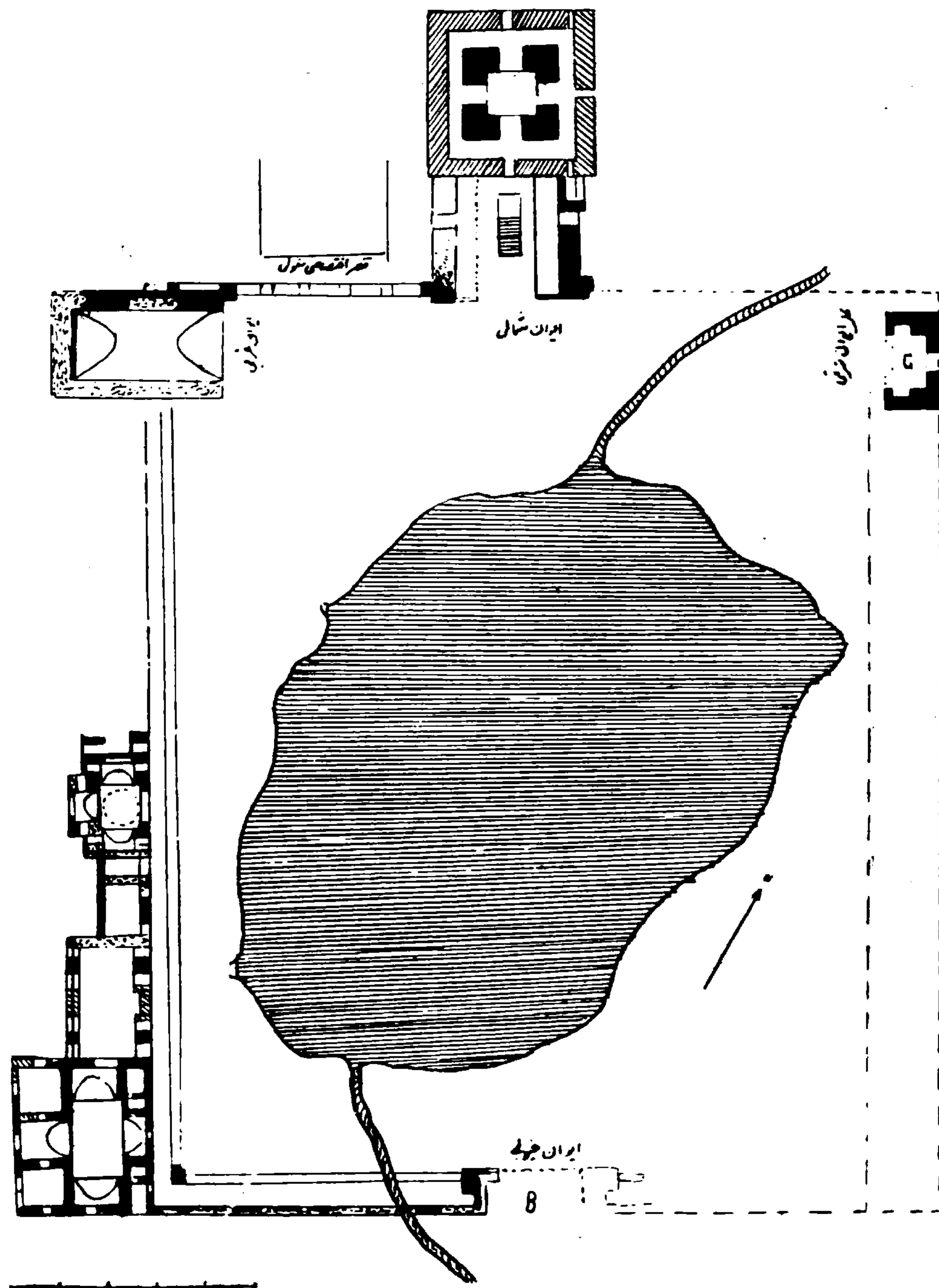
در ترانشه مزبور کف اصلی بنای تخت سلیمان از بدو تأسیس بناهای ساسانی آشکار میگردد و سپس روی بناهای ریخته شده ساسانیان، آثار کانالی جهت آبرو دریاچه بطور مایل ظاهر میشود. کانال مزبور در زیر پایه ستونهای رواق مغولی در روی کف ساسانی بنا شده، بدوران اوایل اسلامی و زمان خلفای عباسی منصوب میگردد و هنگامیکه مغولان جهت پی ریزی پایه ستونهای رواق جلو کاخ اختصاصی خاک برداری میکنند، بدین کانال که در حدود دو متر از کف اصلی مغولی پائین تر است، برخورد مینمایند. نکته جالب توجه و قابل اهمیت، جریان آب پس از گذشت قریب سه قرن در این کانال میباشد. بدین معنی که چون جریان آب در کانال مزبور وجود داشته، معماران مغولی سعی نموده اند که با ایجاد پل سنگی و مرتب، مسیر جریان آب را خراب نکرده، بلکه بهمان صورت که بوده، جریان آب مسیر طبیعی خود را در این کانال ادامه دهد و لذا بنیاد پایه های ستون

رواقها مخصوصاً پایه ستون اول که در روی این کانال قرار گرفته ، با نهایت سلیقه ، با استحکام هر چه بیشتر ساخته شده است . ولی نظیر این پی برای سایر ستونهای هم‌تراز دیده نمی‌شود بنا بر این علاوه بر اینکه استنباط میشود که در کانال مزبور پس از سه قرن جریان آب وجود داشته است از طرفی عمق این کانال قدری بیشتر از یک متر میباشد که مرور زمان زیادی لازم داشته است تا بوسیله رسوبات دریاچه مسدود گردد . بهر جهت مسیر این کانال بطور مایل از گوشه جنوب غربی اطاق ضلع غربی تالار مرکزی گذر کرده و معماران مغولی از این موقعیت برای شستشوی تالار مرکزی و اطاقهای جناحین آن (A. B. C) که سنگفرش و کاشیکاری بوده ، استفاده کرده ، فاضل آب آنرا وارد این کانال نموده‌اند .

چیز دیگری که ضمن حفاری کاخ اختصاصی بیچشم میخورد ، خرابی این کاخ است که شاید در اثر زلزله صورت گرفته است . زیرا چنانکه گذشت بدلایلی که هنوز بر ما معلوم نیست مغولان این محل را پیش از ویرانی ترک کرده‌اند . ولی خرابی تالار مرکزی ابتدا از وسط گنبد شروع شده و بتدریج دیوارها فرو ریخته است . چون هنگام حفاری قطعات ، سنگهای درشتی که در مرکز گنبد بکار رفته بوده ، در زیر توده‌های خاک نسبتاً نرمتری قرار گرفته که این نظریه را تأیید مینماید .

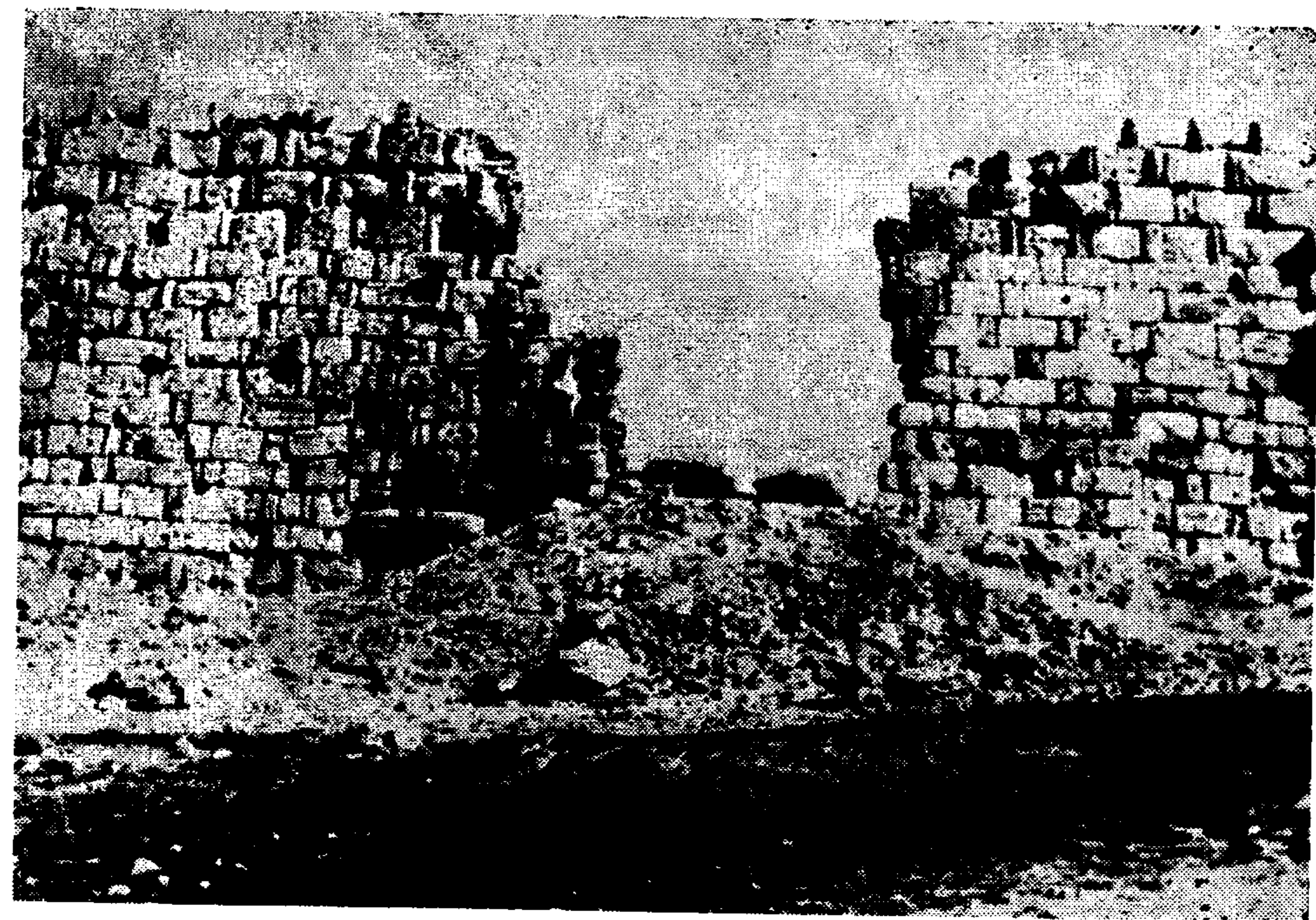
اثر معماری این کاخ ، مخصوصاً گنبد مدوری که محوطه‌ای بوسعت ۱۰۰ متر مربع را پوشانیده (پلان ۸ محوطه A) است عالیترین شاهکار فن معماری قرن سیزدهم میلادی است که در جای خود با مقایسه پیشرفت فنی معماری این زمان در سایر نقاط دنیا - مخصوصاً اروپا - مورد بحث قرار خواهد گرفت . سری ساختمانهای مغولی در غرب دریاچه تخت سلیمان در امتداد ایوان معروف به خسرو که شرح تعمیرات و تجدید بنای آن در زمان مغول گذشت ؛ یک سری دیگر از ساختمانهای مغولی که از نظر اسلوب بنا بشیوه بناهای اسلامی رواقدار در جلو میباشد ؛ جلب توجه میکند . منتهی مراعات قرینه‌سازی

۱- زیرا سایر ستونها در مسیر گذر کانال قرار نگرفته‌اند .



نقشه شماری ۸

در بنا مشاهده نمیشود. این سری بناهای غربی برخلاف بناهای شمالی مخصوصاً قصر اختصاصی دارای ستونهای بسبک ستونهای کوبی هشت ضلعی نیست بلکه نوع ستونهای رواق قرینه ستونهای شرقی و مکعب شکل ساخته شده است. علاوه بر اطاقهاییکه در جوار ایوان خسرو و درست جنوبی آن بنا شده است، بقاضلهای در حدود ۳۰ متر فقط رواقهایی وجود دارد که از درگاههایی بسوی غرب تخت راه مییابند.



ش ۵۷- نمای دژوازه مخروبه جبهه جنوبی حصار تخت سلیمان مربوط بزمان مغول

طاق کوبی هشت ضلعی بسبک بسیار جالب توجهی ساخته شده و گنبد مدوری که در حقیقت حاکی از فن معماری این دوره میباشد؛ با قلوه سنگهای طبیعی و ملاط گچ و آهک این بنای زیبا را مسقف نموده است. این اطاق دارای هشت درگاهی میباشد که در هشتم آن با اسلوب خاصی - که در معماری و نقشه بنا قبلاً پیش بینی شده است - بمدخلهای اطاقهای سمت جنوبی راه مییابد. منظره این بنا از هر لحاظ جالب توجه

است. زیرا دیدگاه عمومی این اطاق کوبی ۱۰ ضلعی درست در مقابل نمای کوه محیر العقول زندان که در سه کیلومتری آن سر بفلک کشیده، قرار گرفته و مناظر زیبای طبیعت و جلوه کوه زندان از درون این قصر و محل دید آن حسن سلیقه معماران مغولی را در ساختن این بنا کاملاً نشان میدهد و بنظر میرسد که سری ساختمانهای قسمت غربی دریاچه مربوط بحرمسرای مغولی میباشد که مراعات جلوه طبیعت و نشاط در آنها شده است. زیرا فاصله بین این حرمسرا و نمای کوه زندان را دشتی وسیع و سرسبز تشکیل میدهد که یکی از تجلیات روح طبیعت است. از طرفی چون دیوارهای مرتفع حصار تخت در قسمت شرقی وسعت دید بناهای شرقی را محدود میکرده، و منظره عمومی آن بیشتر محوطه محدود به دریاچه بوده؛ ساختمانهایی نظیر بناهای قسمت غربی در این سمت دریاچه ساخته نشده است. در امتداد این قصر کوبی ۱۰ ضلعی سری ساختمانهای جالب دیگری ساخته شده که بتالار مربع شکل وسیعی که در انتهای آن و در واقع در گوشه جنوبی قرار گرفته، ختم میشود اطراف این تالار وسیع ضلع جنوبی اطاقهایی قرار گرفته و بطور قرینه سازی در سمت مغرب و مشرق آن طاقماهایی بصورت دو طبقه ایجاد شده است. بدین ترتیب که سقف تالار مرکزی با اندازه ای وسیع و مرتفع گرفته شده که با سقف اطاقهای جناحین آن - که دو طبقه میباشد - در یک طراز قرار گیرد و چنین مینماید که سازندگان حرمسرای مغولی علاوه بر زیبایی طرح نقشه های ساختمانی که در این قسمت دریاچه بعلت وضع طبیعی که شایستگی ایجاد چنین بناهایی را داشته است؛ چون در رأس آن ایوان وسیع و مرتفع خسرو بالاجبار و بنا بروضیت و موقعیتی که داشته تعمیر و بصورت يك ایوان مرتفع با سه ردیف طاقماهای مقرنس کاری بیرون آمده، بنای ضلع مقابل را که قرینه آن در سمت جنوب واقع شده است؛ سعی نموده اند تا اندازه ای وسیع و مرتفع بسازند تا يك تناسب نسبی در این ردیف ساختمانهای غرب دریاچه رعایت شده باشد. بدیهی است جلوه و انعکاسی که این سری ساختمانها در دریاچه تخت سلیمان داشته و مخصوصاً تزئینات کاشیکاری الوان که سراسر

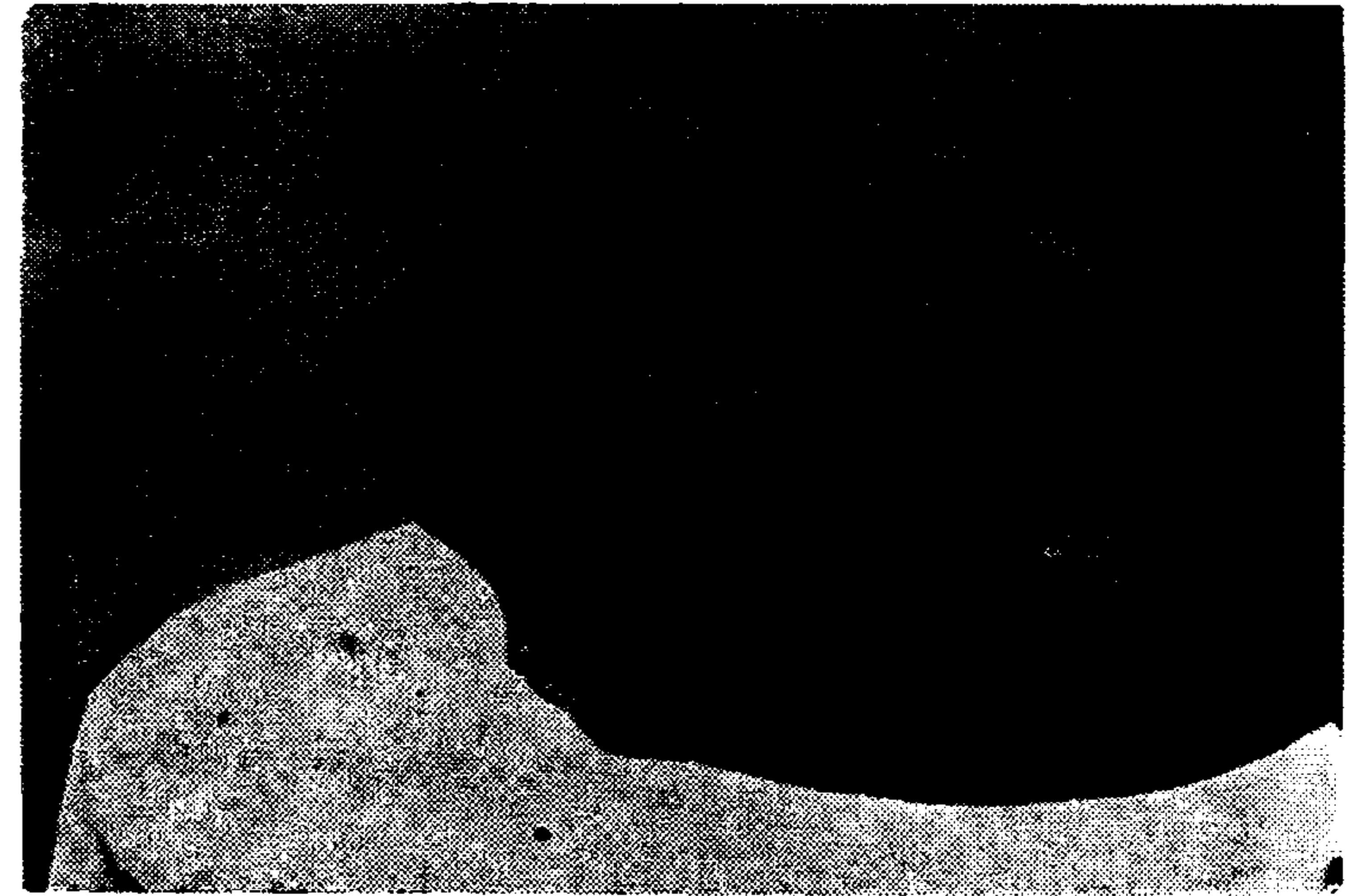
این ساختمانها را پوشانیده، نواقصی را که در اثر عدم توجه قرینه سازی وجود داشته است برطرف میکند. چنانکه در مقابل ایوان شمالی که آنهم بنا بر موقعیت و وضعیت موجود دارای تالار عظیمی شده است در ورودی که در سمت جنوب و مقابل آن قرار گرفته، ساخته شده است (نقشه ۸). ایوان جنوبی دارای سه دروازه است که مدخل اصلی ورود بمحوطه قصور مغولی میباشد و باین سبک ساخته شده که بفاصله دوست متری دروازه جنوب شرقی ساسانی، مدخلی برای ورود به تخت ایجاد نموده اند که درست در سمت جنوب قرار گرفته است. پس از عبور از این دروازه، سه راهرو در امتداد یکدیگر و روبروی مدخل جنوبی قرار گرفته (نقشه ۸ - نقطه B) و از آنجا وارد محوطه ای میگردد که بادبوآرهای سنگی محصور شده است و این وضع سه دری، سه بار تکرار شده و در انتهای وارد محوطه اصلی قصور مغولی میشده است که در وسطی آن درست روبروی دریاچه واقع میشده و بنظر میرسد که انتخاب سه ردیف دروازه سه تائی و تقریباً بموازات و مسافات یکنواخت بمنظور ورود دستجات مختلف بوده که شاید گذر شاه مغولی از در وسطی - که بایوان جنوبی راه مییافته - اختصاص داشته و در مقابل ایوان شمالی قرار گرفته است. (نقشه ۸) پیوست وضع ساختمانهای زمان مغول را در تخت سلیمان نشان میدهد که در این دوره چهار ایوان بطور متقابل ولی غیر قرینه ساخته شده و در فاصله بین آنها یک سری اطاقهای جالب برپا شده و در قسمت جلو ستونها با قوسهائیکه روی آنها زده شده، بصورت رواق دورادور دریاچه را مستطیل شکل فرا گرفته است. ساختمانهای شمالی که در رأس آنها ایوان شمالی قرار گرفته، با چند ردیف پله حجاری شده به پهنای سه متر و نیم، بطبقه فوقانی راه میدهد و در غرب آن نیز کاخ اختصاصی شاه مغول با سبکی که گذشت بنا گردیده است. ساختمانهای غربی اختصاص به حرمسرا دارد. ولی ساختمانهای شرقی دریاچه هنوز بعلت عدم حفاری مشخص نشده و فقط تاکنون نقشه ایوان شرقی (نقشه ۸ - G) ظاهر شده است و ساختمانهای این ردیف دریاچه شاید اختصاص به امرا و سران و ملازمین داشته است.

تالار بارعام

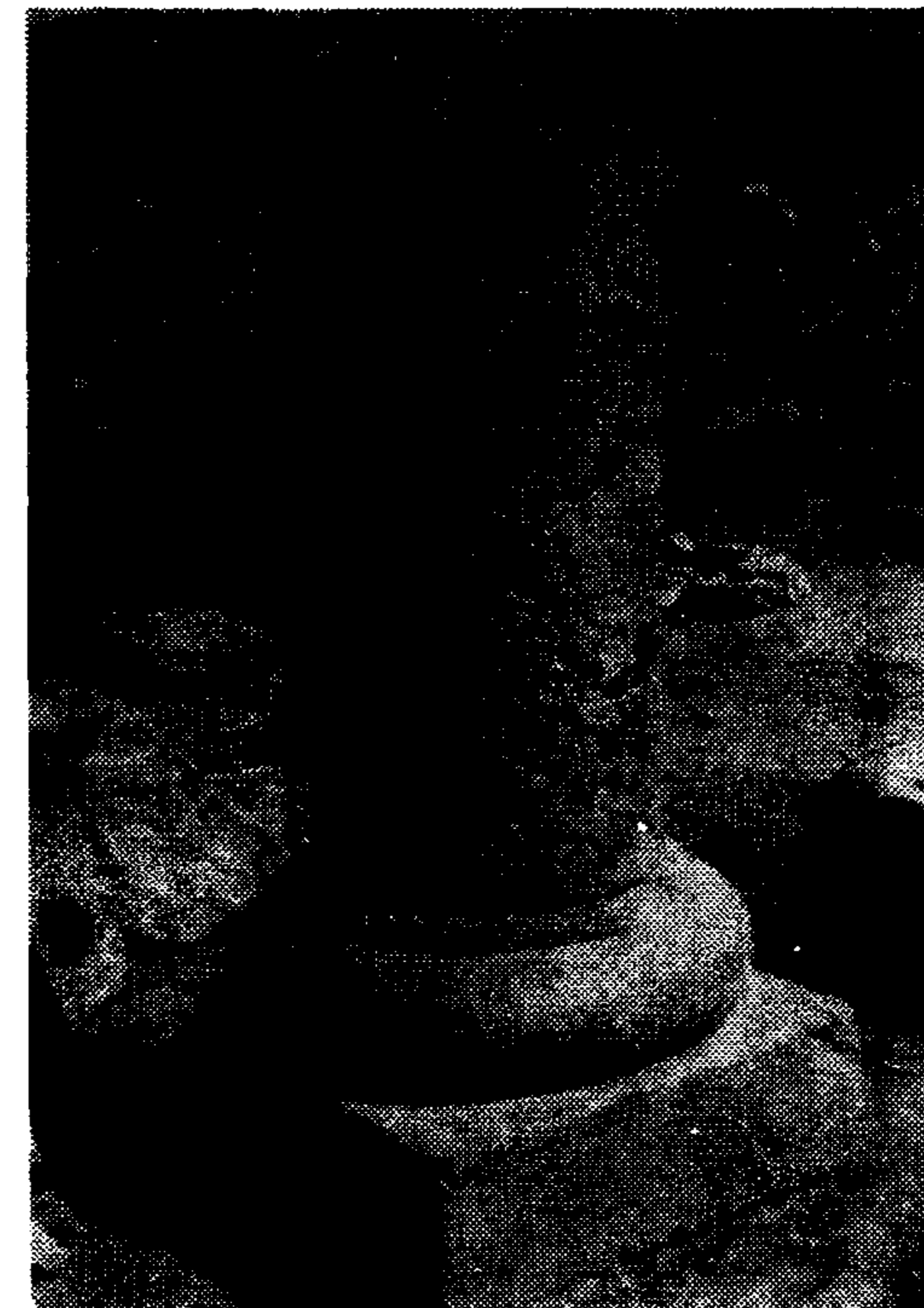
بفاصله ۱۰۰ متری بناهای غربی دریاچه و در مغرب تخت سلیمان بنای وسیع مربع شکل ستون داری که تا اندازه ای دور افتاده است؛ بچشم میخورد. این تالار وسیع که بیش از ۳۰۰ متر مربع وسعت داخلی دارد، با طرز باشکوهی تزئین شده است. مدخل تالار از طرف جنوب به پهنای ۶ متر و با سنگهای قرمز رنگ حجاری و منقوش تزئین شده است و در داخل تالار چهار پایه ستون مربع شکل که در روی آن ستونهای مدور قطور از سنگ قرمز قرار داده شده و تنها تالار ستون داری است که فعلاً در محل تخت سلیمان از زمان تاریخی مغول بجای مانده است.

اصولاً بعضی خصوصیات مذهبی و اخلاقی در وضع ساختمانهای مغولی دیده میشود که قابل توجه است. یکی استعمال سنگهای قرمز بطور وفور در پایه های ستونها و سرستونها و حتی آجرهای کوبی ۸ ضلعی است. تزئینات نقش برجسته در روی این نوع سنگها از اینجهت است که در اطراف تخت سلیمان بحد وفور یافت میشود و دسترسی بآن بسیار سهل و از طرفی حجاری آن ساده و بطور دلخواه قابل تزئین و صافکاری بوده است. علاوه بر این يك جنبه تعلق خاطر باطنی نیز دارد. زیرا در زمان ساسانیان با شرایط فوق الذکر بهیچوجه از این نوع سنگ استفاده نشده است و بنظر میرسد همانطوریکه سنگ سلادن در نزد چینیهی مقدس بوده و برای بدست آوردن آن متحمل زحمات زیادی میشدند و اغلب بتقلید داشتن این سنگ ظروف معروف بسالادن را بوجود آورده و بهترین نوع ظروف آنرا با سنگ سلادن مقایسه کرده اند. مغولان نیز باین نوع سنگ علاقه و دلبستگی نشان داده و این مطلب نه تنها در تزئینات قصور اختصاصی و تالار بارعام و در پایه رواقهای جلوی تالار شمالی و اختصاصی مشاهده میشود؛ بلکه سرستونهای کوچک از این نوع سنگ در اماکن معمولی آنان که حتی المقدور سعی نموده اند بکار برده باشند بحد وفور دیده میشود و اغلب در ساختن بناهای بزرگ زمان مغول در نقاط دیگر نیز ولو برای تزئین و تبرک هم که شده از این نوع سنگ قرمز رنگ استفاده شده است و

این مطلب از سنگ قبور مغولان که در قبرستانها بکار برده شده است و شاخصی برای شناسائی



ش ۵۸- سرستون سنگی با نقش برجسته ازدها از زمان مغول

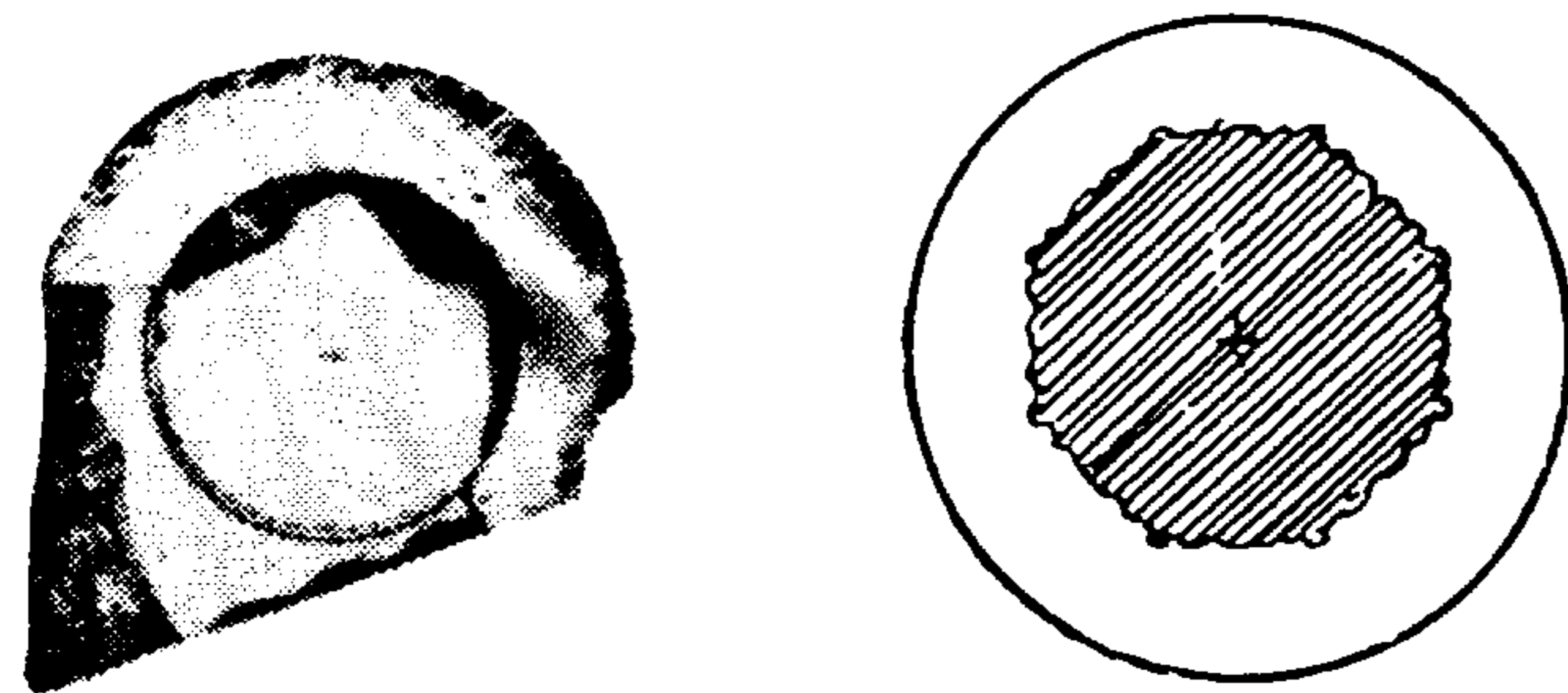
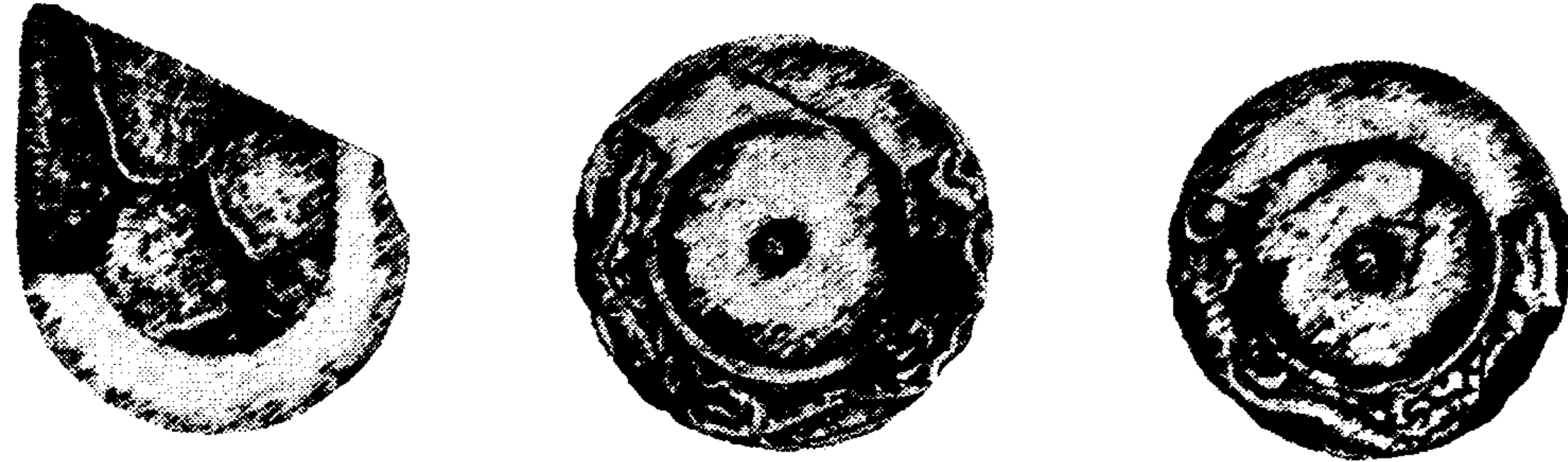


ش ۵۹- یکی از ستونهای سنگی از نوع سبکهای قرمز با سرستون از زمان مغول

قبور مغولان میباشد آشکار است. هیچ قبر مغولی در این ناحیه وجود ندارد که سنگ لحد آن

از این نوع نباشد. اینگونه قبور مغولی در اطراف تخت سلیمان و سایر نقاط مربوط بدوره سکونت مغول بطور پراکنده دیده میشود.

یکی از سرستونهاییکه بطور پیازی شکل حجاری شده و روی آن با نقش ازدها تزئین گردیده، سرستونی است از این سنگ که بقریه همپا در ۶ کیلومتری تخت سلیمان

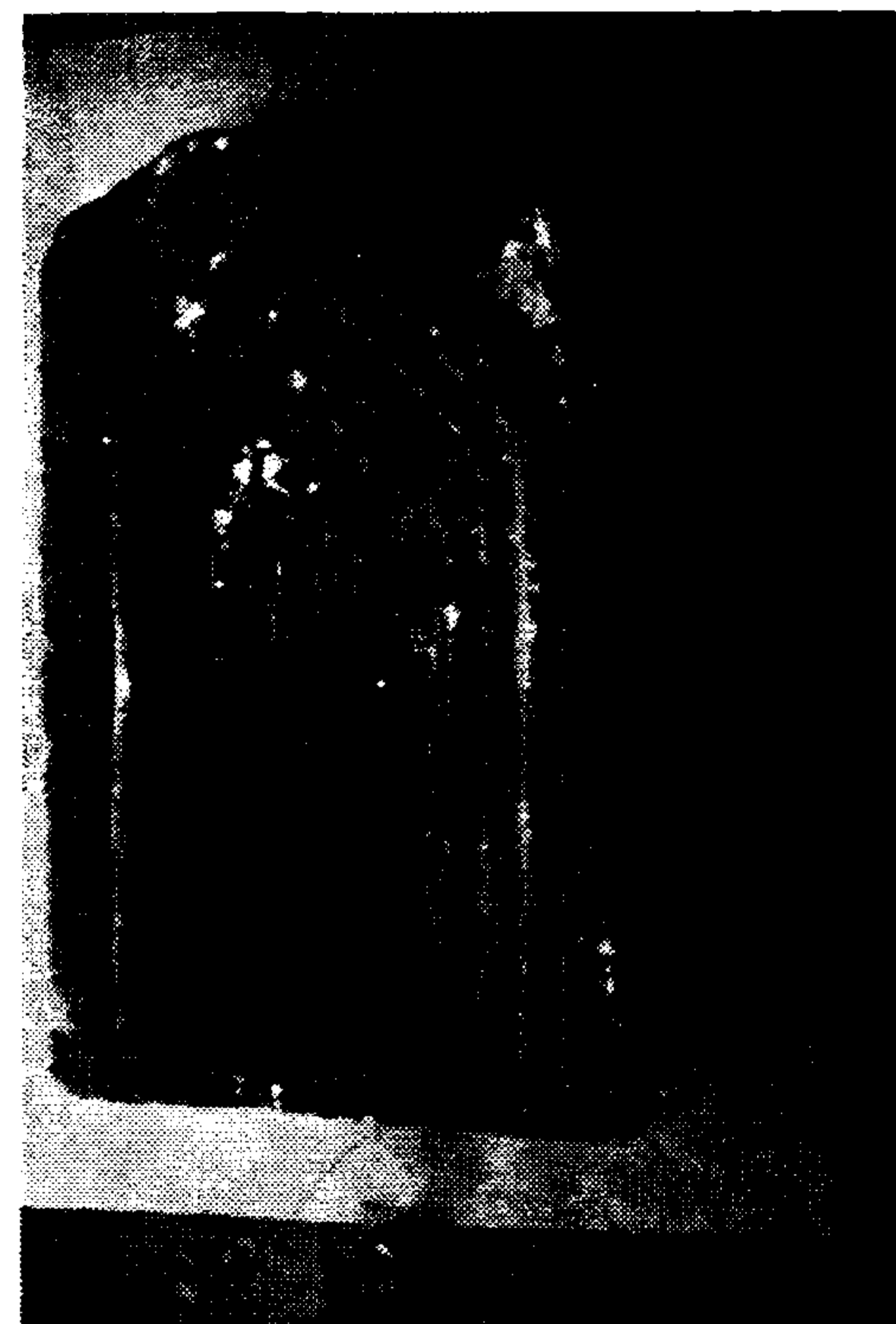


ش ۶۰- طرح سرستونهای مکشوفه در تخت سلیمان از سنگ قرمز رنگ با نقش ازدها که مربوط بزمان مغول است

انتقال یافته بود و هنگام آغاز عملیات حفاری سنگ مزبور بمحل تخت سلیمان منتقل گردید. محیط بدنه این سنگ ۱۱۰ سانتیمتر است و ستون دیگری که مشابه همین ستون

حجاری شده ، در روی بدنه دارای تزئینات گل و گیاه است .

سرستونی نیز از سنگ سماق قرمز رنگ با رگه‌های سفید است که بطرز جالبی تراشیده شده . قاعده پائین آن دایره‌ای بقطر ۲۰ سانتیمتر و قاعده بالایش مربعی است بصلح ۲۰ سانتیمتر و جوانب بدنه را حجاری نموده‌اند . قسمت فوقانی این سرستون با نواری برجسته ۲ سانتیمتری کمر بندی تزئین شده ، ارتفاع آن ۲۵ سانتیمتر و در نهایت



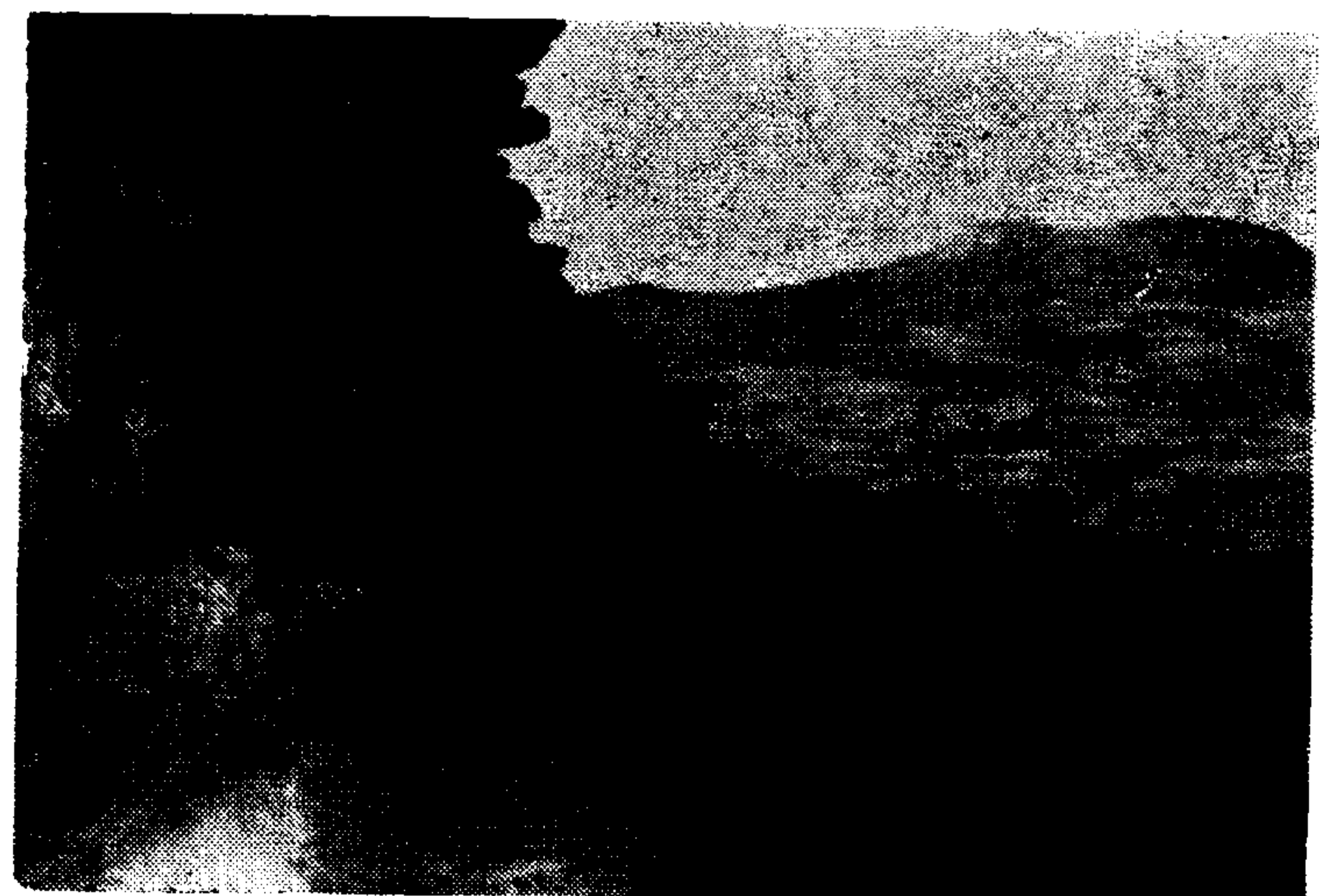
ش ۶۱- محراب سنگی از زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

ظرافت حجاری شده است . این سرستونها بالای ستونهای چوبی قرار میگرفته است . ستونها و پایه ستونهای قطور تالار بارعام و همچنین نمای مدخل ورودی با این نوع سنگ مورد توجه مغولان تزئین شده است . آنچه در این تالار وسیع مورد مذاقه قرار میگيرد ، اینست که تالار ستوندار مزبور که قاعده میبایست دارای سقف مسطح باشد ؛ برعکس دارای گنبد عظیمی بوده که یکی از دلایل وجود این گنبد همانا شکل مربعی آن

است . وستونهای موجود فقط جنبه تزئینی داشتند است . آقای دکتر کلایس - معاون هیئت - عقیده مند است که این تالار دارای دو سقف مسطح و گنبدی بوده است . علاوه بر این استعمال قوسهای هلالی و تشکیل پایه‌های دیوارها که بتدریج مبدل بقوس هلالی شده ، در اکثر بناهای



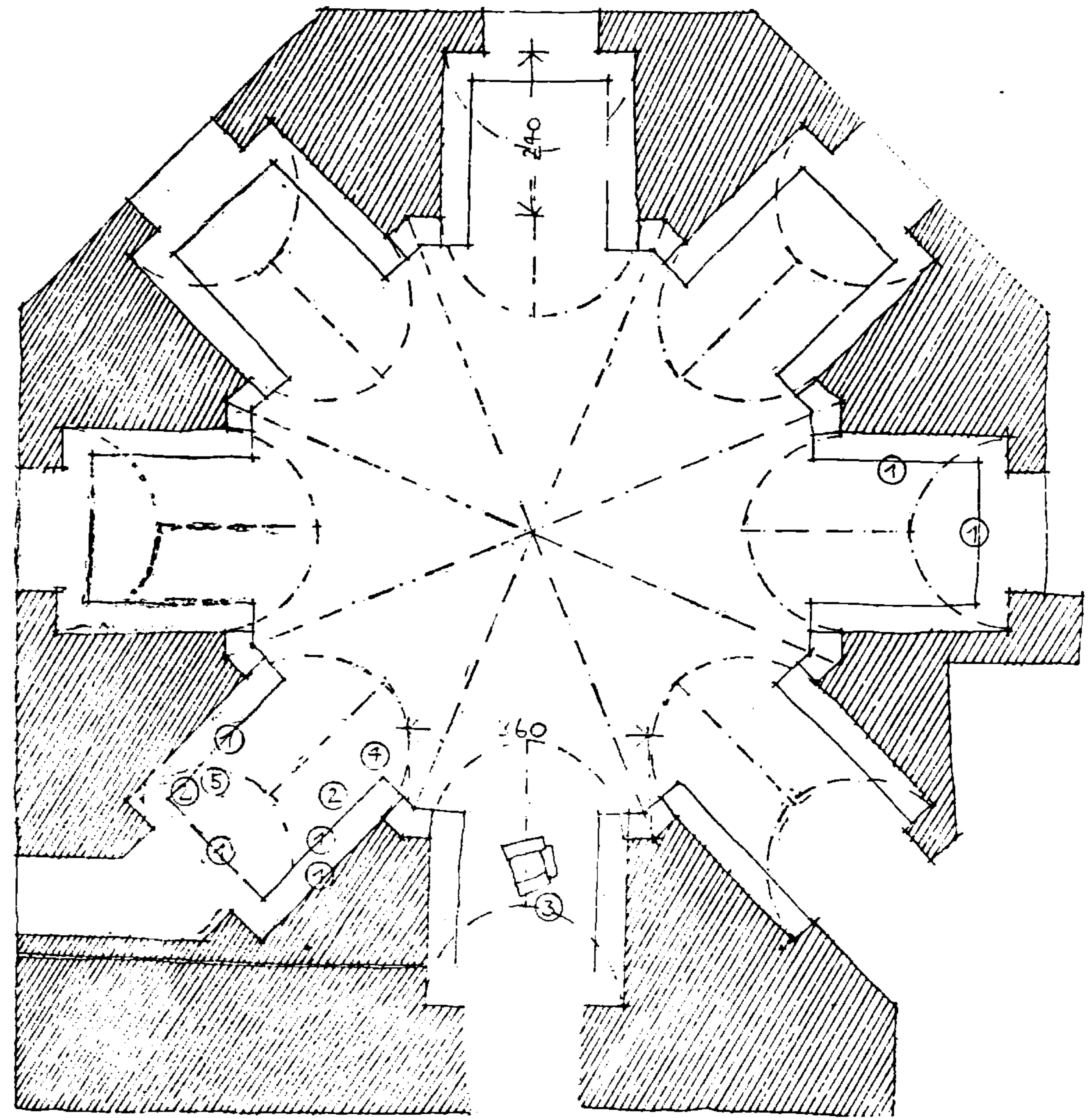
ش ۶۲- جبهه شمال شرقی اتاق ۸ ضلعی دوره مغول در تخت سلیمان



ش ۶۳- نمای قسمتی از اتاقهای ۸ ضلعی دوره مغول مکشوفه در جبهه غربی تخت سلیمان

مغولی بچشم میخورد و وجود گنبدهایی که در پوشاندن سقف این تالارهای وسیع و ایوانهای مرتفع بکار رفته ، مطلبی نیست که در قرن ۱۳ میلادی از آن چشم پوشید و گذشت بخصوص

که مصالح ساختمانی این قوسها از سنگهای حجاری قالبی نیست که استعمال آن سهل باشد، بلکه معماران با مهارت و قدرت و ذوق و سلیقه خاص، با قلوه سنگهای طبیعی، پایه‌ها را با در نظر گرفتن ارتفاع کافی بنا، تبدیل بقوس و گنبد کرده‌اند. استعمال این



نقشه شماره ۹

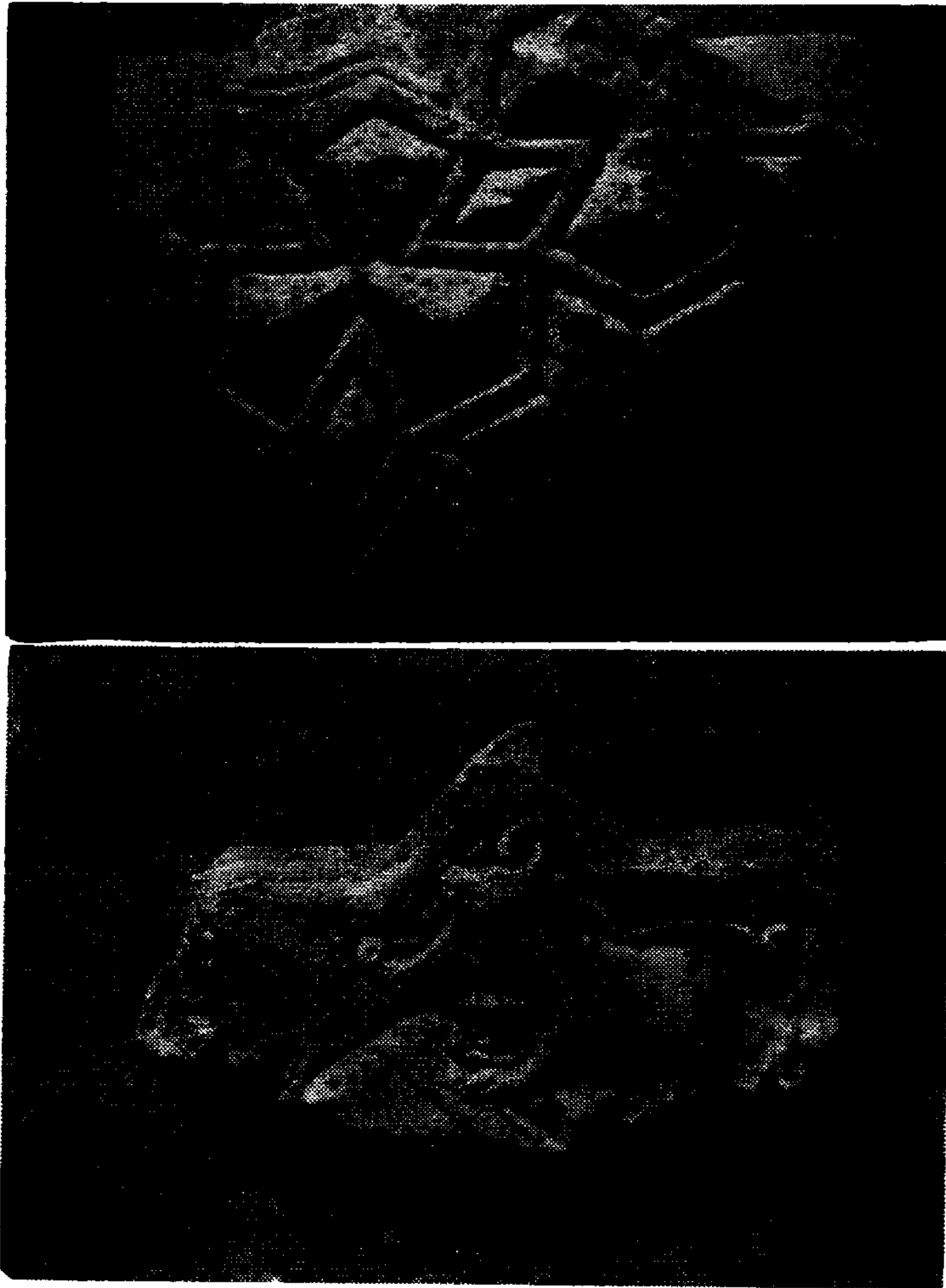
قوسهای هلالی و استفاده از سنگهای حجاری شده بمنظور فرش کف اطاق و هزاره‌های دیوار ایجاب میکنند که نفوذ و ترقی صنعت معماری رمان را که تا اندازه‌ای همزمان با

ایجاد این سبک ساختمانی مغولی بوده است، مورد بحث قرار داد؛ زیرا بسیاری از محققین و باستانشناسان و معماران ابنیه تاریخی، در مورد سبک ساختمانی ایران - مخصوصاً در مورد تنوع طاقهای ایرانی - مطالعاتی نموده و نظراتی داده‌اند و نظر به اسلوب ساختمانی مغولی در قرن هفتم هجری مطابق ۱۳ میلادی و استفاده از طاقهای هلالی و گاهی نوک تیز در تخت سلیمان، که مصادف با تحول بزرگ معماری دنیا است، جا دارد که در مورد استفاده از طاقها و رواقهای دوره اسلامی - که درباره منبع عالی این سبک معماری مطالعاتی شده و اختلاف نظری هم بین محققین وجود دارد - بیشتر بحث شود. زیرا این دوران درست مصادف با تغییرات کلی بناهای اروپائی است که از سبک دوره رمان سبک دوره گوتیک میرسد؛ مخصوصاً فرانسویان شیوه اخیر را در قرن ۱۲ میلادی از ابتکارات خود در ناحیه ایل دو فرانس فرانسه میدانند. در صورتیکه اسلوب صنعت معماری رمان را از تأثیرات جنگهای صلیبی و مخصوصاً فرم طاقهای نوک تیز را از سوریه و فلسطین اسلامی به اروپا برده‌اند. در اینکه استعمال طاق در سرزمین بی سنگی چون بین النهرین از ماقبل تاریخ وجود داشته است، جای تردید نیست و باستانشناسان در ضمن عملیات حفاری نقاط مختلف بین النهرین باینگونه طاقها - که گاهی با آجر پوشیده شده است - برخورد کرده‌اند ولی وضع بناهای مغولی مخصوصاً از نظر سنگفرش و استعمال طاق سنگی با ملاحظه وساروج و بعثت قرابت زمانی که با ابنیه دوره رمان - که با سنگ ساخته شده است و پایه‌ها را نظیر همین بناهای مغولی بتدریج بقوس طاق تبدیل نموده‌اند - کاملاً قابل مقایسه میباشد. چنانکه دیولافوا باستانشناس معروف فرانسوی در سال ۱۸۷۴ در مورد سبک بناهای گوتیک اظهار نظری نموده و اصل سبک معماری گوتیک را متعلق بدوره ساسانی میدانند. پروفیسور استرازی کودسکی اطریشی در اوایل همین قرن در وین ضمن سخنرانی خود میگوید که ایران مهد اصلی چند شکل طاقهای گنبدی است که بعدها از راه ارمنستان به اروپا رفته

۱- نمونه قدیمترین طاق هلالی که در ایران تا کنون بدست آمده و مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش میباشد در آرامگاه سلاطین تیپتی یاها Tepti yaha در حفاری هفت تپه بریاست آقای دکتر نکهبان استاد دانشگاه تهران و مشاور فنی وزارت فرهنگ و هنر میباشد.

است و طی سالیان دراز باستانشناسان نیز در این باره مطالعاتی کرده‌اند؛ این نظریه تقویت شده است که ایران اولین کشور بوجود آورنده سبکهای مختلف طاقسازی است و از جمله کسانی که برای پی بردن و بررسی سبک معماری اسلامی ایران فوق‌العاده جدیت نموده و مدت ۴ سال از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷ بکوش و تحقیق در ایران پرداخته و بعد از آنهم در این مورد سالیان دراز مطالعه نموده و زحمت کشیده، دکتر مایرین بمنت اسمیت مشاور افتخاری تاریخ خاور نزدیک و باستانشناس اسلامی واشنگتن است که در اردیبهشت ماه ۱۹۵۸ سخنرانی جالبی درباره معماری اسلام و غرب در دانشگاه تهران ایراد نمود و طی سخنرانی خود اظهار داشت که گنبد باصطلاح رومی که بالای آن کاملاً مدور است و دارای قسمت‌هایی است که بطور شعاعی قرار گرفته اند کار رومیها نیست؛ زیرا پیش از آن در زمان سلسله اولیه فراعنه در مصر و در همان زمان در بین‌النهرین نیز وجود داشته است. طاقهای نوک‌تیز نیز در بعضی از ساختمانهای دوران بنی‌امیه و اوایل دوران عباسی یافت میشود و این شکل معمولی طاق‌هایی است که در بناهای اسلامی از مصر تا هندوستان دیده شده و در مغرب زمین سبک نعل اسبی بیشتر نمودار است و طاق نوک‌تیز ۳۰ سال پس از جنگ‌های صلیبی از طریق معماری اسلامی باروفا رفته، بنابراین باید غرب را نه تنها از لحاظ سبک رمان، بلکه از نظر صنعت گنبد نیز مدیون معماری اسلام دانست. گرچه اروپا در تکمیل طاق سبک اخیر کوشیده است؛ ولی بدون شک پایه و اساس طاق‌های مختلف را باید در ایران قدیم یعنی عراق و ایران امروزی دانست. در نتیجه همین اختراع و تکمیل آن در دوران اسلامی، بویژه در زمان مغول‌گنبد‌های بسیار مجلل با سبک‌های بدیع بوجود آمده که نمونه‌های متعدد آن در زمان مغول از اماکن متبرکه گرفته تا بقاع و مقابر و مساجد و ساختمانها نه تنها در تخت سلیمان، بلکه در نقاط مختلف ایران - مخصوصاً غرب ایران - بچشم می‌خورد و انگهی ایجاد ساختمانهای بزرگ نمونه‌ای از جلال و شکوه درباری بوده است که باید شیوه این نمونه تالارهای وسیع و ایوانهای مرتفع را نیز از مقر پادشاهان ایرانی سراغ گرفت. قصور شاهنشاهان هخامنشی در

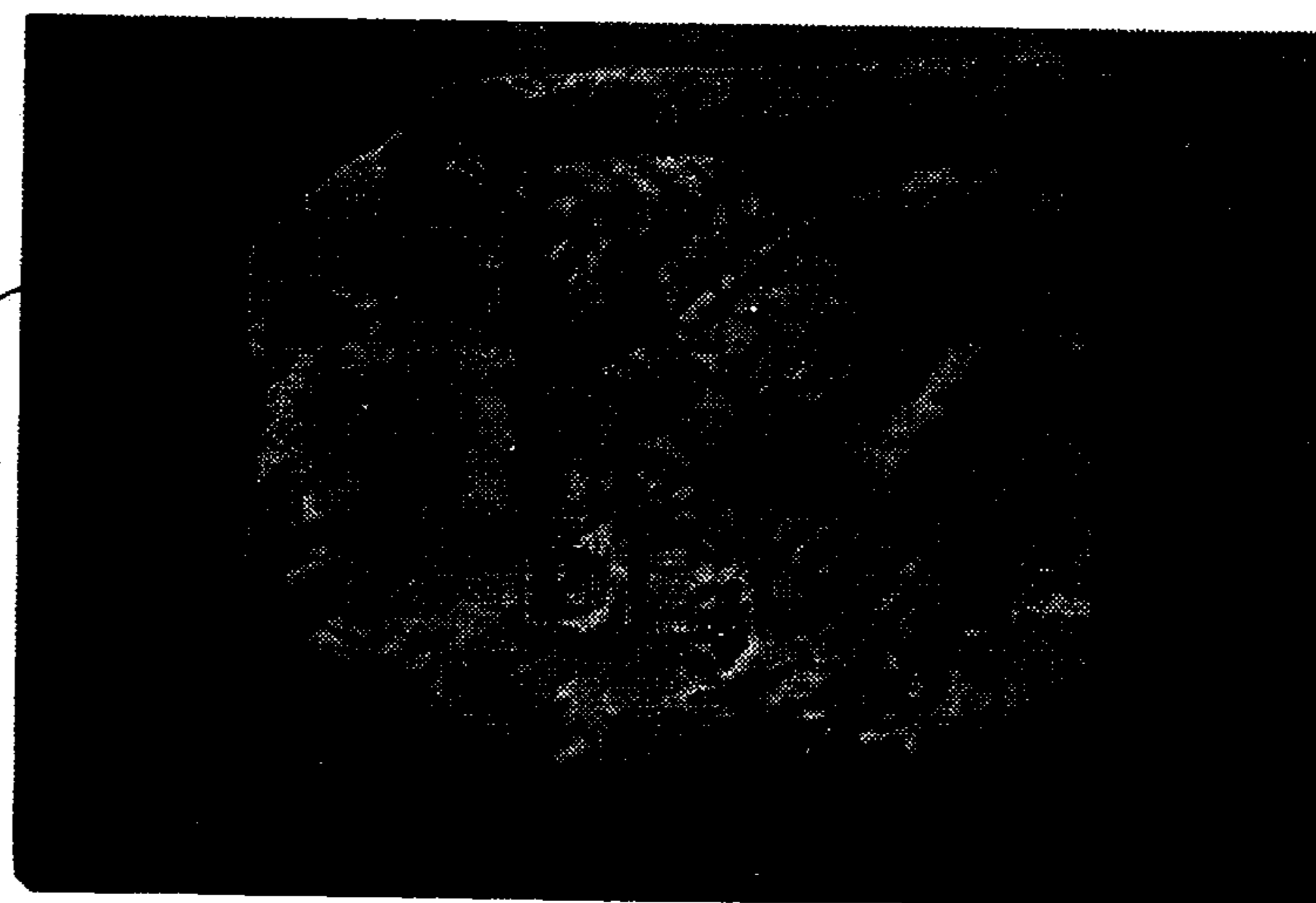
تخت جمشید با ستونهای متعدد و نیز تالارهای وسیع و مرتفع و مشرف بصحن حیاط با سقف هلالی و گنبدی شکل در زمان پارتها و بعدها در زمان ساسانیان دروازه‌های بلند و ایوانهای رفیع که جایگزین تالارهای ستوندار شده همد و همه بمنظور نمودار شوکت



ش ۶۴ و ۶۵ - نمونه‌ای از گنبدیهای زمان مغول در تخت سلیمان

و جلال بوجود آمده است و همین ایوانهای رفیع است که در زمان اسلامی عمومیت پیدا کرده و ایجاد طاق و گنبد بر روی زیباترین و مجلل‌ترین بناها معمول میگردد که در حقیقت دارای همان معنی و مفهوم تشریفاتی و همان جلال و شکوه میباشد.

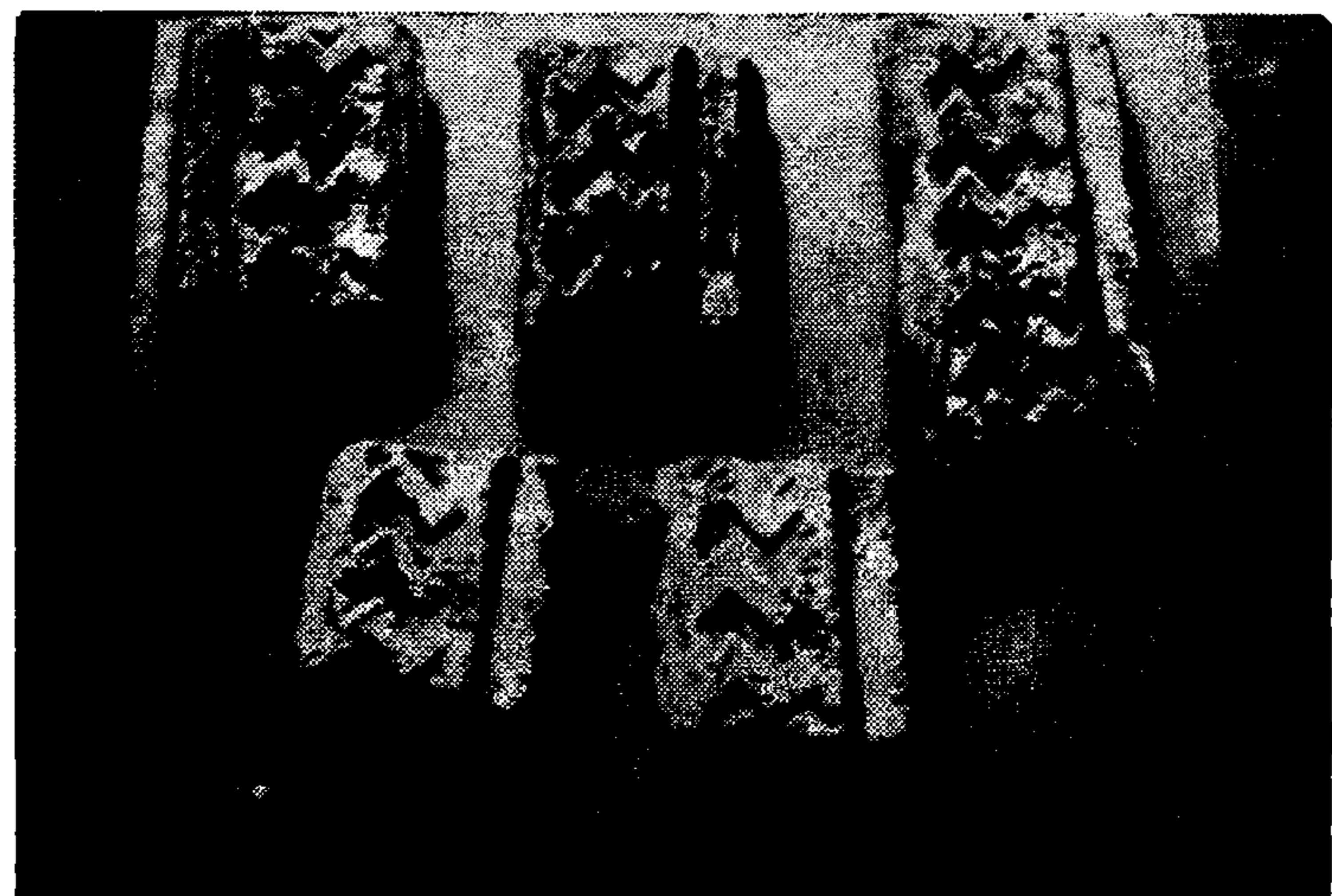
ولی ریشهٔ وجود آمدن تالارگرد کوکبی ۸ ضلعی را در کجا باید جستجو کرد خود مسأله‌ای است. زیرا تهیهٔ این نوع نقشه‌های ساختمانی صرف‌نظر از طرح زیبای آن خود نمودار روح شکوه و عظمت است. یعنی در واقع تحت تأثیر همان افکار وجود آمده است و بظن میرسد که این سبک معماری نیز ریشهٔ شرقی داشته باشد. مخصوصاً در زمان مغولان علاقه و دلبستگی خاصی در ایجاد ساختمانهای منتظم چند ضلعی، حتی ستونهای منتظم ۸ ضلعی و آجرهایی بهمین ترتیب وجود آمده، ایجاد مدخلهای متعدد در ساختمان کوکبی ۱۰ ضلعی بیشتر جنبهٔ مهارت و هنری و ابتکاری دارد که نمونهٔ ذوق و سلیقهٔ تلطیف شدهٔ آنان میباشد. رویهمرفته باید گفت که در اواخر قرن ۷ هجری سلاطین مغول هواخواه



ش ۶۶- نقش مرغ بر روی گچبریهای زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

صنعت معماری شده و در این راه ترقیات شگرفی نموده‌اند و ارتباط کاملی بین ساختمان و اشکال تزئینی آن از قبیل گچ‌کاری و سنگفرش و کاشیکاری دیده میشود. این آرایش تنها تزئین متناسب و جداگانه‌ای نیست که روی سطح بنا اضافه شده باشد بلکه گچبری و کاشیکاری انجام شده، کاملاً متناسب با بنا بوده و حتی اشعاری که در حاشیهٔ این کاشیها تحریر شده، با تصاویر متن کاشی تطبیق و هماهنگی داشته است. بنا بر این فن معماری در عصر مغول با ایجاد پایه‌های مربع شکل و با نقشه‌های مختلف بمنظور احداث طاق و

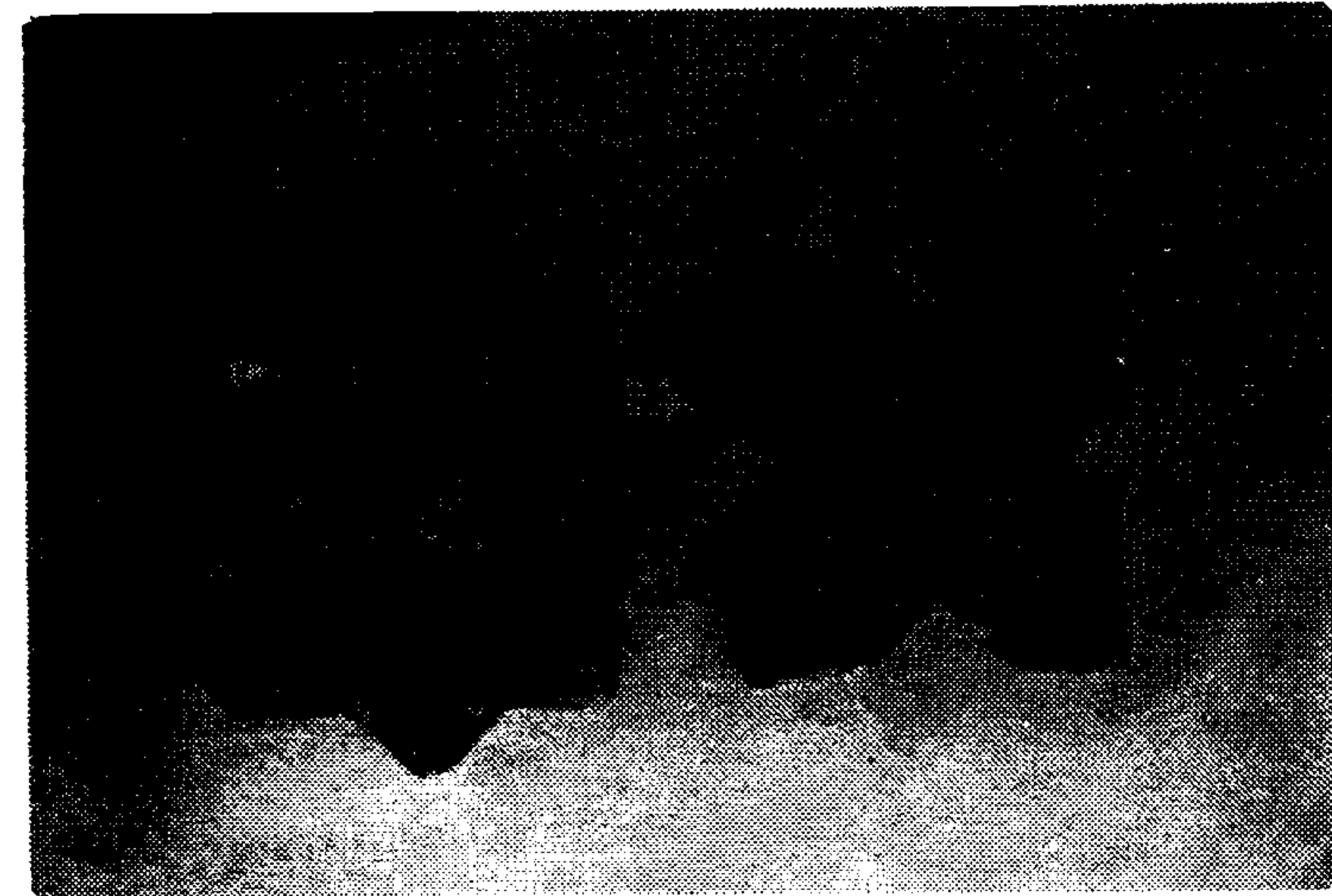
گنبد، باید عصر طلائعی پیشرفت معماری بحساب آید و همزمان با این هنر و صنعت گرانمایهٔ افتخار آمیز گچ‌کاری و کاشیکاری نیز پیشرفت نموده و تزئینات معماری را بحد کمال میرساند. چنانکه میدانیم صنعت گچ‌بری که پیوسته بسوی تکامل پیش میرفت در زمان اسلام نیز



ش ۶۷ و ۶۸- نمونه‌هایی از گچبریهای زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

متوقف نگردید و مظاهر پیشرفت آن در زمان سلجوقی و خاصه در زمان مغول بنحو شایسته‌ای وجود دارد. در این زمان گچ‌بری چنان جایی برای تزئینات ابنیه پیدا کرد که همراه با سنگفرش کف حاشیهٔ دیوار و تزئینات گچ‌کاری مخصوصاً در تزئینات سقف و

مقرنس کاری از آن استفاده شایان شده است، گل و بوته‌ها و نقوش هندسی مختلف در گچ کنده کاری میشده است که نشانه کمال زیبایی و هنر این فن میباشد و ترکیبات سنگ و کاشی و گچ کاری باطاقها جلوه و جلالتی خاص میبخشیده است و گچ بران استادان زبردستی بوده اند که باظرافت و مهارت ترکیبات تزئینات قصور را متناسب نموده اند. ضمن عملیات حفاری قطعات جالب که نمونه‌های از هنر گچ بری این زمان میباشد در ساختمانهای مختلف مغولی بدست میآید. ولی تعمیرات کاخ معروف خسرو و ایجاد طاقنها با تزئینات گچ بری و بطور مقرنس کاری شاهکار هنری این فن در تخت سلیمان میباشد که هنوز هم با گذشت زمان و آسیبی که دیده است توجه بینندگان را در مرحله برخورد بخود جلب مینماید.



ش ۶۹- نمونه‌ای از کاشی‌پای صلیبی و کوکبی شکل زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

بنا بر این گچ بری زمان مغول را باید نظیر سفالسازی، دنباله سبک پیشین دانست که بتدریج مفصلتر گردیده و در زمان مغول اشکال متنوعی بخود میگیرد و تزئینات پیچیده تر شده، طرح مشبک گل و برگ و اشکال هندسی ستاره و لوزی بر روی طرحهایی از اشکال برگ نخلی که در زمینه کنده شده است؛ بوجود میآید و همانطور که گذشت اغلب گچ بریها در قسمت فوقانی بنا بعمل آمده و سقف گنبدها را تزئین نموده است. هنرمندان گچ کار مغول برای تزئین اینیه ابتدا قسمتی از دیوار را با کاشیهای زیبا تزئین نموده و سپس قسمت فوقانی و سقف را با گچ بریهای متنوع زینت میدادند.

فصل چهارم

صنعت کاشی سازی و سفالگری

پیش از بحث درباره صنعت کاشی سازی و سفالگری عصر مغول وضع سفالینه‌های مکشوفه در تخت سلیمان را که آقای محمد یوسف کیانی تا آخرین روزهای کاوش (پائیز ۱۳۴۵) بررسی نموده، بطور اجمال از نظر میگذرانیم.

وضع سفالینه‌های تخت سلیمان

در کاوشهای سال جاری نیز مانند سالهای گذشته مقدار زیادی تکه‌های سفالینه‌های بدست آمده است. در میان نموندها و قطعات بدست آمده، سفالهایی میتوان یافت که مربوط بدوره ساسانی و قطعاتی میتوان دید که متعلق بقرن ۱۵ میلادی میباشد. قسمت عمده‌ای از سفالهای دوره ساسانی در زیر کفهای گچی یا گلی اطاقهای مربوط به ناحیه کاخها بدست آمده است. تقریباً تمام قطعاتی که از مکانهای مزبور یافته شده، بدون لعاب هستند و بخش عمده‌ای از سفالهای مزبور رنگی مایل بقرمز دارند و گاهی در رویه بیرونی رنگشان به سفید مایل به زرد تبدیل میگردد و اغلب ماده رُس سفالها با شن آمیخته است. مخصوصاً قطعات خمردهای نسبتاً بزرگ سطح درونی فوق العاده خشنی دارند. در حالیکه رویه بیرونی آنها بسیار صاف و زیباست و بطور کلی از اشیاء سفالین که برای سفره بکار میرفته یا بهتر بگوئیم از آبخوریهای سفالین چیز جالب توجهی بدست نیامده است. در نواحی مختلفی که امسال در آنها حفاری شده، اشیاء زیادی بدست آمده که تاریخ آنها بزمانی بلافاصله بعد از روزگار ساسانیان بر میگردد.

بطور کلی اشیاء متعلق بدوره مزبور سبکتر و رنگ زرد مایل بسفید در آنها بیشتر بچشم میخورد و نیمرخ کوزه‌ها و لیوانها ضخامت و سنگینی کمتری مییابد. پیش از آنکه ما بدوره‌ای برسیم که سفالهای لعابدار دارد به روزگار تاریک و پیچیده‌ای برسیم که در آن مردم برای نخستین بار پس از حمله عرب نمونه‌های نوینی از شیشه‌های رنگین میساخته‌اند که قیمت عمده مربوط بدوره عباسی است. در این دوره علاوه بر کوزه‌ها و لیوانها و



ش ۷۰ - نمونه یکی از ظروف سفالین لعابدار مکشوفه در تخت سلیمان

کاسه‌های سفالی که بدست آمده، مقدار زیادی از قطعات سفالین شیشدای نیز یافته‌شده که نشانه تمدن و فرهنگ مردمی است که به خوراک و آشامیدنی اهمیت زیادی میداده‌اند. نمونه‌های فراوانی از اشیائی با نقاط برجسته که از سفالهای لعابدار سبز رنگ ساخته شده‌اند بدست آمده که اینگونه سفالها سبک و نازکند و در این میان نمونه‌های جالب آنهایی هستند که رنگ زرد ماده ساختمانی آنها نشانه آن است که سرزمین اصلیشان

بین‌النهرین بوده و از آنجا باین ناحیه وارد شده است و تاریخشان متعلق به نیمه دوم قرن ۹ میلادی است و صفت مشخصه آن ظرافت و حالت شیشه‌ای زیبای آنان است.

این نوع ظروف فرم مخصوصی دارند و شبیه به ظروف بشقابی بالعب است که در زمان سلسله چینی تانگ (Tang) (یکی از سلسله‌های سرزمین چین قبل از سلسله سونگ Song) قرن ۶ و ۹ رواج داشته است.

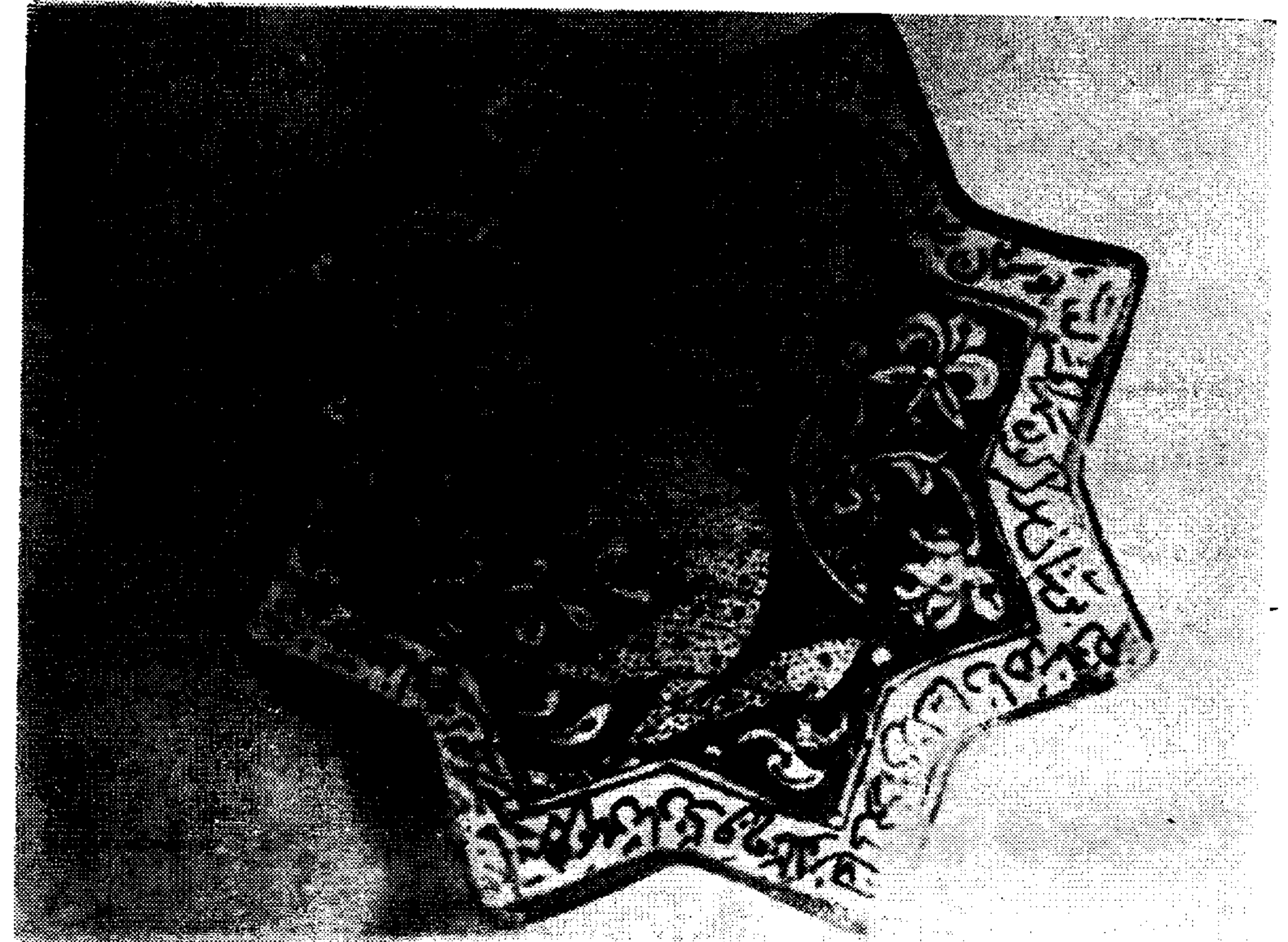
گذشته از آنها نمونه‌های خردشده‌ای هم بدست آمده که به رنگهای قرمز و سبز دیده میشود. و گروه جالب آنهایی هستند که با شکل مشابه از سفالی زیبا و پخته و قرمز رنگ با لعاب تیره زرد ساخته شده و برنگ سبز مسی مزین گشته‌اند.

موضوع نقاشیهای سفالها اغلب یا نبشته است یا خالهای ساده رنگین.

پس از دسته ظروف مشروح در بالا، دسته بزرگ و نقاشی شده دیگری دیده میشود که رنگهای آنها زرد و قرمز و سبز است. پس از آن یک گروه مخصوص دیگر که اصطلاحاً ظرف تخم مرغی و اسفنجی (از لحاظ رنگ) خوانده میشود، پیدا شده که اغلب دارای تزئیناتی از قبیل تراش در زیر لعاب و یا خالهای رنگی روشن بر رنگهای سبز و قرمز و زرد میباشد. در این گروه نمونه‌های زیادی بدست آمده که میتوان در شرح ظروفی که لعاب سبز دارند خطوط خراش تزئینی را افزوده و آنچه که در کاوش سال جاری، ظروفی را که خطوط تزئینی خراشی دارند، با اهمیت جلوه میدهد؛ وجود کاشی‌هاییست که اصطلاحاً بنام گروه (گروس) خوانده میشود و آن گروهی است از ظروف قرمز لعابدار که تزئیناتش با لبه سفید رنگ منقوش شده است. تاریخ عمده این طبقه ظروف به عهد پیش از ساختمان کاخ آباقاخان در روی صفت تخت سلیمان میرسد. این نوع ظروف سفالین مخصوص نواحی شمال غرب ایران بوده است. کاسه‌ای با نقوش جانوران مختلف از قبیل پرندگان عقاب و شیر و با نقوش زیبایی که موضوعات گل و بوته‌ای را نشان میدهد تزئین شده‌اند. همچنین کاسه‌های دیگری هم هستند با شکل و ساخت تقریباً سنگین‌تر و لبه‌ایکه رو به داخل انحنا دارد. بجز از گروه معروف بدگروس، قطعات دیگری با تزئینات

زیبا یافته شده، که خطوط کنده کاری شده داخلی آنها نقوش و موضوعات رنگی و تزئینی را محدود میکند، این نوع ظروف منقوش و بیشتر به رنگهای قهوه‌ای سبز هستند که مربوط به گروه آق‌کند میباشند.

در این حفاری بندرت اتفاق افتاده است که سفالهایی بدست آید که مشابه با ساخته‌های هنرمندانه متعلق با آخر قرن ۱۳ میلادی و به گروه ظروف شفاف کاشان، یا ظروف سفالی



ش ۷۱- کاشی کوکبی ۸ ضلعی با نقش حیوان و گلبرگ مکشوفه در تخت سلیمان، مربوط به زمان مغول

که اصطلاحاً بدگروه سلطان آباد معروف است، باشد.

گذشته از آنها مقداری قطعات سالدن وارد شده از چین و همچنین قطعات و تنکدهائی

که شبیه آنها بوده، اما در ایران ساخته شده‌اند، یافته شده است.

بطور کلی از آنجائیکه قطعات سفالی مربوط بدوره با تمدن عالیتر، بسیار اندک

یافته شده، میتوان دریافت که اوج زندگی تخت سلیمان پس از قرن ۱۴ رو بسقوط رفته است.

صنعت کاشی سازی و سفالگری

در سال ۱۹۶۱ در گوشه جنوب شرقی محل معروف بخزانه یا کتابخانه آتشکده آزرگشنسب، ضمن ترانشه‌ای بطول و عرض ۸ متر در ۸ متر دیگ مسی بزرگی از زمان مغول بدست آمده که قطر دهانه آن ۵۶ سانتیمتر و ارتفاع آن در حدود ۴۵ سانتیمتر بود. هم‌اکنون این دیگ بزرگ و خوش فرم زینت بخش تالار اسلامی موزه ایران باستان میباشند. در همین محوطه سفالهای لعابدار و کاشیهای الوان کتیبه‌دار و منقوش آب طلاکاری از زیر خاک و لابلای دیوارها خارج گردیده، وجود قطعات کاشیهای مختلف در یک طبقه مخصوص در این محل همراه با قالبهای گچی و غلطک‌های کاشی‌سازی در جوار دیگ مذکور، و ظاهر شدن اطاقکی در ترانشه مزبور با آثار سوختگی خشت خام، تصور کارگاه سفال‌سازی را که بعداً ویران شده، ایجاد نمود که گویا این دیگ جهت تهیه لعاب جلادار کاشیهای نامبرده بکار میرفته است. باید این قسمت از بنا را کارگاه ساختن کاشیهای مکشوفه دانست که در خود تخت سلیمان اقدام بساختن آنها میشده است؛ و قالب بدست آمده کاشیها که گاهی همراه با خود کاشیها بوده؛ مؤید این مطلب میباشد که پس از قالب‌گیری آنها را در کوره پخته، سپس روی آن لعاب میداده‌اند. سنگهای شیشه‌ای که برای تهیه لعاب بکار میرفته، در فضای تخت سلیمان و اطراف آن بحد وفور پیدا میشود. این نوع سنگها بطور طبیعی در کوههای اطراف تخت سلیمان وجود دارد و سنگهای مزبور کاملاً شبیه ابسیدین طبیعی میباشد که بمراتب تیره‌تر و قدری نسبت بآن ناصافتر است.

پیدایش خرابه کوره‌های سفال‌سازی زمان مغول در سلطانیه و تبریز معلوم میدارد که کاشی‌سازی در این نقاط رواج داشته، ولی کاشیهای مکشوفه در تخت سلیمان منحصرأ در خود محل ساخته میشده است. بنظر میرسد که بعضی از ظروف سفالی لعابدار در سلطان آباد (اراک امروزی) که مرکز سفال‌سازی زمان مغول بوده است؛ تهیه و بعداً باین محل انتقال یافته یا توسط سفالگران آن محل در تخت سلیمان ساخته شده است.

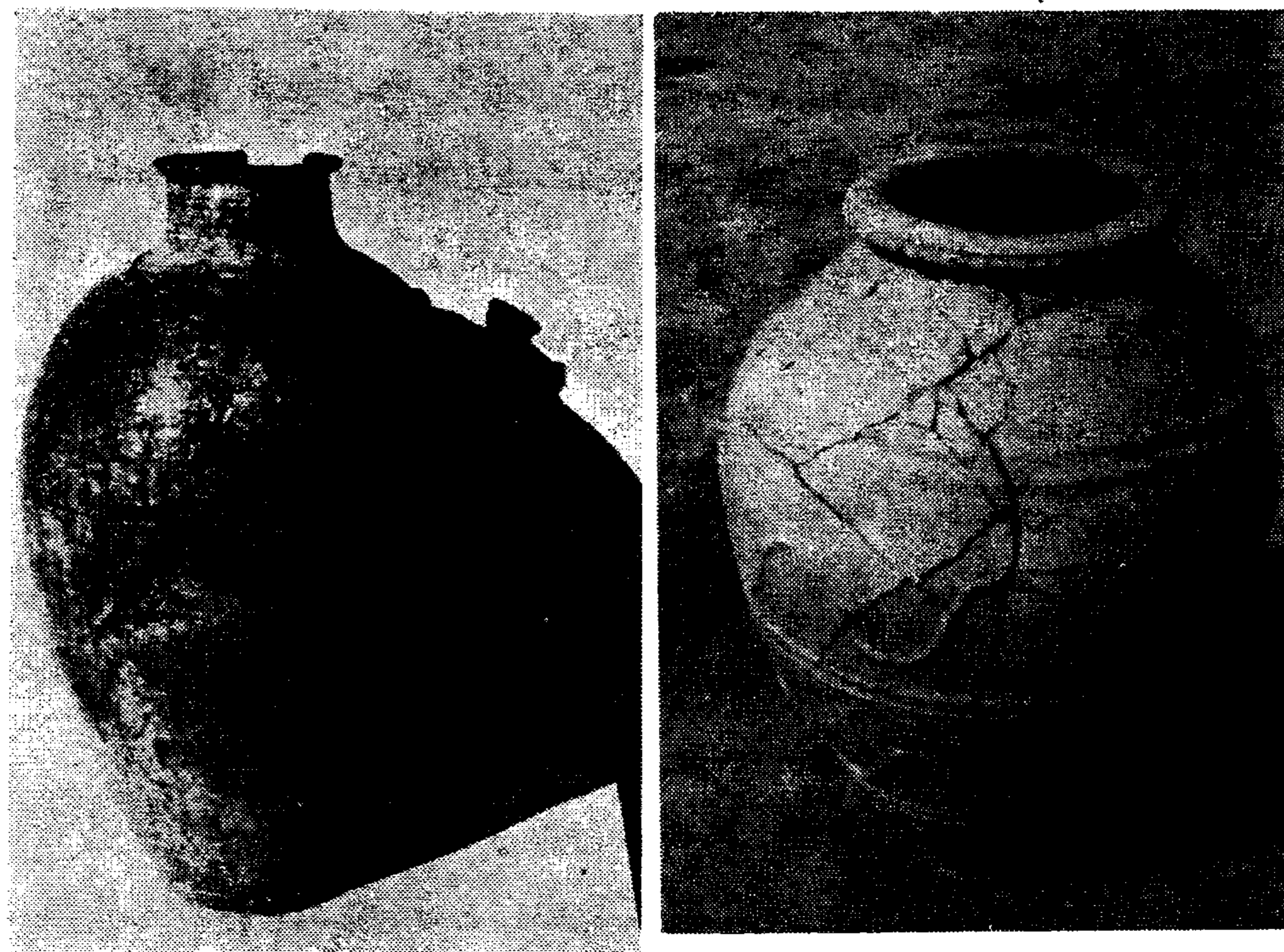
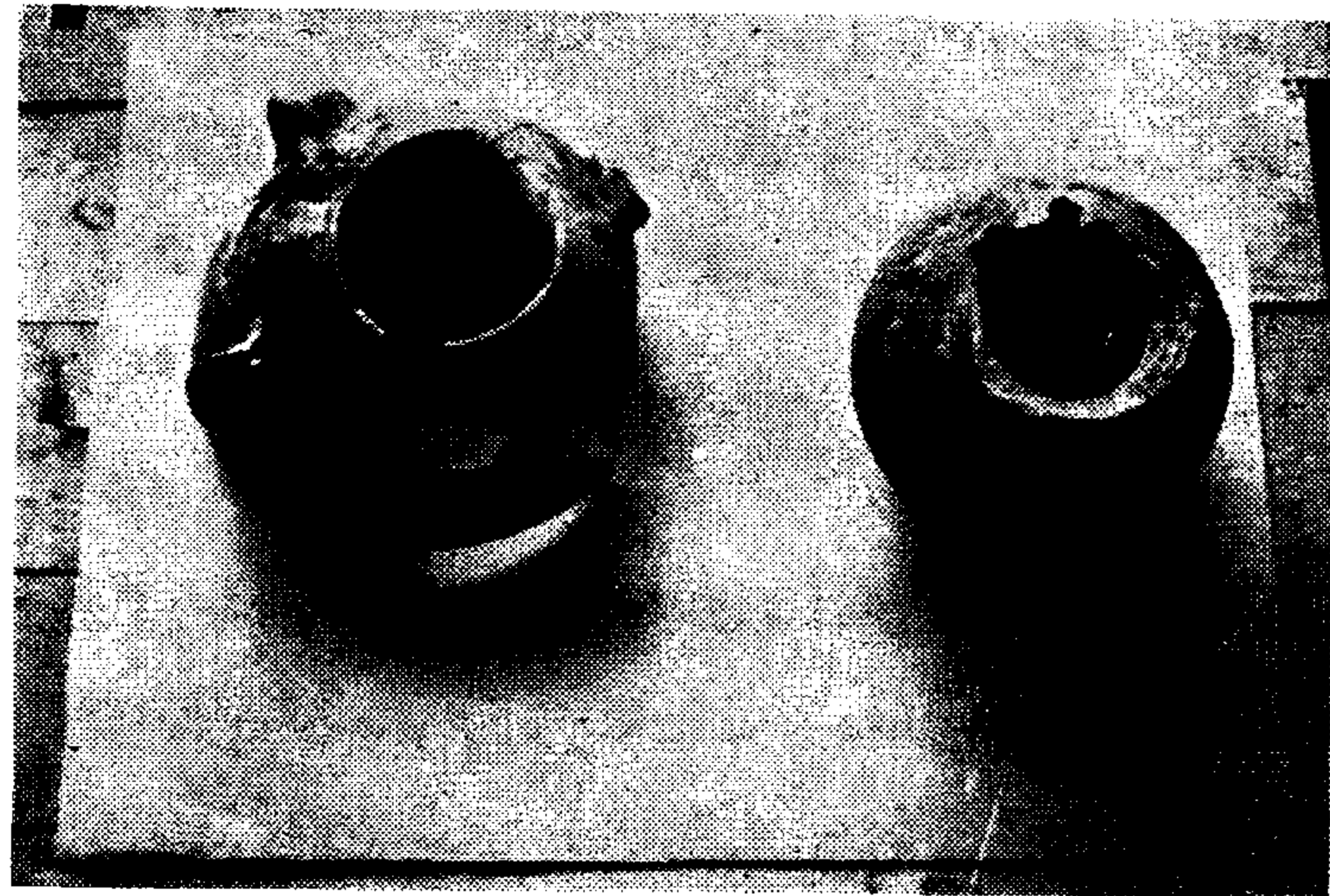
برجسته کاری در روی کاشی در زمان مغول مقام مهمتری یافته و مقدار زیادی از کاشیهای ستاره ای شکل زمان مغول در حاشیه کتیبه و در وسط معمولاً نقش انسان و حیوان و گل و گیاه دارد. در انواع دیگر، نقوش مختلف و مخصوصاً نقش اژدها - که اغلب روی کاشیهای کوچک ۶ ضلعی و ۸ ضلعی بصورت ساده نقش شده - وجود دارد. اغلب نوشته های دور کاشیهای کتیبه دار، روی زمینه سورمه ای، برنگ قهوه ای ساده نوشته شده؛ و علاوه بر آن کاشیهای ساده یکدست، مخصوصاً کاشیهای صلیبی شکل در این دوره ساخته میشده است. در یک گوشه بعضی از کاشیها که بصورت مربع میباشد، بریدگیهایی بطور منظم داده شده، بطوریکه در بین هر چهار کاشی مربع شکل یک قبه لعابدار، شبیه ستاره هشت پر، جا میگرفته و جلوه خاصی باین نوع تزئینات کاشیکاری میداده است.

بدیهی است که این تزئینات بیشتر در روی دیوارهای جوانب اطاق بکار میرفته است. صنعت کاشی سازی با بهترین رنگ و لعاب و بطور معرق برای تشکیل قطعات بزرگ کاشیهای موزائیک شکل، در زمان مغول در تخت سلیمان رایج بوده است.

صنعت سفال سازی دوره مغول را در حقیقت باید دنباله سفال سازی دوره پیش دانست. نقاشی زیر لعاب بر رنگ سیاه و آبی و تزئینات برجسته، نقاشی روی لعاب با جلا و رنگ، مخصوصاً در ساختن کاشیهای متنوع تاریخ دار - که اغلب بخط نسخ تند که نوعی خط برای نوشتن روی ظروف در قرن هفتم بوده است و بشیوه تعلیق نزدیک میباشد - بکار رفته است. تنوع ظروف و کاشیهای لعابدار این دوره نشان میدهد که سلاطین مغول در این وقت از حامیان فنون و صنایع اسلامی بوده اند.

گرچه صنعت سفال سازی در اواخر قرن ششم هجری بحد کمال رسیده و دوره سلجوقی ترقی این صنعت را بجائی رساند که حتی مصنوعات سفال سازی ایران به کشورهای مجاور هم صادر گردید؛ ولی حمله ناگهانی مغول در قرن ششم هجری وقفه ای در پیشرفت این صنعت پیش آورد. پس از آنکه مغولان اسلام آوردند و تحت نفوذ هنر اسلامی قرار گرفتند؛ دیری نپائید که چراغ تمدن هنری همچنان فروغ بخش راه طالبان علم و هنر

گردید. در زمان مغول از مراکز عمده سفال سازی ایران شهرهای ری و کاشان و ساوه



ش ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ - نمونه هایی از ظروف زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

و سلطان آباد معروفیتی داشته اند. ولی کاشان از قرن پنجم تا ۱۱ میلادی سرآمد سفال سازی

و کاشی‌سازی ایران و مرکز این هنر محسوب می‌شده و لفظ کاشی بمعنای سفال لعابداری منقوش، شاید بمناسبت پیشرفتی است که در این محل داشته و یکی از علل امتیاز کاشی‌کاشان بر سایر نقاط و کارگاه‌های مشابه، ذوق و سلیقه هنرمندان و استعمال خطوط و طراحی در سفالینه‌های لعابداری است. ولی در قرن هفتم و هشتم، سلطان آباد که یکی از مراکز اسلامی مغولان فاتح بود؛ مرکز سفال‌سازی گردید و در حقیقت کانون سفال‌سازی از کاشان با آنجا منتقل شد و بسیاری از هنرمندان کاشی نیز باین محل وارد شدند. چنانکه در این عصر سبک‌های سلطان آباد را از شیوه کاشان نمیتوان تشخیص داد. کاشیهای مکشوفه در تخت سلیمان با اندازه‌ای متنوع و زیباست که از لحاظی با شیوه کارگاه‌های معروف سلطان آباد قابل مقایسه است. بدون شک سفال‌سازی که در تبریز و سلطانیه و سلطان آباد در زمان مغول اقدام بساختن کاشیها می‌نموده‌اند؛ بامر آباقاخان در تخت سلیمان نیز عده کثیری از این استادان فن بکار سفال‌سازی لعابی مشغول شده‌اند. دیگ بزرگی که همراه با سفالها و کاشیها و غلطک و قالب‌های متعدد در نزدیک کارگاه سفال‌سازی که در حفاری ۱۹۶۱ ظاهر شده بود و بمنظور تهیه لعاب سفال و کاشی از آنها استفاده می‌شده؛ مؤید این مطلب است که سفالگری و کاشی‌سازی در خود تخت سلیمان و بدست استادانی ورزیده که با سلوب مختلف سبک‌های سلطانیه و سلطان آباد و کاشان آشنائی داشته‌اند - ساخته و پرداخته شده است. کاشیهای تزئینی اغلب بشکل ستاره بوده و میان آنها گاهی چلیپاهای فیروزه‌ای قرار گرفته، و به دور کاشیهایی که بشکل صلیب در تزئینات بکار میرفته و بکرات تکرار می‌شده حاشیه پهنی قرار میداده‌اند که با اشعاری متناسب با متن نقش تطبیق مینموده است.

هنرمندان و صنعتگران بنا بذوق و سلیقه باطنی مغولان به بسط صنعت و هنر چینی نیز اعتبار و ارزش مخصوص قائل بودند و شیوه و اسلوب چینی را تقلید میکردند. نقش ازدها که روی کاشیهای تخت سلیمان بکرات دیده میشود، نفوذ و تأثیرات هنر چینی را کاملاً نشان میدهد. علاوه بر آن طرح‌های طبیعی صنایع چینی در ترسیم اشکال حیوانات و پرندگان، مخصوصاً عنقا و حیواناتی مانند خرگوش و آهو و همچنین تصویر انسانهای

چینی و مناظر طبیعی بتدریج در تمام صنایع اسلامی و از جمله صنعت سفال‌سازی و کاشی‌سازی تأثیر نموده است.

اغلب ظروف سفالی این دوره با نقش زیر لعاب و یا لعاب فیروزه‌ای رنگ پوشیده شده و با اشکال هندسی و گل و برگ تزئین شده و غالباً این تزئینات برنگ سفید در روی زمینه آبی میباشد و نقش گل و گیاه و حیوانات را با رنگ سیاه روی زمینه کاشی نقاشی کرده، سپس لعاب سبز براقی روی آن داده‌اند و این سبک سفال‌سازی و لعاب، چنان مورد توجه قرار می‌گیرد که در قرن پانزدهم میلادی در ایران عمومیت پیدا میکند. در بعضی از قطعات کاشی تزئینات برجسته وجود دارد و مخصوصاً در کاشیهای ستاره‌ای شکل و قبه‌ای و مستطیل‌شکل که یکی از خصوصیات سفال‌سازی این زمان همین تزئینات برجسته زیر لعاب میباشد که اکثراً با چند رنگ ساخته شده و این موضوع از قرن چهاردهم، در تزئینات ابنیه و عمارات و مساجد و معابر - که کاشیهای جلادار بطور قابل ملاحظه‌ای ساخته و بکار برده می‌شده است - متداول میشود. معمولاً کاشیهای صلیبی شکل را ساخت کاشان میدانند. ولی بدون شک کاشیهای مختلف و متنوع این محل یا در سلطان آباد و یا توسط هنرمندان کاشان و سلطان آباد در محل تخت سلیمان ساخته شده است. بعضی از کاشیهای ساده که فقط برنگ آبی لعاب داده شده، به نقش برجسته ازدها - که مورد توجه مغولان بوده - تزئین گردیده که از نظر تجسم همان جنبه طلاکاری را داشته است. نوع دیگری از کاشیها که نقش ازدها دارد، کاشیهای ساده میباشد که فقط با چند لکه رنگ فیروزه‌ای یا آبی برای نشان دادن نقش ازدها در اطراف نقش حیوان بکار رفته است. ازدها در این نوع کاشیها بطور برجسته و ساده قرار می‌گیرد و گاهی کاشیهایی که با لعاب آبی رنگ یکدست ساخته شده و یا نقش این جانور بطور برجسته تزئین گردیده، با حاشیه باریکی برنگ ارغوانی چنگال و بدن آنرا مشخص نموده‌اند. در حقیقت باید گفت که در اواخر قرن ۱۳ میلادی رنگ آبی و فیروزه‌ای نقش مهمی در تزئین کاشی‌سازی و لعاب بر روی سفال پیدا کرده است. در روی بعضی از کاشیها اشکال انسان و مناظر زندگی روزانه و

افسانه‌ها و حکایات قدیمی نقاشی شده و در نوع کاشیهای تاریخداری تأثیر صنایع چینی و اشکال گل و برگ و صورت انسان و حیوان بهمان سبک چینی تقلید شده است .
نقاشی روی لعاب کاشیهاگاهی برنگ سفید و ارغوانی و طلائی و زمانی روی لعاب آبی یا فیروزه‌ای حتی در روی ظروف مینائی نیز دیده میشود . کتیبه‌های برجسته در روی کاشیها بطرز جالب و با حسن خط ساخته شده که حروف آن شبیه بخط کوفی و برخی عربی کشیده است . ولی رویهمرفته نسخی است که به تعلیق نزدیک میباشد . در اینجا بطور خلاصه و از لحاظ مقایسه طرح چند نوع کاشی که در بنای مغولی تخت سلیمان بکار

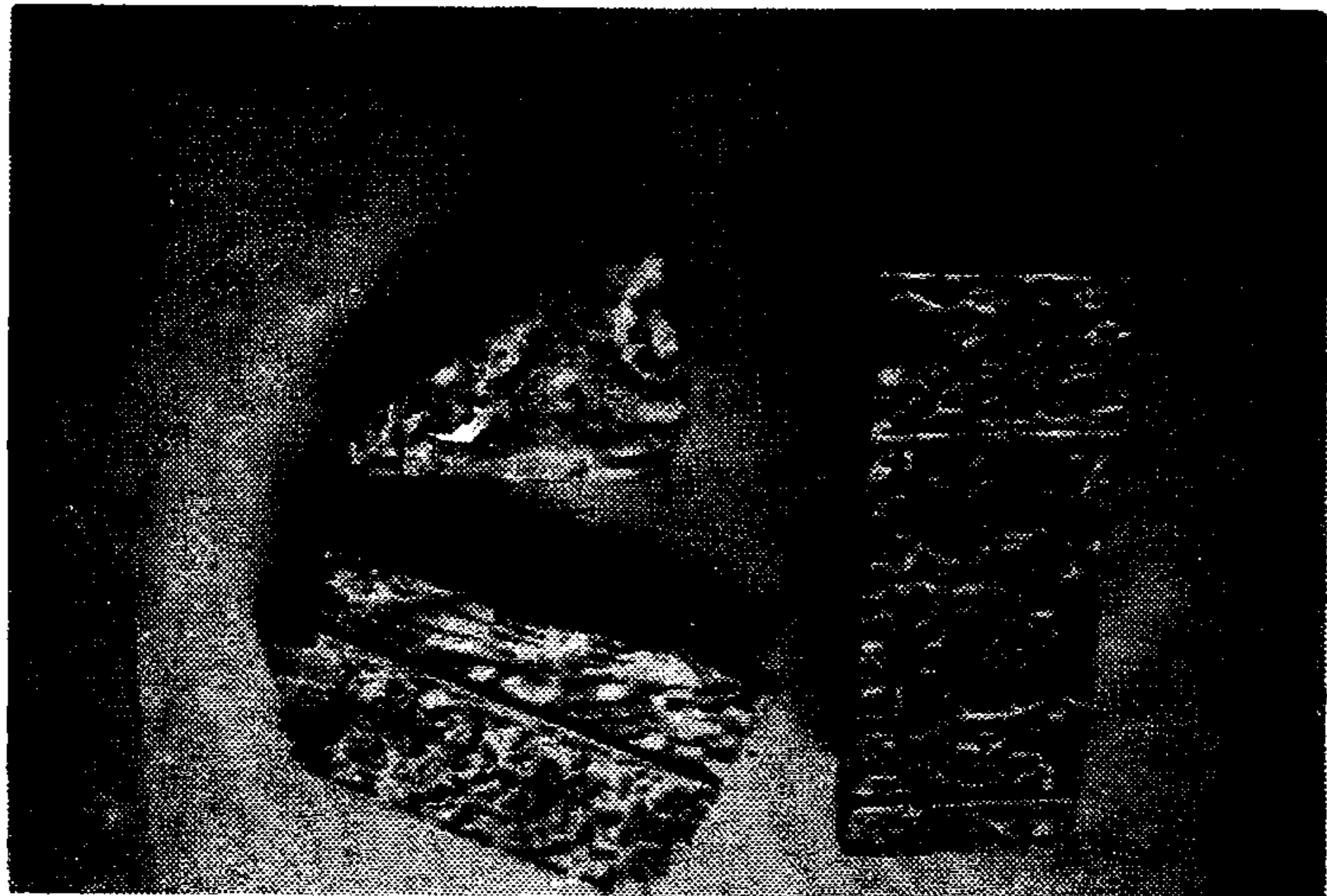


ش ۷۵- کاشی به نقش ازدها مکشوفه در تخت سلیمان

رفته و بعضی از آنها از نقطه نظر تزئینات و تنوع نقش و فرم حتی با سایر نقاط نظیر کاشان و ری که مراکز اصلی ساخت این قبیل کاشیها محسوب شده ، مختصر اختلافی دارد زیرا شرح داده میشود:

۱- کاشیهای نوع ساده که بنا به مقتضیات وضع ساختمانی و تزئینات بنا قبلا ساخت آنها در نظر گرفته شده و یا بمنظور تنوع در تزئینات مورد استفاده قرار گرفته ، کاشیهای مثلث شکلی با بعد $10 \times 10 \times 10$ سانتیمتر میباشد که اغلب بر روی آن لعاب شفاف رنگ سفید یا فیروزه‌ای و گاهی آبی داده اند .

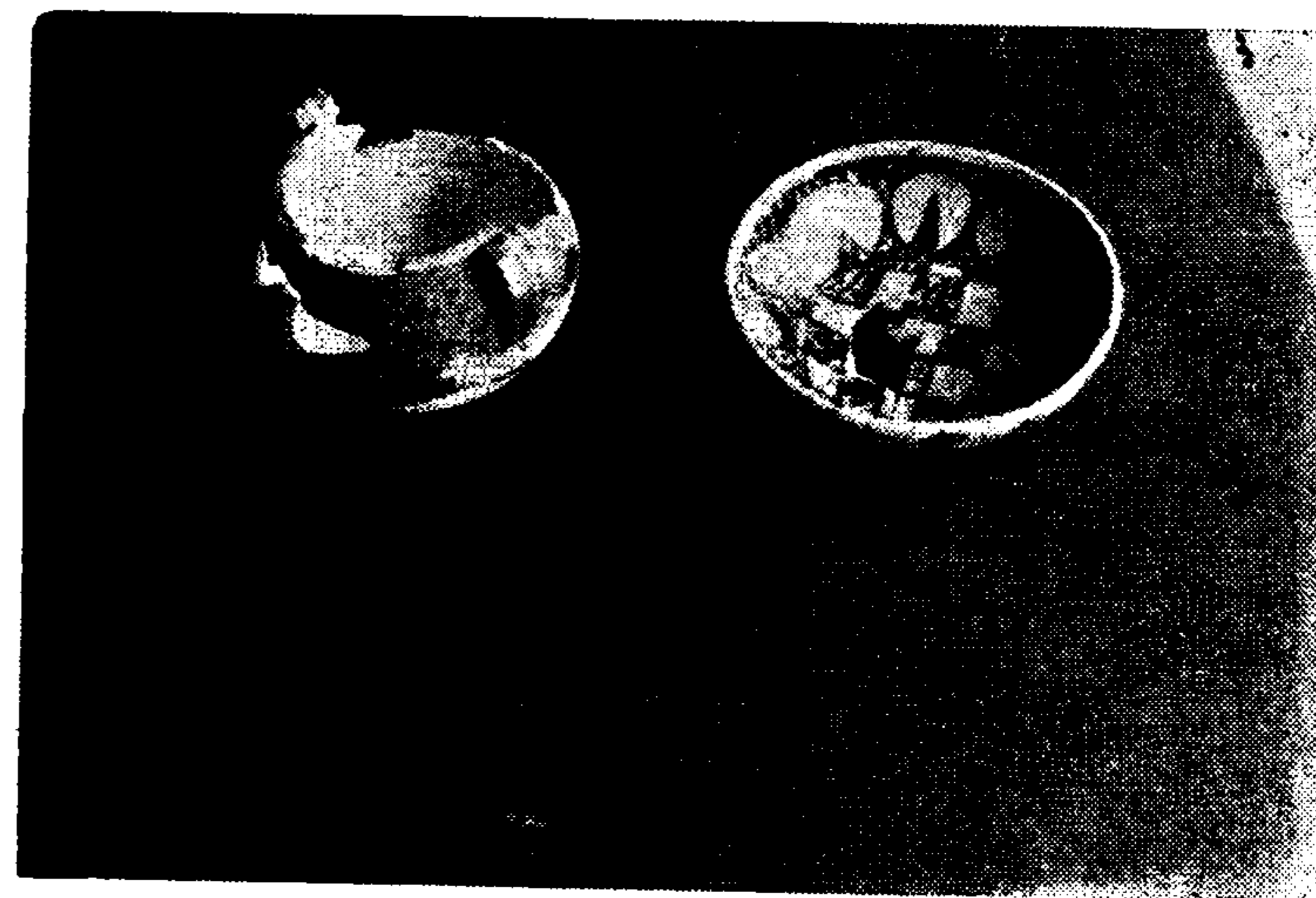
۲- کاشیهای صلیبی شکل نوک‌تیز با اندازه‌های مختلف با نقشهای برجسته زیر لعاب جلادار که نقش بعضی از آنها کاملا تحت تأثیر نفوذ نقوش چینی قرار گرفته و اشکال تزئینی برجسته‌ای از قبیل گل و گیاه و موج و ابر را نمودار ساخته و اغلب این نقاشیهای برجسته



ش ۷۶ و ۷۷- نمونه‌هایی از کاشیهای منقوش زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان

با حاشیه‌ای شعر مانند برنگ قهوه‌ای سیر مجزا و مشخص گردیده و پس از لعاب روی نقوش برجسته را آب طلاکاری نموده‌اند. زمینه این نوع کاشیها یا فیروزه‌ای یا سفید یا آبی است و حاشیه آنها را با خطوط هندسی آب طلاکاری مشخص نموده‌اند.

۳- نوع کاشیهای مینائی اعم از صلیبی شکل و ستاره‌ای و مربع و مستطیل که با انواع نقوش گل و گیاه و حیوانات و پرندگان در روی زمینه‌هایی بالوان مختلف نقش زیر لعاب داده شده‌است و در حواشی آنها اغلب خطوطی که با مضمون متن تطبیق میکند

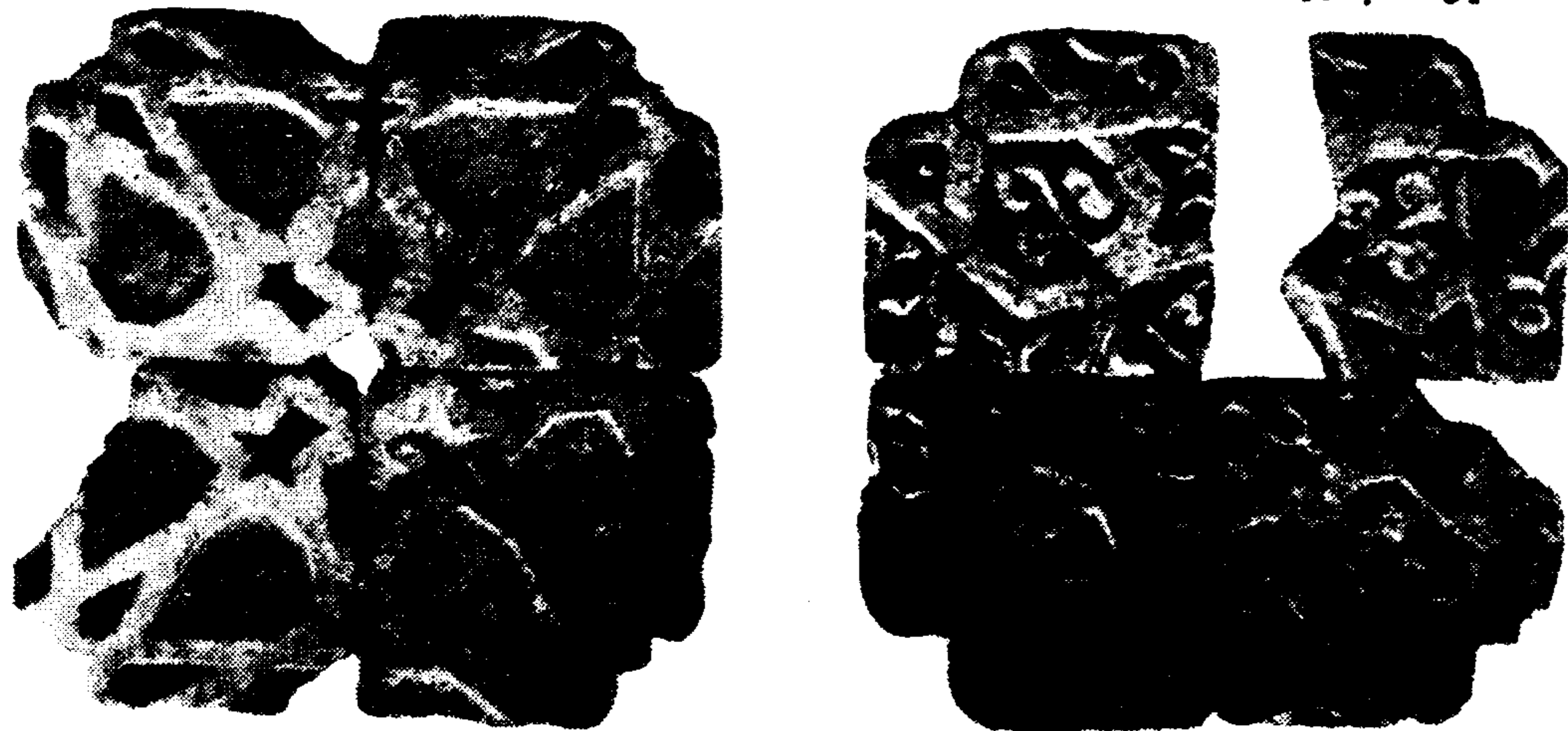


ش ۷۸ و ۷۹- نمونه‌هایی از ظروف لعابدار مکشوفه در تخت سلیمان

نوشته شده‌است. برای این نوع کاشیهای کتیبه‌ای علاوه بر حاشیه دو رنگ که اغلب برنگ آبی یا قهوه‌ای سیر است کادری به پهنای ۲ سانتیمتر تشکیل داده و در روی زمینه سفید با رنگ سیاه و قهوه‌ای سیر اشعاری مناسب با نقش متن نوشته شده که اطراف کاشی را

هم دور میزنند.

۴- کاشیهای ستاره‌ای شکل و صلیبی که فقط روی زمینه آبی دارای نقش برجسته زیر لعاب بوده و بنقوش گل و گیاه تزئین شده‌است بمنظور نمایش برجستگی آن اطراف



ش ۸۰- طرز قرار گرفتن کاشیهای مربع شکل گوشه بریده

نقش را بطور شعربافی با رنگ قهوه‌ای و یاسفید روی زمینه لعاب آبی رنگ مشخص نموده‌اند. ۵- کاشیهای بزرگ مربع شکل گوشه بریده و یا کوبی پنج ضلعی یا شش ضلعی که با نوارهای برجسته ساده بطرز هندسی زینت یافته و داخل گودیها را فقط با دورنگ

ساده‌آبی و فیروزه‌ای که بنا به مقتضیات فرورفتگی‌های کاشی پدید آمده، برگرفته‌اند. دو نوع از این کاشی‌ها که بشکل مستطیل ساخته شده و اغلب نقش آن بشکل گلبرگ پیچیده می‌باشد از همین دو رنگ فیروزه‌ای و آبی در محل‌های مقعر کاشی استفاده شده و در نتیجه گلبرگ بطور برجسته در عین حال زیبا و طبیعی نمودار گردیده است.

۶- کاشی‌های لعابدار با نقش برجسته زیر لعاب که ساده بنظر میرسند ولی اغلب برنگ آبی و فیروزه‌ای لعاب جلادارند و نقوش برجسته آنان فقط گل و گیاه و اغلب نقش برجسته اژدها است که بندرت برای نمایاندن پنجه‌های اژدها اطراف پنجه را با رنگ قهوه‌ای سیر یا آب طلاکاری در روی لعاب تزئین نموده‌اند.

۷- کاشی‌های مختص نقش اژدها اعم از کوبی و مربع شکل گوشه بریده که در روی آنها نقش این حیوان افسانهای بطور برجسته وجود دارد و گاهی زمیندار را با لعاب فیروزه‌ای رنگ برگرفته‌اند، تا نقش در عین سادگی آنچنانکه باید برجسته گردد.

۸- کاشی‌های کتیبه‌دار برجسته با حروف زیبای زیر لعاب که با اندازه‌ها و اشکال مختلف و برنگ‌های فیروزه‌ای و آبی لعاب داده شده و حواشی آنها با گل و گیاه تزئین گردیده و در روی برجستگی‌های حروف کتیبه اغلب آب طلا داده شده است. از این قبیل کاشیها برنگ مینائی هم بدست آمده است.

۹- قبه‌های هشت گوشه برجسته (چلیپا) که بمنظور تزئینات در داخل سایر کاشیها مخصوصاً مربع‌های گوشه بریده، کار گذاشته میشده و برخی ساده و روی بعضی دارای نقش برجسته گلبرگ بوده و اغلب با رنگ سبز فیروزه‌ای لعاب داده شده است.

۱۰- کاشی‌های لوزی شکل کوچک ساده با لعاب فیروزه‌ای و آبی بمنظور استفاده تزئینی در حواشی و درون کاشی‌های بزرگتر.

۱۱- آجرهای قطور مستطیل شکل و یا حلزونی با لعاب جلادار فیروزه‌ای رنگ که اغلب برای پوشانیدن ازاردها و یا گوشه‌های دیوار از آنها استفاده میشده است.

فصل پنجم

مختصری درباره آثار زندان سلیمان

چنانکه قبلاً در اوضاع طبیعی و جغرافیائی این منطقه، شرح موقعیت زندان سلیمان گذشت، کوه زندان نیز در اثر فوران آبهای مملو از مواد معدنی و گازدار این منطقه، بوجود آمده است و بطور کلی میتوان سطح خارجی کوه زندان را بدو قسمت متمایز تقسیم نمود:

اول - قسمت بدنه یا دامنه آن که بطور مایل و مانند تپه‌ای بزرگ بوجود آمده و کلیه ساختمانهای قدیمی و آثار دیگر سطح خارجی زندان در این قسمت وجود دارد. دوم - قسمت فوقانی زندان که منحصرأ در نتیجه فوران مواد معدنی آبهای گرم - که از دهانه کوه زندان بیرون ریخته - بطور عمودی بوجود آمده و یکپارچه بنظر میرسد؛ ولی در اثر باد و باران و یخبندان و عوامل طبیعی دیگر دارای شکافهایی شده و گاهی بصورت ورقه و قطعات مجزائی بیرون آمده است.

در قلعه کوه زندان که شکل طبیعی آن بصورت مخروط ناقصی میباشد؛ حفره مخروطی معکوس بوجود آمده که عمق آن در حدود صد متر و قطر دهانه آن شصت متر است. این حفره که بحق شبیه زندان یا سیاه چال و حشتناک و ترس آور است، با وجود گذشت زمانهای طولانی هنوز هم آنهاییکه برای چندین بار از این محل دیدن میکنند؛ دچار یکنوع رعب آمیخته به اعجاب میشوند. بدیهی است در ازمنه قدیم وجود چنین عوامل طبیعی خارق العاده و کم نظیر برای بشر طبیعت پرست اثر اعجاز آمیزی داشته است. بشریکه در دشتهای وسیع برای ایجاد خانه‌های مسکونی بر روی تپه‌ها و جاهای مرتفع روی

میاورده ، در این محل نیز از روی اعتقاد مذهبی خود با عشق و علاقه فراوان و بمنظور

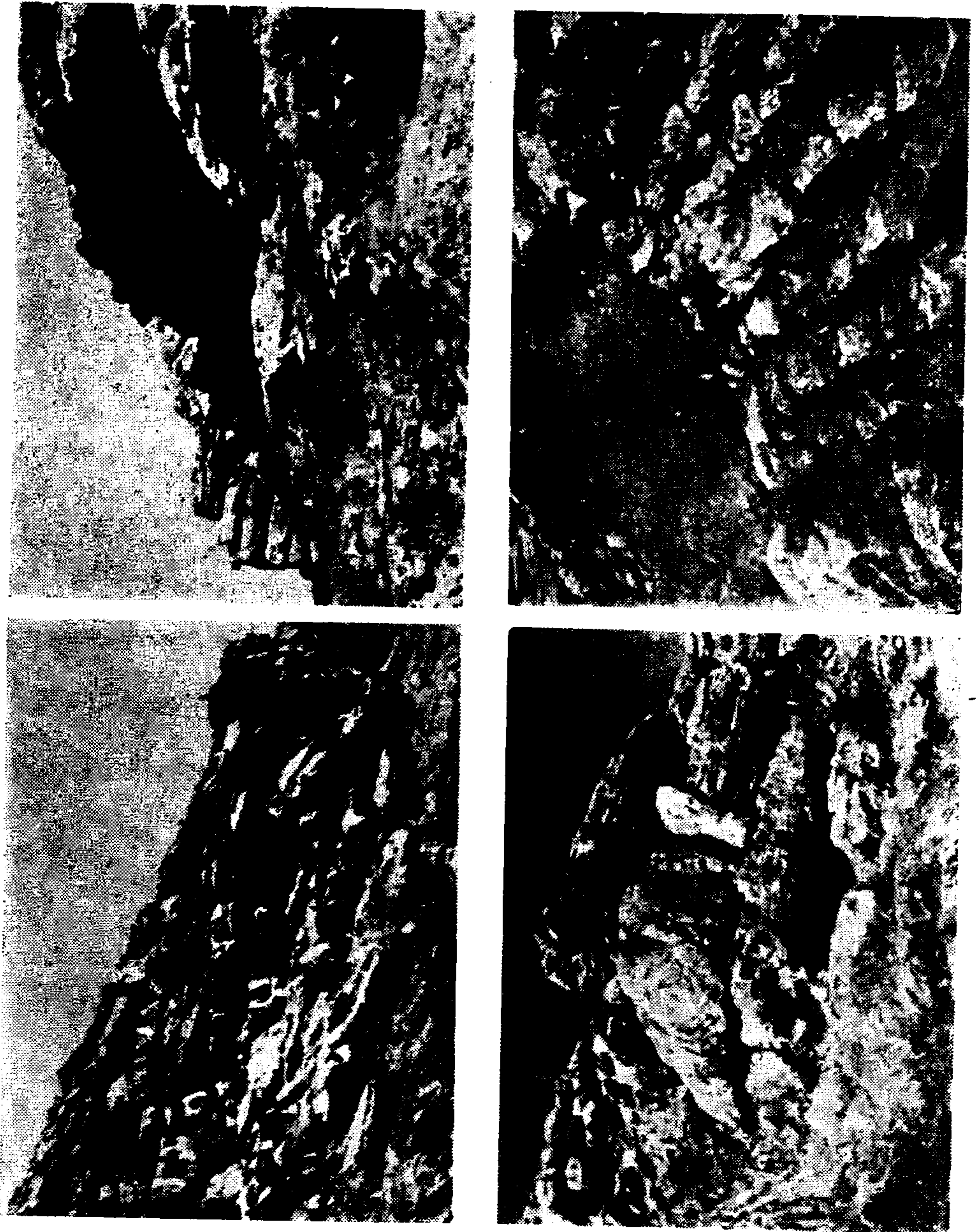


ش ۸۱- مناظر مختلف کوه زندان سلیمان

آنکد در برابر عظمت و وضع اعجاب آمیز این کوه که در حدود متجاوز از ۱۵۰ متر ارتفاع

دارد و آب از دهانه اش جاریست سر تعظیم فرود آورند؛ با همه مشکلاتیکه سکونت در این محل در برداشته - چه از نقطه نظر آب و هوا و چه از لحاظ ایجاد بنا - مع الوصف با شوق زیاد با ملاطفت و قطعاً سنگ در سطح خارجی این کوه بساختن اطاقها و معابد اقدام نموده اند البته وضع ساختمانی آنان مشکلات کار را بخوبی نشان میدهد. چنانکه بعضی از منازل در کنار تراس دارای سوراخی جهت آب رو بوده ، چونکه در آن هنگام از دهانه کوه بمقدار کمی آب جریان داشته ، و همچنین بمنظور آبرفت باران در مواقع بارانی ساخته بودند . کف اطاقها بطور کلی دارای شیب تند و نامنظم است و در بعضی از آنها حفره های کوچک و نامرتبی که شاید برای نگهداری آب ایجاد شده ، وجود دارد. قطعات سفالهای ضخیم که مربوط به خمره های بزرگ است ؛ در این محل کشف شده که برای نگهداری آب آشامیدنی در مدت نسبتاً طولانی بکار میرفته است ؛ زیرا چشمه های آب آشامیدنی در نزدیکی آن وجود ندارد . در اثر حفاری قطعات سفالهای مکشوفه ، وضع ساختمانی این محل و قدمت آن و دوران های مختلفی را که مسکون بوده ، تا اندازه ای روشن ساخته است. کلیه ساختمانی این محل از کمر کوه قسمت تپه مانند شروع شده تا پای دیوار آهکی رسوبی - که قسمت عمودی کوه و دهانه آنرا تشکیل میدهد - دور تا دور ادامه دارد. ساختمانی مرحله اول نسبت بساختمانی دورانی بعدی بهتر و بسبب اطاقهای متصل بهم - که هر سه اطاق بیکدیگر مربوط میباشند - بدین ترتیب بوجود آمده اند که اطاق سوم در حدود دو متر جلوتر از اطاقهای اول و دوم بوده و بطرز قرینه بهمین نحو در دورادور بدنه کوه زندان منظم ساخته شده است و در مقابل هر یک از اطاقهای پیش آمده ، تراسی وجود دارد. با توجه باین شیوه ساختمانی که بنا بموقعیت و اقتضای شیب بدنه کوه ساخته شده؛ در ظاهر چنین بنظر میرسد که دارای وضع مشخص ساختمانی نمی باشد و نقشه و پلان مربوط شیوه مرتبی را که در ساختن این خانه ها بکار رفته ، مشخص مینماید. منتهی در دوره دوم و حتی دوره سوم در اثر تعمیرات و اضافاتی که صورت گرفته ، تا اندازه ای این نظم و ترتیب بهم خورده است و در اثر عملیات حفاری

چنین استنباط گردید که راه اصلی ورود باین محل از جهت شمالی بشکل تراس به نسبت



ش ۸۲- بناهای ماقبل تاریخ در بدنه کوه زندان

شیب بدنه کوه ساخته شده و راه مزبور را تقریباً با ملاط گل و قطعات کوچک سنگ بصورت

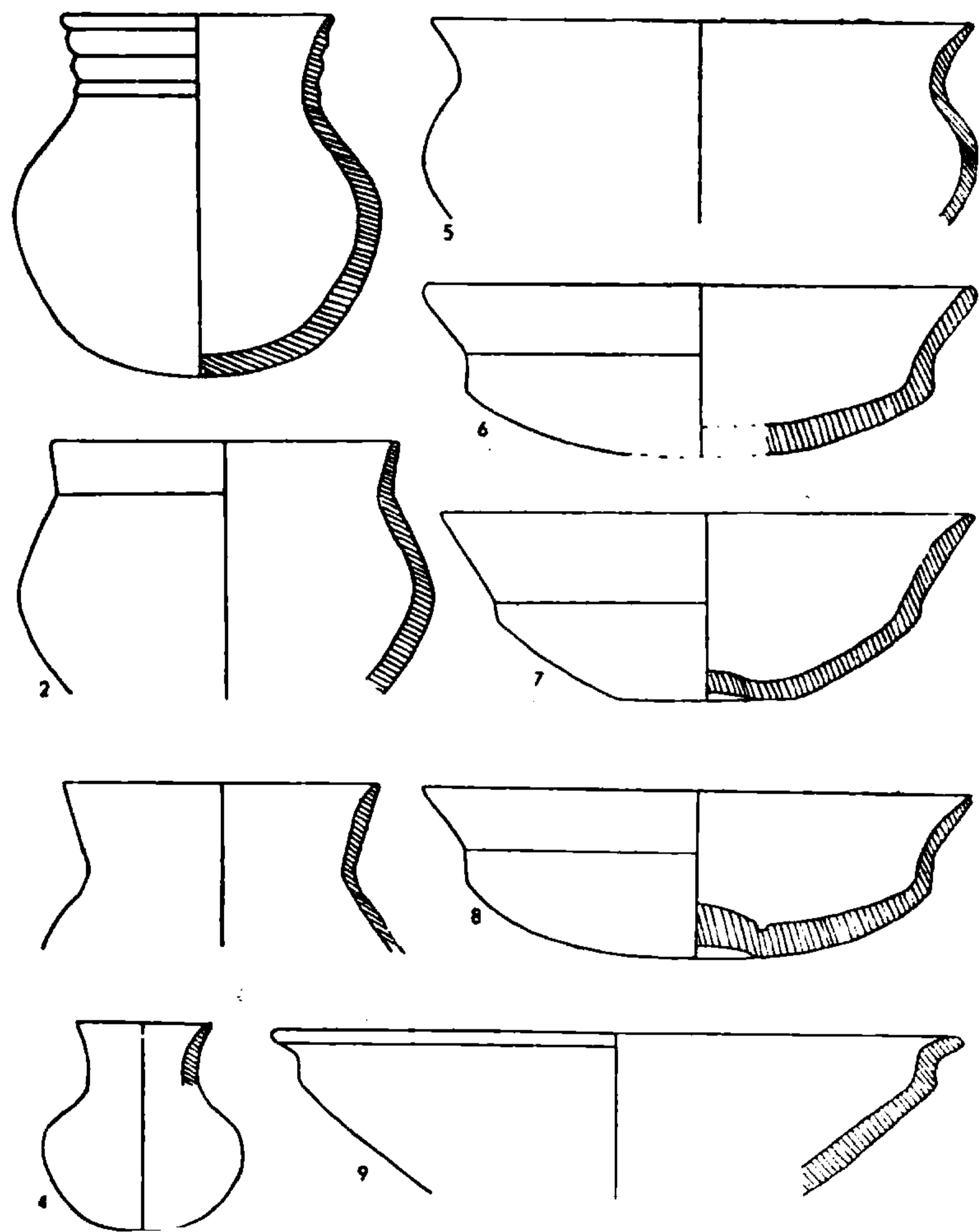
سنگ فرش در آورده اند و برای رفع ناراحتی و خستگی عابرین در نزدیکی مدخل پله پیچی ایجاد نموده اند. این جاده تا قسمت شرقی کوه ادامه یافته، سپس بیک ردیف پله های گرد که بطرزی خاص و برای اولین بار در حفریات ماقبل تاریخ ایران ظاهر میشود؛ ختم میگردد. در انتهای این پله ها تراس بزرگی ساخته شده که تقریباً بصورت پاگرد و سکوی بزرگی جلوه نموده و درست در مقابل دروازه اصلی ورودی بمحوطه زندان قرار دارد. منتهی این دروازه بجای آنکه بقسمت جلوی ساختمانها راه یابد، از قسمت پشت ساختمان باطاقها راه می یابد که در دوران بعدی دروازه مزبور را دگرگون و ملحقاتی بآن اضافه نموده اند و تقریباً بصورت سر درمدخل درآمده است. موضوع جالب توجه استفاده مداوم طولانی از پله های یاد شده میباشد که در اثر کثرت آمد و شد صاف و صیقلی شده اند. در پشت این پله دروازه اطاقی تراس دار ساخته شده است و در ورودی بعضی از اطاقها کاملاً نمایان و برخی دیگر ناپیداست و بنظر میرسد که چون سکوهائی نسبتاً مرتفع در پشت اطاقهای مزبور و مشرف بآنها قرار گرفته، دخول باطاقها را بدون در ممکن میساخته، ولی بعضی از این اطاقها در دوران بعدی ایجاد شده است؛ زیرا در حفریات سالهای اولیه نظیر این دروازه که شاید قرینه دروازه شرقی ساخته شده باشد؛ در قسمت جنوبی کوه زندان ظاهر گردیده که از لحاظ مقایسه مختصر اختلافی با پله های جلودروازه مزبور دارد. بدین معنی که پله های واقع در روی سکوی دروازه جنوبی بصورت دو طرفه ساخته شده، ولی محوطه حیاط ساختمان در پشت اطاقها قرار دارد و تراس جنوبی باندازه ای وسیع ساخته شده که ممکن است مراسم مذهبی را در روی آن برگزار مینموده اند و نیز در مقابل این سکو در سمت شمال اطاقی شبیه بمعبد احداث نموده اند که از قسمت خارج دیوارهای زائدی بآن ملحق شده است. در داخل اطاق مزبور آثار سوختگی بچشم میخورد. این اطاق از نظر ساختمانی با سایر ابنیه موجود در بدنه زندان اختلاف دارد و ظاهراً بصورت معبدی جلوه مینماید. بخصوص که این معبد تقریباً بطور مجزا ساخته شده و درست در مقابل تپه معروف به تومولوس (قبر مجهول) قرار گرفته و بعید نیست که این معبد از نظر

احترام بقبر مزبور بوجود آمده باشد. باری تاکنون ضمن عملیات حفاری جمعاً ۶۹ اطاق از دوران اولیه سکونت در این محل ظاهر شده است.

در مرحله دوم ساختمانهای وجود دارد که از نظر سبک ساختمانی بیای مرحله اول نمیرسد و با مقایسه سفالهای هر دوره چنین بنظر میرسد که بعد از دوران اولیه ساخته شده است. سفالهای مکشوفه از لحاظ اینکه نقش مثلثهای برعکس کننده کاری جنافی و برجستگیهای شبیه سر حیوان دارد؛ با سفالهای مکشوفه از حسنلو مربوط به هزاره اول قبل از میلاد، قابل مقایسه است و با اینکه دو نوع وضع ساختمانی ملاحظه میشود؛ علاوه بر مقایسه سفال، چند قطعه آهن نیز بدست آمده که انتساب دوره اولیه را بدوره آهن که در حدود هزاره اول قبل از میلاد باشد، قطعی مینماید؛ ولی از لحاظ مقایسه سفال چندان اختلافی ندارد جز اینکه بدون شک نوع سفالهای ظریف ساخت محلی نبوده و از نقاط دیگری باین مکان آورده شده است و این نوع سفالهای ظریف با سفالهای زیوه در کردستان کاملاً قابل مقایسه است. ولی سفالهای ساخت محلی چندان مرغوب نمیشد و بنظر میرسد که چندان اختلاف تاریخی از لحاظ مدت بین دوران اول و دوم وجود ندارد. گرچه در این منازل اشیاء جالبی بدست نیامده، ولی از سفالهای مکشوفه چنین برمیآید که با احتمال قوی این آثار مربوط به هزاره اول قبل از میلاد (در حدود ۷۰۰-۸۰۰ ق. م) میباشد. منتهی بعضی از ظروف سنگی که بطرز زیبا و خاصی حجاری و صیقلی شده اند؛ مخصوصاً نوع سنگهایی نظیر سنگ یشم و فرمی که این ظروف با پایدهای مدور و کوتاهی دارند، چنین مینمایند که دوام اقامت آنان در اینجا تا پیش از دوره هخامنشیان نیز کشیده میشود.

در مرحله سوم آثاری از آجر در این محل مشاهده میشود که در قسمت تحتانی حفره مکعبشکلی که در کوه تراشیده شده است بدست آمده، ولی هنوز مورد استفاده آن مشخص نیست و شاید محلی است که برای نگهداری آب باران در زمان ساسانی ایجاد شده است. آنچه آشکار و مبرهن است کوه زندان تا هزاره اول قبل از میلاد دارای آب بوده، ولی

شدت و فورانی نداشته و چون چشمه آب باریکی از آن جاری بوده، این آب دیگر دارای املاح معدنی نبوده و نظیر دریاچه تخت سلیمان آب سرد جانشین آب گازدار و مملو از املاح سابق شده و حتی عظمت آن از آب دریاچه تخت سلیمان نیز بمراتب کمتر میشود



ش ۸۳- طرح ظروف مکشوفه در زندان مربوط بماقبل تاریخ (۸۰۰-۷۰۰ ق. م)

و دلیل آنهم اینست که رسوبات سنگی یا آثار طغیان بعدی در مسیر جریان آب دیده نمیشود و جوی سنگی حجاری شده، مبین اینست که در این زمان آب دریاچه زندان جاری و از این جوی باریک در قسمت تراس ساختمانهای جنوبی و شرقی جریان داشته و حتی

تنبوشه‌هاییکه بهمین منظور کار گذاشته‌اند؛ بدست آمده. منتهی سازندگان و حجاران این جوی سعی داشتند که مسیر آنرا بطور دلخواه و تا جائیکه مورد نظر بوده‌است، طوری هدایت نمایند که علاوه بر جریان طبیعی آب، دارای نما و جلوه‌ی زیبایی باشد. از آنجمله است ایجاد آبشارهای کوچک و کم ارتفاع در خط سیر جریان آب، که بعضی از آنها بیش از ۱/۵ متر ارتفاع ندارد، ولی منظره‌ی بدیع و زیبایی در جوار خانه‌های موجود داشته است و همچنانکه گذشت، این آب مصرف آشامیدنی نداشته و فقط از آن بمنظور نظافت و طراوت مکان استفاده می‌شده‌است. البته این مکان را نباید يك محل مسکونی دائم دانست، بلکه باید آنجا را جایگاه مقدس بدانیم که در برابر عظمت محیر العقول دریاچه‌ی کوه زندان و وضع طبیعی خاص در مقابلش اجتماع نموده و با ساختن معبد و ساختمانهایی در اطرافش، در فصول معینی از سال در آنجا گرد آمده برآز و نیاز می‌پرداخته‌اند. باینکه هیئت مشترک حفاری با بصیرت کامل موفق بیافتن چنین مکانی، در يك محل مرتفع و دور از چشم - که قبل از آن حتی تصور وجود ساختمانی در آن نمیرفت - گردیده که ارزش مراسم مذهبی و اعتقادات دینی مردمان ماقبل تاریخ را برای ما روشن می‌سازد؛ ولی تاکنون هیئت موفق بیافتن مرکز اصلی سکونت این قوم یا قبرستانی که مربوط بآنان باشد نشده‌اند. چنانچه روزی در اطراف کوه زندان موفق بیافتن جایگاه اقامت این قوم شوند یقیناً برای تعیین تاریخ قطعی و شناسائی اقوام مسکون در این محل کمک مؤثری خواهد شد.

آقای پروفیسور نوئن رئیس هیئت حفاری عقیده مندند که احتمال دارد کوه زندان در هنگام دایر بودن آتشکده تخت سلیمان، از زمان ساسانیان، دارای آب و بصورت دریاچه‌ای بوده و برای پادشاهان ساسانی مقدس محسوب می‌شده و شاید روی همین اصل، سلاطین ساسانی نذورات نفیس خود را در داخل آن میریختند و بهمین اعتقاد مدت

۱- نگارنده در حول و حوش تخت سلیمان مخصوصاً در محلی بنام برنجک نظایر کوه زندان سلیمان را یافتم که آثار ساختمان خانه‌های ساسانی در اطراف آن وجود داشت و لذا با تصمیم ایجاد تونل در کوه زندان موافق نبودم. زیرا عقیده مندم که چنانچه پادشاهان ساسانی نذوراتی بدریاچه اهداء کرده‌اند باید در خود دریاچه تخت سلیمان در جوار آتشکده باشد نه در فاصله سه کیلومتری آن که بعید بنظر میرسد در آن زمان دارای آبی بوده باشد.

سه سالست که هیئت برای دسترسی بکشف این دریاچه و حفاری آن از قسمت شمالی کوه زندان، تونلی بطول ۱۶۰ متر حفر نموده که تا پایان فصل سال جاری موفق باتمام آن میشود، ولی حفاری درون زندان بعلت پایان عملیات، بسال آینده موکول گردیده و آینه‌ی نشان خواهد داد که این نظریه تا چه اندازه صائب بوده است.



ش ۸۴- آقای پروفیسور رودلف نوئن رئیس هیئت حفاری علمی مشترک ایران و آلمان که از شخصیتهای برجسته باستانشناسی جهان بوده و باعلاقه و دلسوزی خاصی سرپرستی گروه باستانشناسان را مدت ۸ سال مداوم بعهده داشتند.



فهرستها

اعلام ، تصاویر ، نقشه‌ها ، مآخذ

فهرست اعلام

ابودلف (مسعر بن مهلهل) : ۷ ، ۴۶ ،
 ۱۰۱ ، ۱۰۰ ، ۹۹ ، ۵۶ ، ۴۷
 اتابك ابوبكر بن سعد زنگي : ۱۶
 اتابك سعد بن زنگي : ۱۶
 احمد آباد سفلي : ۱۱
 احمد آباد عليا : ۱۲
 اردبيل : ۵۵ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۱۵
 اردشير : ۵۰
 اردشير اول : ۳۹ ، ۵۶
 ارمن : ۳۸
 ارمنستان : ۵۲ ، ۱۳۹
 اروپا : ۱۳۹ ، ۱۴۰
 اروميه : ۷ ، ۴۶ ، ۵۵ ، ۵۶
 ازدها (جوي) : ۲۲
 استخر : ۵۶
 استرازي كودسكي (پروفسور) : ۱۳۹
 استروناخ : ۱۵
 اسرائيل : ۲۰
 اسفنديار : ۳۸
 اسكندر : ۵۵
 اسكندرنامه (كتاب) : ۵۵
 افشار : ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۱۸
 البرز : ۱۸
 البلدان (كتاب) : ۴۹
 المعتصم : ۸۷ ، ۱۰۰
 المعتضد : ۱۰۸
 المكتفي : ۱۰۸
 انتوان : ۵۳

آ - الف

آباقان (آباقاخان) : ۶۲ ، ۷۷ ،
 ۷۹ ، ۸۰ ، ۹۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ،
 ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ،
 ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۴۷ ، ۱۵۲
 آثار عجم (كتاب) : ۱۹ ، ۳۸
 آدم : ۳۸
 آذران : ۳۸ ، ۳۹
 آذربايجان : ۶ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۶ ،
 ۲۰ ، ۲۷ ، ۳۸ ، ۴۲ ، ۴۶ ، ۴۹ ،
 ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ،
 آذرخشي : ۴۳ ، ۴۴
 آذرشهر : ۱۲
 آذر فرنيغ : ۴۰
 آذرگشتاسب : ۵۶
 آذرگشنسب : ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۱۰ ، ۳۶ ،
 ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۹ ، ۵۱ ،
 ۵۲ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ،
 ۶۱ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۸ ، ۷۱ ، ۸۱ ،
 ۸۶ ، ۱۱۰ ، ۱۴۹
 آذرمهر برزين : ۴۰ ، ۴۲
 آذروهرام : ۳۸
 آق كند : ۱۴۸
 آلمان : ۶ ، ۷ ، ۱۶۷
 ابن خلدون : ۴۵
 ابن الفقيه همداني : ۴۹ ، ۵۶

انوشیروان : ۴۲ ، ۴۹ ، ۵۳ ، ۵۶
اورشلیم : ۱۹ ، ۵۲
اوستا (کتاب) : ۶۸
اوستای تنسر (کتاب) : ۶۸
اهورامزدا : ۲۵
ایران : ...
ایران باستان (کتاب) : ۵۳
ایران در زمان ساسانیان (کتاب) : ۴۴ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۷ ، ۶۸
ایران‌شاه : ۱۲
ایل-دو-فرانس : ۱۳۹
ایوان تیسفون : ۸۰
ایوان خسرو : ۲۴ ، ۵۷ ، ۷۹ ، ۸۰
۸۱ ، ۸۲ ، ۱۱۱
ب
برم : ۴۶
برنجک : ۱۶۶
بصره : ۱۰۱
بغداد : ۵۷ ، ۸۷ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱
۱۰۵ ، ۱۰۸
بکان : ۱۲
بلخ : ۳۸ ، ۵۵
بهار (ملك الشعراء) : ۱۷
بهرام پنجم : ۴۲
بهرام چوبین : ۴۲
بیت اللحم : ۴۸
بیت المقدس : ۵۱ ، ۵۲
بیجار : ۱۲
بیزانسی : ۵۵ ، ۷۷ ، ۷۸
بیشابور : ۷۳ ، ۸۱

بین‌النهرین : ۲۷ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۷

پ

پارادیس : ۴۴
پازارگاد (پاسارگاد) : ۱۴ ، ۱۶
پرویز : ۵۱
پیرنیا : ۵۳

ت

تثوفان ، ۴۴
تاریخ تمدن ایران ساسانی : ۹۹ ، ۴۴ ، ۴۲
تاریخ طبری : ۱۷
تاریخ قم : ۴۹
تاریخ و صاف : ۱۶
تاریخ هراکلیوس : ۴۳
تازه‌کند : ۱۲
تانگک : ۱۰۲ ، ۱۴۷
تبریز : ۱۲ ، ۱۱۱ ، ۱۱۴ ، ۱۴۹ ، ۱۵۲
تخت بلقیس : ۲۰
تخت جمشید : ۱۴۱
تخت سلیمان : ۲ ، ۳ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۴۲ ، ۴۷ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۶۴ ، ۶۹ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۵ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۹۲ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۱۰ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶

حمدون بن اسماعیل‌الندیم : ۴۶

خ

خراسان : ۴۰
خرم‌آبادی (سید محمد) : ۲
خزر : ۱۸
خسرو : ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۷ ، ۶۰ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۱۱۰ ، ۱۱۴ ، ۱۲۰ ، ۱۲۴ ، ۱۲۸ ، ۱۳۱ ، ۱۴۴
خسرو اول : ۵۳
خسرو بن بهرام : ۴۸
خسرو پرویز : ۴۲ ، ۶۲ ، ۸۹
خوزستان : ۱۹

د

دارمستتر : ۷ ، ۵۶
داریوش کبیر : ۳۷
دام (دکتر) : ۵۲
دامغان : ۳۹
دانشگاه تهران : ۱۳۹ ، ۱۴۰
داود : ۲۰
دجله : ۱۰۰
دستگرد : ۵۷
دیباچ (اسماعیل) : ۱۲ ، ۱۴
دیماند (دکتر س.م.) : ۱۰۱ ، ۱۰۳
۱۰۴
دینور : ۴۷ ، ۵۶
دیوان‌دره : ۱۲
دیولافوا (مادام) : ۱۹ ، ۳۷ ، ۱۳۹

۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱

۱۲۲ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱

۱۳۲ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۹

۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴

۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹

۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵

۱۵۶ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶

ترکستان : ۱۱۵

ترکیه : ۴۷

تکاب : ۱۱ ، ۱۲

التنبیه والاشراف (کتاب) : ۴۳

تنکابن : ۱۷

تومولوس : ۱۶۳

تهران : ۱۲

تهرانی (سیدجلال) : ۴۹

تیگان‌تپه : ۱۲

تیپتی‌یاها : ۱۳۹

تیسفون : ۶ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۵۲ ، ۵۷

۶۲ ، ۸۰ ، ۱۰۸

ج

جاکسون : ۵۵ ، ۵۶

جمشید : ۱۶ ، ۱۷

جراغ‌تپه : ۱۴

چین : ۳۸ ، ۱۱۵

ح

حیشه : ۱۱

حسن‌آباد : ۱۱

حسن بن علی بن عبدالملك قمی : ۴۹

حسن بن محمد بن حسن قمی : ۴۹

ر

- راولینسون : ۵۵ ، ۵۶
 راهنمای صنایع اسلامی (کتاب) :
 ۱۰۱ ، ۱۰۴
 رضائیه : ۴۷ ، ۵۵
 روسیه : ۴۶
 روم : ۳۸ ، ۵۱ ، ۵۵
 رهنمون (سیدجعفر) : ۲
 ری : ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۴
 ریوند : ۴۰

ز

- زرتشت (زردشت) : ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۶
 ۵۳ ، ۵۴ ، ۱۱۱
 زنجان : ۱۱ ، ۱۲ ، ۴۷ ، ۵۶ ، ۱۱۱
 ۱۲۰
 زندان سلیمان : ۲۰ ، ۲۱ ، ۱۱۸
 ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۶
 زند و پازند : ۳۸
 زیوه : ۱۴۶

س

- ساروق : ۴۷
 سامره : ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۵
 سامی (علی) : ۱۵ ، ۱۶
 ساوه : ۱۵۱
 سیئوس : ۴۳
 سیلان : ۴۹
 ستوریق : ۹۹
 سرفراز (علی اکبر) : ۵ ، ۹۲

سعدی : ۱۶

- سفرنامه ابودلف (کتاب) : ۴۶ ، ۵۵
 سلطان آباد (اراک امروزی) : ۱۴۹ ،
 ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳
 سلطانیه : ۱۱۴ ، ۱۲۰ ، ۱۴۹ ، ۱۵۲
 سلیمان : ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹
 ۲۰ ، ۲۱ ، ۱۱۸
 سایمانیه : ۴۷
 سوریه : ۱۰۱ ، ۱۳۹
 سونگ : ۱۴۷
 سهرورد : ۵۶
 سقز : ۱۱

ش

- شاپور (شاهپور) : ۴۰ ، ۶۸ ، ۷۳
 شاپور اول : ۳۹
 شاهپور دوم : ۳۸
 شاه عباس : ۱۱۵
 شاهیندز : ۱۲
 شوش : ۱۰۵
 شهرزور : ۴۷
 شهرورد : ۴۷
 شیراز : ۱۶
 شیرمرد : ۱۱
 شیز : ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۶
 ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲
 ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۶۸ ، ۱۰۰

ص

- صاحب عباد : ۴۹
 صنیع الدوله : ۱۷

ط

- طاق تیسفون : ۵۷
 طاق کسری : ۵۷
 طالقان : ۱۷
 طرابوزان : ۵۲

ع

- عباس : ۹۹
 عراق : ۴۷ ، ۱۰۱ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴
 ۱۰۵ ، ۱۴۰
 عربستان : ۳۸
 عمر بن خطاب : ۱۰۰

غ

- غایه : ۱۱

ف

- فارس : ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۳۸ ، ۳۹
 ۴۰ ، ۷۱
 فارس نامه ناصری (کتاب) : ۱۹
 فخرالدوله دیلمی : ۴۹
 فرانسه : ۱۳۹
 فرصت شیرازی : ۱۹ ، ۳۸
 فریا استارک : ۱۷
 فریار (دکتر عبدالله) : ۱۰۱ ، ۱۰۴
 فلسطین : ۱۳۹
 فون دراستن (پروفیسور) : ۵۶

ق

- قزوین : ۱۲ ، ۱۶ ، ۳۸

قسطنطنیه : ۵۲

قصر شیرین : ۲۹

ک

- کاریان : ۴۰
 کازرون : ۷۳ ، ۸۱
 کاشان : ۱۴۸ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ،
 ۱۵۴
 کرخه : ۱۰۱
 کردستان : ۴۷ ، ۱۶۴
 کرمانشاه : ۲۹
 کریستن سن : ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۴ ، ۵۱
 ۵۲ ، ۵۷ ، ۶۸
 کمیۀ زردشت : ۳۷
 کلاردشت : ۱۷ ، ۱۸
 کلایس (دکتر) : ۱۳۷
 کمال الدین اسماعیل : ۱۶
 کوروش : ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۹
 کوشلن : ۱۰۳
 کیانی (محمدیوسف) : ۳ ، ۶۱ ، ۸۱ ، ۱۴۵
 کیخسرو : ۱۷ ، ۴۹ ، ۵۴ ، ۵۶
 کیکلوس : ۱۷

گ

- گتیک : ۱۳۹ ، ۱۴۰
 گروس : ۱۴۷
 گریشمن : ۱۹
 گرینویچ : ۱۲
 گشتاسب : ۳۸
 گلستان (کتاب) : ۱۶
 گنجه : ۸
 گنرک : ۸ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۵۰

۱۰۰، ۵۵، ۵۴، ۵۲، ۵۱

ل

لندن : ۴۶

لیلان : ۵۶، ۵۵

م

مأمون : ۱۰۰

مارکوارت : ۷، ۵۰، ۵۶

ماریا : ۱۱۱

ماوراءالنهر : ۱۰۰

مایرین بمنت اسمیت : ۱۴۰

متوکل : ۴۶

مجملة التوارخ والقصص (کتاب) : ۱۷

محمد (ص) : ۱۰۱

مرآت البلدان ناصری : ۱۷

مراغه : ۱۱، ۱۲، ۴۴، ۴۷، ۵۴

۱۱۴، ۱۱۱، ۵۶

مروج الذهب (کتاب) : ۵۵

مریم : ۴۸

مزدك : ۵۳

مزدیسنی : ۲۵، ۴۵

مستوفی (حمداله) : ۶۲، ۹۹

مسجد اقصی : ۱۹

مسجد حیدریه : ۳۹

مسجد دمشق : ۱۰۱

مسجد سلیمان : ۱۹، ۲۰

مسعودی : ۴۳، ۵۵

مسیح : ۳۷

مشهد ام‌النبی : ۱۵

مشهد مادر سلیمان : ۱۵، ۱۹

مشهد مرغاب : ۱۴

مصر : ۱۰۱، ۱۴۰

معبد آناهیتا : ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵

معجم البلدان (کتاب) : ۴۳، ۵۴

مقبرة الجایتو : ۱۱۰

ملکه بلقیس : ۱۷

ملکه سبا : ۱۷، ۲۰

ملك سلیمان : ۲۰

منوچهر بن ایرج : ۳۸

موزه ایران باستان : ۱۴۹

موزه تاریخ طبیعی امریکا : ۱۱۶

موزه متروپولیتن : ۱۰۳

موصل : ۱۰۱

میاندوآب : ۱۲

میانه : ۱۲

میترا : ۷۰

مینورسکی : ۷، ۴۶، ۴۷، ۵۵

ن

نؤمن (رودلف) : ۲۷، ۵۶، ۵۸

۱۱۲، ۱۶۶، ۱۶۷

نخجوان : ۴۳

نزهة القلوب (کتاب) : ۶۲، ۹۹

نصرت آباد : ۱۲

نظامی : ۵۵

نقیسی (سعید) : ۱۱، ۴۲، ۴۳

۹۹، ۴۴

نگهبان (دکتر) : ۱۳۹

نولدکه : ۵۶

نیشابور : ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴

نیویورک : ۱۰۳

هرمز : ۴۸، ۵۶، ۵۷

هفت تپه : ۱۳۹

هلاکوخان : ۸۷، ۱۱۱

همپا : ۱۴، ۱۳۵

همدان : ۱۲، ۴۷، ۵۵، ۵۸

هند : ۳۸

هندوستان : ۱۴۰

س

یاسمی (رشید) : ۳۹، ۴۴، ۵۱، ۵۲

۴۸، ۵۷

یاقوت حموی : ۴۳، ۴۶، ۵۳، ۵۴

یزد : ۳۸

یزدگرد اول : ۵۳

یزدگرد دوم : ۴۰

یمن : ۱۹

یورپ : ۳۸

یوستی : ۵۶

و

واشنگتن : ۱۴۰

واندنبرگ (پروفسور) : ۵۶

وزارت فرهنگ و هنر : ۱۳۹

ولران : ۵۶

وشنسب : ۴۳

ه

هاترا : ۲۷

هارون الرشید : ۱۰۰

هتیت : ۷۴

هراکلیوس : ۲۶، ۴۵، ۵۰، ۵۱

۵۲، ۵۷، ۶۲، ۶۸، ۷۷، ۱۱۰

۱۲۰

هرتسفلد : ۴۴، ۱۰۳، ۱۰۵

هرقل : ۴۴

| صفحه | |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۶۶ | ۲۷- پایه ستونهای سنگی آتشدان محوطه B شرق آتشکده |
| ۶۹ | ۲۸- نمونه‌هایی از سکه‌های مکشوفه در تخت سلیمان متعلق بزمان ساسانی |
| ۷۲ | ۲۹- مدخل جنوبی آتشکده لشکریان |
| ۷۲ | ۳۰- آتشدان W معروف به آتشدان لشکریان |
| ۷۴ | ۳۱- دو نمونه از تابلت‌های گلی با اثرات مهره‌های مختلف روی آنها مکشوفه در تخت سلیمان از زمان ساسانی |
| ۷۸ | ۳۲- سرستون زیبای سبک بیزانسی مکشوفه در تخت سلیمان که در حفاری سال ۱۹۶۴ بدست آمده است |
| ۷۹ | ۳۳- نمای مخروبه ایوان خسرو واقع در غرب دریاچه تخت سلیمان، از ایرایوان در حال حاضر فقط پایه سمت راست باقی مانده است |
| ۸۰ | ۳۴- یکی از پایه ستونهای کاخ خسرو که در زیر کف قصر اختصاصی آباقاآن قرار گرفته است |
| ۸۴ | ۳۵- نمای داخلی اطاق مکشوفه PD |
| ۸۴ | ۳۶- ستونهای آجری دوره ساسانی |
| ۸۶ | ۳۷- ترانسه‌های مربوط به اطاق Pg |
| ۸۶ | ۳۸- نمای داخلی اطاق PM مکشوفه در غرب آتشکده آذرگشنسب |
| ۸۷ | ۳۹- نمای داخلی اطاق PM یا اطاق نذر و قربانی |
| ۹۳ | ۴۰- مدخل جنوبی معبد آناهیتا |
| ۹۳ | ۴۱- دالان شرقی معبد آناهیتا |
| ۹۴ | ۴۲- وضع ستونهای گوشه دار معبد آناهیتا که تماماً از سنگهای حجاری شده درست شده است |
| ۹۵ | ۴۳ و ۴۴- جبهه شمالی کریدور معبد آناهیتا |
| ۹۶ | ۴۵- قسمت‌های مختلف آثار مکشوفه در جبهه غربی تخت سلیمان که در حفاریات ۱۹۶۶ ظاهر شده است |
| ۹۶ | ۴۶- قسمتی از ساختمانهای دوره ساسانی که در قسمت غربی تخت سلیمان در سالهای اخیر بدست آمده است |
| ۱۰۴ | ۴۷- نمونه‌هایی از سفالهای دوره عباسی مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۰۶ | ۴۸ و ۴۹- نمونه‌هایی از ظروف با نقش کنده در تخت سلیمان |
| ۱۱۳ | ۵۰- کاخ اختصاصی آباقاخان در تخت سلیمان |
| ۱۱۵ | ۵۱- جوی سنگی معروف به ازدها واقع در جنوب تخت سلیمان |
| ۱۱۶ | ۵۲- کاشی منقوش به نقش ازدها مکشوفه در تخت سلیمان مربوط بدوره مغول |
| ۱۱۸ | ۵۳ و ۵۴- پله‌های مغولی واقع در ایوان شمالی تخت سلیمان |
| ۱۱۹ | ۵۵- نمای جبهه جنوبی قصر آباقاخان در تخت سلیمان |
| ۱۲۱ | ۵۶- منظره اطاق وسطی قصر اختصاصی آباقاخان که از آثار سنگفرش بدل مرمری آن نمایان است |
| ۱۳۰ | ۵۷- نمای دروازه مخروبه جبهه جنوبی حصار تخت سلیمان مربوط بزمان مغول |
| ۱۳۴ | ۵۸- سرستون سنگی با نقش برجسته ازدها از زمان مغول |

فهرست تصاویر

| صفحه | |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| - | ۱- منظره عمومی تخت سلیمان |
| ۴ | ۲- منظره طبیعی تخت سلیمان و زندان |
| ۸ | ۳- جدار داخلی حصار تخت و نمای چادرهائیکه اعضاء هیئت در آنها بسر میبرند |
| ۹ | ۴- منظره قسمتی از عملیات حفاری در جبهه شمالی تخت سلیمان |
| ۱۰ | ۵- منظره قسمتی از عملیات حفاری در جبهه غربی تخت سلیمان |
| ۱۵ | ۶- قریه نصرت آباد (تازه کند) نزدیکترین آبادی به تخت سلیمان (در فاصله ۱/۵ کیلومتری) |
| ۲۳ | ۷- دریاچه تخت سلیمان چون رویه آئینه‌ای صاف و بناهای مخروبه اطراف دریاچه در آن منعکس میشود |
| ۲۴ | ۸- منظره دریاچه تخت سلیمان و ایوان مخروبه معروف به ایوان خسرو |
| ۳۰ | ۹- یکی از سنگهای حجاری شده روی دیوارها و برجهای زینتی |
| ۳۰ | ۱۰- یکی از سنگهای حجاری شده روی دروازه‌ها بمنظور دفاع و تیراندازی (کمان) |
| ۳۱ | ۱۱- دروازه امروزی به صفت تخت سلیمان |
| ۳۲ | ۱۲- نمای خارجی دروازه جنوب شرقی و سنگهای حجاری شده سردر ورودی |
| ۳۲ | ۱۳- نمای داخلی دروازه شرقی |
| ۳۳ | ۱۴- تزئینات حجاری سطح خارجی حصار قلعه تخت سلیمان |
| ۳۴ | ۱۵- منظره طبیعی قلعه تخت سلیمان (عکس هوایی) |
| ۳۴ | ۱۶- منظره حصار قلعه تخت سلیمان |
| ۳۵ | ۱۷- نمای برجهای تزئینی حصار تخت سلیمان |
| ۴۰ | ۱۸- نمای مدخل شرقی آتشکده آذرگشنسب |
| ۴۱ | ۱۹- نمای عمومی آتشکده آذرگشنسب (مدخل شرقی) |
| ۴۱ | ۲۰- آتشدان B واقع در محوطه شرق آتشگاه |
| ۵۰ | ۲۱- نمای قسمتی از آتشکده و ساختمانهای مرکزی تخت سلیمان |
| ۶۳ | ۲۲- نمای داخلی آتشکده آذرگشنسب |
| ۶۳ | ۲۳- محوطه آتشکده آذرگشنسب پس از خاکبرداری |
| ۶۴ | ۲۴- نمونه‌هایی از گچبری زمان ساسانی در تخت سلیمان |
| ۶۴ | ۲۵- مجسمه گاوگچی که در جبهه غربی تخت سلیمان در یکی از بناهای ساسانی کشف شده است که احتمالاً در مراسم مذهبی دخیل بوده است |
| ۶۵ | ۲۶- پایه‌های سنگی آتشدان مکشوفه در محوطه (B) شرق آتشگاه |

| صفحه | |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۳۴ | ۵۹- یکی از ستونهای سنگی از نوع سنگهای قرمز با سرستون از زمان مغول |
| ۱۳۵ | ۶۰- طرح سرستونهای مکشوفه در تخت سلیمان از سنگ قرمز رنگ با نقش ازدهاکه مربوط بزمان مغول است |
| ۱۳۶ | ۶۱- محراب سنگی از زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۳۷ | ۶۲- جبهه شمال شرقی اطاق ۸ ضلعی دوره مغول در تخت سلیمان |
| ۱۳۷ | ۶۳- نمای قسمتی از اطاقهای ۸ ضلعی دوره مغول مکشوفه در جبهه غربی تخت سلیمان |
| ۱۴۱ | ۶۴ و ۶۵- نمونه‌ای از گچبریهای زمان مغول در تخت سلیمان |
| ۱۴۲ | ۶۶- نقش مرغ بر روی گچبریهای زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۴۳ | ۶۷ و ۶۸- نمونه‌هایی از گچبریهای زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۴۴ | ۶۹- نمونه‌ای از کاشیهای صلیبی و کوبی شکل زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۴۶ | ۷۰- نمونه‌ای یکی از ظروف سفالین لعابدار مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۴۸ | ۷۱- کاشی کوبی ۸ ضلعی با نقش حیوان و گلبرگ مکشوفه در تخت سلیمان، مربوط بزمان مغول |
| ۱۵۱ | ۷۲ و ۷۳ و ۷۴- نمونه‌هایی از ظروف زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۵۴ | ۷۵- کاشی به نقش ازدها مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۵۵ | ۷۶ و ۷۷- نمونه‌هایی از کاشیهای منقوش زمان مغول مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۵۶ | ۷۸ و ۷۹- نمونه‌هایی از ظروف لعابدار مکشوفه در تخت سلیمان |
| ۱۵۷ | ۸۰- طرز قرار گرفتن کاشیهای مربع شکل گوشه بریده |
| ۱۶۰ | ۸۱- مناظر مختلف کوه زندان سلیمان |
| ۱۶۲ | ۸۲- بناهای ماقبل تاریخ در بدنه کوه زندان |
| ۱۶۵ | ۸۳- طرح ظروف مکشوفه در زندان مربوط بماقبل تاریخ (۷۰۰-۸۰۰ ق م) |
| ۱۶۷ | ۸۴- آقای پروفیسور رودلف نوومن رئیس هیئت حفاری علمی مشترک ایران و آلمان |

فهرست نقشه‌ها

| صفحه | نقشه شماره |
|------|------------|
| ۱۱ | ۱ |
| ۱۳ | ۲ |
| ۲۸ | ۳ |
| ۶۷ | ۴ |
| ۹۱ | ۵ |
| ۱۲۳ | ۶ |
| ۱۲۵ | ۷ |
| ۱۲۹ | ۸ |
| ۱۳۸ | ۹ |

انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران

- ۱- تذکره حدیقه امان‌اللهی، تألیف میرزا عبداللّه سنندجی متخلص به «رونق» در سال ۱۲۶۵ هجری قمری، حاوی شرح حال ۴۳ تن از شعرای کردستان در قرن سیزدهم، بتصحیح و تحشیه آقای دکتر خیامپور، در ۲۴+۵۴۲ صفحه، آذرماه ۱۳۴۴
- ۲- تذکره روضه السلاطین، تألیف سلطان محمد هروی متخلص به «فخری» در قرن دهم هجری، حاوی احوال و اشعار ۸۰ تن از سلاطین و امرا و شش تن از دیگر شعرا، بتصحیح و تحشیه آقای دکتر خیامپور، در ۲۰+۱۸۰ صفحه، شهریور ماه ۱۳۴۵
- ۳- منظومه کردی مهر و وفا، بامتن کردی و ترجمه فارسی، مقدمه وضبط و ترجمه و توضیح از آقای قادر فتاحی قاضی، در ۸+۱۷۶ صفحه، مهرماه ۱۳۴۵
- ۴- فرهنگ لغات ادبی (شامل لغات و تعبیراتی که از متون فارسی استخراج شده است)، تألیف آقای محمد امین ادیب طوسی، بخش اول، در ۸۶+۴۳۶ صفحه، بهمن ماه ۱۳۴۵
- ۵- منظومه کردی شیخ صنعان، با متن کردی و ترجمه فارسی، مقدمه وضبط و ترجمه و توضیح از آقای قادر فتاحی قاضی، در ۸+۱۳۴ صفحه، مردادماه ۱۳۴۶
- ۶- فرهنگ لغات ادبی (شامل لغات و تعبیراتی که از متون فارسی استخراج شده است)، تألیف آقای محمد امین ادیب طوسی، بخش دوم، در ۴+۳۴۸ (۳۴۸=۴۳۶-۷۸۴) صفحه، اسفندماه ۱۳۴۶
- ۷- سفینه محمود، تألیف محمود میرزا قاجار در سال ۱۲۴۰ هجری قمری، جلد اول حاوی احوال و اشعار ۱۶۲ تن از شعرای این تذکره که در قرن دوازدهم و سیزدهم میزیسته‌اند، بتصحیح و تحشیه آقای دکتر خیامپور در ۲۰+۳۸۴ صفحه، اسفندماه ۱۳۴۶
- ۸- سفینه محمود، تألیف محمود میرزا قاجار در سال ۱۲۴۰ هجری قمری، جلد دوم حاوی احوال و اشعار ۱۸۴ تن از شعرای این تذکره که در قرن دوازدهم و سیزدهم میزیسته‌اند، بتصحیح و تحشیه آقای دکتر خیامپور در ۴+۳۹۲ (۳۹۲=۳۸۴-۷۷۶) صفحه، اسفندماه ۱۳۴۶
- ۹- تخت سلیمان، تألیف علی اکبر سرفراز، در ۱۲+۱۸۲ صفحه، شهریور ماه ۱۳۴۷

مآخذ

- ۱- آثار عجم، تألیف فرصت شیرازی، بمبئی ۱۳۵۴ هجری
- ۲- ایران باستان، تألیف حسن پیرنیا، تهران ۱۳۱۱-۱۳۱۷
- ۳- ایران در زمان ساسانیان، تألیف کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، تهران ۱۳۳۲
- ۴- تاریخ تمدن ایران ساسانی، تألیف سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۱
- ۵- تاریخ قم، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی بن عبدالملک قمی، تصحیح سید جلال تهرانی، تهران ۱۳۱۳
- ۶- تمدن ساسانی، تألیف علی سامی، شیراز ۱۹۶۵
- ۷- راهنمای آثار تاریخی آذربایجان، گردآورنده اسماعیل دیباج، تبریز ۱۳۴۳
- ۸- راهنمای صنایع اسلامی، تألیف دکتر س. م. دیماند، ترجمه دکتر عبداللّه فریار تهران ۱۳۳۶
- ۹- سفرنامه ابودلف در ایران با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران ۱۳۴۲
- ۱۰- سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه و نگارش فرهوشی، تهران ۱۳۳۲
- ۱۱- فارس نامه ناصری، تألیف میرزا حسن حسینی، تهران ۱۳۱۳
- ۱۲- گزارشهای باستان شناسی، جلد چهارم، تألیف علی سامی، شیراز ۱۳۳۸
- ۱۳- مجله باستان شناسی، شماره سوم و چهارم (پائیز و زمستان) مقاله تخت سلیمان بقلم ایمانی
- ۱۴- مجله شکار و طبیعت (تابستان) ۱۳۴۲
- ۱۵- معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، باهتمام و ستفلد، ۱۹۶۵
- ۱۶- نزهة القلوب، تألیف حمدالله مستوفی، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۱۷- the Valleys of the assassines, Freya stark, London, 1946.

